

SHAH EDE YARAN

# شہید یاران

۱۵۶

ماہنامہ فرهنگی تاریخی  
دوره جدید | مهر ماه ۱۳۹۷ | بها ۸۰۰۰ تومان



یادمان شهید احمد قصیر

## حماسه آفرینان ماندگار

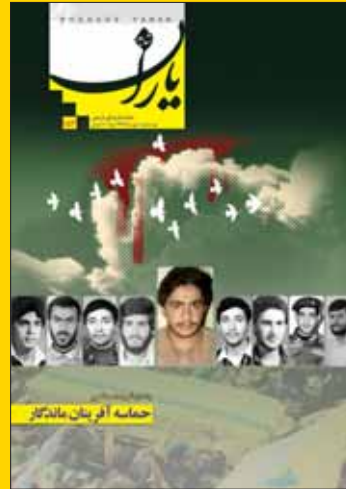






ماهنامه شاهد یاران  
صاحب امتیاز:  
بنیاد شهید و امور ایثارگران  
مدیر مسئول و سردبیر: محبوب شهبازی  
جانشین سردبیر: رضا حاجی آبادی  
مدیر اجرایی: سیده فاطمه رضایی  
دبیر تحریریه: حسن خامه یار  
امور فنی: علیرضا قاسمی

ناظر فنی چاپ: یوسف قدیانی  
چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر



نشانی:

تهران، خیابان آیت الله طالقانی،  
خیابان ملک الشعراء بهار (شمالی)  
شماره ۳، انتشارات شاهد

امور مشترکین: محمدرضا اصغری

صندوق پستی: ۴۳۴۸ - ۱۵۸۷۵

تلفن: ۸۸۸۲۳۵۸۴ - ۸۸۸۲۵۱۰۸ - ۸۸۸۲۸۴۳۵ دورنگار

Email: yaran@NavideShahed.com

www.NavideShahed.com

www.issar.ir



- شاهد یاران از پژوهشهای محققان در باره موضوعات نشریه استقبال می کند.
- شاهد یاران در تلخیص و اصلاح آثار ارسالی آزاد است.
- آثار ارسالی مسترد نمی شود.
- نقل مطالب شاهد یاران با ذکر مأخذ بلامانع است.
- نظرات مصاحبه شوندگان الزاما موضع مجله نیست

بیانات امام خمینی (ره) در دیدار با شخصیت های لبنانی برای آزادی قدس باید از مسلسل های متکی بر ایمان استفاده کرد	۴
پیام تبریک مقام معظم رهبری به دبیر کل حزب الله لبنان به مناسبت پیروزی در جنگ ۳۳ روزه لبنان به برکت و همت و شجاعت مردم خود درخشید	۶
سخنان دبیر کل حزب الله در سالگرد شهید احمد قصیر شهید احمد قصیر فاتح و آغازگر دوره شهادت طلبی است	۸
گفت و گوی شاهد یاران با حاج جعفر قصیر پدر شهیدان احمد، موسی و ربیع قصیر احمد قصیر... روز شهید مقاومت لبنان با نام تو رقم خورده است	۱۲
نگاهی به پشتوانه های فکری و اعتقادی شهدای دیر قانون النهر در گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین شیخ حسین حریری برادر شهید رضا حریری احمد قصیر نتیجه تفکرات و رهنمودهای امام خمینی بود	۱۵
چشم اندازی به هویت و ابعاد دینی شهادت طلب دیگر دیر قانون النهر در گفت و گوی شاهد یاران با عماد قصیر برادر شهید حسن قصیر وقتی دو شهادت طلب پسر خاله باشند	۲۰
باز شماری دست آوردهای جهانی عملیات شهید احمد قصیر در گفت و گو با سید محمد صادق حسینی دبیر گفتمان ایران و عرب احمد قصیر همه معادلات استکبار جهانی را در منطقه واژگون کرد	۲۳
نگاهی به سبقت گیری شهدای دیر قانون النهر در گفت و گو با عبد الله قصیر نماینده سابق حزب الله در پارلمان لبنان اجرای عملیات شهادت طلبانه نهایت آرزوی احمد قصیر بود	۳۰
شمارش و بزرگی های شهید احمد قصیر در گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین شیخ احمد قصیر امام جمعه و جماعت مسجد جامع دیر قانون النهر همیشه نگران میزان بالای شجاعت و تهور احمد قصیر بودم	۳۶
ارزیابی دست آوردهای عملیات شهید احمد قصیر در گفت و گو با ناصر قندیل مدیر مسئول رونامه البناء احمد قصیر امید به پیروزی را در اذهان مردم لبنان زنده کرد	۴۱
نگرشی بر دست آوردهای عملیات شهید احمد قصیر در گفت و گو با شیخ حسین غبریس عضو تجمع علمای مسلمین لبنان با شهادت احمد قصیر دوران جدیدی از عزت و سربلندی لبنان شکوفا شد	۴۷
بررسی موقعیت شهرک شهید پرور دیر قانون النهر در گفت و گو با عدنان قصیر شهردار این شهرک دیر قانون النهر شهرک علما و شهداست	۵۳
بازخوانی تحولات لبنان از نیم قرن گذشته تاکنون در گفت و گو با فوزی ابو زید مسئول سابق روابط خارجی حزب الله لبنان... دیروز و امروز	۵۷
نگاهی به حیات پربار شهدای دیر قانون النهر در گفت و گو با زین قصیر مسئول شاخه حزب الله در این شهرک دیر قانون النهر همچنان شهید پرور ماندگار خواهد بود	۶۴
روایت شاهدان عملیات شکوهمند احمد قصیر عملیات احمد قصیر، اسرائیلی ها را در تراژدی بزرگ قرار داد	۶۶
عملیات شهید احمد قصیر از نگاه صهیونیست ها انهدام مقر فرماندار نظامی اسرائیل در صور ما را شوکه کرد	۶۹
حزب الله معادله قدرت با رژیم صهیونیستی را دگرگون کرد نصر الله و راهبرد خردمندانه بازدارندگی دشمن	۷۳
حزب الله از عملیات کمین تا جنگ آینده در الجلیل نصر الله: جنگ آینده را به فلسطین منتقل می کنیم	۷۸
نگاهی به نقش لابی صهیونیست در واشنگتن آمریکا در نابودی حزب الله ناکام و سردرگم مانده است	۸۱
چشم اندازی به قدرت نمایی مقاومت اسرائیل در خاور میانه عماد مغنیه و احمد قصیر دشمنان را این گونه ذلیل کردند	۸۵
سازندگان اسطوره «وعده صادق» نصر الله: اسرائیل سست تر از لانه عنکبوت است	۸۹
به قلم حسن خامه یار شهید احمد قصیر از ولادت تا شهادت	۹۵

# حماسه آفرینان ماندگار

را سرآغاز مرحله فروپاشی کیان غاصب دانست. نصر الله اظهارات خویش را با استناد به گفته‌های بن گوریون بیان کرد و افزود: «جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ نخستین شکست در تاریخ اسرائیل است و این سرنوشت را اولین نخست‌وزیر اسرائیل پیشگویی کرده بود». صرف‌نظر از اظهارات دبیر کل حزب الله و شواهد تاریخی و روایات دینی، عوامل دیگر فروپاشی کیان جعلی از هم اکنون نمایان شده که توانمندی نظامی و تجربیات رزمی مقاومت اسلامی یکی از آن عوامل است که در جنگ آینده نقش تعیین کننده دارد.

افزون بر عامل نظامی، افزایش روز افزون جمعیت صاحبان اصلی سرزمین و کاهش چشمگیر مهاجرت یهودیان به سرزمین «موعود»، نگرانی سردمداران صهیونیست را به شدت برانگیخته است. یوسی بیلین جامعه شناس اسرائیلی چندی پیش با انتشار کتاب «مرگ عمو سام» و ارائه آمارهای وحشتناک از خودداری یهودیان به مهاجرت به فلسطین اشغالی ابراز نگرانی کرده است. بیلین در کتاب خود تأکید کرده: «روند مهاجرت یهودیان جهان به اسرائیل بکلی متوقف شده است. با گذشت حدود ۷۰ سال از تأسیس اسرائیل، حدود ۱۰ میلیون یهودی در آمریکا و ۳ میلیون یهودی در سایر کشورهای جهان زندگی می‌کنند و هیچ کدامشان تمایلی به مهاجرت به اسرائیل ندارد». بنابر این می‌توان گفت که نگرانی فروپاشی کیان غاصب از ابتدای تأسیس آن وجود داشته و دیر یا زود پیشگویی‌ها بر اساس شواهد تاریخی و روایات دینی تحقق خواهد یافت.

دبیر تحریریه

اسلامی راهکارشان را بر مبنای رهنمودهای الهی و فقهی شخصیت فرزانه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و راهنمایی‌ها و مشورت‌های ارزنده سرداران بزرگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزیدند. آن شیردلان در آن مرحله سرنوشت ساز که در ماندگی و سرافکنندگی بر اثر تهاجم سنگین دشمن به لبنان، جهان عرب را فراگرفته بود، بلائی بر سر دشمن زبون، به خصوص در جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ آوردند که او را زمین گیر کرده و از آن به بعد هرگز اندیشه تجاوزگری مجدد به سرزمین همیشه مقاوم لبنان را در سر نپروراندند.

سیوریر بلوکر تحلیلگر صهیونیست در جریان جنگ ژوئیه با انتشار مقاله‌ای در روزنامه یدیعوت احرنونوت به عنوان «اسرائیل باید پیروز جنگ باشد» هشدار داده بود که «اگر ارتش اسرائیل در جنگ جاری متحمل شکست شود و رهبران حزب الله جان سالم به در برند، این به معنی سرآغاز پایان موجودیت اسرائیل خواهد بود». شاید برخی از افراد این سخن را به منظور تشویق نظامیان اسرائیل به جنگیدن با رزمندگان حزب الله عنوان کنند. به آنان باید گفت که دیوید بن گوریون اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی هم ۷۰ سال پیش پیشگویی کرده بود که سرآغاز فروپاشی و پایان کیان اسرائیل، در شکست در اولین جنگ با اعراب رقم خواهد خورد. سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله طی سخنانی در سال ۲۰۰۸ به مناسبت شهادت حاج عماد مغنیه فرمانده نظامی مقاومت اسلامی به وسیله گروه تروریستی موساد در دمشق، پیروزی حزب الله در جنگ سال ۲۰۰۶

در این شماره شاهد یاران، ویژه نامه زنده یاد احمد قصیر و سایر شهیدان معزز شهرک دیر قانون النهر که با حماسه‌های ماندگارشان، قدرت نظامی ارتش رژیم صهیونیستی را در نوردیدند و به آهن پاره تبدیل کردند، و عصر جدیدی در تاریخ همیشه سرافراز لبنان به وجود آوردند، گفت و گوهای متعددی با مسئولان حزب الله، شخصیت‌های صاحب‌نظر و تحلیلگران مسایل سیاسی به عمل آمده است. همچنین مقالات گوناگون اساتید دانشگاه‌های معتبر دنیا درباره سرآغاز شکل‌گیری و توانمندی مقاومت اسلامی و طرد ذلت بار اشغالگران صهیونیست و نیز قوای همیار آنان، یعنی نیروهای آمریکایی و غربی از خاک لبنان منتشر شده است.

شخصیت‌های فکری و روحانی که شاهد یاران با آنان گفت و شنود به عمل آورده است، اذعان کردند که جوانان مؤمن، رشید، شجاع و فداکار مقاومت



# آفریننده حماسه جاودان

پیروزی اسرائیل توسط گروه موسیقی ارتشی شده بودند که شارون را در تجاوز به لبنان همراهی کرد. چون آمریکا و اسرائیل در این جنگ نقشه کشیده بودند، در مرحله دوم پس از اشغال فلسطین، سرتاسر خاورمیانه را زیر سلطه خود قرار دهند.

اقدام اسرائیل در حمله به لبنان کاری آسان و ساده نبود. با وجودی که برخی از سازمان‌های فلسطینی، سلاح مقاومت را در جنوب به خاک سپردند و پرچم فلسطین را پایین کشیدند و مسیر دریانوردی به سوی تونس را در پیش گرفتند، جوانان غیور جبل عامل برخاستند و ابزار آلات موسیقی طرب انگیز شارون را در هم پیچیدند و به مارش عزا تبدیل کردند. در بامداد یازدهم نوامبر سال ۱۹۸۲ شهر صور بود که دشمن اشغالگر به این باور رسید که می‌تواند آتشی بیفزورد، ولی توان کنترل شعله‌ها یا خاموش کردن آن را ندارد. چون تا آن روز هرگز با چنین روش مقاومت شجاعانه‌ای رو به رو نشده بود و تا آن روز در هیچ سرزمینی معمول نبوده است. عملیات شهید احمد قصیر، اوراق بازی صهیونیست‌ها و حامیان جهانی آنان را در یک چشم به زدن سوزاند و به آنان فهماند که باتلاق لبنان جای امنی برای اجرای سیاست‌های استکباری نیست.

سردبیر

بی‌تردید مقاومت‌هایی که در جنوب لبنان، بیروت و منطقه سلطان یعقوب در بقاع غربی شکل گرفت، به نیروهای نخبه و کماندویی ارتش اسرائیل درس فراموش ناشدنی داد.

مصدق بارز این سخن، بیانات سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله پس از آغاز تهاجم گسترده ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان در روز دوازدهم ژوئیه سال ۲۰۰۶ است. ایشان خطاب به صهیونیست‌های متجاوز گفت: «شما نمی‌دانید امروز با چه کسی می‌جنگید! شما با فرزندان محمد (ص) و اهل بیت (ع) رسول خدا وارد جنگ شده‌اید! شما با قومی می‌جنگید که ایمانی برتر از همه انسان‌های روی زمین دارد! شما با قومی می‌جنگید که به تاریخ، فرهنگ، هویت، عزت و اراده خود افتخار می‌کند». با توصیفی که دبیر کل حزب الله ارائه داد، بیانگر این مطلب است که احمد قصیر یکی از همین فرزندان جبل عامل بود که به هویت اسلامی و ملی خود افتخار می‌کرد و به هیچ وجه سلطه فئاتان پیامبران و ظلم فرزندان سامری را نمی‌پذیرفت. از سوی دیگر با آغاز یورش ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان، کار ترسیم دورنمای مرحله آینده سرنوشت دولت‌های دست‌نشانده عرب بر مبنای عصر جدیدی که آریل شارون وزیر وقت جنگ آن رژیم در صدد بود آن را از جنوب لبنان شروع کند، آغاز گردید. همه دولت‌های عرب، مرعوب نواختن مارش نظامی

با مطالعه دقیق مطالب شماره حاضر شاهد یاران، می‌توان پی برد که زنده یاد شهید احمد قصیر با حماسه‌ای که بامداد روز ۱۹۸۲/۱۱/۱۱ آفرید و با انهدام ساختمان مقر فرماندار نظامی ارتش رژیم صهیونیستی در شهر صور در جنوب لبنان، توطئه بزرگ استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی را برای پایان دادن به هویت امت اسلامی نقش بر آب کرد. این اقدام ارزنده در تاریخ مبارزات ضد استعماری ملت‌های جهان بی‌نظیر و استثنای بوده است. به یاد ندارم که ملت‌های الجزایر و ویتنام که سال‌های طولانی برای دستیابی به آزادی و استقلال، با استعمارگران فرانسه و آمریکا مبارزه کردند و صدها هزار شهید دادند، الگوی عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر و سایر شهدای جان برکف مقاومت اسلامی لبنان به ذهن‌شان خطور کرده باشد. مغزهای متفکری همچون شهیدان عماد مغنیه و رضا حریری که عملیات راهبردی «خیبر» را طراحی و برنامه‌ریزی کردند، ارتش شکست پذیر اسرائیل را در کابوسی مرگبار فرو بردند. در آن برهه رون بن یشای روزنامه نگار سرشناس امور نظامی روزنامه یدیعوت احرونوت، عملیات صور را فاجعه بزرگ برای اسرائیل خواند و نوشت: «ارتش اسرائیل در روز ششم ژوئن سال ۱۹۸۲ به سادگی وارد لبنان شد. اما مقام‌های سیاسی و نظامی اسرائیل، نتوانسته بودند نتیجه و عاقبت این حمله را تشخیص دهند».





بیانات امام خمینی (ره) در دیدار با شخصیت‌های لبنانی

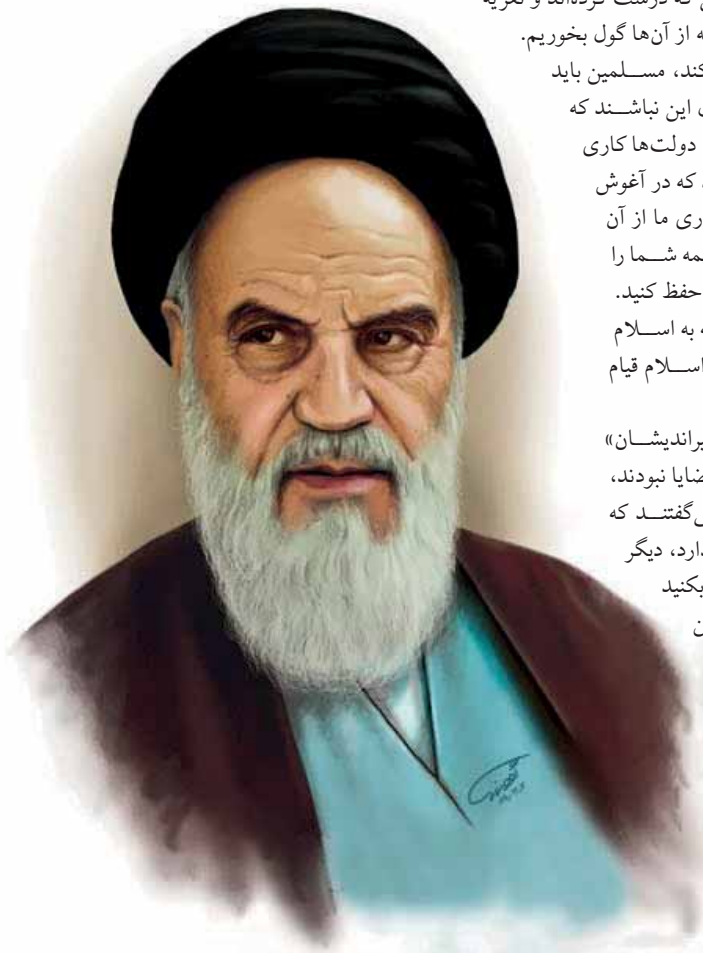
## برای آزادی قدس باید از مسلسل‌های متکی بر ایمان استفاده کرد

درآمد

چند روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هیئت بلند پایه لبنانی متشکل از شخصیت‌های سیاسی و روحانی به منظور تقدیم تبریک این رویداد تاریخی وارد شهرستان قم شد و با حضرت امام خمینی (ره) رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ملاقات کرد. این هیئت از آقایان نبیه بری رئیس جنبش امل، مرحوم شیخ محمد مهدی شمس الدین رئیس مجلس اعلای شیعه، شیخ احمد الزین از علمای اهل سنت و رئیس تجمع علمای مسلمین و ده‌ها شخصیت فکری و مبارز تشکیل شده بود. امام خمینی از این هیئت به گرمی استقبال کردند و با ایراد بیانات مهمی فرمودند: «قضایای لبنان و فلسطین از آغاز مبارزه، جزء مقاصد اصلی ما بوده و از مسائل ایران جدا نبوده است. به طور کلی یک مسلمان نباید تنها نظرش طایفه‌ای از مسلمانان باشد. لبنان را ما جزئی از ایران می‌دانیم. برای اینکه ما و آن‌ها اصلاً جدا نیستیم، ما آن‌ها هستیم و آن‌ها ما هستند». خلاصه بیانات امام چنین است

مقابله کنیم؛ با این آدمخوارها و با این خونخوارها مقابله کنیم. ما به آن اندازه‌ای که قدرت داریم مقابله می‌کنیم؛ اگر پیروز شدیم که خوب، الحمد لله، و اگر پیروز هم نشدیم، الحمد لله که به تکلیف عمل کردیم. مسلمین باید خودشان را مکلف بدانند؛ گمان نکنند که اگر پیروز نشدند، نیستید پیروز. اگر معنویات ما محفوظ بشود، گرایشمان به قرآن محفوظ باشد، چه شهادت برای ما حاصل بشود، که نیل بزرگی است؛ و چه پیروز بشویم. ما الحمد لله در همه جاها پیروز هستیم؛ واحِدَى الْحُسَيْنِيْنَ برای ماست ان شاء الله. ما امیدواریم که یک روزی با جنابعلی، با آقای آسید موسی صدر سلمه الله تعالی در قدس با هم نماز بخوانیم ان شاء الله.

ما از تمام نهضت‌های آزادی بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم. ملت‌های برادر عرب و برادران لبنانی و فلسطینی بدانند که هرچه بدبختی دارند از اسرائیل و آمریکا است، هر چه گرفتاری دارند از اختلاف بین سران کشورهای اسلامی است. باید متحد شوند و با نیروی ایمان، اسرائیل ریشه فساد منطقه را از بُن برکنند. امیدوارم با اراده مصمم خود به مبارزه علیه اسرائیل، دشمن اسلام و مسلمین، ادامه داده همگام با نهضت اصیل و اسلامی برادران مسلمان خود در ایران، لبنان و فلسطین، همه غاصبین و استعمارگران را از کشور خود رانده و به خرابکاری و قتل و غارت آنان خاتمه دهند. ■



کی قریب یک میلیارد مسلمان در جهان و قریب صد میلیون عرب با کشورهای وسیع و ذخایر بی‌پایان، شاهد چپاولگری‌های شرق و غرب و ستمگری‌ها و قتل عام‌های غیرانسانی آنان و تفاله‌های آنان باشند؟ تا کی تحمل جنایات وحشتناک بر برادران افغانستان و لبنان را نموده و به ندای آنان جواب نمی‌دهند؟ تا کی به جای مقابله با دشمنان اسلام و برای نجات قدس از اسلحه گرم و قدرت نظامی و الهی غفلت نموده و با کارهای سیاسی و برخورد‌های سازشکارانه با ابرقدرت‌ها وقت گذرانده و به اسرائیل مهلت جنایت‌های بی‌امان داده و شاهد قتل عام‌ها باید بود؟ آیا سران قوم نمی‌دانند و ندیده‌اند که مذاکرات سیاسی با سیاستمداران قدرتمند و جنایتکاران تاریخ، قدس و فلسطین و لبنان را نجات نخواهد داد و هر روز بر جنایات و ستمگری‌ها افزوده خواهد شد؟

باید برای آزادی قدس از مسلسل‌های متکی بر ایمان و قدرت اسلام استفاده کرد و بازی‌های سیاسی را که از آن بوی سازشکاری و راضی نگه‌داشتن ابرقدرت‌ها به مشام می‌رسد کنار گذاشت. باید ملت‌های مسلمان خصوصاً ملت فلسطین و لبنان، کسانی را که با مانورهای سیاسی وقت گذرانی می‌کنند، تنبه نموده و زیر بار بازی‌های سیاسی که نتیجه‌ای جز زیان و ضرر برای ملت مظلوم ندارد نروند. ما باید جدیت کنیم که اسرائیل را برانیم از این زمین‌های اعراب، نه این‌که بگویم پایتخت را در بیست المقدس قرار نده. خیر و نباید گول بخوریم از آمریکا و از این مجالسی که درست کرده‌اند و تعزیه گردانی می‌کنند برای این‌که از آن‌ها گول بخوریم.

هر کس باید خودش قیام کند، مسلمین باید خودشان قیام کنند. دنبال این نباشند که دولت‌هایشان کاری بکنند. دولت‌ها کاری نمی‌کنند. دنبال این نباشند که در آغوش آن یکی برویم برای نگهداری ما از آن یکی. خیر، همه گرگند و همه شما را می‌خورند. باید خودتان حفظ کنید. توجه به خدا بکنید. توجه به اسلام بکنید و برای خدا و برای اسلام قیام بکنید و پیروز هستید.

در پاریس هم بعضی «خیراندیشان» و اشخاصی که ملتفت قضایا نبودند، می‌آمدند و به من می‌گفتند که نمی‌شود؛ دیگر امکان ندارد، دیگر شما یک فکری مثلاً بکنید

که یک تنازلی بکنید، من به آن‌ها می‌گفتم ما تکلیف داریم ادا می‌کنیم، می‌شود و نمی‌شود برای ما مطرح نیست. ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی که با ظلم

ما از مردم بی‌پناه لبنان و فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع می‌کنیم. اسرائیل این جرثومه فساد همیشه پایگاه آمریکا بوده است. من از سال‌های طولانی راجع به اسرائیل و راجع به جنایات او همیشه در خطبه‌ها، در نوشته‌ها، گوشه‌زد کرده‌ام به مسلمین که این یک غده سرطانی است در یک گوشه ممالک اسلامی و اینطور نیست که اکتفا بکند به همان قدس، اینها بنایشان بر این است که پیش بروند. یعنی تابع سیاست آمریکا هستند. آمریکا هم آمالش فقط یکجا نیست، چنانچه همه ابرقدرت‌ها اگر بتوانند، می‌خواهند همه ممالک را تحت سیطره قرار بدهند. امروز قبله اول مسلمین، به دست اسرائیل این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است. باید همه پنا خیزیم و اسرائیل را نابود کنیم و ملت قهرمان فلسطین را جایگزین آن گردانیم. از اول مبارزات، قضایای لبنان و فلسطین جزء مقاصد اصلی ما بوده و از مسائل ایران جدا نبوده است. به طور کلی یک مسلمان نباید تنها نظرش طایفه‌ای از مسلمانان باشد. لبنان را ما جزئی از ایران می‌دانیم. برای اینکه ما و آن‌ها اصلاً جدا نیستیم، ما آن‌ها هستیم و آن‌ها ما هستند.

آقای «صدر» یک مردی است که می‌توانم بگویم او را بزرگ کرده‌ام. او به منزله یک اولاد عزیز است برای من و امیدوارم که ان شاء الله ایشان با سلامت برگردند به محل خودشان، و بسیار مورد تأسف است که ایشان را ما الان نمی‌بینیم در بین خودمان. اصلاً باید مسلمین بیدار بشوند. امروز روزی نیست که مسلمانها هر کدام یک گوشه‌ای زندگی تنهایی بکنند و خودشان بین خودشان در هر کشوری یک زندگی خاص به خود داشته باشند، نمی‌شود این معنا. در یک همچو زمانی که سیاست‌های ابرقدرت‌ها بلعیدن همه جاست، مسلمین باید بیدار بشوند، ملت‌ها. دولت‌ها را من از اکثرشان مأیوس هستم، لکن ملت‌ها باید بیدار بشوند، و همه تحت لوای اسلام و تحت سیطره قرآن باشند.

تا کی باید قدس شما زیر چکمه تفاله‌های آمریکا، اسرائیل غاصب پایکوب شود؟ تا کی سرزمین قدس، فلسطین، لبنان و مسلمانان مظلوم آن دیار در زیر سلطه جنایتکاران به سر برند و شما تماشاچی باشید، و بعضی حکام خانن شما آتش بیار آنان باشند؟ تا

از تمام نهضت‌های آزادی بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم. ملت‌های برادر عرب و برادران لبنانی و فلسطینی بدانند که هرچه بدبختی دارند از اسرائیل و آمریکا است، هر چه گرفتاری دارند از اختلاف بین سران کشورهای اسلامی است



پیام تبریک مقام معظم رهبری به دبیر کل حزب الله لبنان به مناسبت پیروزی در جنگ ۳۳ روزه

## لبنان به برکت و همت و شجاعت مردم خود درخشید

درآمد

در پی پیروزی رزمندگان مقاومت اسلامی در جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ علیه رژیم صهیونیستی، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای با ارسال پیامی خطاب به حجت الاسلام والمسلمین سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان، پیروزی مقاومت اسلامی را پیروزی اسلام، و موجب عزت ملت‌های عرب و شکسته شدن هیبت دروغین ارتش رژیم صهیونیستی دانستند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این پیام تصریح کردند: دشمن اکنون در صدد پاشیدن ویروس بی صبری و تردید در مردم، و ایجاد اختلاف میان سیاستمداران لبنان است. اما شما در خنثی کردن این توطئه‌ها موفق خواهید شد و پیروزی دومی به دست خواهید آورد. متن کامل پیام ولی امر مسلمین به این شرح است:



و اما لبنان.. و ما ادراک ما  
لبنان.. لبنان به برکت همت و  
شجاعت مردم خود درخشید..  
دشمن به غلط پنداشته بود که  
با حمله به لبنان ضعیف‌ترین  
حلقه کشورهای منطقه را هدف  
قرار می‌دهد و طرح وهم آلود  
خاورمیانه دلخواه خود را کلید  
می‌زند

با سبیلی سخت خود، او را از این غفلت بیرون آوردند. دشمن اکنون درصدد بریدن این بازوی توانا و کار آمد است، درصدد ایجاد اختلاف میان سیاستمداران است، درصدد پاشیدن ویروس بی صبری و تردید در مردم است.

همه باید در برابر این سمپاشی‌ها بیدار باشند. به حول و قوه الهی شما در خنثی کردن توطئه‌های آنان موفق خواهید شد و پیروزی دومی بدست خواهید آورد، ان‌شاءالله. جهادی که اکنون در این میدان جدید، پیش روی شماست مانند جهاد فداکارانه شما در میدان نظامی، حائز اهمیت و در آن صبر و توکل و اخلاص و تدبیر، تعیین کننده است. به شما و دیگر برادران و دلاوران عرصه جهاد درود می‌فرستم و دست و بازوی همه شما را می‌بوسم. ■

سید علی خامنه‌ای ۲۵/مرداد/۱۳۸۵

غیور و مؤمن در کشورهای منطقه، و سیاسیون سالم، و زمامداران و رهبران مستقل و خردمندند. جهاد مظلومانه شما، دشمن را افشا کرد و چهره حقیقی او را به نمایش گذاشت. کشتار بیرحمانه مردم غیر نظامی، به خاک و خون کشیدن کودکان بیگناه و زنان بی دفاع، حادثه قانا و نظایر متعدد آن، ویران سازی هزاران خانه و کاشانه و آواره کردن هزاران خانواده، نابود کردن زیرساخت‌های بخش مهمی از لبنان، و فجایعی از این قبیل، چهره حقیقی زمامداران آمریکا و برخی دولت‌های اروپایی را در کنار چهره کریه و منفور رژیم صهیونیستی به همه نشان داد. نشان داد که شعارهای منافقانه آنان در باب حقوق بشر و آزادی و دموکراسی، چقدر آلوده به دروغ و فریب و رذالت است. نشان داد که وقتی زمامداران کشورها از رحم و شفقت و منطق و صداقت بیگانه باشند چه فجایعی ممکن است برای جامعه انسانیت پیش بیاید.

سخنان اخیر رئیس جمهوری آمریکا در دفاعی قلمداد کردن جنایات رژیم صهیونیستی و ادعاهای خنده آور او درباره پیروز شدن اسرائیل در جنگ لبنان، نمونه روشنی از این بیرحمی و شقاوت و بی منطقی را در برابر چشم همه گذاشت.

و اما لبنان.. و ما ادراک ما لبنان.. لبنان به برکت همت و شجاعت مردم خود درخشید.. دشمن به غلط پنداشته بود که با حمله به لبنان ضعیف‌ترین حلقه کشورهای منطقه را هدف قرار می‌دهد و طرح وهم آلود خاورمیانه دلخواه خود را کلید می‌زند. دشمن، یعنی آمریکا اسرائیل، از صبر و هوشمندی و دلاوری ملت لبنان غافل بود، از توانایی بازوان ستبر لبنان غافل بود، از سنت الهی «کم من فئمة قليلة غلبت فئمة كثيرة یاذن الله والله مع الصابرين» غافل بود.

ملت لبنان و جوانان دلاور و سیاستمداران هوشمندش

برادر مجاهد و بسیار عزیز جناب آقای سید حسن نصر الله ادام الله عمره و عزه و عافیه.

سلام علیکم بما صبرتم:

درود بر شما و بر دیگر برادران و بر یکایک مجاهدان حزب الله. آن چه شما با جهاد و مقاومت بی نظیر خود به امت اسلامی هدیه کرده‌اید از حد توصیف این جانب بالاتر است. جهاد دلاورانه و مظلومانه شما که نصرت الهی را به شما ارزانی داشت، بار دیگر ثابت کرد که سلاح‌های مدرن و مرگبار در برابر ایمان و صبر و اخلاص ناکارآمد است و ملتی که ایمان و جهاد دارد، مغلوب سیطره قدرت‌های ستمگر نمی‌شود.

پیروزی شما پیروزی اسلام بود. شما توانستید به حول و قوه الهی ثابت کنید که برتری نظامی، به ابزار و سلاح و هواپیما و ناو و تانک نیست، به قدرت ایمان و جهاد و فداکاری همراه با عقل و تدبیر است.

شما برتری نظامی خود را بر رژیم صهیونیستی تحمیل کردید. تفوق معنوی خود را در ابعاد منطقه‌ای و جهانی تثبیت نمودید. افسانه شکست ناپذیری و هیبت دروغین ارتش صهیونیست را به مسخره گرفتید و آسیب پذیری رژیم غاصب را به نمایش گذاشتید.

شما به ملت‌های عرب عزت بخشیدید و توانایی‌های آنان را که ده‌ها سال بوسیله تبلیغات و سیاست‌های استکباری انکار شده بود در صحنه عمل به همه نشان دادید. آن چه اتفاق افتاد حجتی از سوی خداوند بر همه دولت‌ها و ملت‌های اسلامی و بویژه در منطقه خاورمیانه است. شما بار دیگر مصداق این کلام نورانی قرآن شدید: «قد کان لکم آية فی فئتين التقتا، فئمة تقاتل فی سبیل الله و آخری کافرة یرونهم متلیهم رأی العین واللہ یؤید بنصره من یشاء. إن فی ذلک لعبرة لاولی الابصار».

این اولو الابصار، امروز توده‌های میلیونی و جوانان





سخنان دبیرکل حزب الله در سالگرد شهید احمد قصیر

## شهید احمد قصیر فاتح و آغازگر دوره شهادت طلبی است

درآمد

آقای سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله روز جمعه یازدهم نوامبر سال ۲۰۱۱ طی سخنان مشروحو در گردهمایی بزرگ «روز شهید» که به مناسبت بیست و نهمین سالگرد عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر در مجتمع سید الشهداء (ع) در محله الرویس در جنوب بیروت برگزار گردید، از مقام شامخ ایشان و همه شهیدان مقاومت و شهدای راه آزادی تجلیل و قدردانی به عمل آورد. البته دبیر کل حزب الله روز شانزدهم فوریه سال ۱۹۸۵ طی سخنان کوتاهی در گردهمایی بزرگ شهر صیدا در جنوب لبنان هنگام اعلام موجودیت حزب الله، سالروز شهادت احمد قصیر را «روز شهید» نامگذاری کرده بود. شکی نیست که روز عملیات شهید احمد قصیر پس از یورش ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان در ژوئن سال ۱۹۸۲ روز فاجعه فراموش ناشدنی برای رژیم غاصب است. چرا که این عملیات به آگاهی و انگیزه وجودی شهروندان اسرائیلی در فلسطین اشغالی آسیب جدی وارد آورد و سرمنشأ آغاز عملیات‌های شهادت طلبانه و آزادی خواهانه دیگری گشت که شکست نهایی ارتش رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۰ میلادی در جنوب لبنان و پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ را در پی داشت.

را فاتح دوره شهادت طلبان می‌نامیم. همچنین او به حق این شایستگی را دارد که او را امیر شهادت طلبان بنامیم. چرا که امیر همیشه پیشاپیش مجاهدین حرکت می‌کند. او در انجام این عملیات پیشگام شهیدان و پیشقدم مجاهدان بوده است. چند ماه از یورش ارتش اسرائیل به لبنان نگذشته بود که این عملیات را به مورد اجرا گذاشت. در آن دوره افرادی در لبنان و در منطقه گمان کرده بودند که لبنان سرانجام وارد حوزه اسرائیل شده و ما وظیفه داریم خود را با این مرحله منسجم کنیم. ولی عملیات شجاعانه احمد قصیر این توهم را از بین برد. این عملیات به ما آموخت که خیر این طور نیست. با عملیات مقاومت دوره تازه و مرحله جدیدی از پیروزی‌های درخشانی بر دشمن آغاز شده است.

برادران و خواهران... برخی از برادران شما در حزب الله برای بزرگداشت روز شهید عنوان «روز زندگی» (روز حیات) را انتخاب کرده‌اند. این نامگذاری به چند دلیل صد در صد درست است:

دلیل نخست: خداوند که زندگی و مرگ را آفرید فرموده است: «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله أمواتا بل أحياء عند ربهم یرزقون». فرحین بما آتاهم الله من فضله و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم ولا هم یحزنون». آری خدای تعالی می‌فرماید: کسانی که هنوز زنده هستند و به پیمان خود وفادارند، همیشه مورد عنایت و توجه شهیدانی هستند که از آنان پیشی گرفته‌اند و به مقام‌های عالی رسیده‌اند. خدا در آیه دیگری مژده داده است: «ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله أمواتا بل أحياء ولكن لا تشعرون».

دلیل دوم: این است که شهیدان به مردم ما زندگی و حیات با عزت و کرامت بخشیدند. برای میهن و امنیت کشورمان آزادی و حاکمیت مستقل ارمان آوردند. به مردممان اطمینان به آینده و اعتماد به نفس عطا کردند. این است حیات واقعی که هر انسان آزادی خواه آرزوی آن را دارد. این آوازه مکتب بزرگ اسلام است که این مفهوم را به ما آموخته است. امیر مؤمنان علی بن ابیطالب (ع) به یک اصل کلی و جاودانی که

بخشی از مردم این میهن بودند، به راه شهادت به باور رسیده بودند. غم و غصه میهن و امت را بر دوش داشتند و راه درست را انتخاب کرده بودند. به راهی که رفتند و آرمانخواهی‌شان ایمان و اعتقاد کامل داشتند.

انتخاب روز یازدهم نوامبر از سوی حزب الله برای برگزاری همه ساله روز شهید معانی و مفاهیم خاصی دارد. چرا که این عملیات شهادت طلبانه مشهور که به وسیله شهید احمد قصیر در شهر صور به اجرا گذاشته شد و مقر فرماندار نظامی اسرائیل را منهدم کرد، در تاریخچه رویارویی اعراب و اسرائیل یک عملیات مهم، ویژه و بزرگ و از سایر عملیات‌های مقاومت اسلامی بی‌نظیر بود. چرا که یک شهید در یک لحظه سرنوشت ساز تلفات سنگینی بر دشمن وارد آورد. دشمن شخصا اعتراف کرد که بیش از ۱۲۰ و ۱۳۰ و ۱۴۰ نفر کشته شدند. اجازه دهید من رقم میانگین ذکر کنم و بگویم که دشمن به کشته شدن دستکم یکصد سرباز و افسر و تعدادی ژنرال بلند پایه اعتراف کرده است. افزون بر آن میزان خسارت‌های روحی و سیاسی که بر جبهه دشمن وارد آمد، بسیار بالا بوده است. از سوی دیگر این عملیات دستاوردهای بسیار بزرگی برای جبهه داخلی میهن داشت و همه مردم لبنان به این نتیجه رسیدند که عملیات شهید احمد قصیر شکست زود هنگام ارتش دشمن را در پی خواهد داشت. در حقیقت من یکی از افرادی هستم که هرگز چهره سرخورده و افسرده آریل شارون وزیر جنگ وقت رژیم صهیونیستی را هنگام بازدید از ویرانه‌های مقر فرماندار نظامی اسرائیل در شهر صور را فراموش نمی‌کنم.

فراموش نکنید که عملیات بی‌نظیر شهید احمد قصیر در تاریخ مقاومت اسلامی لبنان و در تاریخ جنگ‌های اعراب و اسرائیل، یک عملیات ساختاری و بنیادی بود که عملیات‌های شهادت طلبانه بعدی را پایه ریزی کرد. در مبارزات ضد صهیونیستی معاصر مردم لبنان، این اولین بار بود که یک شهادت طلب با خودروی مملو از مواد منفجره به یک مرکز نظامی یورش ببرد، و خود را در آن منفجر کند. با این وصف شهید احمد قصیر

به نام خداوند بخشنده و مهربان و ستایش بر پروردگار دو جهان و سلام و درود بر خاتم پیامبران و خاندان پاک و یاران برگزیده او باد. سلام و درود بر حضار محترم. در آغاز سخن برای ارواح پاک و معطر شهیدان درود می‌فرستم و همگی برای آنان سوره فاتحه نثار می‌کنیم. همه ساله در چنین روزی که حزب الله آن را برای شهیدان خود «روز شهید» انتخاب کرده زیر پرچم و خیمه شهادت گرانقدر گردهم می‌آییم و یاد آنان را گرامی می‌داریم.

البته هر شاخه‌ای از شاخه‌های متعدد مقاومت و هر ملت مقاومتی در منطقه شهادت طلب خاص خود را دارد و این حق طبیعی اوست که یاد شهیدانش را گرامی بدارد. حزب الله با اقدام به برگزاری سالانه روز شهید، در حقیقت خواسته از پراکنده کاری و گاهی برگزاری مراسم جداگانه سالانه برای سایر شهیدان جلوگیری کرده باشد. امیدوارم روزی فرا رسد تا اختصاص «روز شهید میهن» در لبنان برای همه شهادت طلبان، مقاومت، شهادت ارتش، شهادت قوای امنیتی و سایر شهادت طلبان احزاب سیاسی میهن برسمیت شناخته شود و روز ملی شهید عنوان شود. پیش از بحث درباره شهید حزب الله، لازم می‌دانم به پاس قدردانی و تجلیل از همه برادران شهید عضو سایر گروه‌ها و جنبش‌های مقاومت لبنان سر فرود آورم و تعظیم نمایم و تلاش‌ها و فداکاری‌های آنان را ارج نهم. چرا که آنان در راه آزاد سازی لبنان و در دفاع از این کشور در برابر دشمن صهیونیست و تحقق دستاوردهای فراوان سهم بسزایی داشته‌اند.

در مراسم گرامیداشت روز شهید، یاد همه شهادت طلبان حزب الله و مقاومت از جمله رهبرانی همچون سید عباس موسوی دبیر کل پیشین حزب الله، شیخ راغب حرب، فرمانده شهید حاج عماد مغنیه و سایر کادرها و رهبران مقاومت اسلامی و شهادت طلبان بزرگ را گرامی می‌داریم. به خصوص شهید احمد قصیر فاتح و آغازگر دوره شهادت طلبی و همه شهادت طلبان مجاهد مقاومت اسلامی، اعم از مرد، زن و کودک که تعدادشان از چند هزار شهید فراتر رفته است. اینها شهیدانی هستند که

به یاد همه شهادت طلبان حزب الله و مقاومت و رهبرانی همچون سید عباس موسوی، شیخ راغب حرب، فرمانده شهید حاج عماد مغنیه و سایر کادرها و رهبران مقاومت اسلامی و شهادت طلبان بزرگ به خصوص شهید احمد قصیر فاتح و آغازگر دوره شهادت طلبی و همه شهادت طلبان مجاهد مقاومت اسلامی، اعم از مرد، زن و کودک که تعدادشان از چند هزار شهید فراتر رفته است گرامی می‌داریم



■ امام موسی صدر در میان شیعیان جنوب لبنانی



**عملیات بی نظیر شهید احمد  
قصیر در تاریخ مقاومت اسلامی  
لبنان و در تاریخ جنگ‌های اعراب  
و اسرائیل، یک عملیات ساختاری  
و بنیادی بود که عملیات‌های  
شهادت طلبانه بعدی را پایه‌ریزی  
کرد. در مبارزات ضد صهیونیستی  
معاصر مردم لبنان، این اولین  
بار بود که یک شهادت طلب با  
خودروی مملو از مواد منفجره به  
یک مرکز نظامی یورش ببرد، و خود  
را در آن منفجر کند**

مقاومت لبنان کارساز نبود. اگر چنین مردان شجاع، سترک و استوار نبودند، هرگز چنین پیروزی بزرگی به دست نمی‌آمد. آنان هرگز ضعف، ترس، دلهره و دشمن‌هراسی به دل راه ندادند. چون پیرو مکتب شهادت و مکتب مقاومت بودند. مردم لبنان از زمان برپایی رژیم غاصب صهیونیستی در فلسطین در سال ۱۹۴۸ اولین بار است که احساس آرامش و امنیت می‌کنند.

برادران و خواهران، آسان نیست که انسانی در کشوری زندگی کند، و در کنارش یک جانور درنده، شکننده و فریبکار وجود داشته باشد. چگونه انسان در کنار وجود چنین درنده‌ای می‌تواند امنیت داشته باشد؟ مردم در همسایگی چنین کیان درنده، متجاوز و نژادپرست چگونه می‌توانند برای زندگی و آینده خود احساس امنیت کنند و از استقلال، شرافت و عزت خود پاسداری نمایند. امروزه سرتاسر لبنان به خصوص مردم جنوب این کشور برای اولین بار احساس امنیت، آرامش، ثبات و اعتماد به نفس دارند. چندی پیش متنی از فرمایشات امام سید موسی الصدر در یک جلسه خصوصی با برادران کادرهای جنبش امل را مطالعه می‌کردم. ایشان در سال ۱۹۷۸ و قبل از تجاوز اسرائیل به لبنان در همان سال، از این‌که منطقه جنوب همواره میدان تاخت و تاز ارتش اسرائیل شده احساس اندوه و تأسف کرده بود. چون اسرائیل به طور مرتب روستاهای جنوب به خصوص شهر کفر شوبا را بمباران و خانه‌های مردم را بر سرشان خراب می‌کرد. مردم جنوب ناگزیر شده بودند به مناطق امنی چون بیروت پناه ببرند. مردم آن‌جا به هیچ وجه احساس امنیت نمی‌کردند. امام صدر با دلی شکسته و اندوهگین به حاضران جلسه گفته بود که دولت لبنان و مردم جنوب ناتوان هستند و اسرائیل از این ناتوانی سوء استفاده می‌کند، و به هر جنایتی دست می‌زند. اغلب دولتمردان هم نسبت به آن‌چه در جنوب کشور می‌گذرد توجهی ندارند. اصلاً به فریادهای مان گوش نمی‌دهند.

وقتی سخنان امام موسی صدر را می‌خواندم ناخودآگاه به خود گفتم: ای امام ان شاء الله به سلامت به لبنان

خوبی تشخیص داده بودند. هنگامی که انسان بصیرت، شجاعت، استقامت، عزم و اراده داشته باشد، می‌تواند یک معادله را دگرگون کند.

همگی شما به یاد دارید که در مرحله آغاز رویارویی با اشغالگران، چگونه بیشتر دولت‌های جهان در کنار اسرائیل ایستاده بودند. روحیه مردم از بین رفته بود. یأس و نومیدی بر چهره و دل مردم چیره شده بود. ولی در مقابل مردان مقاومت در برابر همه آن عوامل ایستادند و پیروز شدند. در این بحث لازم می‌دانم انگیزه مقاومت و فرهنگ مقاومت را که در مفاهیم مان وجود دارد ریشه‌یابی کنم. امیر مؤمنان علی بن ابیطالب (ع) در این باره فرموده است: «انی والله لولقیتم فردا وهم ملی الأرض ما بایلت وما استوحشت». به خدا سوگند اگر به تنهایی با دشمنان روبرو شوم در حالی که تمام زمین را پر کرده باشند، مرا نه باک است و نه ترس. لذا من به شما بگویم که هر یک از رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان هنوز از چنین روحیه‌ای برخوردار است.

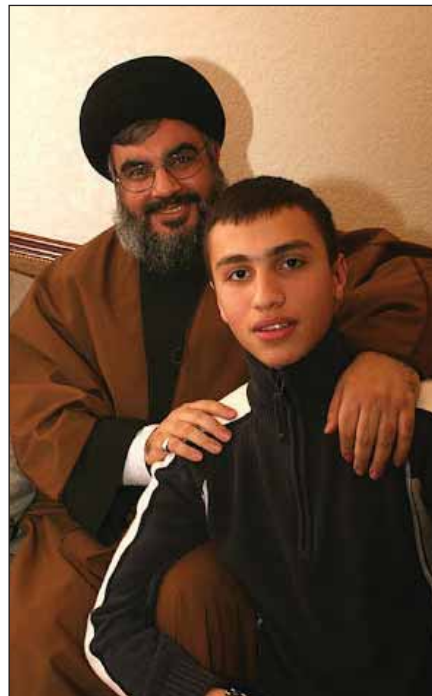
این روحیه اصل و گوهره مقاومت را تشکیل می‌دهد. از انبوه دشمنان و از انبوه طرفداران و پشتیبانان دشمن در جهان هراسی ندارند. از میزان اندک یار و یاور هم هراسی به دل راه نمی‌دهند. در آن روزگار هر کدام از رزمندگان مقاومت در برابر صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها و نیروهای چند ملیتی می‌ایستاد و به آنان می‌گفت: به خدا سوگند اگر به تنهایی با شما روبرو شوم در حالی که تمام زمین را پر کرده باشید، مرا نه باک است و نه ترس. این تعبیر در جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ نیز مصداق پیدا کرده است. چرا که این رزمندگان صاحبان عزم، عشق و شوق لقاء الله بودند. امیر مؤمنان در ادامه این سخن فرموده است: «وأنی الی ربی لمشتاق ولحسن ثواب ربی لمنتظر». با این وصف رزمندگان مقاومت به انتهای صف سپاهیان دشمن نگاه می‌کردند، و نه به خط مقدم آنان. این مفهوم بیانگر دقیق رمز پیروزی در جنگ ژوئیه است. اگر چنین رزمندگان فداکار و با شور و شعوری وجود نداشت، هیچ سلاح، تاکتیک، برنامه، مدیریت و هر ابزار دیگری در پیروزی لبنان و

رمز پیروزی و عزت و سربلندی هر قوم و ملتی است اشاره کرده و فرموده است: «الحیة فی موتکم قاهرین و الموت فی حیاتکم مقهورین». یعنی مرگ در زندگی توأم با شکست شماسست، و حیات و زندگی در مرگ پیروزمندانه شما.

در سال ۱۹۸۲ که صهیونیست‌ها نیمی از سرزمین لبنان را اشغال کردند و می‌خواستند بر سرتاسر این کشور مسلط شوند و کشورمان جولانگاه تانک‌ها و نفربرهای زرهی سربازان دشمن شده بود و با احساس امنیت کامل در آب‌های ساحلی لبنان شنا می‌کردند، مردم لبنان هرگز راضی نشدند در سایه ذلت زندگی نمایند. به هیچ وجه به خود اجازه ندادند که بخورند و بیاشامند، اما سرزمین‌شان در اشغال دشمن بماند و به عزت و کرامت‌شان تجاوز شده باشد و جوانان و زنان‌شان دسته دسته ذلیلانه روانه زندان‌ها بشوند و حاکمیت و تمامیت ارضی‌شان مصادره گردد و سرنوشت‌شان نامشخص بماند.

به تعبیری دیگر، اگر زندگی ذلت بار را می‌پذیرفتند و تسلیم دشمن می‌شدند، چه نوع زندگی می‌توانستند داشته باشند؟ خیر این زندگی نیست! این مرگی است مشابه زندگی! با این وصف، شهیدانی که برای بزرگداشت یادشان گردهم آمده‌ایم، با خواست خداوند متعال حیات بخش ما بوده‌اند. سازندگان زندگی شرافتمندانه و عزت بخش ما بوده‌اند. چرا که خداوند برای زندگی مادی، عوامل طبیعی آفریده و برای زندگی واقعی، معنوی و انسانی عوامل و نشانه‌هایی آفریده که به این نوع زندگی ختم می‌شود. بنابر این جهاد و شهادت خواست کسانی بوده که همواره در راه مقاومت استوار و پایدار ماندند. این شهدای گرانقدر، نتیجه ایمان به خداوند و اعتقاد به روز قیامت، نتیجه شناخت راه عزت و آزادی بودند. آنان با شناخت هدف، شناخت دوست و دشمن و شناخت مسیر درستی که به هدف‌شان می‌رساند، در راه جهاد و شهادت گام برداشتند. روشتر گفته باشم که این شهیدان، بر مبنای بصیرت، زمان شناسی و مکان شناسی حرکت کردند. اولویت‌ها را به

هیچ آسان نیست که انسانی در کشوری زندگی کند، و در کنارش یک جانور درنده، شکننده و فریبکار وجود داشته باشد. چگونه انسان در کنار وجود چنین درنده‌ای می‌تواند امنیت داشته باشد؟ مردم در همسایگی چنین کبان درنده، متجاوز و نژادپرست چگونه می‌توانند برای زندگی و آینده خود احساس امنیت کنند و از استقلال، شرافت و عزت خود پاسداری نمایند



که همیشه بیدار است و ما نباید آسوده به خواب برویم. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «کسی که سست شود و ترک جهاد کند، به شدت آسیب می‌بیند». من به کسانی که نا امید شده‌اند و در خطابه‌های سیاسی‌شان به یاوه‌گویی ادامه می‌دهند می‌گویم: هنگامی که از مردم‌مان و مقاومت‌مان می‌خواهید سلاح‌شان را زمین بگذارند در حقیقت از ما می‌خواهید که مانند پیشینیان سست و ذلیل باشیم و عزت و کرامت خویش را تسلیم بدترین و زشت‌ترین دشمن تاریخی که همانا اسرائیل است قرار دهیم؟ ما تجربه شکست خورده پیشینیان را تکرار نمی‌کنیم و به مقاومت و پایداری ادامه می‌دهیم.

بنابر این در روز شهید، همگان را به چنگ زدن به ریسمان مقاومت و ارتش و داشتن اراده مردمی که عامل قدرت واقعی ماست، فرا می‌خوانم. در این مناسبت بار دیگر تأکید می‌کنم که از مرحله آغاز عملیات شهادت طلبانه احمد قسیر که روزگار صهیونیست‌ها را در شهر مقاوم صور سیاه و بدنام کرد، تا امروز و تا آینده وارد مرحله پیروزی‌های درخشان شده‌ایم و دوره شکست‌ها سپری شده است. وظیفه داریم از خون‌های شهیدان، اهداف شهیدان و آرمان‌ها و وصیتنامه‌های آنان پاسداری کنیم. من و شما موظف هستیم راه‌شان را ادامه دهیم و قطعا این کار را خواهیم کرد. ما با شهدا بیعت کرده‌ایم و این بیعت تا پیوستن‌مان به آنان ادامه دارد. ما واقعا منتظر شهادت هستیم و در بیعت‌مان راستگو می‌باشیم. در همه موقعیت‌ها و در برابر تهدیدها و دشواری‌های گذشته استوار و ثابت قدم بوده‌ایم. امروزه به رغم وجود تهدیدهای فزاینده در منطقه و اوضاع ناپایدار منطقه‌ای و بین‌المللی، اوضاع و تحولات به سود محور مقاومت پیش می‌رود. اگر اوضاع سال‌های ۱۹۸۲ و ۲۰۰۶ را بازنگری کنید، ملاحظه خواهید کرد که در آن سال‌ها بر اساس مبانی ایمان، شناخت، عشق و اراده به پیروزی رسیدیم، و ان شاء الله در آینده هم بر اساس همین مبانی به پیروزی خواهیم رسید. ■

جنگ دیگری را بر کشورمان تحمیل کند، مطمئن باشد که آخرین ماجراجویی او در لبنان خواهد بود. با وجودی که از نظر فکری و تحلیلی، هرگونه جنگ احتمالی اسرائیل علیه لبنان را بعید می‌دانیم، به معنی این نیست که ما شب‌ها را آسوده بخوابیم. من به شما اطمینان می‌دهم مقاومتی که به آن وابسته هستیم، از سال ۱۹۸۲ و پس از عملیات شهید احمد قسیر تا روز ۲۵ ماه مه سال ۲۰۰۰ زمان خروج نهایی اسرائیل از جنوب لبنان هیچ شبی را آسوده نخوابیده است. این مقاومت همچنین از روز ۲۶ ماه مه سال ۲۰۰۰ تا جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ همواره بیدار، هوشیار و آگاه بوده و برای مجوز کردن خویش برنامه‌ریزی می‌کرده است. چرا که خوب می‌دانسته مردم کشورش در همسایگی چه دشمنی زندگی می‌کنند. چشمان مقاومت از روز ۱۵ اوت سال ۲۰۰۶ (روز توقف جنگ ۳۳ روزه) تا کنون هم هرگز به خواب نرفته است.

باز می‌گردم به سخن امیر مؤمنان (ع) که فرموده است: «إِنَّ أَخَ الْحَرْبِ الْيَقْظَانَ الْأَرْقَى. وَمَنْ نَامَ لَمْ يَنْتُمْ عِنْدَهُ». منظور مولای متقیان این است که اگر کسی در همسایگی اش دشمن جنگ افروز و همیشه در حال جنگ وجود دارد، نباید آسوده به خواب برود. گاهی افرادی می‌گویند که بین لبنان و اسرائیل آتش بس وجود دارد. در حالی که اسرائیل آن را برسمیت نمی‌شناسد. این نشان می‌دهد که میان لبنان و اسرائیل به شرایط جنگی وجود دارد. به خصوص که اسرائیل به قطعنامه شماره ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد (برای رعایت آتش بس بعد از جنگ ۳۳ روزه) عمل نمی‌کند. اگر برخی از مردم لبنان به خواب آسوده رفته باشند، مگر ارتش اسرائیل خوابیده است؟ اسرائیلی‌ها از سال ۲۰۰۶ تا کنون به آموزش و آمادگی نظامی و ساخت جنگ افزار نظامی و به طور کل به مسلح شدن و مانور ادامه می‌دهند. ما در برابر دشمنی قرار داریم

باز می‌گردی و به فرزندان، شاگردان، دوستان و رهروان راهت افتخار می‌کنی. به مقاومتی که بنیانگذار آن بودی و در راه برپایی آن در سرزمین جنوب لبنان فداکاری کردی افتخار خواهی کرد. سرور من! امروزه جنوب نیرومند و از امنیت پایدار برخوردار شده است. نه تنها میدان تاخت و تاز هیچ قلدری نیست، بلکه نقش قدرتمندی در معادلات منطقه‌ای دارد.

به رغم آن‌چه در مقالات و تحلیل‌های مطبوعاتی درباره احتمال تجاوز مجدد دشمن یا جنگ احتمالی اسرائیل با لبنان منتشر می‌شود، من هرگونه ماجراجویی دشمن در لبنان را صرفنظر از تحولات و بحران‌های منطقه بعید می‌دانم. بعید بودن احتمال حمله مجدد اسرائیل به لبنان به این دلیل نیست که اسرائیل «آدم» شده و بر ما منت می‌گذارد که به کشورمان حمله نمی‌کند. یا آمریکا و جامعه جهانی و شورای امنیت سازمان ملل متحد کرم اخلاق پیدا کرده‌اند و مانع حملات اسرائیل به لبنان می‌شوند... خیر... این بحث یک دلیل بسیار ساده دارد، و این است که لبنان همچون گذشته ناتوان نیست. امروزه لبنان با داشتن این عامل طلایی سه گانه «ارتش، مردم و مقاومت» به کشوری قدرتمند تبدیل شده که هم می‌تواند از خود دفاع کند و هم متجاوز را شکست دهد. امروزه لبنان در موقعیتی قرار گرفته که می‌تواند طرح‌های توطئه‌گران متجاوز را ناکام سازد و تهدیدات را به فرصت واقعی تبدیل کند.

حضار محترم، لازم می‌دانم به این نکته هم اشاره کنم که اگر خدای ناکرده قدرت مقاومت تضعیف شود و از بین برود، این امکان برای اسرائیل فراهم می‌شود که برای جنگ و تجاوز علیه لبنان و تسلط بر این کشور مجدداً بیندیشد. ولی تا زمانی که ایمان، بصیرت و اراده خلل ناپذیر رزمندگان مقاومت و مهمتر از همه پیوند طلایی «ارتش، مردم و مقاومت» پایدار بوده باشد، اسرائیل هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. واگر روزی بخواهد



گفت و گوی شاهد یاران با حاج جعفر قصیر پدر شهیدان احمد، موسی و ربیع قصیر

## احمد قصیر...

# روز شهید مقاومت لبنان با نام تو رقم خورده است

درآمد

هنگامی که وارد شهرک دیر قانون النهر در جنوب لبنان می شوید، احساس می کنید خانه های مسکونی و خیابان های آن به احمد جعفر قصیر و تعدادی از شهدای مقاومت اسلامی این روستا تعلق دارد. اکنون همه مردم لبنان از نقش حماسی و سرنوشت ساز جوانان دیر قانون النهر شناخت کافی دارند. نام و تصاویر احمد قصیر، حسن قصیر، موسی قصیر، ربیع قصیر، عبد المنعم قصیر، رضا و یوسف حریری و تعداد دیگری از شهدای تاریخ ساز لبنان زینت بخش این شهرک شده است. البته افتخار دیر قانون النهر به داشتن شهدای بزرگواری محدود نیست، چه این شهرک در طول تاریخ یکی از پایگاه های روحانیت شیعه جبل عامل بوده و اهالی روستاهای همجوار در زمینه کسب دانش و دریافت پاسخ های شرعی به دیر قانون النهر رجوع می کرده اند. به همین دلیل است که هنگام ورود به این شهرک تابلوی شهرداری «به زادگاه علما و شهدا خوش آمدید» به چشم می خورد.

حاج جعفر قصیر شش فرزند پسر دارد که سه تن از آنان به نام های احمد، موسی و ربیع در مصاف با دشمن صهیونیستی به درجه رفیع شهادت نایل آمده اند. چون احمد بزرگترین فرزند خانواده در سن جوانی به شهادت رسید و مدت دو سال و نیم از سرنوشت او خبری نبود، حاج جعفر را در دیر قانون النهر به نام ابو موسی صدا می زنند. حسن قصیر فرزند چهارم این خانواده است که با دختر سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله لبنان ازدواج کرده است. با این وصف احمد قصیر اولین فرزند خانواده بود که در روز ۱۱ نوامبر سال ۱۹۸۲ عملیات انهدام مقر فرماندار نظامی ارتش اسرائیل در شهر صور در جنوب لبنان را به اجرا گذاشت و نام او به عنوان پایه گذار عملیات شهادت طلبانه رقم خورد. در این عملیات که افکار عمومی جهان را شگفت زده کرد، حدود ۱۵۰ افسر و سرباز رژیم صهیونیستی به هلاکت رسیدند و آن رژیم در پی این عملیات سه روز عزای عمومی اعلام کرد. آن رژیم با شناختی که از فرزندان این خانواده داشت، منزل مسکونی آنان را در جریان جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ بمباران کرد که اکنون بازسازی شده و این گفت و گو در آن صورت گرفت.



**شهید احمد قصیر در دوران جوانی از فعالیت‌های سیاسی و نظامی گردان‌های مقاومت لبنان به رهبری امام موسی صدر شناخت هم داشت؟**

آری... چون هنوز حزب الله شکل نگرفته بود، این افراد مبارزات‌شان را با عنوان شاگردان امام موسی صدر معرفی می‌کردند. این مکتب جنبش محرومین امام موسی صدر بود که جوانان آن برهه را گردهم می‌آورد. اصولاً گرایش به مقاومت ضد صهیونیستی در ذات احمد از دوران کودکی وجود داشت. قبل از اجرای عملیات انهدام مقر فرماندار نظامی صهیونیست‌ها در صور در چند عملیات ضد صهیونیستی هم در دیر قانون النهر شرکت کرده بود. از روزی که صهیونیست‌ها وارد این شهرک شدند و شعارها، پرچم‌ها و بنرهای خود را روی در و دیوار مراکز و معابر عمومی نصب کردند، احمد شبانه از خانه بیرون می‌رفت و آن‌ها را بر می‌چید. گاهی جهت گیری علائم راهنمایی و رانندگی کنار خیابان‌ها و کوچه‌ها را هم تغییر می‌داد تا خودروهای گشتی نظامیان صهیونیست راه‌شان را گم کنند و دچار سرگردانی شوند. این اقدام دقیقاً یک نوع تله در مسیر سربازان دشمن بود تا در نهایت گرفتار نیروهای مقاومت بشوند.

**گویا شهرک دیر قانون النهر پایگاه علمای دین و شخصیت‌های مبارز بشمار می‌آمده و هست. آیا فرزندان شهیدتان احمد، موسی و ربیع قصیر با آنان نشست و برخاست هم داشته‌اند؟**

در این شهرک یک مسجد جامع وجود دارد که جوانان همیشه در برنامه‌های مذهبی آن شرکت می‌کردند و در آن روزگار دروس آموزش قرآن را توسط شیخ احمد قصیر می‌آموختند. هرگاه می‌خواستند برای اجرای عملیاتی برنامه ریزی نمایند، از مسجد خارج می‌شدند و به خانه تیمی خود می‌رفتند. ولی مسجد جامع پایگاه اصلی‌شان بود.

آغاز کرد. اطلاع داشتم که عملیات مسلحانه و منظم ضد اسرائیلی را آغاز کرده بودند. ولی در آن شرایط اسلحه در اختیار نداشتند و گاهی به بیروت می‌رفتند و اسلحه تهیه می‌کردند و به جنوب بازمی‌گشتند.

**اطلاع داشتید که احمد با همکاری جوانان جنوب عملیات مقاومت را آغاز کرده است؟**

خیر هیچ چیزی را به من نمی‌گفت... مقاومت را با پنهان کاری شروع کرده بود. اصولاً خبر بازگشت ایشان به لبنان را از نیروهای اشغالگر شنیدم. مأموران اطلاعاتی دشمن روزی به سراغم آمدند و گفتند که احمد فرزند شما در شهر صور اغتشاش می‌کند و بیاید او را به خانه برگردانید. به صور رفتم و احمد را در حال سنگ پرانی به سربازان دشمن یافتم. دست او را گرفتم و به او گفتم: پسرم آرام باش... اکنون شرایط برای جنگیدن با صهیونیست‌های اشغالگر مناسب نیست. امکان دارد با خونسردی شما را به قتل برسانند. احمد به من خیره شد و چنین پاسخ داد: «روزی فرامی‌رسد و خواهید دید که چه بلایی بر سر دشمن اشغالگر می‌آورد». من از آن روز فهمیدم که اشغال لبنان از نظر احمد پذیرفتنی نبوده است.

**بچه‌ها فقط اسلحه تهیه می‌کردند یا از بیروت مواد منفجره هم تهیه می‌کردند؟**

در روزهای اول شروع مقاومت خبری از تهیه مواد منفجره در کار نبود. اطلاع دارم که بچه‌ها موفق شده بودند چند قبضه مسلسل تهیه کنند. بحث مواد منفجره چند ماه بعد مطرح شد. شبانه سلاح‌ها را به روستا می‌آوردند و زیر درختان پنهان می‌کردند تا در لحظه مناسب از آن‌ها علیه دشمن استفاده نمایند. اصولاً احمد و گروهی از جوانان آن برهه افرادی مقاوم، فداکار و شهادت طلب بودند و قدرت دشمن را به تمسخر می‌گرفتند.

**نامی از شهدای آن هسته مقاومت را به یاد دارید؟**

شهدایان رضا حریری و حسن قصیر دو تن از آنان بودند. شاید دیگران هم بودند... ولی چون فعالیت آن‌ها کاملاً سری بود، از نام اعضای دیگر آن هسته اطلاع ندارم. اصولاً در آن برهه تعداد انگشت‌شماری از فعالیت این هسته خبر داشت... هنوز تشکیلاتی به نام حزب الله وجود نداشت... عملیات‌شان را شبانه انجام می‌دادند و روز بعد مانند افراد عادی به زندگی‌شان ادامه می‌دادند.

**شهید عماد مغنیه هم با آنان همکاری داشت؟**

پدر شهید احمد قصیر در پاسخ به این پرسش به عکس شهید عماد مغنیه که روی دیوار آویخته شده است نگاه کرد و گفت: آری... حاج رضوان هم یکی از آنان بود. ایشان بود که خودروی پژو حاوی مواد منفجره را برای عملیات احمد مجهز کرد و تا آخرین لحظه همراه فرزندم احمد بود. خودروی بمب‌گذاری شده را هر دو از دیر قانون النهر به سمت شهر صور هدایت کردند و حاج عماد نزدیک هدف مورد نظر از خودرو پیاده شد و احمد به تنهایی به درون ساختمان مورد نظر رفت و آن را منفجر کرد.

هنگام ورود به منزل خانواده شهید احمد قصیر، حاج جعفر قصیر پدر بزرگوار این سه شهید گرانقدر را در سالن پذیرایی یافتیم که زیر عکس فرزندانش نشسته بود و به خاطر کهولت سن از روی صندلی خود تکان نمی‌خورد و به سختی به پرسش‌های شاهد یاران پاسخ می‌گفت. شاید هم به علت کهولت سن گاهی با پرخاش به پرسش‌های شاهد یاران پاسخ می‌داد... او قطعاً حق دارد... چون سه پاره تن خود را از دست داده است. مادر احمد هم در برابر همسرش روی صندلی چرخدار نشسته بود و توان شناخت و تشخیص هیچ میهمانی را نداشت. علاوه بر بیماری الزایمر، گویا زمینگیر شده و با کسی حرف نمی‌زند.

روی دیوار رو به روی درب ورودی سالن پذیرایی، عکس بزرگی از شهید سرفراز عماد مغنیه آویخته شده است که انگار ایشان هم یکی از فرزندان این خانواده به شمار می‌رود. پس از پذیرایی و گفت و گوی کوتاهی که حدود ۱۵ دقیقه وقت گرفت به زیارت گلزار شهدای دیر قانون النهر در درون قبرستان شهرک رفتیم و برای آنان فاتحه خواندم و عکس گرفتیم. خلاصه گفت و گو با پدر شهیدان قصیر به این شرح است:

**در آغاز گفت و شنود از دوران کودکی احمد بگوئید... ایشان را با چه روشی تربیت کردید و چگونه عاشق مقاومت ضد صهیونیستی شد؟**

احمد از دوران کودکی به همراه خانواده در کشور لیبی زندگی می‌کرد.

**چند سال در لیبی زندگی کردید؟**

حدود ۱۳ سال در لیبی زندگی کردیم... سپس من و شهیدان احمد و موسی به عربستان سعودی مهاجرت کردیم. زمانی که اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به لبنان یورش آورد و کشورمان را اشغال کرد، ما هنوز در عربستان بودیم. البته من چند ماه قبل از بازگشت موسی و احمد به لبنان، از عربستان بازگشته بودم. احمد از نخستین لحظه بازگشت به کشورش مبارزه ضد صهیونیستی را به همراه تعدادی از جوانان جنوب

**احمد از نخستین لحظه بازگشت به کشورش مبارزه را به همراه تعدادی از جوانان جنوب آغاز کرد. اطلاع داشتیم که عملیات مسلحانه و منظم ضد اسرائیلی را آغاز کرده بودند. ولی در آن شرایط اسلحه در اختیار نداشتند. گاهی به بیروت می‌رفتند و اسلحه تهیه می‌کردند**

شرایط آن روزگار اقتضا می کرد که بچه‌ها پنهان کاری را رعایت نمایند. هرگز نمی دانستم کجا می روند و با چه کسی نشست و برخاست دارند. وقتی احمد به خانه باز می گشت هیچ رازی را فاش نمی کرد. دوروز قبل از اجرای عملیات صور از خانه بیرون رفت و دیگر هرگز بازنگشت

معدودی ایشان را می شناختند. من شخصا بعد از شهادت عماد مغنیه او را شناختم.

چند تن از فرزندان تان در راه اعتلای اسلام و آزادی سرزمین لبنان به شهادت رسیده اند؟

حاج جعفر قصیر به عکس فرزندان شهیدش که روی دیوار سالن پذیرایی آویخته شده اشاره کرد و افزود: سه تن از فرزندانم شهید شده اند. طرز تفکر همه شش فرزندانم مثل هم بود. احمد قصیر که بزرگترین آن هاست، با نعمت شهادت برای سایر برادرانش الگو شده بود. شهید موسی هم دومین فرزندم بود. شهید ربیع قصیر سومین فرزندم می باشد که در جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ به درجه شهادت نایل آمد.

موسی قصیر در چه عملیاتی به شهادت رسید؟

ایشان قبل از آزاد سازی لبنان در یکی از عملیات های مقاومت ضد صهیونیستی در جنوب بر اثر بمباران هوایی دشمن یکی از پاهای خود را از دست داد و چند ماه بعد به شهادت رسید. ایشان هم در آن برهه یکی از فعالان مقاومت بوده است.

نسخه ای از وصیت نامه شهید احمد را در اختیار ندارید؟

خیر... گمان کنم که وصیت نامه ایشان در بایگانی حزب الله نگهداری می شود. به ما قول داده اند که یک نسخه از آن را تحویل دهند، ولی تا کنون هیچ اقدامی صورت نگرفته است.

شاهد یاران: در شبکه های اجتماعی تصویر وصیت نامه شهید احمد قصیر منتشر شده و ایشان به همزمان خود توصیه کرده که به خط و راهکار امام خمینی (ره) برپا کننده دولت اسلام چنگ بزنند که راه درست در این راهکار نهفته است. شهید احمد قصیر همچنین به برادران دینی خود سفارش کرده هنگامی که همنشین خوب و دل نشین به همراه ندارند به قرائت قرآن کریم روی آورند. به خود تلقین نکنند که من یک فرد بی اهمیت هستم و برای ارتقای اسلام بزرگ کاری از دستم ساخته نیست. خیر هر فردی در این جامعه می تواند تأثیر گذار باشد. ■

این سخن نشان می دهد که شما پدر و مادر شهید احمد از مجاهدت و مقاومت آن ها راضی بودید؟

شکی در این نیست. با وجودی که از فعالیت فرزندم در هسته های مقاومت اطلاع نداشتم، اما از راهکار او راضی بودم. از خداوند مسئلت دارم که این قربانی را از ما بپذیرد.

روزی که اطلاع یافتید احمد مجری عملیات شهادت طلبانه انفجار مقرر فرماندار نظامی اسرائیل در صور بود، چه احساسی داشتید؟

خیلی خرسند شدم و از نظر روحی آرام گرفتم. احمد با این عملیات واقعا مرا سربلند کرد. از این نظر آرام گرفتم که قبل از اعلام رسمی نام احمد به عنوان مجری عملیات مزبور آرامش نداشتم. نمی دانستم زنده است یا مرده... چون حدود دو سال و نیم از سرنوشت او بی اطلاع بودم. احساس کردم که خداوند تعال نعمت بزرگی را به خانواده ام ارزانی کرده است...

چه نعمتی؟

نعمت شهادت... این بزرگترین نعمت الهی است. انسان بهتر از نعمت شهادت چه آرزویی می تواند از خدا داشته باشد.

به استثنای شهادت احمد، درباره انفجار مقرر فرماندار نظامی ارتش اسرائیل در صور و کشته شدن حدود ۱۵۰ تن از اشغالگران کشورتان چه احساسی داشتید؟

خداوند را سپاس می گویم که به جوانان مقاومت توفیق عنایت کرد تا چنین عملیاتی را به اجرا بگذارند. شهید حاج عماد مغنیه همه امکانات لازم را به منظور اجرای این عملیات برای پسرم فراهم کرده بود. خداوند ایشان را (مغنیه) رحمت کند.

آیا شهید عماد مغنیه به خانه شما رفت و آمد داشت.

خیر... در آن مرحله کسی ایشان را نمی شناخت. یک شخصیت ناشناخته بود. در تشکیلات مقاومت تنها افراد

آن روحانی غیر از دروس آموزش قرآن، مطالب دیگری هم در زمینه لزوم ایستادگی و مقاومت در برابر اشغالگران به آن ها می آموخت؟

در آن روزگار اسرائیلی ها همه اماکن روستا را زیر نظر داشتند و هر مخالفتی را به شدت سرکوب می کردند. جوانان انقلابی را دستگیر و به زندان می بردند. پیشتر اشاره کردم که این جوانان از نظر فکری دست پرورده رهنمودهای امام موسی صدر بودند. یعنی آمادگی برای عملیات مقاومت ضد صهیونیستی در جنوب لبنان در فکر و ذهن آن ها از قبل وجود داشته است.

عملیات شهید احمد قصیر پس از گذشت حدود پنج ماه از استقرار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بقاع به وقوع پیوست. آیا احمد به بقاع هم رفت و در برنامه های آموزش نظامی هم شرکت کرد؟

احمد هر جا می رفت چیزی به خانواده نمی گفت. در آن برهه همه جوانان مقاوم این جور بودند و جزئیات تحرکات شان را به خانواده های خود نمی گفتند. البته نه به این دلیل که خانواده ها مخالفت می کنند. خیر... شرایط آن روزگار اقتضا می کرد که پنهان کاری را رعایت نمایند. هرگز نمی دانستم که احمد کجا می رود و با چه کسی نشست و برخاست دارد. وقتی به خانه باز می گشت هیچ رازی را فاش نمی کرد. به طور مثال احمد دو روز قبل از اجرای عملیات صور از خانه بیرون رفت و دیگر هرگز بازنگشت. تا مدت دو سال و نیم منتظر آمدنش بودم. اطلاع نداشتم که پسرم احمد مجری عملیات صور بوده است. تا این که روزی آقای سید حسن نصر الله دبیر حزب الله در سخنانی نام مجری عملیات شهادت طلبانه انهدام مقرر فرماندار نظامی اسرائیل در شهر صور را فاش کرد. چون احمد وصیت کرده بود تا زمانی که دیر قانون النهر در اشغال صهیونیست هاست نام او فاش نشود، نمی دانستیم او کشته، اسیر یا روبرو شده است. همه جا را جست و جو کردیم و هیچ اثری از احمد نیافتیم. ولی وقتی که جناب آقای نصر الله نام فرزندم را به عنوان مجری عملیات صور اعلام کرد، انگار خدا جان تازه به من داد. در آن روز خیلی خوشحال شدم و به کسی اجازه ندادم به من تسلیت بگوید.



■ مادر مقاوم و معزز شهیدان احمد، موسی و ربیع قصیر که اکنون از بیماری رنج می برد





نگاهی به پشتوانه‌های فکری و اعتقادی شهدای دیر قانون النهر در گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین شیخ حسین حریری برادر شهید رضا حریری

## احمد قصیر نتیجه تفکرات و رهنمودهای امام خمینی بود

درآمد

شهید رضا محمد حریری با کنیه جهادی «حمزه» متولد سال ۱۹۶۳ شهرک دیر قانون النهر از پیشگامان بنیانگذار جنبش مقاومت اسلامی در جنوب لبنان پس از تهاجم ارتش رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۲ است. رضا با همکاری شهید سید عباس موسوی دبیر کل سابق حزب الله و شهید سمیر محمد مطوط با کنیه جهادی «جواد» جوانان داوطلب مجاهدت و شهادت را گردهم آورد و عملیات کیفی بر پیکر اشغالگران به اجرا گذاشت. نخستین و مهمترین مأموریت‌های رضا آماده سازی عملیات شهادت طلبانه شهیدان احمد قصیر و علی صفی الدین بود. شهید رضا حریری از شاگردان نجیب کلاس‌های انسان سازی امام خمینی و شهیدان سید محمد باقر صدر و مرتضی مطهری (ره) بود که اندیشه‌های آن شخصیت‌های والا مقام، روحیه جهادی رضا را استحکام بخشید. ایشان به داشتن شجاعت، جسارت، صلابت، زیرکی و اراده خلل ناپذیر شهرت داشت و این ویژگی‌های منحصر به فرد، از رضا مرد مأموریت‌های سخت ساخته بود. این زنده یاد در ماه‌های اول اشغال جنوب به خاطر شرکت در عملیات مقاومت، بازداشت و به مدت هشت ماه در فلسطین زندانی شد رضا پس از آزادی رسماً به صف جنبش نوپای مقاومت اسلامی پیوست و در محورهای رویارویی با اشغالگران در محورهای صدیقین و یاطر نقش فرماندهی داشت. دسته‌ای از رزمندگان مقاومت در تاریخ ۱۹۸۶/۹/۱۱ به فرماندهی رضا حریری به پایگاه نظامیان صهیونیست در الحقیان حمله کردند که در نتیجه آن رضا آسمانی شد. شهید سید عباس موسوی بر پیکر هم‌رزم خود نماز خواند. سپس پیکر این دل‌آور قهرمان در گلزار شهدای دیر قانون النهر به خاک سپرده شد

❁ شاید شایسته باشد گفت و گو با شاهد یاران را با تشریح پشتوانه‌های فکری شهدای بزرگوار دیر قانون النهر شروع کنید...

در حقیقت شهدای بزرگوار دیر قانون النهر مانند احمد قصیر، رضا حریری، عبد المنعم قصیر، حسن قصیر و تعداد دیگری از شهدای این شهرک که در آن مرحله سرنوشت ساز پرچم جهاد را به دست گرفتند و به درجه رفیع شهادت نایل آمدند، نتیجه تفکرات و رهنمودهای امام خمینی (ره) بودند. به تعبیری دیگر، در آن زمان تنها کسی که اندیشه قیام، مقاومت، روحیه متعالی و انگیزه پیوستن به کاروان مقاومت را در دل این جوانان بر افروخت فقط اندیشه امام خمینی (ره) بود. این واقعیت انکار ناپذیری است. این برادران شهید به هیچ کدام از تشکیلات و جریان‌های سیاسی و فکری موجود در آن مرحله وابسته نبودند. در آن برهه یک نوع فضای اسلامی وجود داشت که به آن فضا گرایش داشتند و تنها نقطه مشترک و پیوند دهنده این جوانان دینداری بود.

در آن مرحله شخصیت‌هایی مانند سید محمد حسین فضل الله و جریان‌های همچون جنبش امل، حزب الدعوه و اتحادیه دانشجویان مسلمان فعالیت داشتند و به طور مستقل عمل می‌کردند. ولی تنها محوری که آن جوانان بزرگوار و پیشگام در مقاومت را گرد خود آورده بود تفکر امام خمینی (ره) و رهنمودهای ایشان در باره لزوم جنگیدن با اسرائیل با هر وسیله ممکن بود. به طور مثال در اولین عملیاتی که بر ضد اسرائیلی‌ها در دیر قانون النهر به اجرا درآمد، شهید رضا حریری، شهید خضر قصیر و شهید سمیر قشور در آن شرکت داشتند. در این عملیات آن‌گونه که خود اسرائیلی‌ها به حجم تلفات‌شان در آن اعتراف کردند تعداد ۱۵ سرباز اسرائیلی به هلاکت رسیدند. عملیات طوری غافلگیر کننده و سریع انجام گرفت که لکه‌های خون اسرائیلی‌ها چند روزی روی زمین مانده بود. نظامیان صهیونیست لحظاتی پس از این عملیات، شهرک دیر قانون النهر را به محاصره در آوردند و جوانان شهرک را بازداشت و روانه بازداشتگاه‌ها کردند. این عملیات به قدری برای اسرائیلیها کمر شکن بود که موشبه آرنز

در حقیقت شهدای بزرگوار دیر قانون النهر مانند احمد قصیر، رضا حریری، عبد المنعم قصیر، حسن قصیر و تعداد دیگری از شهدای این شهرک که در آن مرحله سرنوشت ساز پرچم جهاد را به دست گرفتند و به درجه رفیع شهادت نایل آمدند، نتیجه تفکرات و رهنمودهای امام خمینی (ره) بودند

نخست وزیر وقت اسرائیل از محل آن دیدن کرد. برخی از افراد پس از این عملیات به فضای منفی دامن زدند که آیا جنگیدن با اسرائیل از نظر شرعی جایز است یا جایز نیست؟ لذا جوانان برای جهاد با اسرائیل از امام خمینی (ره) استفتا کردند تا نظر ایشان را جویا شوند. امام در پاسخ به این استفتا فرمودند که اگر مردم شهرک در معرض خطر کشتار قرار گرفتند وظیفه دارند با اسرائیل بجنگند. منظورم این است که در آن برهه هیچ کدام از جریان‌های سیاسی و دینی لبنان توان اتخاذ چنین موضع قاطعی را نداشت مگر امام خمینی (ره).

❁ اطلاع دارید چه کسی از امام خمینی (ره) این استفتا را کرد؟

اشخاصی که این استفتاءات را کردند هنوز زنده هستند و در مقاومت فعالیت می‌کنند و اکنون مسئولیت کلیدی دارند. در حال حاضر امکان فاش نمودن نام‌شان به صلاح آنان نیست. این یک امانت تاریخی است و باید رعایت شود. معمولاً استفتاءات از طریق ارتباط سید عیسی طباطبایی با دفتر امام (ره) انجام می‌گرفت. لذا شهدای یاد شده مشروعیت جنگیدن با اسرائیل را از فتاوی امام خمینی گرفتند.



شهید سرفراز رضا حریری، پیشگام مقاومت ضد صهیونیستی

■ شهید رضا حریری



مهم جلوه داد. در آن مرحله اسرائیلیها به چند عملیات کوچک و پراکنده عادت کرده بودند. ولی خودشان اعتراف کردند که در عملیات شهید احمد قصیر حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ کشته داده‌اند.

✿ جنابعالی برنامه‌ریزی و اجرای عملیاتی به این بزرگی را خیلی ساده و سطحی جلوه دادید. من بر این باورم که برنامه ریزی برای اجرای چنین عملیاتی قطعا به افرادی با تجربه و کارشناس جنگ چریکی نیاز داشته است...

یک نکته را به شما بگویم که مهمترین عامل و پتانسیل جوانان یاد شده داشتن عامل ایمان و اراده قوی برای جنگیدن با اسرائیل بوده است. هر کسی که برای اقدام به چنین عملیاتی اگر از اراده و مجوز شرعی برخوردار باشد قطعاً موفق می‌شود و این جوانان واجد این امکانات معنوی بودند و مهمتر از همه شجاعت اتخاذ چنین تصمیمی را داشتند. شجاعت آنان استثنایی و فوق العاده بود. ممکن است کسی سؤال کند که فتوای امام خمینی چه نقشی در راهکار و آرمان جوانان مزبور داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش به شما بگویم که قبل از یورش صهیونیست‌ها به لبنان، سازمان‌های فلسطین در جنوب پایگاه‌های نظامی داشتند و افراد مؤمن و متدین را آزار و اذیت می‌کردند. شهید رضا حریری یکی از افرادی بود که مورد آزار و اذیت آنان قرار می‌گرفت. به او می‌گفتند چرا محاسن داری؟

✿ وقتی اسرائیلی‌ها وارد لبنان شدند، شهیدان احمد قصیر، رضا حریری و دیگران چه کردند؟

چون فلسطینی‌ها با آمدن اسرائیلی‌ها خوار و ذلیل شدند، به آنان محبت کردند. در خانه‌های خود ساندویچ و غذا تهیه می‌کردند و فلسطینی‌های آواره و درمانده را در خارج از شهرها سیر می‌کردند. با این وصف این افراد علاوه بر شجاعت از تدین قوی برخوردار بودند. شاید بی‌مناسبت نباشد که بگویم تاریخچه مقاومت مردم جبل عامل بر ضد استعمار فرانسه به رهبری علامه سید عبد الحسین شرف الدین انکار ناپذیر است. شهیدان یاد شده هم از فرزندان جبل عامل و فرزندان علمای بزرگوار دینی منطقه بودند. ولی در عصر حاضر تنها کسی که نقش قاطع و سرنوشت ساز در رهنمون سازی آن جوانان فداکار داشت، امام خمینی (ره) بود.

✿ شما فقط به ابعاد دینی و فرهنگی شهیدان اشاره کردید و فرمودید که شهید احمد قصیر مغازه تره بار فروشی داشت. آیا تخصص‌های علمی دیگری هم داشتند؟

شهیدان رضا حریری، احمد قصیر و دیگران اهل مسجد بودند و همواره در جلسات دینی و فعالیت‌های فرهنگی شهرک دیر قانون النهر و مسجد بئر العبد در بیروت شرکت می‌کردند. به طور مثال شهید حاج حسین جواد از روستای فرون یکی از شهیدان

امکان داشت بازرگانان بازار سیاه یا سازمان‌های گوناگون را جست و جو و از آنان مواد منفجره خریداری می‌کردند! ولی مهمترین عامل اساسی مشروعیت بخشیدن به این عملیات بزرگ، فتوای امام خمینی (ره) مبنی بر تجویز اجرای عملیات شهادت طلبانه در راه خدا بود.

شهید احمد قصیر از شهید رضا حریری پرسید که آیا خودکشی جایز است؟ وقتی احمد این سؤال را مطرح کرد رضا احساس مسئولیت شرعی کرد و تصمیم گرفت در این مسئله از امام خمینی (ره) نظر خواهی شود. مدتی گذشت و جوانان سرانجام فتوای امام را به دست آوردند. می‌خواهم این مطلب را بگویم که در آن برهه نه حزب الله وجود داشت که در این مسئله دخالت کند و نه دیگران دخالت کردند. تنها محرک اصلی جوانان مزبور فتوای امام خمینی (ره) بود.

از سوی دیگر بچه‌ها در شب اجرای عملیات در آلاچیق شهر بازی صورت در نزدیکی یک دبیرستان دخترانه نشسته بودند و ناگهان آسمان بارانی شد. در اطراف آن‌ها هم تعداد زیادی از سربازان اسرائیلی در ورزشگاه نزدیک شهر بازی مستقر بودند. وقتی بارندگی شدید شروع شد سربازان به ساختمان مقر فرماندار نظامی پناه بردند و احمد بامداد روز بعد ساختمان را بر سرشان خراب کرد. منظور از بازگویی این خاطره این است که این عملیات نتیجه ابتکار و خلاقیت چند جوان پر جنب و جوش دیر قانون النهر بوده و هیچ جریانی در آن دخالت نداشته است. این جوانان فداکار پس از تحقق عملیات موفقیت آمیز شهید احمد قصیر فعالیت‌شان را در زمینه‌های گوناگون ادامه دادند و سرانجام با دلی آرام و خیالی آسوده به لقاء الله پیوستند. طبیعتاً حجم عملیات شهید احمد قصیر و تلفاتی که در بر داشت، آن را

رضا حریری در سن ۲۲ سالگی به شهادت رسید. یعنی زمانی که عملیات شهید احمد قصیر به اجرا گذاشته شد، رضا ۱۸ ساله بود. ملاحظه کنید همه تحولات و روی داده‌های تاریخی که در حیات رضا حریری اتفاق افتاد به مراتب بزرگتر از سن او بوده است

✿ فتوای خاص و مستقلی درباره عملیات شهید احمد قصیر وجود دارد؟

در آن مرحله برادرم شهید رضا حریری محوریت هسته اولیه رزمندگان مقاومت بود. در عین حال هیچ وابستگی گروهی حتی به حزب الله نداشت. چون حزب الله هنوز تشکیل نشده بود. ولی ارتباط ایشان با سپاه پاسداران آشکار بود. حتی شهید حاج عماد مغنیه هم که از جنبش فتح و سازمان‌های فعال آن مرحله تجربه آموخته بود مستقل عمل می‌کرد.

✿ این جوانان پیش از برنامه‌ریزی عملیات شهید احمد قصیر چگونه کارشان را آغاز کردند؟

وقتی شهید احمد قصیر از عربستان به دیر قانون النهر بازگشت، مغازه میوه و تره بار فروشی دایر کرد. این جوانان در مسیرشان به میدان مرکزی و عمده فروشی تره بار در شهر صور به ساختمان مقر فرماندار نظامی اسرائیل برخورد کردند. وقتی چشمان احمد قصیر به ساختمان فرماندار نظامی افتاد اندیشه انهدام آن در مغز و ذهن او تبلور یافت و به شهید رضا حریری گفت: «آقا بیا با هم کاری کنیم و این ساختمان را به زمین بنشانیم».

از سوی دیگر شهید رضا حریری هم به داشتن ذهنیت پویا و هوشمندانه شهرت داشت و در همان لحظه بیدرنگ آمادگی خود را برای شرکت در عملیاتی به منظور فرونشاندن ساختمان مقر فرماندار نظامی اعلام کرد. هر دو دوست صمیمی بودند و دیدگاه‌های یکدیگر را قبول داشتند. در این مسئله شک ندارم که شهید رضا حریری حس دینداری و مقاومت را در دل جوانان دیر قانون النهر تقویت کرد و آنان را به آغاز راه جهاد با اشغالگران تشویق نمود. وقتی اندیشه انهدام ساختمان مزبور در ذهن احمد و رضا شکل گرفت، گویا با شهید عماد مغنیه، سپاه پاسداران و دیگران تماس گرفتند و آمادگی خود را برای اجرای چنین عملیاتی به آگاهی آنان رساندند.

✿ سؤال اصلی این است که چه کسی مواد منفجره را برای آنان تهیه کرد؟



رزمندگان مقاومت اسلامی به پایگاه نظامیان صهیونیست در منطقه الحقبان در نوار اشغالی جنوب لبنان به شهادت رسید. ایشان فرماندهی رزمندگان عملیاتی را به عهده داشت.

#### ❁ بیشتر توضیح دهید...

پس از عملیات موفقیت آمیز شهید احمد قصیر و تأسیس حزب الله، شهید رضا حریری یکی از بنیانگذاران مقاومت اسلامی شاخه نظامی حزب الله بود و در یک رشته عملیات کیفی ضد صهیونیستی شرکت کرد که در آن عملیات‌ها تلفات سنگینی بر نظامیان اشغالگر وارد آمد. خاطره‌ای که از شهیدان جان بر کف احمد قصیر، عبد المنعم قصیر و رضا حریری، یوسف حریری و حسن قصیر دارم این است که شبی در همین اتاق این خانه جلسه تشکیل دادند و بنده نیز حاضر بودم. در آن جلسه تصمیماتی برای اجرای عملیات کیفی گرفته شد و به مرور زمان به اجرا گذاشته شد.

در حقیقت اهمیت شهید رضا حریری به این است که به آنچه باور داشت و به آن ایمان آورده بود عمل کرد. وقتی در عملیات مسلحانه گروهی بر ضد پایگاه‌های دشمن در نوار اشغالی جنوب شرکت می‌کرد اولین مهاجم آن گروه بود. یعنی رضا عملیات حمله به پایگاه دشمن در محور الحقبان را فرماندهی کرد و پیشگام حمله بود و در درون پایگاه به شهادت رسید. شهادت رضا حریری با شهادت احمد قصیر حدود چهار سال فاصله وجود دارد. رضا در سن ۲۲ سالگی به شهادت رسید. یعنی زمانی که عملیات شهید احمد قصیر به اجرا گذاشته شد رضا ۱۸ ساله بود. ملاحظه کنید همه تحولات و روی‌دادهای تاریخی که در حیات رضا حریری اتفاق افتاد به مراتب بزرگتر از سن او بوده است. در پی یکی از آن عملیات‌ها که رضا انجام داد نظامیان صهیونیست او را بازداشت و به زندان عتلیت در فلسطین اشغالی انتقال دادند و به مدت هشت ماه

است. اما توانمندی‌های نظامی و تسلیحاتی جوانان در آن مرحله از بازار سیاه تهیه می‌شده است.

❁ در ابتدای بحث به نکته‌ای ظریف اشاره کردید که اندیشه انهدام ساختمان مقرر فرماندار نظامی اسرائیل در صور هنگام بازگشت شهیدان احمد قصیر و رضا حریری از بازار مرکزی تره بار تبلور یافت. امکان دارد کمی این روایت را باز کنید؟

وقتی این دو شهید درباره اندیشه انهدام ساختمان مزبور به توافق رسیدند، بیدرنگ عملیات رصد و شناسایی را آغاز کردند. از جزئیات طرح عملیات اطلاع ندارم ولی مطمئن هستم که این دو شهید با همکاری شهید عماد مغنیه سه نفری همه کارها از ابتدا تا انتها عملیات را خودشان انجام دادند.

❁ برادران تان رضا و یوسف حریری در چه زمان و در چه عملیاتی به شهادت رسیدند؟

شهید یوسف حریری با جنبش امل همکاری می‌کرد و به یاد ندارم که در چه منطقه و در چه عملیاتی به شهادت رسیده است. ولی مطمئن هستم که برادرم شهید رضا حریری، شهید احمد قصیر را تشویق و جذب مقاومت کرد. به تعبیری احمد توسط برادرم رضا به این مسیر رهنمون شد. باز تأکید می‌کنم که این مسیر تشکیلاتی و منظم نبود. بلکه در پرتو ابتکارات فردی صورت گرفت و قطعا از تخصص و کمک‌های مادی دیگران و افراد با تجربه مانند شهید عماد مغنیه استفاده کردند. اصولا اسلحه و مواد منفجره تی. ان. تی. در آن زمان آزادانه خرید و فروش می‌شده است. گمان کنم که این دو شهید فقط به تخصص نیاز داشتند که شهید مغنیه در این زمینه به آن دو کمک کرد.

❁ نفرمودید که شهید رضا حریری در چه سالی شهید شد...

شهید رضا حریری در سال ۱۹۸۶ در جریان حمله

گمنام هسته اولیه مقاومت اسلامی، مسئول مستقیم بچه‌ها بود. برخی از آنان دانشجویان رشته‌های فنی، مهندسی و حرفه‌ای بودند و مسایل سیاسی روز را خوب تجزیه و تحلیل می‌کردند. درست است که روستایی زاده بودند، ولی از نظر علمی از سطح بالای آگاهی و خودباوری رسیده بودند. این بخشی از ویژگی‌های شهیدان هسته اولیه مقاومت اسلامی بود. شهید رضا حریری دانشجوی رشته مهندسی بود و به منظور سرپوش گذاشتن بر فعالیت‌های نظامی خود یک دفتر خدمات مهندسی در شهر صور دایر کرده بود. این سرآغاز کار بود. بچه‌ها به مرور زمان و همزمان با تأسیس حزب الله خود را سازماندهی و منظم کردند و به وضعیت جهاد با اشغالگران سامان دادند و دست‌آوردهای امروز به برکت ایثار و فداکاری شهیدان پیشگام آن روز است.

❁ شهیدان یاد شده آن مرحله چه گونه با شهید عماد مغنیه آشنا شدند؟

همانگونه که اطلاع دارید شهید عماد مغنیه پس از تأسیس حزب الله، ستون فقرات نظامی حزب الله را تشکیل می‌داده است. این نشان می‌دهد که ایشان در روند شکل‌گیری عملیات ضد صهیونیستی یک جوان با تجربه و در زمینه عملیات مسلحانه سابقه دار و تخصص داشته است. زمانی که لبنان به اشغال رژیم صهیونیستی درآمد، این جوانان مقاوم و متدین پیرامون اصل مقاومت ضد صهیونیستی یکپارچه شدند. فراموش نکنید که مقاومت در روحیه این جوانان از زمان حضور امام موسی ریشه دوانده بود که با ورود سربازان ارتش اسرائیل به لبنان حس مقاومت در ذهن این جوانان تقویت و شکوفا شد. چون همه جوانان مزبور از قبیل طرح و عامل مجهز کردن خودروی انفجاری به مرور زمان به شهادت رسیدند، تا کنون مطلب روشنی از جزئیات طرح و برنامه‌ریزی عملیات شهید احمد قصیر وجود ندارد، و هیچ کسی هم این مسایل را پیگیری نکرده است. من ترجیح می‌دهم که مبنای نسبت دادن مسئولیت اجرای عملیات شهید احمد قصیر به حزب الله فتوای امام خمینی بوده

پس از عملیات موفقیت آمیز شهید احمد قصیر و تأسیس حزب الله، شهید رضا حریری یکی از بنیانگذاران مقاومت اسلامی شاخه نظامی حزب الله بود و در یک رشته عملیات کیفی ضد صهیونیستی شرکت کرد که در آن عملیات‌ها تلفات سنگینی بر نظامیان اشغالگر وارد آمد

این خاطره نشان می‌دهد که تا گذشت حدود یکسال از عملیات شهید احمد قصیر این موضوع هنوز بکلی سری مانده بود. ولی پس از عقب نشینی اسرائیلی‌ها از جنوب لبنان وفاش شدن نام احمد قصیر به عنوان مجری عملیات صور عکس‌های جمعی رضا و احمد را منتشر کردیم

برای پنهان سازی سلاح‌های موجود، ساک دستی شهید رضا حریری را در زیر خاک پیدا کرد. مادرم به من گفت پسرم بلند شو ساک دستی رضا را بازکن ببینیم داخل آن چیست؟ ساک را که باز کردم عکس جمعی شهیدان احمد قصیر و رضا حریری را دیدم.

❁ قبل از اعلام رسمی نام و هویت شهید احمد قصیر توسط دبیر کل حزب الله در شهرک درباره سرنوشت احمد چه شایع شده بود؟!

شایع شده بود که احمد توسط نیروهای فلائز ربه‌ده شده است. چون در آن روزها فلائزها با اسرائیلی‌ها همکاری می‌کردند. ما مشکوک شدیم که احمد و رضا چه ارتباطی با هم داشتند که عکس یادگاری گرفته‌اند و عکس احمد در ساک رضا چه کار می‌کند؟ اصلاً حس کنجکاوی مان گل کرد و گفتیم که حتما رازی در این عکس نهفته است. لذا ساک را با نایلون محکم باند پیچی کردیم و دوباره زیر خاک پنهان کردیم. وقتی که رضا از زندان آزاد شد و به خانه برگشت راز عکس ایشان با احمد قصیر را از او جویا شدم. پرسیدم این عکس چه ارتباطی به شما دارد؟ رضا به من گفت: «یک کلمه حرف نمیزنی! اجازه نداری درباره این عکس چیزی به کسی بگویی!!»

این خاطره نشان می‌دهد که تا گذشت حدود یکسال از عملیات شهید احمد قصیر این موضوع هنوز بکلی سری مانده بود. ولی پس از عقب نشینی اسرائیلی‌ها از جنوب لبنان و فاش شدن نام احمد قصیر به عنوان مجری عملیات صور عکس‌های جمعی رضا و احمد را منتشر کردیم. افزون بر آن شهید احمد قصیر وصیتنامه خود را در نوار صوتی ضبط کرده بود که در حملات هوایی رژیم صهیونیستی به مراکز حزب الله تلف شد.

❁ این شهدای بزرگوار در دوره‌های آموزشی سپاه پاسداران در منطقه بقاع هم شرکت کردند؟

آری برخی از آن‌ها شرکت کردند... روزی که رضا حریری به شهادت رسید، برادر کوچکتر از من در دوره آموزشی سپاه در پادگان شیخ عبد الله در بعلبک حضور داشت. اغلب بچه‌های دیر قانون النهر از جمله بنده در آن دوره‌های آموزشی شرکت کردند. ■



فوق العاده و استثنایی داشت. ولی به دلیل داشتن فعالیت‌های جهادی و عملیاتی فوق سری، ناشناخته مانده بود. هرچند در مجامع و محافل جهادی برای جوانان سخنرانی و آنان را به جهاد تشویق می‌کرد، ولی یک مجاهد ناشناخته به شمار می‌رفت.

❁ وصیتنامه‌ای از شهید رضا حریری به یادگار مانده است؟

آری... وصیتنامه زیبایی از ایشان مانده و در آن از امام خمینی و لزوم پیروی از رهنمودهای ایشان یاد می‌کند. در سن ۲۲ سالگی داشتن چنین استعداد و ذهنیتی کار ساده‌ای نیست.

❁ اشاره کردید که شهید رضا حریری در طراحی عملیات شهید احمد قصیر نقش اساسی داشت. بفرمایید پس از اجرای موفقیت آمیز عملیات چه احساسی داشت؟

ما چگونه اطلاع یافتیم که رضا هم در این موضوع ارتباط داشته است؟ ابتدا به شما بگویم که یک لشکر از شهدای شاخص مقاومت به این خانه رفت و آمد می‌کرده‌اند. و مرحومه مادرم همه آن‌ها را می‌شناخت. از سوی دیگر در این خانه انواع اسلحه و مسلسل وجود داشت. وقتی برادرم توسط اسرائیلی‌ها دستگیر و بازداشت شد. مادرم در یک اقدام احتیاط آمیز رفت و همه سلاح‌های موجود را جمع آوری و زیر درخت صنوبر باغ خانه پنهان کرد. چون می‌دانست وقتی اسرائیلی‌ها یک جوان مجاهد را دستگیر می‌کنند فوری به خانه او یورش می‌برند و به جست و جوی خانه او می‌پردازند. مادرم هنگام حفاری زمین باغ

در آن‌جا زندانی بود و به خاطر هوشمندی که داشت جان سال به در برد. ایشان شش ماه قبل از شهادت ازدواج کرده بود.

❁ امکان دارد درباره عملیاتی که به بازداشت ایشان منجر شد بیشتر توضیح دهید...

شهید رضا حریری در پی عملیاتی که در منطقه جویا در جنوب لبنان به مورد اجرا گذاشته شد، به وسیله نظامیان صهیونیست دستگیر و به زندان عتلیت در شمال فلسطین اشغالی برده شد و به مدت سه ماه از سرنوشت او اطلاع نداشتیم. در آن برهه مثل امروز وسایل ارتباطی وجود نداشت. روزانه سوار وانت می‌شدیم و در روستاها سراغ رضا را می‌گرفتیم. البته او در زندان از افشای هویت و نام واقعی خود برای مأموران اسرائیلی خودداری کرد و به نام علی عزالدین خود را معرفی کرده بود. نظر به این‌که همیشه در تعقیب مأموران اسرائیلی قرار داشت کارت شناسایی خود را به نام علی عزالدین جعل کرده بود. روزی از ایشان از زندان عتلیت نامه رسید و مطمئن شدیم که رضا زنده است. ایشان ضمن داشتن تخصص در امور نظامی و دفاعی، اهل شعر و ادبیات هم بود. در زندان عتلیت با نظامیان صهیونیست درباره مسایل اعتقادی بحث و تبادل نظر می‌کرد و آن‌ها حقانیت دین اسلام و مسئله ظهور امام عصر (عج) را می‌پذیرفتند. رضا پس از آزادی از عتلیت این خاطره را بازگو کرده است. با این وصف می‌توان گفت که شهید رضا حریری شخصیت چند بعدی داشت. آموزگار، سخنور، آگاه به مسایل شرعی و میان جوانان تأثیر گذار بود. همیشه به مجاهدان مقاومت انرژی می‌داد. شخصیت



چشم اندازی به هویت و ابعاد دینی شهادت طلب دیگر دیر قانون النهر در گفت و گوی شاهد یاران با عماد قصیر برادر شهید حسن قصیر

## وقتی دو شهادت طلب پسر خاله باشند

درآمد

گفت و گو با بازماندگان یکی دیگر از شهدای شهرک شهید پرور دیر قانون النهر دلنشین و طعمی خاص دارد. عملیات شهادت طلبانه شگفت آور و تحسین برانگیز دو تن از فرزندان سلحشور این شهرک به نام های احمد قصیر و حسن قصیر نام این شهرک را در ردیف شهرهای مقاوم و معتبر جهان بر ضد اشغالگران قرار داده است. آن دو شهید بزرگوار پسر خاله یکدیگر بودند، اما عملیات شان در فاصله سه سال به مورد اجرا گذاشته شد، شکی نیست که خون آن دو شهید، لعنت همیشگی بر فرماندهان نظامی جنگ افروز اسرائیل را در پی داشت و دیری نیاید که گریبانگیر آنان شد و زمزمه لزوم تسریع در عقب نشینی از لبنان را مطرح کرد. اکنون با گذشت حدود ۳۵ سال از تجاوز وحشیانه صهیونیست ها به لبنان نام دیر قانون النهر همچنان در حافظه اشغالگران ماندگار است. عماد قصیر برادر شهید حسن قصیر در گفت و گو با شاهد یاران جزئیات عملیات حماسی برادرش را بازگو کرده که با هم می خوانیم:



به طور خلاصه ابتدا کمی از بیوگرافی برادران شهید حسن قصیر بفرمایید و با چه انگیزه‌ای عملیات شهادت طلبانه انجام داد و چه کسی ایشان را تشویق کرد و در آن برهه در چه تشکیلاتی عضویت داشت؟

برادر شهید حسن قصیر در روز هشتم اکتبر سال ۱۹۶۵ در یک خانواده مسلمان و متعهد و مشهور به دینداری و ساکن شهرک دیر قانون النهر دیده به جهان گشود و در این خانواده پرورش یافت. از دوران کودکی، انسانی آرام، آگاه، خوش طبع و روحیه مدیریتی و مسئولیت پذیری به روشنی در چهره او نمایان بود. در دوران نوجوانی هم به انسانی بسیار متدین و مسلمانی معتقد و خیلی شجاع تبدیل شد. از روزی که به سن تکلیف رسید به اجرای مبانی و دستورات دین مبین اسلام پایبند بود و نمازهای روزانه او هرگز ترک نمی‌شد. مرحله تحصیلات ابتدایی را در سال ۱۹۷۱ در یکی از مدارس دیر قانون النهر آغاز کرد و مرحله متوسطه را در مدرسه رسمی العباسیه ادامه داد. سپس مرحله دبیرستان را در هنرستان جبل عامل در رشته برق پشت سر گذاشت. حسن آدم باهوش و استعداد بود و در همه مراحل تحصیلی شاگرد اول کلاس می‌شد.

وقتی شهید حسن قصیر به سن بلوغ رسید، مسجد همیشه پایگاه اساسی او بود و از نمازهای جمعه و جماعات باز نمی‌ماند. در سازمان پیشاهنگی جوانان

مسلمان عضویت داشت و فرماندهی یکی از گردان‌های پیشاهنگی به او واگذار شده بود. ضمن این که همیشه جوانان پیشاهنگ را به رعایت مبانی دینی رهنمون می‌کرد. افزون بر آن در روزگاری که احزاب ناسیونالیست و کمونیست لبنان یکه تاز میدان سیاست بودند و فعالیت‌های فرهنگی ضد دینی داشتند، حسن قصیر با آنان مقابله می‌کرد. هنگامی که اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۸۲ وارد لبنان شدند، عملیات ضد صهیونیستی او شروع شد و عملیات مسلحانه متعددی را بر ضد آنان در جنوب لبنان به مورد اجرا گذاشت.

در پی یکی از آن عملیات‌ها او را شناسایی و دستگیر کردند. بازجوی زندان که با صلابت و استقامت حسن قصیر مواجه شده بود، به ذات مقدس خدای آفریدگار توهین کرد. حسن در آن لحظه به خاطر این توهین به ارزش‌های الهی، تصمیم گرفت از صهیونیست‌ها انتقام بگیرد. در بازداشتگاه او را روی دیوار آویزان کردند و با چوب و قنداقه تفنگ به جان او افتادند. او صلابت و استقامت نشان داد و مقاومت کرد. نه یک کلمه آخ گفت و نه خود را به زمین انداخت. هنگامی که افسر بازداشتگاه به سربازان دستور داد حسن را به زندان الحلوسیه منتقل کنند، او با دو انگشت خود علامت پیروزی نشان داد و به سربازان اخطار داد که درس فراموش ناشدنی به دشمن متجاوز خواهد داد.

در جنوب لبنان یا در فلسطین اشغالی حسن قصیر را زندانی کردند؟

در زندان شهر صور زندانی کردند. لذا حسن قصیر به منظور دفاع از آفریدگار دو جهان، در زندان تصمیم قطعی گرفت که هر طور شده به عملیات شهادت طلبانه اقدام نماید. حسن برای تحقق این خواسته طرح خود را با تعدادی از مجاهدان جنوب لبنان در میان گذاشت و آنان را به همکاری فراخواند. سرانجام طرح اجرای این عملیات شهادت طلبانه با همکاری شهیدان محمد سعد و خلیل جراده برنامه‌ریزی و به مورد اجرا گذاشته شد.

این عملیات شهادت طلبانه در چه سالی به اجرا درآمد؟ و برادران حسن قصیر با سپاه پاسداران هم ارتباط داشت؟

این عملیات شهادت طلبانه در روز پنجم ماه فوریه سال ۱۹۸۵ در منطقه البرج الشمالي در شهر صور و در نزدیکی هنرستان جبل عامل به مورد اجرا گذاشته شد. این هنرستان یکی از نهادهای آموزشی شیعیان جنوب لبنان بود که توسط امام موسی صدر تأسیس شده بود. در آن برهه از استقرار سپاه پاسداران در لبنان حدود چهار سال گذشته بود و تعداد زیادی از جوانان جنوب در دوره‌های آموزش نظامی سپاه شرکت کرده بودند. یکی از مجاهدان جوانی که به حسن قصیر در اجرای این عملیات کمک کرد شهید محمد سعد بود. کسی که خودروی حسن قصیر را بمیگذاری کرد شهید حسن بدران از روستای غازیه در جنوب لبنان بود. بدران در آن برهه یکی از اعضای برجسته و عملیاتی حزب الله بود و خودروی مورد نظر برای اجرای عملیات را سپاه پاسداران در اختیار آنان گذاشت. شهید حسن قصیر در آن برهه در جنبش امل عضویت داشت ولی گویا شهیدان محمد سعد و خلیل جراده با سپاه پاسداران همکاری می‌کردند.

تلفات عملیات شهید حسن قصیر در میان نظامیان اشغالگر صهیونیست چند نفر بوده است؟

عملیات شهادت طلبانه شهید حسن قصیر بسیار موفقیت آمیز بود و از آن فیلم برداری شده است. عملیات شهادت طلبانه برادر حسن قصیر تلفات سنگینی برای نظامیان

در روزگاری که احزاب ناسیونالیست و کمونیست لبنان یکه تاز میدان سیاست بودند و فعالیت‌های فرهنگی ضد دینی داشتند، حسن قصیر با آنان مقابله می‌کرد. هنگامی که اسرائیلی‌ها وارد لبنان شدند، عملیات ضد صهیونیستی شهید شروع شد و عملیات مسلحانه متعددی را بر ضد آنان در جنوب لبنان به مورد اجرا گذاشت

**شهیدان احمد قصیر و حسن  
قصیر پسر خاله یکدیگر و دو  
دوست صمیمی و همفکر بودند،  
در حقیقت آن دو شهید بزرگوار  
دوستدار و پیرو مکتب اهل بیت  
علیهم السلام و طرفدار انقلاب  
اسلامی ایران و امام خمینی (ره)  
بودند**

صهیونیست در پی داشت. به طوری که لاشه‌های اجساد آنان روی ساختمان‌های اطراف خیابان منتهی به هنرستان جبل عامل پراکنده شده بود. ایشان در مسیر ستون نظامیان صهیونیست کمین کرد و هنگامی که ستون به او نزدیک شد، خودروی خود را میان‌شان به راه انداخت و آن را منفجر کرد. تا حدود یک ماه از عملیات مزبور لاشه‌های اجساد نظامیان روی بام ساختمان‌های اطراف مشاهده می‌شده است. بر حسب آمارهایی که اسرائیلی‌ها در آن برهه منتشر کردند، حاکی است که حدود ۱۵ افسر و سرباز اشغالگر در این عملیات به هلاکت رسیدند و ۵۰ تن دیگر نیز زخمی شدند.

**به نظر شما عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر چه تأثیر بر ذهنیت برادران حسن قصیر برای اجرای چنین عملیاتی داشته است؟**

بدون شک عملیات شهید احمد قصیر در آن برهه بر خیلی از جوانان مقاوم جنوب لبنان به خصوص برادران حسن تأثیر گذار بوده است. اصولاً همیشه در صحنه کارزار و میان جوانان مقاوم حضور داشت. به طور مثال روزی که شهید یوسف حریری در سپتامبر سال ۱۹۸۳ عازم نبرد با اشغالگران شد، شهید حسن قصیر کفن به تن کرد و به بدرقه او رفت و به او قول داد که به یاری خداوند متعال به او خواهد پیوست. این نشان می‌دهد که جوانان آن روز لبنان همچون امروز از بزرگترین قدرت‌های دنیا ترسی به دل راه نمی‌دادند.

**آیا شهیدان حسن و احمد قصیر نسبت خویشاوندی هم با یکدیگر داشته‌اند؟**

شهیدان احمد و حسن قصیر پسر خاله یکدیگر و دو دوست صمیمی و همفکر بودند، در حقیقت آن دو شهید بزرگوار دوستدار و پیرو مکتب اهل بیت (ع) و طرفدار انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) بودند. شهید حسن قصیر از دو روز قبل از اجرای عملیات به خانه نیامد. ولی دوستان ایشان نقل کرده‌اند که ایشان حدود دو ساعت قبل از شهادت غسل کرد و وضو گرفت و دو رکعت نماز خواند. هنگامی که ستون خودروهای نظامی ارتش رژیم صهیونیستی به هنرستان جبل عامل نزدیک شد حسن با لبخند و صدای بلند شهادتین را بر زبان آورد و اشهد ان علیا ولی الله را هم به آن اضافه کرد.

**قبل از اجرای عملیات شهادت طلبانه احساسات و آرزوهای حسن را درک می‌کردید؟**

آری... به طور آشکار آرزوهای خود را بیان می‌کرد. به دوستان هم‌رزش مانند محمد سعد و خلیل جراهه و یوسف حریری می‌گفت که آرزوی شهادت دارد. مرکز تجمع و دیدار شهیدان یاد شده مسجد جامع دیر قانون النهر بود. دوستان حسن لبخند زدند و دست نوازش بر شانه او کشیدند و به او گفتند که ما هم این آرزو را داریم. می‌خواهم بگویم همه جوانان آن برهه برای شهادت و عروج به لقاء الله شوق و شوق وصف ناپذیر داشتند.

**اطلاع دارید که خودروی استفاده شده در عملیات شهادت طلبانه حسن قصیر در کدام منطقه بمب‌گذاری و مواد منفجره در آن جاسازی شد؟**

از این موضوع اطلاع دقیق ندارم. ولی دوستان حسن که هنوز در قید حیات هستند نقل کرده‌اند که محمد سعید خودروی مرسدس بنز سبزرنگ را در روستای طورا در جنوب شهر صور پر از مواد منفجره کرد و در روز موعود آن را به صور آوردند و در گاراژ نزدیک هنرستان جبل عامل پارک کردند. گویا یک نفر از اهالی صور در خارج از گاراژ مراقب اوضاع بود و تحرکات نظامیان صهیونیست را لحظه به لحظه به برادر حسن قصیر گزارش می‌کرد. هنگامی که ستون خودروهای نظامیان صهیونیست وارد منطقه شد حسن موتور مرسدس بنز را روشن کرد و حماسه دیگری در جنوب لبنان آفرید که به بلندای آسمان، در تاریخ مبارزات ضد صهیونیستی مردم لبنان زنده خواهد ماند. ■



مادر شهید حسن قصیر، خاله شهید احمد قصیر





باز شماری دست‌آورد‌های جهانی عملیات شهید احمد قصیر در گفت‌وگو با سید محمد صادق حسینی دبیر گفتمان ایران و عرب

## احمد قصیر همه معادلات استکبار جهانی را در منطقه واژگون کرد

درآمد

شهید جوان و جاوید الاثر احمد جعفر قصیر در نوامبر سال ۱۹۸۲ با اجرای عملیات کیفی انهدام مقر فرماندار نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه جل‌البحر در شهر صور در جنوب لبنان، اهداف بیشمار و دراز مدت کیان غاصب در حمله به لبنان و اشغال این کشور را نقش بر آب کرد و معادلات جدیدی را در سطح منطقه به وجود آورد که تا امروز شاهد پیامدهای ارزشمند آن هستیم. رژیم غاصب با حمله گسترده نظامی به لبنان در قالب صد هزار سرباز و پنج هزار تانک و نفر بر زرهی در صدد بود مقاومت فلسطین و نیروهای ملی لبنان را برای همیشه نابود کند و نامی از فلسطین و قدس در اذهان اعراب و مسلمانان باقی نگذارد. احمد قصیر با الهام از رهنمودهای حیات بخش امام خمینی (ره) و پیروی از اهداف و آرمان‌های عاشورایی سرور شهیدان حسین بن علی (ع) طرح‌های ذلت بار قوای استکبار جهانی و چند ملیتی پیمان ناتو مستقر در بیروت برای تسلیم شدن اعراب در برابر اراده اسرائیل را زیر چرخ‌های خودروی مملو از مواد منفجره له کرد و به آنان درس فراموش ناشدنی داد. سید محمد صادق حسینی دبیر گفتمان ایران و عرب و کارشناس مسایل راهبردی خاورمیانه در گفت‌وگو با شاهد یاران از روزهای مقاومت و حماسه شیعیان جنوب لبنان در برابر ماشین جنگی صهیونیست‌ها سخن گفته است. ناگفته نماند که ایشان برادر شهید مبارز محمد صالح حسینی است که در سال ۱۹۸۰ توسط عوامل حزب بعث عراق در بیروت به شهادت رسیده و در گلزار شهدای بهشت زهرا (س) خاکسپاری شده است.



موافقتنامه صلح با تل آویو تن داد.

**گفته شده که سازمان آزادی بخش فلسطین از طرح حمله اسرائیل به لبنان آگاهی داشته است. با وجودی که ساف از امکانات تسلیحاتی و مالی فراوان برخوردار بود، چرا میدان را در برابر دشمن خالی گذاشت و گریخت؟**

پرسش متینی است که چرا سازمان آزادی بخش فلسطین خود را برای رویارویی با تهاجم ارتش اسرائیل آماده نکرد. برای پاسخ به این پرسش باید گفت که این سازمان و رئیس آن یاسر عرفات که فرمانده جنبش فتح نیز بود همواره نسبت به وقوع چنین تهاجمی در آینده نزدیک هشدار می‌داده است. او از جزئیات تهاجم ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان آگاهی داشت و در عین حال اوضاع جهان عرب را نابسامان و ناامیدوار کننده توصیف می‌کرد. من بر این باورم که در اراده و عقیده جنگی اعراب که می‌بایست در برابر تهاجم و اهداف بزرگ دشمن ایستادگی و مقاومت کند اختلال وجود داشت. هرچند دشمن در اوج ضعف و درماندگی بسر می‌برد و این تهاجم را به منظور سرپوش گذاشتن بر درماندگی خود تدارک دیده بود، ولی اوضاع توده‌های عرب و مسلمانان هم مساعد و خوشبین کننده نبود. تنها روزنه‌ای امید که در تونل تاریک اعراب و مسلمانان به تازگی نمایان شد و درخشید، پیروزی انقلاب اسلامی است که دو سال از آن نگذشته بود. انقلاب اسلامی هنوز جوان و مشکلات زیادی در مسیر آن آفریده بودند که توان ایستادگی سریع و آسان در برابر تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان را نداشت. لذا انقلاب اسلامی ایران به زمان بیشتری نیاز داشت تا فرهنگ قیام مردمی همگانی و فرهنگ مقاومت را در منطقه بگستراند. از سوی دیگر اوضاع جهان عرب بسیار بد و سردرگم بود. پراکندگی همه جا را فرا گرفته بود. بین دو شاخه حزب بعث حاکم در عراق و سوریه کشمکش

امروز ادامه دارد.

۳- ایجاد منطقه امن و خالی از سلاح، مانند نوار امنیتی و اشغالی در جنوب لبنان که این پروژه تا سال ۲۰۰۰ به وسیله ارتش جنوب لبنان به سرکردگی انتوان لحد برقرار بود.

رژیم صهیونیستی افزون بر عوامل یاد شده، عملیات رزمندگان مقاومت فلسطین در جنوب لبنان را مهمترین دست‌آویز برای حمله نظامی گسترده به لبنان در سال ۱۹۸۲ قرار داد. یکی از نتایج منفی این حمله زمینه‌سازی طرح دراز مدت فتنه انگیزی در جهان عرب و در نهایت تقسیم مرزهای جغرافیایی کشورهای عربی بود که عملاً تحقق یافت. در پی این حمله، واژگان سیاسی برخی از دولت‌های خودباخته

**یورش گسترده ژوئن سال ۱۹۸۲ اوج شکست و ناامیدی تجاوزکاران را از توقف مقاومت ضد صهیونیستی آشکار کرد. اسرائیلی‌ها در این یورش گمان کرده بودند که با استفاده از چند هزار تانک و صدها هواپیما به قدرت مطلق رسیده‌اند و می‌توانند مقاومت فلسطین را در عرض چند روز بکنند. روز برای همیشه نابود کنند**

عرب دگرگون گردید، و متأسفانه برخی از دولت‌های عضو اتحادیه عرب به منظور حفظ موجودیت خویش از اوضاع لبنان کناره‌گیری کردند و این کشور را به حال خود رها کردند. دولت لبنان هم که با مهاجمان صهیونیست همدست شده بود، به راه سازش و امضای

**هنگام حمله تجاوزگرانه رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲ جناب‌عالی در بیروت بسر می‌بردید و شاهد جنایات این رژیم بودید. بفرمایید که اهداف حمله چه بوده و چه نتایجی در پی داشته است؟**

در حقیقت یکی از اهداف رژیم صهیونیستی از حمله نظامی به لبنان سرپوش گذاشتن بر شکست‌های مستمر و پی در پی آن رژیم برای متوقف ساختن موج همبستگی و پشتیبانی مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی و نیز توده‌های امت عرب از مقاومت ضد صهیونیستی بود که برای آزاد سازی این سرزمین صورت می‌گرفت. در آن برهه سرزمین‌های اشغالی در تب و تاب دفاع از انقلاب و مقاومت فلسطین قرار داشت. هم‌چنانکه سرزمین و گروه‌های انقلابی لبنان که مقاومت فلسطین را در آغوش گرفته بودند، وحشت روز افزون تل آویو را برانگیخته بودند، و آن رژیم تعبیر «فتح لاند» را در توصیف سرزمین لبنان به کار می‌برد. البته کلمه «فتح» بمعنی جنبش آزادی بخش ملی فلسطین است و با سازمان آزادی بخش فلسطین تفاوت دارد. چون جنبش فتح دربرگیرنده همه گروه‌ها و جریانات انقلابی و اقلیت‌گوناگون ملت فلسطین است. با این وصف اغلب گروه‌های فلسطینی در کنار جنبش فتح از داخل خاک لبنان با دشمن صهیونیستی می‌جنگیدند.

از سوی دیگر سرزمین پاک و پویای عربی و اسلامی لبنان به کانون انقلابی مردمی تبدیل شده که تل آویو بیم داشت در جهان عرب فراگیر شود و کیان غاصب را در سرزمین فلسطین به محاصره درآورد. بنابر این شکست اسرائیل در تلاش برای متوقف نمودن موج گرایش‌های آزادی خواهانه در داخل سرزمین‌های اشغالی فلسطین و در جهان عرب موجب شد که چند بار از جمله در سال ۱۹۷۸ به لبنان حمله نظامی کند. رژیم صهیونیستی در این حملات نظامی می‌کوشید شانس خود را تست کند. ولی مقاومت فلسطین با پشتیبانی مردم جنوب لبنان حملات آن رژیم را دفع می‌کردند. لذا یورش گسترده ژوئن سال ۱۹۸۲ اوج شکست و ناامیدی تجاوزکاران را از توقف مقاومت ضد صهیونیستی آشکار کرد. اسرائیلی‌ها در این یورش گمان کرده بودند که با استفاده از چند هزار تانک و صدها هواپیما به قدرت مطلق رسیده‌اند و می‌توانند مقاومت فلسطین را در عرض چند روز برای همیشه نابود کنند. ولی این حمله نتایج معکوس برای آنان داشت. کیان غاصب افزون بر حملات نظامی، راهکارهای دیگری را هم در جنوب لبنان می‌آزمود.

از قبیل:

۱- صادر کردن بحران‌های داخلی خود به کشورهای عرب همجوار با فلسطین اشغالی. مانند تلاش برای استقرار نظام دست‌نشانده در بیروت به سرکردگی بشیر جمیل.

۲- چشمداشت به منابع آبی لبنان و غارت آب سرچشمه وزانی در جنوب این کشور که همچنان تا

مردان شریف لبنانی دادند که با آگاهی کامل و اراده پولادین از انقلاب فلسطین دفاع می‌کردند. یکی از این لبنانی‌های شریف و غیور فرمانده شهید حاج عماد مغنیه بود.

بنده و شهید عماد مغنیه در آن برهه در گردان دانشجویی وابسته به جنبش فتح فعالیت می‌کردیم و ایشان به جنگ و دفاع از آرمان فلسطین و قدس شریف اعتقاد کامل داشت. لذا تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان برای عماد یک فرصت تاریخی بود که با ارائه طرح‌های ماهرانه و عملیاتی و برنامه‌ریزی راهکارهای اصولی دفاع از مقاومت فلسطین، انسانی موفق و تأثیر گذار باشد. فراموش نکنم که ایشان نسبت به ماهیت رژیم صهیونیستی دیدگاه‌های اصولی و منطقی داشت و دیدگاه‌های درست ایشان به مرور زمان به اثبات رسید. بنده معتقدم که شهید عماد مغنیه آینده نگر بود و اشغال لبنان را فرصتی مناسب برای رویارویی با

ساخته نیست. چه رسد به این که ساختار اعتقادی و سازمانی مقاومت فلسطین سست و پراکنده بوده است.

**گویا پس از یورش ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان و رسیدن به کاخ ریاست جمهوری بعد و قبل از اجرای عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر، ناامیدی و سردرگمی، سیاستگذاران لبنان و فلسطین و همه جهان عرب را در بر گرفت. در آن مرحله همه محافل اعتراف کردند که دوران انقلاب فلسطین پایان یافته و دوره استعمارگری اسرائیلی‌ها آغاز شده است. ولی نیروهای اسلامی و ملی لبنان زمام امور را به دست گرفتند و معادله را واژگون کردند. از جنابعالی می‌خواهم جزئیات آن مرحله را شرح دهید...**

و درگیری شدید وجود داشت. انور سادات رئیس جمهوری وقت مصر به تازگی آرمان فلسطین را در آب‌خور یهودیان جهان به قیمت ناچیزی فروخته بود. اغلب دولت‌های عرب هم تسلیم وضع موجود شده بودند. بدتر از همه اراده جنگیدن در اندیشه جنبش‌های چریکی و سازمان‌های فلسطینی از بین رفته بود. چون ضعف، درماندگی و پراکندگی سرتاسر وجود آن‌ها را فرا گرفته بود. در جبهه خلق برای آزادی فلسطین انشعاب بروز کرد و از درون آن جبهه دمکراتیک به وجود آمد. جبهه خلق (فرماندهی کل) از سازمان آزادی بخش فلسطین جدا شد. این نشان می‌دهد که پدیده اختلافات و پراکندگی تا چه اندازه نیروهای مقاومت فلسطین را درمانده و سست کرده بود. لذا فدائیان فلسطینی در اولین لحظه ورود سربازان اسرائیلی به خاک لبنان سلاح‌های خود را زمین گذاشتند و از صحنه گریختند.

**تنها روزه‌ای امیدی که در تونل تاریک اعراب و مسلمانان به تازگی نمایان شد و درخشید، پیروزی انقلاب اسلامی بود که دو سال از آن نگذشته بود. انقلاب اسلامی هنوز جوان و مشکلات زیادی در مسیر آن آفریده بودند که توان ایستادگی سریع و آسان در برابر تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان را نداشت**



دشمن می‌دانست که به وسیله این رویارویی می‌تواند آرزوها و رؤیاهای دیرینه خود را در دفاع از آرمان فلسطین محقق نماید، هم می‌تواند هسته مقاومت جدید و قیام جدیدی را در لبنان پایه ریزی کند. با این وصف در نتیجه فرهنگ مقاومت جدیدی که شهید عماد مغنیه پایه گذار آن بود، گروه‌های اسلامی لبنان با هماهنگی جنبش امل اسلامی به رهبری سید حسین موسوی معروف به ابو هشام از نظر عملیاتی یکپارچه و منسجم شدند و آتش انقلاب جدیدی را در خاورمیانه بر افروختند. چون ابو هشام پس از به اشغال درآمدن لبنان، بیدرنگ به تهران آمد و بنده ایشان را به ملاقات مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی بردم. ابو هشام در آن ملاقات توضیح داد که رهبران لبنان به خصوص رهبران جوامع شیعه تسلیم وضع جدید ناشی از تجاوز دشمن شده‌اند و ما فرزندان حضرت فاطمه زهرا (س) را رها کرده‌اند و ما از جمهوری اسلامی تقاضای کمک داریم. آقای رفسنجانی که خانه مسکونی ایشان در همسایگی خانه

برای پاسخ به این پرسش، چند حقیقت انکار ناپذیر تاریخی را که شخصا شاهد بودم بازگو می‌کنم. آن چه در لبنان اتفاق افتاد، اقلشار سیاسی و فرهنگی لبنان و جهان عرب را سرفکننده و سردرگم کرد و همه آنان تقریباً تسلیم وضع موجود شدند. به استثنای گروهی از افراد شریف و مؤمن فلسطینی و لبنانی ثابت و استوار ماندند و در چارچوب تشکیلاتی به نام گردان دانشجویی و گردان الجرمق که بخشی از جنبش فتح بودند با اشغالگران جنگیدند. در میان لبنانی‌ها هم گروه‌های فعال و فرهیخته اسلامی در بخش‌هایی از مناطق بیروت و برخی از مناطق جنوب لبنان و بقاع یکپارچه و منسجم شدند و در برابر نیروهای مهاجم با دسترسی به اسلحه به زمین مانده یا از انبارهای مخفی سازمان آزادی بخش فلسطین، مقاومت کردند. ابو عمار (یاسر عرفات) و ابو جهاد (خلیل الوزير) قبل از ترک بیروت، مقادیری از این سلاح‌ها را تحویل

مطلب مهم دیگر این است که مردم فلسطین به تنهایی مالک انقلاب، مقاومت و اندیشه آرمان فلسطین نبودند، همچنانکه به تنهایی توان آزادی فلسطین را نداشتند. زیرا تهاجم نظامی سال ۱۹۸۲ رژیم صهیونیستی به یک کشور همسایه مانند لبنان، در ادامه تهاجم یهودی صلیبی غرب به جهان عرب و جهان اسلام بود که از صد سال پیش آغاز شده است. تهاجم کیان غاصب و نژادپرستی است که تمدن جعلی غرب آن را در خاورمیانه کاشته است. هدف اصلی تهاجم وحشیانه سال ۱۹۸۲ فزون خواهی و توسعه طلبی جغرافیایی و فتنه انگیزی پایدار و مستمر در کشورهای عربی و اسلامی بوده است. با این وصف پروژه بزرگ انقلاب فلسطین هر اندازه هم قوی بوده باشد، می‌بایستی در جهان اسلامی از عمق و پشتیبانی مردمی برخوردار بوده باشد. چرا که بدون پشتیبانی اعراب و مسلمانان کاری از دست انقلاب فلسطین

جهان و اصول جنگ حزب الله با رژیم صهیونیستی را بکلی واژگون کرد.

**❁ سخنان تان نشان می‌دهد که کیان غاصب فلسطین از تاریخ و هویت شیعیان لبنان و جبل عامل شناخت کافی نداشته است. به نظر شما رژیم صهیونیستی نمی‌دانست که اگر سازمان آزادی بخش فلسطین را از لبنان بیرون کند، با دشمن سرسختی مواجه خواهد شد؟**

خداوند را سپاس می‌گویم که دشمنان ما را افرادی احق و کودن قرار داده است. قطعاً صهیونیست‌های متجاوز تاریخ و هویت شیعیان لبنان را نخوانده بودند. صهیونیست‌های کودن هرگز تصور و باور نمی‌کردند

**شکی نیست که عملیات شهید احمد قصیر به برکت تلاش‌های شهید عماد مغنیه به مورد اجرا گذاشته شده است. چرا که ایشان در روابط ملی، عربی و اسلامی خود از پشتوانه بی‌نظیر سه ضلعی برخوردار بود که یک ضلع آن عملیاتی بوده است**

که دشمن آن‌ها از روز ششم ژوئن سال ۱۹۸۲ به بعد انسان‌های معمولی نخواهند بود. از آن روز به بعد دشمنان آن‌ها یاسر عرفات و ابو جهاد نخواهند بود. این بار دشمنان آن‌ها حسین بن علی (ع) و پیروان پاک طینت و عاشق شهادت شدند. درست است که ابزارهای جنگ با کیان غاصب و متجاوز بشر بودند، ولی کسی که با آن‌ها به میدان رزم و مقاومت آمد امام الحسین (ع) و اندیشه و راهکار حسینی بود که با قدرت وارد میدان نبرد با متجاوزان به حقوق فلسطینی‌های مسلمان شد که دست‌آوردهای درخشانی در پی داشت که امروزه فرهنگ مقاومت فراگیر اسلامی نامیده می‌شود.

**❁ نتایج کوتاه مدت عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر چه بوده است؟ به نظر شما اندیشه سازش ناپذیری و جهت دادن لوله تفنگ به سوی دشمن را تعدیل و تقویت کرد؟**

در پی این عملیات، هر آن‌چه به راه حل‌های سیاسی سازشکارانه و تسلیم طلبانه به منظور پایان دادن به قضیه فلسطین و تکیه به شورای امنیت سازمان ملل متحد به ویژه قطعنامه ۴۲۵ درباره لزوم عقب نشینی اسرائیل از خاک لبنان و سایر سرزمین‌های اشغالی اعراب نامیده می‌شود، سقوط کرد. گفت و گوهای

بود. زود هنگام از یک فرمانده جوان عملیاتی در کنار انقلاب فلسطین به یکی از شاگردان نجیب و مجری دستورات امام خمینی (ره) تبدیل شد. خویش و راه تحقق آرزوهای دیرینه خود را در شخصیت امام (ره) یافت. همانگونه که پیشتر به آن اشاره کردم که هیچ انقلاب و مقاومت ضد صهیونیستی موفق نمی‌شود مگر با داشتن پشتوانه عربی و اسلامی، لذا عماد مغنیه نیازمندی‌های عملیاتی مقطعی خود را با نیازهای مراحل آینده پیوند زد.

ضلع سوم پشتوانه عملیاتی و فکری عماد را داشتن روابط خیلی خوب با روحانیون مبارز لبنان و در رأس آنان مرحوم سید محمد حسین فضل الله تشکیل می‌داد. در لبنان در ده‌های هفتاد و هشتاد

امام (ره) در جماران بود، بیدرنگ پیام ابو هشام را به استحضار امام رساند. امام به وسیله آقای هاشمی به سید حسین موسوی فرمود که شما به شاگردم علی اکبر محتشمی پور سفیر و نماینده تام‌الاختیار من در سوریه مراجعه کنید و تقاضای خویش را با ایشان در میان بگذارید. ما هرچه در توان داریم به مقاومت لبنان ارائه خواهیم کرد. این مضمون پیام حضرت امام (ره) است که مرحوم هاشمی رفسنجانی برای ابو هشام نقل کرد. آن‌گاه ابو هشام با روحیه عالی و مثبت به بعلبک بازگشت و بیدرنگ نیروهای عملیاتی ضد صهیونیستی را پیرامون جنبش امل اسلامی گرد هم آورد و اولین هسته‌های مقاومت اسلامی در لبنان شکل گرفت.



قرن بیستم بحث‌هایی مطرح می‌شد که عملیات استشهادی جوانان انقلابی خودکشی، یا شهادت در راه خداست. ولی تنها کسی که از نظر فکری و عملی به این بحث‌های بیهوده در صحنه لبنان پایان داد سید محمد حسین فضل الله بود و هیچ کسی منکر این موضع اصولی نیست. به همین دلیل بسیاری از کارشناسان، علامه فضل الله را پدر معنوی حزب الله می‌نامیدند. با این وصف شهید عماد مغنیه واقعی با این سه بال پرواز می‌کرده است:

- ۱- انقلاب فلسطین.
- ۲- انقلاب اسلامی ایران.
- ۳- نهضت فکری و علمایی لبنان به رهبری سید محمد حسین فضل الله.

بر این اساس، من مطمئن هستم که شهید عماد مغنیه بنیانگذار عملیات شهادت طلبانه بوده و نقش اصلی را در طراحی عملیات بزرگ شهید بزرگوار احمد قصیر داشته است که این عملیات معادلات منطقه

**❁ اشاره کردید که شهید عماد مغنیه تلاش‌های زیادی در گرد هم آوری افراد و گروه‌های اسلامی و تهیه اسلحه به عمل می‌آورده است. به نظر شما در آماده سازی عملیات شهادت طلبانه شهید احمد قصیر هم نقش داشته است؟**

شکی نیست که این عملیات به برکت تلاش‌های شهید عماد مغنیه به مورد اجرا گذاشته شده است. چرا که ایشان در روابط ملی، عربی و اسلامی خود از پشتوانه بی‌نظیر سه ضلعی برخوردار بود که یک ضلع آن عملیاتی است. در این بخش از انبارهای اسلحه و چگونگی جمع آوری سلاح آگاهی کامل داشت. از روابط قوی و متین با رهبران مبارز و انقلابی ماندگار مقاومت فلسطین در لبنان که میدان را خالی نگذاشتند و پایدار ماندند و جنگ را ادامه دادند، برخوردار بود و از طرح‌ها و برنامه‌های آینده آنان شناخت کامل داشت. ضلع دوم مثلث شهید مغنیه برقراری روابط و همکاری با انقلاب اسلامی ایران

پس از عملیات شکوهمند شهید احمد قصیر احزاب و جنبش‌های عربی به معادله جدید گرایش پیدا کردند. گروه‌های فلسطینی مواضع خود را تعدیل کرده و در راهکارها و برنامه‌های سیاسی‌شان تجدید نظر به عمل آوردند و طبق شرایط نوپا در صحنه لبنان متحول شدند و ناگزیر فرهنگ شهادت طلبی را پذیرفتند



### مقاومت را تشکیل می‌داد. تحلیل شما چیست؟

آگاهید که بروز تحول در فرهنگ مقاومت و گسترش آن بر اوضاع سیاسی خاورمیانه و جهان عرب تأثیر گذار بود. بسیاری از رؤسای جمهوری و پادشاهان عرب از تحولات شتابان و غیر قابل پیش‌بینی لبنان ابراز بیم و نگرانی کردند که امکان داشت به سقوط تاج و تخت آنان منجر گردد. لذا دشمنان حزب الله و محور مقاومت و مدافعان اسرائیل ابتدا کارشان را با حافظ اسد رئیس جمهوری وقت سوریه آغاز کردند. ولی ایشان تا آخرین لحظه حیات با امضای قرار داد سازش با دشمن مخالفت کرد. فشارها و تطمیع‌های دشمنان را به شدت رد نمود. هنگامی که بشار اسد حاکمیت سوریه را به دست گرفت، دشمنان گمان کردند که او فرهیخته، مدرن، اصلاح طلب و چشم پزشکی است که به تازگی از لندن بازگشته است کوشیدند با تطمیع طلا و نقره و پول‌های نفتی او را فریب دهند. ولی بشار اسد آنان را غافلگیر کرد که راهکار و سیاست پدرش را ادامه می‌دهد. نه ذلیلانه معاهده سازش امضا می‌کند و نه به راحتی تسلیم زورگویی آنان می‌شود.

پس از تحولات بیداری اسلامی در کشورهای تونس و مصر، دشمنان موج سواری کردند و تصمیم گرفتند به ستون فقرات مقاومت که همانا سوریه می‌باشد، پاتک بزنند. نظر به این که محور مقاومت از حدود چهار دهه پیش میان تهران، دمشق و ضاحیه جنوبی بیروت و همه کانون‌های مقاومت در جبل عامل و بقاع شکل گرفته است، دشمنان باز گمان کردند که این ستون فقرات مانند نهال نوپایی هنوز تازه است و می‌توان به راحتی آن را در زمان حاکمیت بشار اسد شکست دهند. لذا پاتک را شروع کردند و هدف اصلی‌شان ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران بود که بوش پسر آن را بانک مرکزی تروریسم، یا جایزه بزرگ نامیده بود. البته بنده انقلاب اسلامی را بانک مرکزی مقاومت می‌نامم. باز دشمنان در این توطئه ناکام ماندند و با بن بست بزرگی مواجه شدند. چرا که سوریه را نشناخته بودند و برای نابودی این ستون

هسته واقعی و عملیاتی در منطقه بعلبک در شرق لبنان ماندند و با همکاری برادران لبنانی‌شان در سازندگی و پایه گذاری فرهنگ شهادت و مقاومت حسینی (ع) تشریک مساعی کردند. این تشریک مساعی، فضای خیلی زیبا و درخشانی را به وجود آورد که در نتیجه آن زمینه عملیات شکوهمند فرمانده شجاع شهید احمد قصیر فراهم گردید. با این وصف این عملیات به برکت تلاش‌های دامنه دار شهید حاج عماد مغنیه و تعدادی از برادران مجاهد ایشان و در عین حال با پشتیبانی سپاه پاسداران و بر وفق اندیشه اصیل امام خمینی (ره) و بر طبق فرهنگ عاشورا و ایده‌های اصیل شهادت حضرت امام حسین (ع) صورت گرفت.

نکته دیگری که در این مقوله لازم است به آن اشاره شود، این است که در آن مرحله تعداد یاران و پیروان تفکرات امام خمینی (ره) در لبنان اندک بود. همچنین تعداد پیروان مقاومت محمدی (ص) ناب و حسینی (ع) اصیل اندک بود. تا جایی که برخی از علمای آن روز لبنان به شیعیان توصیه می‌کردند که تدروی نکنند. می‌گفتند ما لبنانی‌ها میانه رو و انعطاف پذیر هستیم. غذا را زیاد شور نکنید که نمی‌توانیم تحمل کنیم. دولت لبنان ضعیف است و نمی‌تواند مقاومت کند. ولی امام خمینی (ره)، سپاه پاسداران و شهید حاج عماد مغنیه همه معادلات یاد شده را به هم ریختند و مرحله جدیدی از فرهنگ عاشورایی را پایه گذاری کردند. در آن مرحله که شهروند لبنانی در جست و جوی امام و پیشوای خود بود، سرانجام امام واقعی خود را یافت. در این حال امام و مأموم با یکدیگر پیوند خوردند و در نتیجه امت حزب الله شکل گرفت.

سختان ارزشمند شما نشان می‌دهد که با عملیات شهید احمد قصیر همه توطئه‌ها و طرح‌های فزون خواهانه رژیم صهیونیستی در لبنان نا کام ماند و دشمن برای ضربه زدن به روند مقاومت به جست و جوی راه‌های دیگری پرداخت. یکی از این راه‌ها ضربه زدن به دولت سوریه بود که یکی از مهمترین محورهای سه‌گانه

سیاسی با دشمن و مرحله خیانت انور سادات و قرار داد ذلت بار کمپ دیوید سقوط کردند. راهکارهای معمول و غیر معقول احزاب سیاسی و مسالمت آمیز و جناح‌های نظامی اعراب سقوط کردند. پس از عملیات شکوهمند شهید احمد قصیر همه احزاب و جنبش‌های عربی به معادله جدید گرایش پیدا کردند. گروه‌های فلسطینی مواضع خود را تعدیل کرده و در راهکارها و برنامه‌های سیاسی‌شان تجدید نظر به عمل آوردند و طبق شرایط نوپا در صحنه لبنان متحول شدند و ناگزیر فرهنگ شهادت طلبی را پذیرفتند و هرگونه ذلت و سازش با دشمن صهیونیستی را رد کردند. بر اساس معادلات جدید، عملا فرهنگ و تفکر حسینی (ع) در رأس و درون همه جریان‌ها و احزاب عربی حاکمیت یافت. تأثیر گذاری این عملیات بر رژیم‌های خودباخته عربی طوری بود که آن‌ها را به وحشت انداخت و ترس آن‌ها از آینده فزونی یافت و برای حفظ حاکمیت خود ناگزیر شدند به دشمن و غرب که باعث سرافکنگی‌شان بودند امتیاز دهند.

**عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر واقعیتی جدید و مرحله جدیدی را پایه گذاری کرد. ولی این حادثه پس از گذشت حدود پنج ماه از استقرار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لبنان تحقق یافت. به نظر تان تشکیل دوره‌های آموزشی نظامی و عقیدتی چه نقش تربیتی در آماده سازی جوانان انقلابی لبنان داشته است. آیا سپاه نقشی در برنامه ریزی و اجرای عملیات شهید احمد قصیر داشته است؟**

صد در صد داشته است و این به برکت رهنمودهای شخص امام خمینی (ره) است. با طرح این پرسش روی نکته مهم و اساسی در شیوه و راهکارهای برخورد با تجاوزگری و اشغالگری رژیم صهیونیستی یا هر نوع اشغالگری امپریالیزم استعمارگر آمریکا در کشورهای اسلامی انگشت گذاشتید. به یاد دارم چند روزی از تجاوز دشمن به لبنان نگذشته بود که صدها تن از رزمندگان سپاه پاسداران جبهه‌های جنگ با دشمن بعضی را رها کرده و به سوریه و لبنان آمدند. آنان تابوت و کفن خود را به همراه‌شان آوردند تا در راه دفاع از لبنان به شهادت برسند. امام خمینی (ره) ناگهان متوجه عواقب این مسئله شد و آقای محسن رضایی فرمانده وقت سپاه را احضار کرد و از او پرسیدند کجا می‌روید؟ دفاع از لبنان کار بزرگ و درستی است. اگر در لبنان یک مقاومت ملی واقعی به وسیله خود مردم لبنان تأسیس نشود، شما به نمایندگی از آنان نمی‌توانید کاری از پیش ببرید و لبنان را آزاد کنید. امکان دارد دشمنان در آینده شما را یک قدرت اشغالگر معرفی کنند و این نکته برای شما سودمند نباشد. نیروهای خود را برگردانید و تعدادی مستشار نظامی، تکنیکی، فکری، تربیتی، فرهنگی و پشتیبانی در آن جا نگه دارید.

لذا تعداد زیادی از مستشاران سپاه پاسداران به عنوان

و غارت ثروت‌های طبیعی آنان تغییر نمی‌دهند. آن‌ها ظالمانه و مغرورانه با ما برخورد می‌کنند و می‌خواهند ما را بخورند. در عصر حاضر با وجودی که استکبار جهانی در بغداد، دمشق و صنعا جام زهر نوشیده است، اما به راحتی تسلیم نمی‌شود. انقلاب اسلامی ناب محمدی (ص) در یمن به رهبری انصار الله توانسته است دشمن صهیونیستی و آمریکایی را فرسایش دهد و با سرکوب و اخراج سازمان‌هایی تروریستی همچون داعش، النصره و القاعده پیروزی‌های بزرگی کسب کند. اکنون سازمان‌های مزبور می‌کوشند نیروهای خود را در مناطق به خصوصی در سوریه و عراق بازسازی و سازماندهی کنند. یا نیروهای مستأصل شده را به وسیله هواپیماهای آمریکایی به افغانستان و برخی از کشورهای شمال آفریقا مانند لیبی، تونس، الجزایر و مغرب منتقل کنند. زمامداران کشورهای یاد شده از عملیات انتقال ته مانده‌های القاعده و داعش به مناطق مورد علاقه آمریکا و با کمک شاگرد نجیب پیمان ناتو، رجب طیب اردوغان اطلاع کافی دارند. نامبرده به آمریکا و سازمان ایپاک (مجمع صهیونیست‌های آمریکا) وابسته است و از آن‌ها نشان شجاعت دریافت کرده است.

از سوی دیگر، اکنون که روسیه و چین به دو قدرت بزرگ جهانی تبدیل شده‌اند و از خط مقاومت در خاورمیانه دفاع می‌کنند. به خصوص که مسکو هم‌پیمان دو محور مقاومت، یعنی ایران و سوریه شده و از آن دو کشور دفاع می‌کند، تا به اهداف شان برسند، ملاحظه می‌کنیم که آمریکا و غرب بر اساس یک طرح راهبردی تلاش می‌کنند همه نیروهای تکفیری و تروریستی و مانده را برای محاصره روسیه و چین بسیج کند. لذا کار انتقال ته مانده‌های داعش و النصره و گروه‌های تروریستی و تکفیری ایگور و ترکستان و دیگران را به شمال افغانستان و نزدیک مرزهای روسیه و چین از چند ماه پیش آغاز کرده‌اند. چون استکبار جهانی تمایلی به حضور آن دو قدرت جهانی در تحولات خاورمیانه ندارد.

امام خمینی (ره)، سپاه پاسداران و عماد مغنیه معادلات یاد شده را به هم ریختند و مرحله جدیدی از فرهنگ عاشورایی را پایه گذاری کردند. در آن مرحله که شهروند لبنانی در جست و جوی پیشوای خود بود، سرانجام امام واقعی خود پیوند خوردند و در نتیجه امت حزب الله شکل گرفت

خوش خدمتی رئیس وقت سازمان امنیت عربستان بزرگترین جنایتکار جنگی و هابیت به صهیونیسم را فراموش نمی‌کند. بشار اسد در توصیف بندر بن سلطان گفته بود که او نماینده رسمی آمریکا در خاندان سعودی است. بندر در اوج بحران سوریه، حزب الله را بیماری بدخیم نامید که باید ریشه کن شود. بر این اساس من معتقدم که هدف نهایی دشمنان نابودی سه محور قدرتمند مقاومت ضد صهیونیستی، یعنی سوریه، ایران و لبنان بود که اجازه فزون خواهی و گسترش نفوذ رژیم صهیونیستی در جهان عرب و جهان اسلام را نمی‌دادند. دشمنان آرزو داشتند فرهنگ مقاومت را مستأصل و ریشه کنند.

**حال که توطئه‌های رژیم صهیونیستی ناکام و با شکست مفتضحانه رو به رو شد و تروریست‌های تکفیری و هابی در سوریه و عراق سرکوب شده‌اند، به نظر شما دشمن صهیونیستی - آمریکایی تا کجا می‌خواهد توطئه‌های خود را برای ضربه زدن به محور مقاومت ادامه دهد؟**

من معتقدم که غرب و استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا هرگز سیاست‌های راهبردی گرگ صفتانه‌شان را برای سرکوب مسلمانان و سایر ملت‌های جهان

فقرات به برنامه‌های همه جانبه نیاز داشتند. طبیعتاً تلاش برای ویرانی و نابودی سوریه اهداف دیگری هم در برداشت که یکی از آن‌ها متوقف کردن راه‌های صدور گاز ایران به اروپا از مسیر ترکیه به منظور اعمال فشار اقتصادی به ایران بود. مانند آنچه امروزه اتفاق می‌افتد. هدف دوم دشمنان از فروپاشی و کنترل سوریه تسهیل انتقال گاز قطر و عربستان از مسیر این کشور به اروپا بود. دشمنان با اجرای این دو توطئه درصدد بودند محور مقاومت میان تهران، دمشق و بیروت را تفکیک و سوریه را غرق بحران‌های گوناگون و فتنه‌های متحرک به وسیله سازمان‌های جدید صهیونیستی با عنوان و هویت عربی مانند القاعده، النصر، داعش و احرار الشام و دیگر اسامی خلق الساعه کنند. همچنین با پرچم‌های سیاه جعلی و مشکوک به نام اسلام آمریکایی، ترکی عثمانی و هابی سعودی و با مشارکت اساسی شیوخ قطر در این توطئه بزرگ نقش مهم بازی کردند. همه آگاهان می‌دانند که آمریکا، فرانسه و انگلیس به نمایندگی از صلیبی‌های جدید و تعداد زیادی از دولت‌های عرب و مسلمان در گردآوری تروست‌های جهان به خصوص از اروپا و اعزام آن‌ها به کشورهای سوریه و عراق نقش اساسی داشتند. هیچ شهروند مسلمان و عرب هرگز نقش اساسی و

السفیر

بیروت تحترق... ولا ترفع الاعلام البيضاء

قوات الغزو تدمر مئات البنايات وآلاف المنازل و ۹ مستشفيات وتسقط ۳۰ قتيلا وجرح ۶ صدها محلات إقحام على ۶ محاور والغزاة يترجعون إلى قصر العدل رغم تقدمهم في الأوزاعي

مجلس الإسمن يعتد جلسين من دون تصويت مشروع سوفياني يدعو لانعقاد مجلس ۳ ساعات ومشرع أسباني - أردني يطالب بانعقاد فوري

مقاومت به اندازه‌ای از دشمن شناخت دارد که دشمن از مقاومت شناخت ندارد. جنگ آینده تنها به جرقه نیاز ندارد. به این نیاز دارد که دشمن به این باور برسد که توان ماندگاری در فلسطین را ندارد و به اقدام جنون آمیز دست بزند. از دست دشمن در مقابل اراده امتی که خواهان آزادی فلسطین است کاری ساخته نیست



الجلیل در شمال فلسطین، شبانه روز لحظه شماری می‌کنند. اکنون مردم، ارتش و دولت لبنان از مقاومت پشتیبانی می‌کنند. در این فضای آماده باش و حماسی، نیروهای قدرتمند مردمی یمن به منظور پشتیبانی از مقاومت لبنان گردان‌های جنگاور و رزمی تشکیل داده‌اند و در صورت بروز هرگونه تحول عملیاتی در مرزهای سوریه و لبنان با فلسطین اشغالی، ده‌ها هزار نیروی رزمنده یمنی و عراقی در اسرع وقت در مرز فلسطین اشغالی مستقر خواهند شد. در این صورت جنگ آینده با جنگ‌های گذشته تفاوت خواهد داشت. در این جنگ قطعاً سخن زیبا و نمادین امام خمینی (ره) را به یاد می‌آوریم که فرموده است: اگر همه شهروندان عرب یک سطل آب روی اسرائیل بریزند، آب اسرائیل را از بین می‌برد. یا همانگونه که آقای نصر الله گفته که اسرائیل سست‌تر از خانه عنکبوت است. اکنون جبهه داخلی دشمن سست و فرسوده شده و توان جنگ را ندارد. ناتوانی حاکمیت رژیم صهیونیستی از جنگ با لبنان از سال ۲۰۰۶ تاکنون به دلیل همین فرسودگی داخلی است. نهایت آرزوی صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها از بین بردن حزب الله و جنگ با ایران است. در حال حاضر بیش از ۷۰٪ از ناوگان دریایی و هوایی ارتش آمریکا آمادگی شرکت در هرگونه جنگی را ندارد. ولی در مقابل این ناتوانی آمریکایی - اسرائیلی، مقاومت لحظه به لحظه و به صورت خیلی عالی از نظر امنیتی، نظامی، اطلاعاتی، فکری، نظری، عملیاتی و ایمانی خود را آماده می‌کند. مقاومت به اندازه‌ای از دشمن شناخت دارد که دشمن از مقاومت شناخت ندارد. جنگ آینده تنها به جرقه نیاز ندارد. به این نیاز دارد که دشمن به این باور برسد که توان ماندگاری در فلسطین را ندارد و به اقدام جنون آمیز دست بزند. وقتی دشمن نمی‌تواند از پرواز بادکنک‌های کاغذی کودکان غزه جلوگیری کند، چگونه می‌تواند در مقابل اراده امتی که خواهان آزادی فلسطین با پشتیبانی خداوند متعال و دعای جوشن صغیر مؤمنان و دعای مرزداران امام سجاد(ع) است جلوگیری به عمل آورد؟ ■

کند که خدای ناکرده غافلگیر نشود. اگر در آینده جنگی بین حزب الله و رژیم صهیونیستی رخ دهد، به نظر شما روند جنگ چگونه خواهد بود؟ به خصوص که دبیر کل حزب الله چندی پیش هشدار داد اگر جنگی رخ داد به یاری خداوند به سوی منطقه الجلیل در شمال فلسطین اشغالی پیشروی خواهیم کرد.

آقای نصر الله و همچنین آموزگار ایشان و آموزگار و امام‌مان مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای اخیراً به نزدیک شدن زمان جنگ بزرگ در خاورمیانه اشاره کرده‌اند. این آقایان فقط رهبران سیاستمدار نیستند. بلکه مردان عملیاتی هم هستند و تجربیات گران‌بهایی در میدان رزم کسب کرده‌اند. در عین حال از عرفان شناخت کامل دارند و می‌توانند آینده را پیش‌بینی نمایند. به تعبیری دیگر من معتقدم که آقایان دبیر کل حزب الله و مقام معظم رهبری، شخصیت‌های ولایت‌مدار هستند و با امام عصر حجت بن الحسن العسکری (عج) ارتباط دارند. با این وصف سخنان ایشان، مانند سخنان معمولی مسئولان سیاسی و عملیاتی نیست. آن دو مقام معزز از سه بعد سیاسی - عملیاتی - معنوی برخوردارند و می‌توانند آینده را بخوانند و پیش‌بینی کنند. آنچه اکنون در میدان واقعی می‌گذرد، بر این سخن صحنه می‌گذارد. در حال حاضر آمادگی نظامی و تدارکات فشرده‌ای در جنوب لبنان و در جنوب سوریه جریان دارد. نبردهای جاری در جنوب سوریه به زودی به موجودیت گروه‌های مسلح پایان خواهد داد و ارتش سوریه مانند سال‌های قبل از بروز بحران داخلی در مرز فلسطین اشغالی استقرار خواهد یافت. با این تفاوت که هزاران نیروی اصل مقاومت مردمی عرب و از کشورهای مسلمان در کنار ارتش سوریه خواهند بود و با صهیونیست‌های اشغالگر جنگ خواهند کرد.

در جنوب لبنان نیز فرماندهان مقاومت برای دریافت فرمان دبیر کل حزب الله به منظور ورود به منطقه

واقعیت این است که ترامپ از این پس نمی‌خواهد در بحران‌های جهانی به طور مستقیم دخالت نظامی کند. به همین دلیل ملاحظه می‌کنید که شعار آمریکا در اولویت را مطرح می‌کند. یعنی سامان دادن به اوضاع اقتصادی داخلی را شعار خود قرار می‌دهد. قصد دارد همه سربازان آمریکایی مستقر در مناطق گوناگون جهان را به داخل کشورشان بازگرداند. می‌خواهد شکست‌های پی در پی مقام‌های سابق کاخ سفید را با پیروزی دروغین و توهمی بپوشاند. می‌خواهد از صرف هزینه‌های کلان بکاهد و سرمایه‌های آمریکا را به داخل آمریکا بازگرداند. تا آمریکا از این راه قدرت گذشته خود را که او با ما و دمکرات‌ها آن را بر اثر دخالت در بحران‌های خارجی بر باد داده‌اند بازیابد. این بخشی از طرح‌ها و توطئه‌های جدید آمریکاست که قصد دارد به وسیله ابزارهای منطقه‌ای علیه ملت‌های منطقه به کار گیرد. لذا آمریکا به بهانه اختلافات قطر و عربستان که خود آفریننده آن است، به اردوغان دستور می‌دهد در خاک قطر پایگاه نظامی تأسیس کند.

شکی نیست که اختلافات دوحه و ریاض، یک بحران دروغین و تصنعی است. ولی از نظر واکنشگن فرصتی برای احضار ترکیه به عنوان عضو کلیدی پیمان ناتو در خلیج فارس به منظور شرکت در عملیات بسیج راهبردی بر ضد روسیه و چین است. ناگفته نماند که ترکیه در چند سال گذشته پایگاه‌های مشابهی در جیبوتی، تونس و در شرق السودان تأسیس کرده است. این اقدامات نشان می‌دهد که غرب و استکبار جهانی به سادگی تسلیم شکست‌های تلخ خود در منطقه نمی‌شود و می‌کوشد توطئه‌های خود را طبق برنامه اولویت بندی کند.

سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله از سال‌ها پیش چند بار گفته است که دشمن جز زبان زور زبان دیگری نمی‌فهمد. گمان کنم که مقاومت به همین دلیل تلاش مضاعف به عمل آورده تا قدرت بازدارندگی در برابر دشمن ایجاد



نگاهی به سبقت گیری شهدای دیر قانون النهر در گفت و گو با عبد الله قصیر نماینده سابق حزب الله در پارلمان لبنان

## اجرای عملیات شهادت طلبانه نهایت آرزوی احمد قصیر بود

درآمد

مرحوم محقق عاملی، شیخ احمد قصیر از سال ۱۹۵۵ تا سال ۱۹۷۸ در حوزه علمیه نجف اشرف تحصیل کرد و عبد الله قصیر نماینده سابق حزب الله در پارلمان لبنان فرزند ایشان است. عبد الله در همان سال پس از بازگشت به لبنان به جنبش امل پیوست و معاونت رئیس منطقه بیروت به او واگذار شد. پس از تهاجم اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ از جنبش امل منشعب شد و به حزب الله پیوست و عملیات مقاومت ضد صهیونیستی را در مناطق اللیلکی، کفرشیمان و الشویفات راهبری کرد و از پیشروی اشغالگران به ضاحیه جنوبی بیروت جلوگیری به عمل آورد. پس از شکسته شدن محاصره بیروت، مسئولیت شاخه حزب الله در محله بئر العبد به عبد الله قصیر واگذار شد. سپس به مدت شش سال مسئولیت بخش اطلاع رسانی بیروت بزرگ و آنگاه واحد اطلاع رسانی مرکزی حزب الله به ایشان واگذار گردید. پس از شهادت سید عباس موسوی و اعلام دبیر کلی سید حسن نصر الله، به عضویت شورای مرکزی و ریاست شورای اجرایی حزب الله انتخاب شد. آنگاه دو دوره نمایندگی مردم جنوب در پارلمان لبنان را به عهده گرفت. پس از آن مسئولیت اداره تلویزیون المنار به مدت ده سال به عهده ایشان قرار گرفت. عبد الله قصیر دارای مدرک فوق لیسانس در رشته جامعه شناسی از دانشگاه لبنان است و کتابی به نام «حرکه التجدید والاستنهاض» تألیف کرده و در آن اندیشه‌های امام خمینی (ره) را مورد نقد و بررسی قرار داده است. شاهد یاران با توجه به شناختی که عبد الله قصیر از شهید احمد قصیر دارد به گفت و شنود با او نشست که آن را با هم می‌خوانیم



■ شهید ربیع قصیر سومین فرزند خانواده احمد قصیر



اسلامی در دیر قانون النهر معرفی شده و همان برادران بودند که طرح عملیات مزبور را برنامه ریزی و تدارک دیدند. به طور تأکید عبد المنعم قصیر نامزد اجرای این عملیات بود، ولی در آخرین لحظه به او گفته شد که عملیات دیگری در آینده برای شما در نظر گرفته شده و سرانجام این مأموریت را به احمد واگذار کردند. اصولاً طرح و برنامه ریزی این عملیات در شرایط کاملاً سری صورت گرفت و بنده پس از گذشت چند سال از جزئیات آن آگاهی یافتم.

از سوی دیگر شهیدان احمد و عبد المنعم قصیر در آن مقطع حساس، در مقاومت و در رویارویی با اشغالگران صهیونیست در جنوب لبنان با یکدیگر همکاری می کردند. شهید عبد المنعم در بیروت سکونت داشت و سلاح تهیه می کرد و آن‌ها را به وسیله خودرو به جنوب انتقال می داد. و تحویل شهید احمد قصیر در دیر قانون النهر می داد. احمد با همکاری همان برادران مجاهد سلاح‌های دریافتی را پنهان می کرد.

❁ گویا هر دو هم سن و سال بودند...

شاید چند ماه تفاوت سنی داشتند. عبد المنعم از کارفرمای خود در بیروت خودرو قرض می گرفت و سلاح‌ها را در آن جاسازی می کرد و شخصاً به جنوب می برد. در آن برهه از جزئیات فعالیت آن دو جوان فداکار اطلاع نداشتم، ولی احساس می کردم کارهای مرموزانه انجام می دهند. چون وقتی احمد به خانه مان می آمد با عبد المنعم در اتاقی خلوت می کرد و هر دو می نشستند و با یکدیگر بحث و تبادل نظر به عمل می آوردند. به هردوی آنان توصیه می کردم که مراقب خودشان باشند و کار متهورانه و نسنجیده انجام ندهند. چون شور و شوق و جسارت در رفتارشان به روشنی نمایان بود.

❁ گویا شما از نظر سن از آن دو بزرگوار بزرگتر بودید؟

کند و در عرض چند ماه این کار را به پایان رساند. وقتی امام رساله تحریر الوسیله عربی را ملاحظه کرد پرسید چه کسی این کار را انجام داده است؟ آن‌گاه امام از پدرم علامه شیخ احمد قصیر دعوت به عمل آورد و در آن جلسه عباى خویش را به پدرم اهدا کرد. هنگامی که پدرم در حوزه قم مستقر بود و برادر عبد المنعم قصیر در جبهه به شهادت رسید. بنیاد شهید و امور ایثارگران ایران عباى دیگر امام را به پدرم هدیه کرد. خانواده پدرم پس از درگذشت ایشان، دو عباى اهدایی امام را به بنیاد شهید لبنان واگذار کرد تا از این میراث ارزشمند نگهداری کند. با شرحی که گذشت شهردک دیر قانون النهر زادگاه چنین علمای بزرگی است، و این نامگذاری بیهوده نیست.

❁ چه نسبتی با شهید احمد قصیر دارید؟

میان خانواده بنده و خانواده شهید احمد قصیر روابط خویشاوندی وجود دارد. پدر بنده با پدر ایشان عموزاده هستند. نکته دوم، شهید احمد قصیر در دوران نوجوانی و در مرحله قبل از یورش رژیم صهیونیستی به لبنان، با بنده در کارگاه آقای قشور واقع در خیابان معوض در ضاحیه جنوبی بیروت در شغل صحافی کتاب همکاری می کرد. ایشان روزانه برای فراگیری این حرفه زیر نظر بنده آموزش می دید. آقای قشور مالک کارگاه از دوستان قدیمی ما در شهردک دیر قانون النهر بود.

❁ این داستان پس از بازگشت ایشان از لیبی است؟

آری... احمد در آن برهه جوان ۱۷ ساله بود و حدود یک سال در آن کارگاه اشتغال داشت. گمان کنم حدود سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۱ بود. احمد در آن برهه با برادر شهید عبد المنعم قصیر روابط دوستانه داشت و به منزل مان در محله بشر العبد رفت و آمد می کرد. پس از اقدام احمد به اجرای عملیات شهادت طلبانه انهدام مقر فرماندار نظامی اسرائیل در صور، اطلاع یافتم که احمد به وسیله برادر عبد المنعم به برادران مجاهد مقاومت

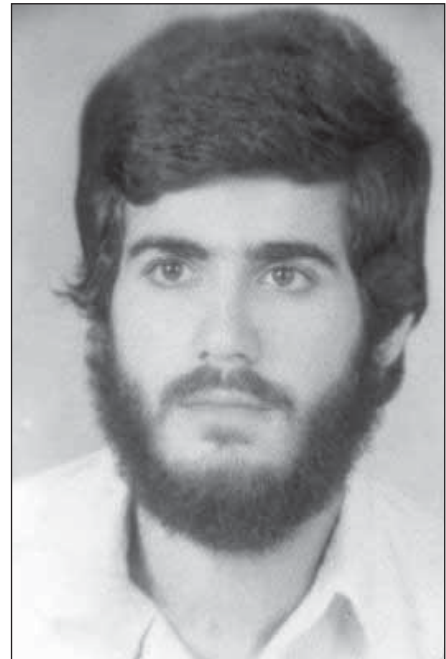
❁ هنگام بازدید از شهردک دیر قانون النهر برای گفت و گو با بستگان شهید احمد قصیر تابلوی «به شهردک علما و شهدا خوش آمدید» جلب توجه کرد. نظر به این که پدرتان یکی از علمای آن شهردک است، به طور خلاصه زندگی ایشان را شرح دهید...

پدرم شیخ احمد قصیر در سال ۱۹۵۳ از شاگردان علامه سید عبد الحسین شرف الدین در شهر صور بود و ایشان پدرم را به ادامه تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه نجف اشرف تشویق کرد. پدر در سال ۱۹۵۵ عازم نجف اشرف شد و در محضر مراجع بزرگ همچون آیت الله سید محسن حکیم و سید ابو القاسم خوبی تلمذ کرد. در آن برهه چون میان پدرم و شیخ محمد رضا مظفر بنیانگذار دانشکده فقه روابط دوستانه وجود داشت چند سالی را هم در آن دانشکده تحصیل کرد. ایشان هنگام اقامت در نجف بر کتاب سنگی و دو جلدی تفسیر التبیان علامه طوسی حاشیه نوشت و آن را در ۱۰ جلد منتشر کرد. همچنین کتاب اصول زبان عربی «متن الاجرومیه» را تألیف کرد که هم اکنون در حوزه‌های علمیه تدریس می شود. شیخ احمد قصیر چند سال نماینده آیت الله حکیم در شهر جولاء در استان دیالی عراق بود. مأموران رژیم حزب بعث در سال ۱۹۷۸ ایشان را دستگیر و به لبنان تبعید کردند. پس از استقرار در مناطق بقاع و جنوب ضمن حفظ وکالت آیت الله خوبی به تبلیغ مبانی دین مبین اسلام پرداخت.

❁ در کلاس‌های درس امام خمینی (ره) هم شرکت می کرد؟

پدرم چون از طرفداران مرجعیت و رهبری امام خمینی (ره) و از دوستداران انقلاب اسلامی ایران بود، پس از پیروزی انقلاب به حوزه علمیه قم هجرت کرد و دروس حوزوی را از سرگرفت. با وجودی که پدرم حس منتقدانه داشت، ولی مرجعیت و نظریات فقهی امام خمینی و نیز دیدگاه‌های سیاسی ایشان را نادر و بی نظیر معرفی می کرد. از طرف دفتر امام خمینی (ره) در حوزه علمیه قم به ایشان مأموریت داده شد نسخه عربی رساله عملی تحریر الوسیله امام را از نظر لغوی و ویراستاری و اصلاح

❁ هنگامی که پدرم در حوزه قم مستقر بود و برادر عبد المنعم قصیر در جبهه به شهادت رسید. بنیاد شهید و امور ایثارگران عباى دیگر امام را به پدرم هدیه کرد. خانواده پدرم پس از درگذشت ایشان، دو عباى اهدایی امام را به بنیاد شهید لبنان واگذار کرد تا از این میراث ارزشمند نگهداری کند



حدود هفت سال بزرگتر بودم و همیشه سفارش می‌کردم کارشان را سنجیده انجام دهند. البته آن دورا برای ادامه راهی که انتخاب کرده بودند تشویق و تأیید می‌کردم. در عین حال هشدار می‌دادم که فعالیت‌شان سنجیده باشد. به هر حال پس از گذشت مدت کوتاهی عبدالمنعم قصیر برای شرکت در عملیات دفاع مقدس به جبهه‌های نبرد حق با باطل به جمهوری اسلامی رفت و احمد قصیر عملیاتش را با موفقیت به اجرا گذاشت.

### شهیدان رضا و یوسف حریری چه رابطه‌ای با شهید احمد قصیر داشتند؟

در آن شرایط عملیات مقاومت جوانان در جنوب لبنان بکلی سری بود و تاکنون هیچ کسی از جزئیات آن اطلاع ندارد. ولی بنده پس از گذشت چند سالی اطلاع پیدا کردم که شهیدان رضا حریری و احمد قصیر با هم ارتباط داشتند و همکاری می‌کردند. در آن برهه هر هسته‌ای از شاخه‌های مقاومت ضمن حفظ شاخصه‌های خود، اما از یکدیگر مستقل عمل می‌کرد. یعنی هر هسته‌ای که مأمور اجرای عملیات به خصوصی می‌شد، سایر هسته‌ها از آن مأموریت اطلاع نداشتند. شهید رضا حریری یکی از برادرانی بود که در آماده‌سازی و پنهان کردن مواد منفجره، سپس جاسازی آن‌ها در خودروی عملیات احمد قصیر نقش فعال ایفا کرد. در عین حال شهید بزرگوار عماد مغنیه شخصا بر طراحی و اجرای این عملیات نظارت داشت و آن را پیگیری می‌کرد.

### هویت حاج رضوان برای شهیدان رضا حریری و احمد قصیر شناخته شده بود؟

قطعاً شناخته شده بود. ولی همانگونه که پیشتر اشاره کردم این برنامه‌ها در فضای کاملاً سری دنبال می‌شده است. بالطبع عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر در شرایطی فوق‌العاده استثنایی به مورد اجرا گذاشته شد

و پیامدهای امنیتی و سیاسی بزرگی بر جامعه آن روز لبنان داشت. چون جامعه لبنان در آن شرایط که کشور در اشغال ارتش رژیم صهیونیستی بود، در یک حالت ناامیدی و سردرگمی بسر می‌برد. تهاجم وحشیانه دشمن و بمباران مستمر بیروت شرایط را طوری کرده بود که مردم هرگونه مقاومت بر ضد اسرائیل را ناممکن می‌پنداشتند. ولی مقاومت اسلامی با اجرای یک رشته عملیات شهادت طلبانه علیه اشغالگران، روحیه مردم را دگرگون و ناامیدی آنان را به امید تبدیل کرد. این عملیات ثابت کرد که راهکار مقاومت سودمند است و می‌تواند دشمن را شکست دهد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی مجاهدان هسته‌های نخست مقاومت اسلامی در آن مرحله چه بوده است؟ با چه انگیزه‌ای به چنین عملیاتی دست می‌زدند؟

بنده بر این باورم که این بزرگواران در خانواده‌های مذهبی و متدین و در روستاهای محروم جنوب لبنان پرورش یافتند. به خصوص شهید عبدالمنعم قصیر که فرزند یک عالم دین و از دوران کودکی متدین بوده است. ایشان قبل از تأسیس حزب الله و پیوستن به آن، یک جنگاور در جنبش امل بوده است. پس از یورش نظامیان اسرائیل به لبنان در جنگ‌های منطقه خلد در جنوب بیروت حضور فعال داشته و از ناحیه دست زخمی شده است. شهید احمد قصیر هم از کودکی با عقاید مذهبی و خوش

**شهیدان احمد و عبد المنعم قصیر در آن مقطع حساس، در مقاومت ضد صهیونیستی در جنوب لبنان با یکدیگر همکاری می‌کردند. عبدالمنعم در بیروت سکونت داشت و سلاح تهیه می‌کرد و آن‌ها را به وسیله خودرو به جنوب انتقال و تحویل احمد قصیر در دیر قانون النهر می‌داد**

فکری پرورش یافته و دشمن صهیونیستی را مهمترین عامل محرومیت مردم جنوب لبنان می‌دانسته است. لذا از روزی که اشغالگران در خاک لبنان گام نهادند، و به اقدامات سرکوب‌گرانه در روستاهای جنوب و در بیروت به خصوص به کشتار مردم اردوگاه صبرا و شتیلا مبادرت کردند، خشم و نفرت مقدس احمد نسبت به آنان لبریز شد و راه رویارویی با آنان را برگزید. اشغالگران با اقدامات سرکوب‌گرانه‌شان نشان دادند که ادعای اخراج مقاومت فلسطینی از لبنان یک بهانه واهی است و آن‌ها قصد دارند ملت‌های مسلمان منطقه را به زانو بکشند و تسلیم خودشان کنند. لذا اقدامات وحشیانه اسرائیلی‌ها با واکنش جوانان پر جوش و خروش جنوب مواجه شد

و آنان زود هنگام عزم خود را برای مقابله و بیرون راندن اشغالگران جزم کردند.

لذا شهید احمد قصیر یکی از جوانان متدین و متعهد بود که از احساسات وطن‌دوستانه و اراده عصبانگری برخوردار بود و با شور و شوق وصف ناپذیر خود را برای رویارویی با دشمن متجاوز آماده کرده بود. چون در آن برهه دولتمردان و سیاستمداران و اغلب مردم لبنان تسلیم وضع موجود شده بودند. با این وصف احمد یکی از جوانان مؤمن به عدالت مبارزه با اشغالگران بود. او قبل از پیوستن به حزب الله جوانی پاک و سالم بود و هرگز به گرایشات فکری و ایدئولوژیکی معمول احزاب سیاسی آن روز لبنان آلوده نشده بود. در عین حال برای هرگونه اقدام بزرگ و کمر شکنی بر ضد اسرائیلی‌ها شور و شوق فراوان داشت.

به نظر بنده پیشنهاد عملیات شهادت طلبانه که به احمد قصیر ارائه شد، شاید نهایت آرزوی او بوده است. مطمئن هستم که احمد برای ضربه زدن به اشغالگران با هر وسیله ممکن تا بیرون راندن آنان از لبنان لحظه شماری می‌کرده است. به یاد دارم که ایشان به روشنی و با اعتماد به نفس به دوستانش می‌گفت که راه مقاومت به فداکاری و از جان گذشتگی و خود باوری نیاز دارد. همچنین انگیزه شهید احمد قصیر برای اجرای عملیات انهدام مقرر فرماندار نظامی اسرائیل در شهر صور خیلی قوی بوده است. او در عین حال شرایط امنیتی و نظامی آن برهه را به شدت رعایت می‌کرد. به همین دلیل طرح و برنامه اجرای عملیات را حتی از خانواده خود پنهان نگه داشته بود. در روز عملیات هنگامی که از خانه بیرون می‌آمد، با دمپایی بیرون آمد تا شک و تردید افراد خانواده را متوجه خود نکند. البته با پدر و مادرش خدا حافظی کرد و آنان گمان کرده بودند که فرزندشان به زودی بازمی‌گردد.

### به نظر شما از نظر فقهی چه کسی مجوز این عملیات را صادر کرد؟ در این زمینه روایت‌های ضد و نقیض از برخی از آقایان لبنانی شنیدم؟

بر حسب اطلاعاتی که دارم، اصولاً پایه‌ریزی چنین عملیات بزرگی، از تراوش‌های فکری شهید حاج عماد مغنیه بوده است. این شهید بزرگوار به منظور اجرای چنین عملیاتی قطعاً به مجوز شرعی از مراجع دینی نیاز داشت و کسی که مجوز شرعی عملیات شهید احمد قصیر را آورد آقای سید عیسی طباطبایی بود. ایشان با دفتر امام خمینی (ره) در تهران تماس گرفت و درباره اجرای عملیات شهادت طلبانه از محضر امام (ره) استفتاء کرد و ایشان مجوز اجرای چنین عملیاتی را در چارچوب شروط مشخصی صادر فرمودند. وقتی مجوز شرعی به بیروت رسید بیدرنگ به برادرانی که چنین عملیاتی را تدارک دیده بودند ارائه شد و شهید احمد قصیر اقدام ماندگار و تاریخی‌اش را عملی کرد.

البته پس از شهید احمد قصیر عملیات شهادت طلبانه مشابهی بر ضد اشغالگران تداوم یافت که به عقب نشینی اسرائیلی‌ها از لبنان منجر شد. اقدام شهید احمد قصیر در زمان خود بزرگترین و دردناکترین عملیات

■ مرقده سه جاویدا اثر، شهیدان احمد، عبدالمنعم و حسن قصیر در شهرک دیرقانون النهر



این باورم که عملیات گروه‌های یاد شده با عملیات مقاومت اسلامی تکامل یافت و درس فراموش ناشدنی به اشغالگران دادند.

فراموش نشود که عملیات نوعی و کیفی را مقاومت اسلامی شاخه نظامی حزب الله انجام داد. عملیات جنبش‌های سوسیالیست و ناسیونالیست به مرور زمان به خصوص در آستانه امضای موافقتنامه طایف مبنی بر پایان دادن به جنگ‌های داخلی و برقراری صلح و ثبات در جامعه لبنان در سال ۱۹۸۹ کم رنگ و بکلی متوقف شد، ولی مقاومت اسلامی حزب الله همچنان پایدار و استوار ماند. البته جنبش امل قبل از خروج نهایی ارتش اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ عملیات‌های پراکنده علیه پایگاه‌های دشمن در نوار اشغالی جنوب انجام می‌داده است. ولی به هر حال پس از پیروزی سال ۲۰۰۰ میدان رویارویی با دشمن صهیونیستی عملاً در انحصار مقاومت اسلامی قرار گرفت. چون همانگونه که در اساسنامه حزب الله تصریح شده است موجودیت مقاومت مردم لبنان تا پایان دادن به اشغالگری یک اصل انکار ناپذیر است و باید به راهکارش ادامه دهد. ناگفته نماند که پس از سال ۱۹۹۰ تا آزادی کامل جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ (به استثنای منطقه اشغالی کشتزارهای شبعاً) ۹۵ درصد عملیات ضد صهیونیستی را مقاومت اسلامی انجام می‌داده است.

مقاومت اسلامی در آن برهه بر سایر گروه‌های مقاومت لبنان از نظر آسیب رسانی به توان نظامی و امنیتی جامعه اسرائیل و ضربه زدن به همه اهداف راهبردی و سیاسی صهیونیست‌ها برتری داشت. از جامعه اسرائیل در همه زمینه‌ها اطلاعات راهبردی جمع‌آوری می‌کرد. همچنین به راهکارها و نیروهای نظامی ارتش مزدور سرهنگ انتوان لحد در نوار اشغالی جنوب آسیب جدی وارد می‌آورد. بی‌تردید مقاومت اسلامی ابتدا همه عوامل یاد شده را بررسی و می‌سنجید و آنگاه وارد عمل می‌شد. لذا در سال‌های اخیر اصطلاح برقرار شدن «موازنه رعب» و «جنگ اراده‌ها» میان حزب الله و اسرائیل در نتیجه آمادگی و توانمندی مقاومت اسلامی رایج شده است.

❁ پس از گذشت حدود ۳۵ سال از پیدایش مقاومت اسلامی، اکنون موقعیت و توانمندی مقاومت اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شد و به جبهه‌های جنگ ایران و عراق رفت و آن‌جا شهید. در آن برهه تعداد زیادی از جوانان لبنانی در جبهه‌های دفاع مقدس به همراه شهید چمران حضور داشتند.

❁ دو تن دیگر از برادران شهید احمد قصیر به نام‌های موسی و ربیع هم به درجه شهادت نایل آمده‌اند. از زمان و کیفیت شهادت آن دو اطلاع دارید؟

شهید احمد قصیر پنج برادر دیگر هم داشت. ربیع قصیر در جریان درگیری‌های جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ به شهادت رسید و یکی از قهرمانان دفاع از تمامیت ارضی لبنان به شمار می‌رود. ربیع به شکارچی تانک‌های مرکاوا در جبهه بنت جبیل شهرت دارد. موسی قصیر فرزند دوم این خانواده ساق پای خود را بر اثر برخورد با مین در منطقه اقلیم التفاح از دست داد. ولی پس از بهبودی از ساق مصنوعی استفاده کرد و به جبهه رویارویی با اشغالگران صهیونیست بازگشت. بار دوم بر اثر حملات هوایی دشمن به منطقه اقلیم التفاح به شهادت رسید. پس از شهادت احمد قصیر خداوند فرزند پسر دیگری به این خانواده عنایت کرد که نام او را احمد نهادند. حسن قصیر با کنیه ابوزینب، فرزند چهارم این خانواده است که همسر دختر سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله است.

❁ پس از یورش ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان، جنبش مقاومت فلسطین میدان کارزار را رها کرد، و پس از گذشت سه ماه از لبنان بیرون رانده شد. به نظر شما آیا احزاب سیاسی لبنان در آن مرحله نقش مشخصی در رویارویی با ارتش اسرائیل داشتند؟

به استثنای مقاومت اسلامی، گروه‌های مقاومت دیگری هم در قالب جبهه مقاومت ملی در صحنه کارزار وجود داشتند. ستون فقرات این جبهه را جریان‌های چپ‌گرا به رهبری حزب کمونیست لبنان تشکیل می‌داد. افزون بر آن گردان‌های مقاومت لبنان به رهبری جنبش امل هم عملیات ضد صهیونیستی پراکنده اجرا می‌کرد. در عین حال برخی از جریان‌های ناسیونالیست هم فعالیت می‌کردند. حزب الله گروه‌های یاد شده را که در آن مرحله سرنوشت ساز به نوعی در عملیات ضد صهیونیستی شرکت کردند، صرف نظر از میزان و شاخص عملکردشان بخشی از جنبش مقاومت می‌داند. من بر

ضد صهیونیستی بود که کمر ارتش اسرائیل را شکست و در پی آن آرییل شارون وزیر جنگ آن رژیم مجدداً به جنوب لبنان آمد و از ویرانه‌های ساختمان منهدم شده بازدید کرد. اسرائیلی‌ها در آن برهه کوشیدند با ادعاهای واهی مانند انفجار کپسول‌های گاز موجود در ساختمان، عملیات شهید احمد قصیر را کم اهمیت جلوه دهند. ولی دیری نپایید که اکاذیب آن‌ها آشکار و رسوا شدند. در سال ۱۹۸۵ و پس از عقب نشینی ارتش رژیم صهیونیستی از سرتاسر لبنان و شهرک دیرقانون النهر تا منطقه نوار مرزی اشغالی، سید حسن نصر الله طی سخنانی نام شهید احمد قصیر را به عنوان مجری عملیات خیبر فاش کرد. چون قبل از اعلام نام احمد قصیر بیم آن می‌رفت که اسرائیلی‌ها از خانواده قصیر انتقام بگیرند و به این دلیل نام او به مدت حدود سه سال پنهان مانده بود.

❁ نقل شده که آقای نصر الله دبیر کل حزب الله در عملیات شهید احمد قصیر حضور و نظارت داشته است. این خبر چقدر درست است؟

خیر... آقای نصر الله در آن مرحله در منطقه بقاع مستقر بوده است. همانگونه که پیشتر اشاره کردم، شهید عماد مغنیه بر عملیات شهید احمد قصیر نظارت داشته است. افراد دیگری هم حضور داشتند و هنوز زنده هستند و به منظور حفظ جان‌شان، لزومی به ذکر اسامی آنان نمی‌بینم. ولی شهید رضا حریری نقش اساسی در تدارک و آماده سازی عملیات از قبیل جاسازی مواد منفجره و نگه‌داری خودرو در پارکینگ در نظر گرفته شده ایفا کرد.

❁ کمی به این نکته اشاره کردید که برادر شهیدتان عبد المنعم قصیر هم داوطلب اجرای عملیات شهر صور شده بود که در آخرین لحظه مانع او شدند و شهید احمد قصیر را مأمور اجرای این عملیات کردند. این نشان می‌دهد که بچه‌ها در آن برهه برای اجرای عملیات‌های شهادت طلبانه با یکدیگر رقابت می‌کردند و از یکدیگر سبقت می‌گرفتند. این طور نیست؟

ناظران و هماهنگ کنندگان عملیات مزبور، در مرحله نخست فقط شهیدان عبد المنعم و احمد قصیر را نامزد اجرای این عملیات کرده بودند و شخص سوم در کار نبود. عبد المنعم تمایل جدی داشت که شخصاً این عملیات را اجرا کند. ولی گمان کنم او را به عنوان ذخیره برای عملیات دیگری نگه داشتند که ایشان خیلی ناراحت

مقاومت اسلامی با اجرای یک رشته عملیات شهادت طلبانه علیه اشغالگران، روحیه مردم لبنان را دگرگون و ناامیدی آنان را به امید تبدیل کرد. این عملیات ثابت کرد که راهکار مقاومت سودمند است و می‌تواند دشمن را شکست دهد

**اقدام شهید احمد قصیر در زمان خود بزرگترین و دردناکترین عملیات ضد صهیونیستی بود که کمر ارتش اسرائیل را شکست و در پی آن آریل شارون وزیر جنگ آن رژیم مجدداً به جنوب لبنان آمد و از ویرانه‌های ساختمان منهدم شده بازدید کرد**

مدت‌های طولانی از گرفتار شدن در این‌گونه اشتباهات اجتناب کرد.

دخالت‌های حزب الله در ارائه انواع کمک‌های مالی، بهداشتی، آموزشی و خدماتی به مردم محروم متمرکز بود. به طور مثال در مناطق کوهستانی که در فصل زمستان با یخبندان مواجه می‌شدند، یا سیل برخی از مناطق را فرا می‌گرفت حزب الله با ماشین‌آلات خود به کمک مردم آن مناطق می‌شتافت. ولی در فرهنگ حزب الله هرگز کنترل زندگی اجتماعی مردم وجود ندارد. مردم را برای یافتن راه حل مشکلات اجتماعی‌شان به مراجع قضایی رهنمون می‌کند. با این وصف حزب الله از تجربیات دفاتر جنبش‌های گوناگون و عملکرد جبهه ملی لبنان درس گرفت و از دخالت در جزئیات زندگی مردم خودداری کرد. اما اگر گروهی یا افراد ناآگاهی بخواهند خود را جایگزین دولت کنند، این کار قطعاً اشتباه است و عواقب نا پسند در پی دارد.

رژیم صهیونیستی در برابر عملیات مقاومت اسلامی همیشه عکس العمل نشان می‌داد و برای مردم بی‌دفاع جنوب آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی فراوان به وجود می‌آورد. لذا حزب الله به منظور برطرف کردن این آسیب‌ها و جبران خسارت‌های وارد آمده به کمک مردم می‌شتافت. به طور مثال حزب الله پس از توقف جنگ تسویه حساب در سال ۱۹۹۳، اولین کاری که انجام داد بازسازی خانه‌های منهدم شده مردم بود. در آن جنگ حدود ۱۵۰ خانه مسکونی تخریب و حدود ۵۰۰ خانه آسیب دیده بود. برخی از آن خانه‌ها به مردم عادی و برخی دیگر به خانواده‌های حزب اللهی تعلق داشت. حزب الله دستور داد خانه‌های مردم عادی قبل از خانه‌های هواداران حزب بازسازی و مرمت شود. این اقدام اعتراض خانواده‌های حزب اللهی ساکن روستاهای جنوب را برانگیخت که چرا بازسازی خانه‌های دیگران را که برخی‌شان منتقد یا مخالف حزب الله هستند، در اولویت برنامه بازسازی قرار داده‌اید؟ منظورم این است حزب الله هیچ وقت میان هواداران و مخالفان تفاوت قایل نبود و همه روستائیان جنوب را یکسان می‌دید. حملات خرابکارانه اسرائیل و انهدام مناطق مسکونی مردم بی‌دفاع در جنگ خوشه‌های خشم سال ۱۹۹۶ تکرار شد و در جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ به اوج رسید. مؤسسات عمرانی حزب الله به خصوص سازمان جهاد سازندگی لبنان بی‌درنگ وارد عمل شدند و کار بازسازی مناطق

شهرک‌های صهیونیست نشین را با کاتیوشا و خمپاره گلوله باران کرد، میان حزب الله و رژیم صهیونیستی با دخالت سازمان ملل متحد موافقتنامه شفاهی صورت گرفت. سپس اسرائیل در آوریل سال ۱۹۹۶ «عملیات خوشه‌های خشم» را علیه مقاومت اسلامی تحمیل کرد و مقاومت هم در مقابله به جنایات صهیونیست‌ها در روستاهای جنوب به خصوص کشتار مردم روستای قانا، شهرک‌های صهیونیست نشین را آماج حملات موشکی قرار داد. دولت‌های ایران، سوریه، فرانسه و آمریکا برای پایان دادن به این جنگ ۱۶ روزه وارد عمل شدند و برای اولین بار موافقتنامه کتبی میان طرفین درگیر به امضا رسید که «موافقتنامه آوریل سال ۱۹۹۶» نامیده شد. به موجب این موافقتنامه عملیات دفاعی مقاومت برای اولین بار مشروع دانسته شد، و نشان داد که محافل بین‌المللی موجودیت مقاومت اسلامی را به رسمیت شناخته‌اند.

**حزب الله در مسیر جهادی و سیاسی خود تا چه اندازه از تجربیات ناکام گروه‌های سیاسی و مقاوم لبنانی و فلسطینی در این کشور استفاده کرد تا اشتباهات آنان را تکرار نکند؟**

به طور تأکید حزب الله در زمینه‌های گوناگون از تجربیات گروه‌های فلسطینی و ملی لبنان به ویژه از تجربیات مبارزاتی آنان و از علل ناکامی‌شان به خوبی استفاده کرد. در عین حال دلایل اشتباهات آن‌ها را هم بررسی کرد تا در مسیر جهادی خود گرفتار اشتباه و ناکارآمدی نشود. یکی از اشتباهات گروه‌های فلسطینی مستقر در لبنان دخالت نابجای آن‌ها در زندگی روزمره مردم بود. آن‌ها برای اداره زندگی مردم به نوعی حکومت غیر رسمی و دولت موازی به وجود آورده بودند و در کوچک‌ترین مسئله مانند قیمت گذاری نان، سوخت و حل و فصل اختلافات خانوادگی دخالت می‌کردند. بدتر از هر چیز این نوع دخالت‌ها به صورت سلیقه‌ای و نسنجیده صورت می‌گرفت و مردم را نسبت به آن‌ها بدبین کرده بود. لذا حزب الله در آغاز راهکار خود تا

در نتیجه عملکرد مقاومت با کسب تجربیات گوناگون در سه دهه گذشته، کار به جایی رسیده که رویارویی مقاومت اسلامی با اسرائیل به جنگ نظامی محدود نیست. اکنون «جنگ مغزها» یا به تعبیری جنگ میان تئوریسین‌ها و نظریه پردازان و کارشناسان امور دفاعی طرفین در جریان است. یعنی مقاومت اسلامی در برابر برنامه‌ریزی‌های راهبردی اسرائیل برنامه‌ریزی راهبردی انجام می‌دهد. در حال حاضر راهکار عملیات ایذایی و مسلحانه پراکنده که در زمان اشغال جنوب لبنان معمول بود پشت سر گذاشته شده است. اکنون در تاریخ رویارویی اعراب و اسرائیل، حزب الله برای اولین بار است که به عملکرد و کارایی مقاومت اسلامی توجه راهبردی دارد و موجودیت مقاومت را یک اصل اجتناب ناپذیر می‌داند. لذا همه امکانات لازم و ضروری را برای موفقیت و تداوم راهکار مقاومت و تحول کیفی آن، تأمین می‌کند.

در اوایل دهه هشتاد مرحله بمبگذاری و نصب کمین در مسیر تردد خودروهای نظامیان صهیونیست در جنوب لبنان بود. هسته‌های عملیاتی مقاومت در آن مرحله به صورت خوشه‌ای وارد میدان کارزار می‌شدند. هر خوشه در زمینه جمع آوری اطلاعات از دشمن و اجرای عملیات، سپس عقب نشینی، مستقل عمل می‌کرد. از سال‌های ۱۹۸۶ - ۱۹۸۷ مرحله حمله به پایگاه‌های نظامیان صهیونیست در جنوب لبنان آغاز گشت و برای مدیریت این مرحله و با کمک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اتاق عملیات و فرماندهی مرکزی تشکیل شد. پس از سال ۱۹۸۸ که دوره‌های آموزش نظامی انبوه رزمندگان در سطوح بالاتری از جمله سطوح ستادی تکمیل شد، و واحدهای راهبردی برنامه‌ریزی به وجود آمدند، برای اولین بار موشک‌های کاتیوشا برای حمله به شهرک‌های صهیونیست نشین به منظور مقابله با حملات آنان به مناطق مسکونی و غیر نظامی لبنان وارد میدان کارزار شدند.

در سال ۱۹۹۳ در پی آن‌چه که اسرائیل آن را «عملیات تسویه حساب» نامید و مقاومت اسلامی تعدادی از





مکتب روحبخش امام خمینی (ره) و جانشین ایشان مقام معظم رهبری بوده و از طرف دیگر نتیجه وجود خلوص، وفاداری، فداکاری و ذوب شدن در آرمان‌ها و باورهای مقدس اسلامی در میان جوانان حزب الهی و جنبش مقاومت است. لذا همه این دستاوردها بیانگر وعده‌های الهی است که اگر مؤمنان یاری کننده خدا باشند، خدا آنان را یاری می‌کند و گام‌های‌شان را استوار می‌گرداند. در خصوص ارائه مشورت حزب الله به مقام‌های مسئول در جمهوری اسلامی ایران، این کار فقط در صورت تقاضای آنان انجام می‌گیرد. در سال‌های گذشته گاهی برخی از فرماندهان سپاه پاسداران از رهبری حزب الله در مسایل سوریه، عراق و یمن و برخی مناطق جهان عرب مشورت می‌خواستند.

### ❁ چه نوع مشورتی می‌خواستند؟

گاهی مشورت‌های سیاسی و میدانی و رهبران حزب الله دیدگاه‌های خود را درباره چنین مسایلی بیان می‌کردند.

### ❁ حال با توجه به تجربه جناب‌عالی در مقاومت اسلامی و مسئولیت‌های سیاسی و اجرایی که داشته‌اید، بفرمایید که آینده رژیم صهیونیستی را در منطقه چگونه می‌بینید؟

بندۀ معتقدم که وعده‌های الهی به مؤمنان انکارناپذیر است. این وعده‌ها در قرآن کریم تصریح شده و هرگز تبدیل و تغییر نخواهد کرد. البته تا زمانی که به وعده‌های الهی پایبند باشیم و در اجرای مقدمات وعده‌های الهی کمک کنیم. خداوند به ما مسلمانان امر کرده که امکانات روپارویی با دشمنان خدا از قبیل توانمند سازی و آمادگی را فراهم نماییم. هرگاه مسلمانان با خلوص نیت و توکل تلاش به عمل آورند، و از غرور و خود بزرگ بینی پرهیز کردند خداوند پیروزی آنان را رقم خواهد زد. تنها در صورت تحقق چنین شرایطی وارد قدس و مسجد الاقصی خواهند شد، و زمینه ظهور حضرت حجت بن الحسن امام زمان (عج) را فراهم می‌کنند، همانگونه که در صدر اسلام وارد مسجد الاقصی شدند. ■

تعدادی از کارشناسان سپاه علاوه بر بقاع در محورهای جنوب لبنان هم مستقر شده بودند. ولی از اوایل دهه ۱۹۹۰ حضور کارشناسان سپاه کاهش یافت. چون نیروهای حزب الله و مقاومت اسلامی در اداره امور داخلی‌شان مانند اداره پادگان‌های آموزشی، تدارکاتی و برنامه‌ریزی به توانمندی و خودکفایی رسیده بودند. ولی در آن مرحله تعداد اندکی از آن مستشاران در مراکز فرماندهی مقاومت و در اتاق‌های عملیات مانده بودند و کمک‌های تسلیحاتی، لجستیکی و برگزاری دوره‌های آموزشی نیروهای مخصوص به رزمندگان مقاومت از سوی جمهوری اسلامی ارائه می‌شده است.

در آغاز سال ۲۰۰۰ که رژیم صهیونیستی بر اثر عملیات کوبنده مقاومت از جنوب لبنان عقب نشینی کرد و پیروزی قطعی حزب الله تحقق یافت، آیت الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری به برادران سپاه پاسداران به این مضمون فرمود: «آن برادر کوچک شما (حزب الله) اکنون بزرگ شده و به سن بلوغ رسیده و می‌تواند امور خود را اداره کند و نیازی به حضور شما در لبنان نیست. هرگاه از شما مشورت خواست می‌توانید به او مشورت دهید». ایشان پس از جنگ سال ۲۰۰۶ و پیروزی شکوهمند حزب الله در آن به سپاه پاسداران اعلام کردند که مأموریت مشورتی شما اکنون تغییر کرده و فقط می‌توانید به تقاضاها و خواسته‌های رهبری حزب الله رسیدگی کنید. با این وصف پس از جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ روابط حزب الله با سپاه پاسداران از سطح مشورت دگرگون گشت و به مبادله تجربه و تبادل نظریات ارتقا یافت. لذا امروزه توانمندی راهبردی حزب الله به سطحی رسیده که مشورت با سپاه به صورت متقابل و یکسان صورت می‌گیرد.

### ❁ بنده که مسایل حزب الله را پیگیری می‌کنم همین احساس را دارم که حزب الله تجربه بی‌نظیری کسب کرده است. حال که حزب الله به طرز شگفت آور به یکی از گردانندگان تحولات خاورمیانه تبدیل شده است، در مسایل سیاسی هم به جمهوری اسلامی مشورت می‌دهد؟

حزب الله خود را شاخه‌ای از درخت تنومند انقلاب اسلامی می‌داند که نهال شکوهمند آن را امام امت آیت الله خمینی (ره) کاشته و آیت الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری آن را پرورش، رشد و تداوم بخشیده است. در طول زندگی خود را مدیون و ممنون نقش سازنده و پویای جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران در کمک به مقاومت اسلامی لبنان می‌دانیم. مقام معظم رهبری چندی پیش فرموده‌اند که حزب الله ستاره درخشانی در آسمان امت شده و افراد امت باید به آن اقتدا نمایند. پیش از ایشان هم امام خمینی سخن مشهوری درباره حزب الله دارند و فرموده‌اند: «جهاد حزب الله در لبنان، حجتی است بر علمای جهان عرب و جهان اسلام». با این وصف اگر امروزه حزب الله تجربیات ارزنده و تخصص‌های گوناگون کسب کرده است، به برکت انقلاب اسلامی ایران و یاری و توفیق خداوند متعال بوده است. من معتقدم که جریان حزب الله از یک طرف پرورش یافته

آسیب دیده در جنوب و بقاع را آغاز کردند. شاید عملیات شتابان بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ ژوئیه، جنگ دوم حزب الله در برابر اسرائیل نامیده شود که دوست و دشمن به آن اعتراف کرده‌اند.

### ❁ عملیات شهید احمد قصیر حدود پنج ماه پس از یورش ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان به مورد اجرا گذاشته شد. در آن مدت پنج ماهه سپاه پاسداران در لبنان استقرار یافته بود و کار آموزش نیروهای مقاومت را آغاز کرده بود. آیا سپاه نقشی در برنامه ریزی عملیات احمد قصیر هم داشته است؟

بندۀ معتقد نیستم که سپاه پاسداران با برنامه‌ریزی عملیات شهید احمد قصیر ارتباط مستقیم داشته است. اصولاً برنامه‌ریزی عملیات شهید احمد قصیر و سایر عملیات‌های شهادت طلبانه که به مرور زمان به مورد اجرا گذاشته شد منحصرًا توسط لبنانی‌ها صورت گرفت و کمک‌های مادی و معنوی را قطعاً سپاه پاسداران ارائه داد. در روزگاری که همه دولت‌های عرب به استثنای سوریه از مردم و مقاومت لبنان دست کشیدند، سپاه پاسداران به دستور حضرت امام خمینی (ره) و با همکاری حافظ اسد رئیس جمهوری وقت سوریه در منطقه بقاع استقرار یافت و کار آموزش نظامی، فرهنگی و اجتماعی جوانان لبنانی را شروع کرد. مقاومت اسلامی لبنان هرگز همکاری بسیار بزرگ و بی‌نظیر سپاه پاسداران و ارائه تجربیات آن نهاد انقلابی به مردم لبنان را فراموش نخواهد کرد. افزون بر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تعداد زیادی از روحانیون حوزه علمیه قم هم به بقاع می‌آمدند و به جوانان لبنانی آموزش‌های دینی و دروس اخلاق می‌دادند. به خصوص در مناسبات دینی ماه مبارک رمضان و دهه محرم الحرام.

### ❁ تلاش برای نابودی این غده سرطانی یکی از اهداف انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) و پس از ایشان مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای است. بفرمایید که کارشناسان ایرانی در این زمینه چه مشورت‌هایی به رهبران مقاومت ارائه می‌دادند؟

در سال ۱۹۸۲ که سپاه پاسداران به لبنان آمد، افزون بر آموزش نظامی، در زمینه‌های سیاسی و عقیدتی نیز به نیروهای حزب الله مشورت می‌داد. در آن برهه

در نتیجه عملکرد مقاومت با کسب تجربیات گوناگون در سه دهه گذشته، کار به جایی رسیده که روپارویی مقاومت اسلامی با اسرائیل به جنگ نظامی محدود نیست. اکنون «جنگ مغزها» یا به تعبیری جنگ میان تئوریسین‌ها و نظریه پردازان و کارشناسان امور دفاعی طرفین در جریان است



شمارش و ویژگی‌های شهید احمد قصیر در گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین شیخ احمد قصیر امام جمعه و جماعت مسجد جامع دیر قانون النهر

## همیشه نگران میزان بالای شجاعت و تهور احمد قصیر بودم

درآمد

بی تردید نقش روحانیت مبارز جبل عامل در فرهنگ سازی و گسترش آگاهی عمومی میان شیعیان جنوب لبنان به خصوص میان جوانان آن کشور پس از یورش وحشیانه ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲، نمونه و تحسین برانگیز است. در پی این یورش بود که جنگ چریکی مقاومت اسلامی بر مبنای فرهنگ شهادت شکل گرفت و بر سایر الگوهای مبارزاتی اعراب با اسرائیل خط بطلان کشید. سازمان آزادی بخش فلسطین که پیش از ژوئن سال ۱۹۸۲ گرداننده اصلی مبارزات ملت فلسطین بود، در شن‌های متحرک لبنان گرفتار و به بیراهه کشیده شد و دیری نپایید که با حمله از پیش اعلام شده صهیونیست‌ها ناتوانی خود را به اثبات رساند و از صحنه کارزار گریخت. علامه جبل عاملی، شیخ احمد قصیر که نقش برجسته‌ای در آموزه‌های دینی و فرهنگی سازی رزمندگان پیشگام مقاومت اسلامی به ویژه شهید احمد قصیر دارد، دلایل شکست «ساف» و چگونگی شکل گیری مقاومت ضد صهیونیستی و رمز موفقیت آن را تشریح کرده است. ناگفته نماند که ایشان با جناب سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله لبنان است و به رغم کهولت سن متواضعانه گفت و گو با شاهد یاران را پذیرفت

به مرور زمان کار به جایی رسید که برخی از این نوجوانان وقتی از مدرسه مرخص می‌شدند، قبل از رفتن به خانه‌شان به مسجد می‌آمدند و نماز جماعت می‌خواندند و بعد به خانه می‌رفتند. مانند شهید بزرگوار حسن قصیر مجری عملیات شهادت طلبانه در برج الشمالي در شهر صور. کار فرهنگ سازی به جایی رسید که اغلب این نوجوانان وقت فراغت خود را در مسجد می‌گذراندند و نه در خانه و میان خانواده خویش. گاهی اگر وظایف مشق و مدرسه نداشتند، اوقات خود را تا ساعات نیمه شب در مسجد و به برپایی نمازهای مستحبی و نیایش می‌گذراندند. من هم از این فرصت استفاده می‌کردم و به آرامی مغز و ذهن آن‌ها را با آموزه‌های قرآنی و دینی لبریز می‌کردم.

### شهید احمد قصیر هم در جلسات شما در مسجد جامع شرکت کرد؟

شهید احمد قصیر پس از بازگشت از لیبی، روزی به مسجد آمد و خود را به بنده معرفی کرد و به جوانان ملحق شد و خیلی با شور و شوق در جلسات شرکت کرد. شهید رضا حریری هم یکی از برجسته‌ترین جوانان شرکت کننده در جلسات مسجد جامع بود. ایشان بر جوانان نظارت داشت و آنان را آموزش نظامی می‌داد و در مسایل سیاسی راهنمایی‌شان می‌کرد.

### این داستان بازمی‌گردد به مرحله قبل از یورش رژیم صهیونیستی به لبنان است؟

آری... قبل از یورش رژیم صهیونیستی، دشمن دیگری هم در لبنان داشتیم که همانا سازمان‌های کمونیستی و جنبش فتح بودند. چرا آنان را دشمن می‌خوانم؟ چون مردم لبنان را کوچک می‌پنداشتند و دوست داشتند بر لبنانی‌ها اعمال سلطه کنند. عملاً میان جنبش امل و سازمان‌های کمونیستی بحران بزرگی آفریدند. کمونیست‌ها برای یورش به شهرک دیر قانون النهر به

برای رضای خدا. آرزو داشتند سایبان رفتار و کردارشان باشم. به سراغ جوانان رفتم و آن‌ها را پراکنده و وابسته به گروه‌های ضد دین یافتم. سرانجام کارم را با نوجوانانی آغاز کردم که جریانات سیاسی و فکری گوناگون هنوز در فکر و ذهن آن‌ها اثر منفی نگذاشته بودند. چون آن جریانات مانند صاعقه‌های سوزان جوانان را تحت تأثیر عقایدشان قرار می‌دادند.

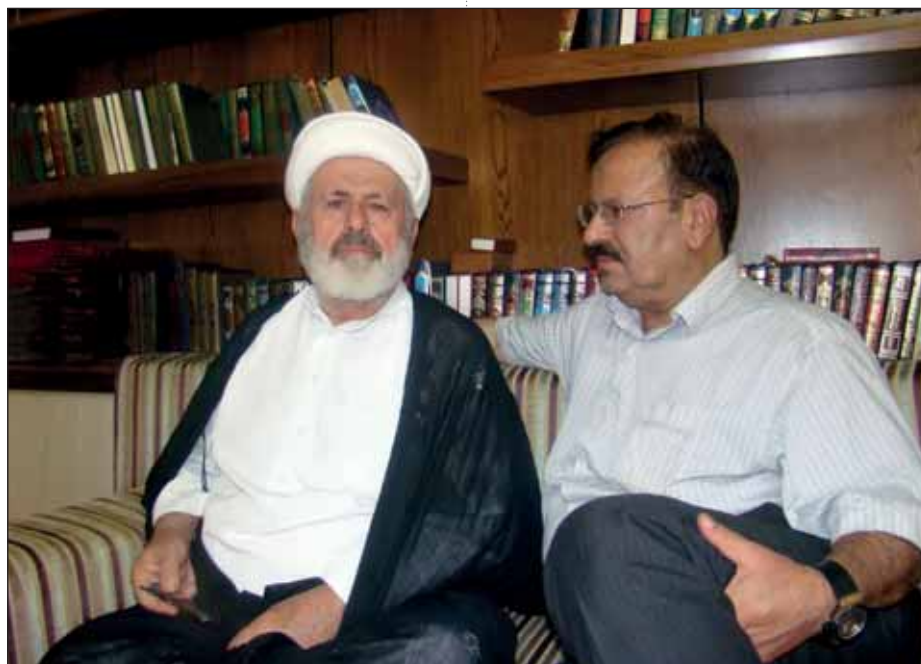
کار فرهنگ سازی را با جمع آوری نوجوانان هشت تا ۱۵ ساله در همین مسجد جامع که اکنون در آن مصاحبه می‌کنید شروع کردم. آن‌ها را به بهانه آموزش قرآن کریم به مسجد می‌آوردم و در ضمن در شناخت مسایل دینی راهنمایی‌شان می‌کردم. مانند سایر سازمان‌های غیر دینی که جوانان را با این شیوه‌ها جذب می‌کردند. به نوجوانان گوشزد کردم که اگر ما واقعا مسلمان هستیم، این کتاب آسمانی برای ما نازل شده و وظیفه داریم از آن پیروی کنیم.

کارم را از صفر شروع کردم... حدود ۴۰ نوجوان در جلسات آموزشی شرکت می‌کردند و قرآن می‌خواندند، ولی یک نوجوان نتوانسته بود یک صفحه از قرآن را حفظ کند. پس از این که آن‌ها را تشویق کردم که برای حافظان یک صفحه قرآن کریم کتاب هدایی در نظر گرفته‌ام، کمی جدیت نشان دادند و دو تن از آن نوجوانان توانستند یک صفحه از قرآن را بدون غلط حفظ نمایند. برای آن نوجوانان جلسات متعدد شبانه برگزار کردم و در آن کار آموزش احکام دینی را شروع کردم. به مرور زمان آمدن‌شان به مسجد و شرکت در جلسات شبانه عادی شد. فرض کنید اگر به عللی یک شب در آن جلسات شرکت نمی‌کردم، نوجوانان احساس سردرگمی می‌کردند و سراغ مرا می‌گرفتند که چه شده؟ چرا شیخ احمد نیامده است؟ من برای تداوم حضور نوجوانان و موفقیت این جلسات از دریچه سطح تفکر، آگاهی، فهم و درک‌شان و میزان علاقه مندی‌شان به این جلسات کار فرهنگ سازی را شروع کردم.

### جناب آقای قصیر، دوست دارم اوضاع فرهنگی و اجتماعی جامعه جنوب لبنان را در آستانه تهاجم وحشیانه رژیم صهیونیستی از زبان شما بشنوم... جوانان فداکار و شجاع به خصوص جوانان شهادت طلب دیر قانون النهر چگونه تربیت شدند و پرورش یافتند؟

برای پاسخ به این پرسش به یک نمونه از فعالیت‌های فرهنگ سازی برای جوانان جنوب لبنان اشاره می‌کنم. در ابتدای جوانی حدود هفت سال درس طلبگی در لبنان خواندم، سپس عازم حوزه علمیه نجف اشرف شدم و به مدت هشت سال ادامه تحصیل دادم. پس از پایان تحصیلات علمی در رشته‌های فقه و اصول در روز ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۸۰، حدود ۱۰ روز قبل از آغاز جنگ ایران و عراق به لبنان بازگشتم. در آن برهه بر اثر جنگ‌های داخلی، اختلافات سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی، همه محافل دولتی و سیاسی لبنان را فرا گرفته بود. جنگ‌های داخلی به اوج رسیده بود و همه چیز به استثنای ارزش‌های الهی و انسانی بر جامعه لبنان مستولی شده بود. از دین و آیین خدا فقط نام خدا مانده بود و من در آن شرایط احساس مسئولیت کردم. در آن شرایط بحرانی، سازمان‌های فلسطینی و لبنانی اعم از کمونیست، سوسیالیست و ناسیونالیست فعالیت می‌کردند و جنبش فلسطینی فتح از برجسته‌ترین آن‌ها بود. در همان حال جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و دیگران بیشتر فعالیت تبلیغاتی داشتند. اوضاع خیلی سخت و حزن آور بود. چون یک نفره و به تنهایی نمی‌توانستم در برابر آن‌ها بایستم. حتی جوانان شهرک دیر قانون النهر هم میان گروه‌های لائیک پراکنده و تقسیم بندی شده بودند. به ندرت یک جوان پیدا می‌کردید که وابسته به سازمان‌های مزبور نباشد. سرنوشت همه گروه‌ها و سازمان‌های یاد شده آتش دوزخ شد.

در روزهای نخست بازگشت به لبنان، نشستم و فکر کردم چگونه کارم را آغاز کنم. ابتدا به سراغ بزرگان و ثروتمندان شهرک رفتم. احساس کردم که مرا برای توجیه کسب درآمد و موقعیت‌شان می‌خواهند و نه



شهید احمد قصیر پس از بازگشت از لیبی، روزی به مسجد آمد و خود را به بنده معرفی کرد و به جوانان ملحق شد و خیلی با شور و شوق در جلسات شرکت کرد. شهید رضا حریری هم یکی از برجسته‌ترین جوانان شرکت کننده در جلسات مسجد جامع بود. ایشان بر جوانان نظارت داشت و آنان را آموزش نظامی می‌داد



بهانه اصلاح اوضاع آن پنج هزار نیروی مسلح و مجهز به سلاح‌های سنگین احضار کردند. سپس در نبردی که میان کمونیست‌ها و جنبش امل رخ داد مسئول جنبش امل و فرمانده نیروهای مهاجم کشته شدند. کمونیست‌ها در آفرینش این فتنه بزرگ قصد داشتند با پنج هزار نیرو بر شهرک کوچک دیر قانون النهر مسلط شوند. در آن برهه حضور سازمان‌های فلسطینی در جنوب لبنان، اوضاع اجتماعی را بسیار سخت و پیچیده کرده بود. هیچ شهروندی جرأت نداشت به آن‌ها اعتراض کند و نه می‌توانست تسلیم آن‌ها بشود. حتی نه می‌توانست با آن‌ها وارد مذاکره شود. چون آن‌ها مغرورانه و استکباری با مردم جنوب لبنان برخورد می‌کردند. لذا پس از یورش ارتش رژیم صهیونیستی میدان را خالی گذاشتند و فرار کردند.

### چرا فرار کردند و در برابر دشمن ایستادگی نکردند؟

چون اراده واقعی برای جنگیدن با اسرائیل نداشتند. اکثرشان تاجر بودند و اراده‌شان فقط هیاهوی تبلیغاتی بود. فقط در رادیوها و تریبون‌ها شعارهای انقلابی سر می‌دادند. سازمان آزادی بخش فلسطین در لبنان افزون بر هزاران جنگجوی فلسطینی، دو هزار داوطلب بنگلادشی، سه هزار داوطلب پاکستانی و چند هزار داوطلب هندی در اختیار داشت. از مناطق مختلف جهان هم هزاران داوطلب در اختیار داشت. چون همه آن‌ها مزدور بودند و حقوق کلان دریافت می‌کردند، وقتی سازمان آزادی بخش فلسطین از لبنان گریخت، آسیابی‌ها را به حال خودشان رها کرد و رفت. فراموش نشود که اکثریت افسران ساف مزدور اسرائیل بودند و به دشمن اطلاعات ارائه می‌کردند.

### سرنوشت بچه‌های مسجد جامع چه شد؟

## در این صورت به اشغال در آمدن لبنان توسط این شر مطلق (اسرائیل) تصمیم گرفتیم به آرامی و بدون سر و صدا کار مقاومت را شروع کنیم. جوانان دیر قانون النهر مانند شهیدان احمد قصیر و رضا حریری برای استفاده از انواع اسلحه به صورت انفرادی آموزش نظامی دیدند

تعداد این بچه‌ها به مرور زمان از ۲۰ نفر به ۴۰ نفر و به ۶۰ نفر افزایش یافت. ولی برجسته‌ترین و فعال‌ترین آن‌ها حدود ۱۰ تا ۱۵ نفر بود. این ۱۵ نفر پتانسیل و محرک آرام، دقیق و ظریف فضای فرهنگ سازی بودند. هیچ کسی حتی فلسطینی‌های مستقر در دیر قانون النهر نمی‌دانستند که این بچه‌ها چه نوع فعالیتی دارند. می‌خواستند از فعالیت آن‌ها آگاه بشوند. به طور مثال قاسم قصیر روزنامه‌نگار مشهور لبنانی، به بچه‌های نوجوان دوره پیشاهنگی آموزش می‌داد. فلسطینی‌ها به گمان این‌که قاسم محرک این دسته از جوانان است او را گرفتند و تا مرز کشتن کتک زدند و خون مال کردند. من و تعدادی از بزرگسالان شهرک در برابر فلسطینی‌ها ایستادیم و قاسم قصیر را نجات دادیم. روزی دیگر احساس کردند که من مشکل سر راه‌شان هستم. لذا مرا به مزدوری برای اسرائیل متهم کردند. البته مشکلات زیادی برای من به وجود آوردند که بازگو کردن آن‌ها به وقت بیشتری نیاز دارد.

### می‌خواهید بگویند که فلسطینی‌ها بر شهرک دیر قانون النهر اعمال سلطه می‌کردند؟

دقیقاً همین طور است. سازمان آزادی بخش فلسطین و زیر پر و بال آن همه گروه‌های فلسطینی این راهکار را ادامه می‌دادند. بنابر این قبل از یورش رژیم صهیونیستی به لبنان و فرار سازمان‌های فلسطینی در چنین وضعیتی و زیر فشارهای فزاینده زندگی می‌کردیم. مدتی کلاس آموزش رساله عملیه در حسینیه شهرک دایر کردم و شرکت در آن کلاس را آزاد اعلام کردم. پس از گذشت سه روز مسئول یک سازمان کمونیستی برای من پیام فرستاد و دستور داد این کلاس را تعطیل کنم. هنگامی که اسرائیل وارد لبنان شد بسیار احساس خرسندی کردیم. چرا خرسند شدیم؟ چون برادران فلسطینی ما احمق، نا آگاه و دچار تفرقه بودند. مزدوران زیادی برای اسرائیل میان‌شان وجود داشتند. نه می‌توانستیم در مقابل آن‌ها بایستیم و نه می‌توانستیم با آن‌ها روابط دوستانه داشته باشیم. نه می‌توانستیم ولایت‌مدار آن‌ها باشیم. ولی وقتی اسرائیل وارد لبنان شد، دشمن واقعی آشکار و مشخص شد. انسان لبنانی آرامش روحی پیدا کرد که از این پس با دشمن اصلی رو به رو خواهد شد.

اکنون همه مردم جهان، کوچک و بزرگ گواهی می‌دهند که اسرائیل دشمن مردم لبنان، دشمن اخلاق، دشمن ارزش‌های انسانی و دشمن مطلق است. امام موسی همواره اعلام می‌کرد که اسرائیل شر مطلق است.

در این صورت با به اشغال در آمدن لبنان توسط این شر مطلق (اسرائیل) تصمیم گرفتیم به آرامی و بدون سر و صدا کار مقاومت را شروع کنیم. جوانان دیر قانون النهر مانند شهیدان احمد قصیر و رضا حریری برای استفاده از انواع اسلحه به صورت انفرادی آموزش نظامی دیدند. برخی از آن‌ها هنگام همکاری با جنبش امل آموزش نظامی دیده بودند. برخی از آن‌ها در جنبش فتح آموزش دیده بود. برخی از افراد این مجموعه به یکدیگر آموزش نظامی می‌دادند. افرادی که در جنبش‌های فتح و امل آموزش نظامی دیده بودند دوستان‌شان را گردآوری و همکاری‌شان را با یکدیگر شروع کردند. وقتی اسرائیل در لبنان استقرار یافت یکی از آن جوانان به سرانجام آمد و تقاضای کمک کرد. به او گفتم ان شاء الله خیر باشد! به چه کمکی احتیاج دارید؟ فکر کردم به مبلغ صد یا دویست لیر پول نیاز دارد.

گفت: به هفت هزار لیر نیاز دارد. گفتم: آقای ایکس... من در حال حاضر فقط مبلغ ۴۵۰۰ لیر در اختیار دارم.

گفت: می‌خواهم اسلحه خریداری کنم. پرسیدم: از کارتان مطمئن هستید؟ و به فروشنده اعتماد دارید؟

گفت: آری... از کارمان مطمئن هستیم.

### امکان دارد نام آن شخص را اعلام کنید؟

خیر... هنوز زنده و از فرماندهان مقاومت است. در حال حاضر امکان ندارد نام او را فاش کنم.

### خدا ایشان را حفظ کند...

گفتم: حال که به کارتان و به فروشنده اعتماد دارید، بفرمایید این مبلغ را بگیرد.

بچه‌ها برای خرید اسلحه به بیروت رفتند و در ضمن در محله بئر العبد در ضاحیه جنوبی با برادران هم‌زمان دیدار کردند. جوانانی که در بیروت مستقر بودند به هم‌زمان جنوبی‌شان گفتند لزومی به خرید اسلحه ندارید. حال که قصد دارید با دشمن متجاوز بجنگید ما همه نیازهای تسلیحاتی شما را تأمین می‌کنیم و مبلغ ۴۵۰۰ لیر را به صاحب آن مسترد کنید.

بچه‌ها از بیروت به جنوب بازگشتند و به سراغ بنده آمدند تا پول را مسترد نمایند.

پرسیدم: چرا پول را بازگردانید؟ گفتند: خدا را سپاس که یک دستگاه خودرو برای انتقال اسلحه به دیر قانون النهر تهیه کردیم و در آن مخزن جاسازی اسلحه ساختیم که امکان شناسایی آن برای هیچ کسی مقدور نیست. به اندازه توان‌مان در آن خودرو اسلحه منتقل خواهیم کرد. با شنیدن این سخنان خدا را سپاس گفتم و بچه‌ها یک روز در میان از بیروت انواع اسلحه به جنوب انتقال می‌دادند، تا به مرحله



■ ساختمان مقر فرماندار نظامی اسرائیل که اکنون به این شکل درآمده است



بودیم و بنده مسئول اجرای این توافق بودم. ولی در مسئله نظامی خود را ملزم به دخالت در آن نمی‌دیدم. چون به راهکار و عملکرد آن‌ها اطمینان کامل داشتم. در این زمینه خیالم راحت بود. فرضاً اگر کسی به سراغم می‌آمد و می‌خواست اعتراض و گله کند، می‌توانستم سوگند یاد کنم که در کار نظامی بچه‌ها دخالتی ندارم. در بسیاری از مواقع مردم به سراغم می‌آمدند و درباره فعالیت نظامی بچه‌ها سؤال می‌کردند. بنده به خداوند متعال قسم می‌خوردم که آگاهی ندارم. واقعا راست می‌گفتم که هیچ اطلاعی ندارم.

❁ حتی از طرح عملیات انهدام مقر فرماندار نظامی اسرائیل در شهر صور توسط شهید احمد قصیر آگاهی نداشتید؟

فقط از طرح کلی آگاهی داشتم. ولی از جزئیات، زمان و مکان اجرای عملیات هیچ شناختی نداشتم.

❁ بعد از اجرای عملیات اطلاع یافتید که کار شهید احمد قصیر بوده است؟

آری... اطلاع یافتیم. چون پس از گذشت سه روز ناگهان احمد به مسجد و به جمع بچه‌ها نیامد. انگار ناپدید شد. چون از میزان شور و شوق و جوش خروش بی‌نظیر احمد شناخت کامل داشتم. ایشان در آن برهه در شهرک دیر قانون النهر مغازه خواربار و تره بار فروشی داشت و این مغازه چند روزی تعطیل مانده بود.

❁ وقتی خبر انهدام مقر فرماندار نظامی ارتش رژیم صهیونیستی در صور به گوش شما رسید چه احساسی داشتید؟

به محض اعلام خبر اجرای موفقیت آمیز این عملیات بنده به شهر صور رفتم و از نزدیک ساختمان منهدم شده مقر فرماندار نظامی ارتش رژیم صهیونیستی را دیدم. یکی از الطاف الهی آن روز را هرگز فراموش نمی‌کنم. در شب عملیات باران بسیار شدید و سیل آسا می‌بارید. ریزش چنین بارانی در تاریخ منطقه سابقه نداشته است. در آن روزها یگان‌های مهندسی ارتش رژیم صهیونیستی در ورزشگاه صور اردو زده بود و زمین ورزشگاه را به ارتفاع نیم متر آب گرفته بود. همه سربازان

احمد نگران او بودم. شور و شوق احمد فوق العاده بود و از حد معمول گذشته بود. به مرور زمان معلوم شد ایشان مخلصانه و با انگیزه درونی در عملیات مقاومت شرکت می‌کند. تصور کنید که ارتش اسرائیل در روز ششم ژوئن سال ۱۹۸۲ وارد سرزمین لبنان شد. و در روز اول سپتامبر همان سال مراسمی به مناسبت سالگرد ناپدید شدن امام موسی صدر در شهر صور برگزار گردید. اسرائیلی‌ها به منظور همراهی با مردم جنوب تصاویر امام صدر را روی تانک‌های خود آویختند. شهیدان احمد قصیر و رضا حریری و تعدادی از جوانان که خداوند شهیدان‌شان را قرین رحمت و مغفرت قرار دهد و به بازماندگان‌شان طول عمر عنایت نماید بالای تانک‌ها می‌رفتند و تصاویر امام موسی را جمع آوری می‌کردند. آنان به اسرائیلی‌ها می‌گفتند که شما با این کار تصاویر امام صدر را آلوده می‌کنید.

اسرائیلی‌ها در آن مرحله در برابر مردم جنوب لبنان کمی انعطاف پذیر بودند. چون تازه وارد لبنان شده بودند، تمایل داشتند خشم مردم را فرو نشانند. یکی از مسئولان جنبش امل که این انعطاف پذیری را در کردار اسرائیلی‌ها دیده بود به سراغم آمد و از من خواست که جوانان را متقاعد کنم تا از میزان شور و شوق‌شان بکاهند. من به گفت عکس امام صدر روی تانک اسرائیلی چه اشکالی دارد؟ در آن برهه بنده میان دو مشکل قرار گرفته بودم. از یک طرف تلاش می‌کردم مسئولان را متقاعد کنم که می‌خواهیم به قیام انقلابی دست بزنیم. از طرف دیگر آن‌ها تلاش‌شان این بود که ما را سست کنند و آرام بگیریم و ساکت بنشینیم.

❁ جوانان هسته اولیه مقاومت مانند شهیدان احمد قصیر و رضا حریری در خصوص اجرای عملیات مسلحانه با جنابعالی مشورت هم می‌کردند؟

بالطبع با همه بچه‌ها در همه مسایل اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و دینی با همدیگر به اتفاق نظر دست یافته

خودکفایی رسیدند. به مرور زمان ارتباط و هماهنگی میان بچه‌های بیروت و دیر قانون النهر و نیز با بنده گسترش یافت و عملیات مسلحانه ضد صهیونیستی شروع شد. اولین عملیات در خانه ابو فاعور در مقابل فروشگاه تعاونی النخیل به مورد اجرا گذاشته شد. این خانه دو طبقه به یکی از شهروندان خوب لبنانی تعلق داشت که اسرائیلی‌ها آن را به تصرف درآورده و آن‌جا را مرکز فرماندهی خود قرار داده بودند. این خانه بیرون از دیر قانون النهر و در جاده ارتباطی روستاهای دیر قانون - معروف - معاهده - جاناتا - حلوسیه واقع شده است. بچه‌ها روزانه می‌رفتند و این مرکز را شناسایی می‌کردند. روزی هنگام طلوع خورشید بچه‌ها به سراغ آن ساختمان دو طبقه رفتند و به آن حمله کردند. در آن برهه هواپیماهای جنگی اسرائیل همیشه در آسمان لبنان در حال پرواز بودند، وقتی حمله بچه‌ها به ساختمان مزبور شروع شد هواپیماهای دشمن هم وارد عمل شدند و آن‌گاه بچه‌ها به سوی روستای حلوسیه فرار کردند. نظامیان اسرائیل روستای حلوسیه را به محاصره در آوردند و تعدادی از جوانان آن روستا و جوانان دیر قانون النهر شرکت کننده در عملیات را بازداشت کردند. تعدادی هم موفق به فرار شدند و به پایگاه خود در دیر قانون النهر بازگشتند. ناگفته نماند که مأموران امنیتی اسرائیل از قبل به فعالیت‌های بچه‌های دیر قانون النهر مشکوک شده بودند و چند بار این شهرک را به محاصره درآورده و به جست و جو و تعقیب بچه‌ها پرداخته بودند. عملیات ضد صهیونیستی جوانان جنوب در آغاز کارزار این‌گونه شروع شد.

❁ عملیات مشهور شهید احمد قصیر چگونه آغاز شد؟

شهید احمد قصیر از برجسته‌ترین و فعال‌ترین جوانانی بود که به داشتن جسارت و شجاعت بی‌نظیر شهرت داشت. در مراحل اولیه مبارزه به خاطر میزان بالای شجاعت و تهور در نتیجه جوش و خروش وصف ناپذیر

سرتاسر وجود شهید احمد قصیر حماسه و انگیزه بود. جوش و خروش وجود این جوان پاک را فرا گرفته بود. انسانی بسیار سالم، پاک و با صداقت بود. همیشه فعالیت‌های خود را با برادران هم‌رزم هماهنگ می‌کرد. خداوند توفیق شهادت را به ایشان عنایت کرد.

می‌کردند (مانند عملیات شهادت طلبانه حسن قصیر در شهر صور - به گفت و گو با عماد قصیر رجوع کنید).

❁ در آن مرحله آگاه می‌شدید که برخی از بچه‌های جنوب برای فراگیری آموزش‌های نظامی نزد سپاه پاسداران به منطقه بقاع و بعلبک بروند؟

آری... تعداد زیادی از بچه‌ها رفتند و آموزش دیدند و برگشتند. اهالی جنوب از این مسایل اطلاع کافی دارند. تردد بچه‌ها به بیروت و بقاع در آن مرحله بسیار طبیعی بود و هیچ کسی نمی‌توانست مانع تحرک لبنانی‌ها شود. افزون بر آموزش استفاده از انواع اسلحه و ساخت مواد منفجره در دوره‌های آموزش چریکی و جنگ تن به تن هم شرکت می‌کردند.

❁ عملیات شهید احمد قصیر سرآغاز عملیات‌های شهادت طلبانه مقاومت اسلامی بود. از عملیات‌های بعدی هم آگاهی دارید؟

آری اطلاع دارم... صد درصد از جزئیات عملیات‌های بعدی آگاهی پیدا کرده بودم. هنگامی که فلان شخص با فلان شخص به تنهایی خلوت می‌کردند و دور از سمع و نظر دیگران نقشه می‌کشیدند احساس می‌کردم که در حال برنامه ریزی هستند. یکی از آنان از دیگری می‌پرسید امشب بریم شب نشینی؟ منظورش این بود که امشب بریم عملیات انجام دهیم. معمولاً وقتی بچه‌ها برای اجرای عملیات مسلحانه آماده می‌شدند، برخی از وسایل لازم مانند ماسک صورت در جیب لباس‌شان وجود داشت.

❁ درباره شهید احمد قصیر چیزی مانده که نگفته باشید؟

سرتاسر وجود شهید احمد قصیر عشق به شهادت، حماسه و انگیزه بود. نشانه‌های جوش و خروش چهره و وجود این جوان پاک را فرا گرفته بود. انسانی بسیار سالم، پاک و با صداقت بود. همیشه فعالیت‌های خود را با برادران هم‌رزم هماهنگ می‌کرد. خداوند توفیق شهادت را به ایشان عنایت کرد. ■



صهیونیست بی‌رقیب بود و مقاومت به وجود او بیشتر نیاز داشت. رضا حریری در برنامه ریزی، فرماندهی و رهنمون سازی بچه‌ها برتری داشت و حرف اول را می‌زد. در عین حال یک مقاوم و جنگ آور منحصر به فرد بود.

❁ در گفت و گویی که با پدر شهید احمد قصیر داشتم ایشان شهید عماد مغنیه را مسئول برنامه‌ریزی و آماده سازی خودروی حاوی مواد منفجره معرفی کرد...

همانگونه که پیشتر اشاره کردم بنده در جزئیات عملکرد نظامی بچه‌ها اطلاع نداشتم و این بخش را پیگیری نمی‌کردم. مسئله دوم این است که پدر شهید احمد قصیر پس از گذشت سه سال از شهادت فرزندش از این موضوع آگاهی یافت. ولی برخی از آقایان به نقل از مرحوم حاج فایز مغنیه پدر شهید عماد مغنیه گفته‌اند که خودروی عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر در منزل ایشان در روستای طبر دبا در نزدیکی دیرقانون النهر بمب گذاری شد. ولی مطمئن هستم که تعدادی از بچه‌های مجموعه کارشان را با دو تن از اعضای جنبش امل به نام‌های محمد سعد و خلیل جراده هماهنگ

یگان مهندسی ارتش اشغالگر ورزشگاه را رها کرده و به ساختمان مزبور پناه برده بودند. اسرائیلی‌ها اعلام کردند که ۴۰ نظامی در این ساختمان کشته شده‌اند ولی بنده با ملاحظه آن وضعیت اطمینان دارم که ۳۰۰ نظامی بر اثر این عملیات به هلاکت رسیدند. همچنین یکی از الطاف الهی این است که اسرائیلی‌ها در شب اجرای عملیات همه زندانیان لبنانی و فلسطینی را از آن ساختمان به بازداشتگاه انصار انتقال داده بودند. اما افرادی را که قبل از ساعت هفت بامداد (زمان اجرای عملیات) بازداشت کرده بودند روی بام ساختمان عزمی نگه داشتند. وقتی شهید احمد قصیر ساختمان را منفجر کرد این زندانیان سالم ماندند. ساختمان هشت طبقه به توده‌ای آوار با ارتفاع چند متری تبدیل شده بود.

❁ نقل شده که برخی از بچه‌ها برای اجرای این عملیات از یکدیگر سبقت می‌گرفتند حال که شما مربی فرهنگی آن‌ها بودید، از این موضوع اطلاع دارید؟

خیر... از جزئیات این موضوع اطلاع ندارم. ولی می‌دانم که شهید رضا حریری در جنگ با نظامیان



ارزیابی دست‌آوردهای عملیات شهید احمد قصیر در گفت‌وگو با ناصر قنديل مدير مسئول رونا مه البناء

## احمد قصير امید به پیروزی را در اذهان مردم لبنان زنده کرد

درآمد

در جهان عرب کسی نیست که بیان زیبا و زبان گویای استاد ناصر قنديل سرپرست اسبق وزارت اطلاع رسانی و نماینده اسبق مجلس لبنان را نشناخته باشد. شاید به دلیل داشتن همین ویژگی‌ها بوده که در جریان انتفاضة فوریه سال ۱۹۸۴ که به لغو موافقتنامه سازش با تل آویو و خروج نیروهای چند ملیتی منجر شد مسئولیت اداره تلویزیون دولتی لبنان را به عهده گرفت. در سال ۱۹۸۵ رادیو مقاومت ملی را راه اندازی کرد و در همان مرحله سردبیری روزنامه‌های الحقیقه والدیار را به عهده گرفت و اکنون مالکیت روزنامه البناء را به عهده دارد. از سال ۱۹۹۰ مسئولیت‌های اطلاع رسانی متعددی از جمله عضویت در شورای ملی رسانه‌های دیداری و شنیداری را به عهده داشت. ناصر قنديل گرایش‌های ناسیونالیستی ضد صهیونیستی دارد و در عین حال همواره از مواضع حزب الله پشتیبانی می‌کند. هنگام داشتن کرسی نمایندگی، در راه اصلاح ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی لبنان و برقراری عدالت و برابری گام برداشت. موقعی که تهاجم نظامی رژیم صهیونیستی به لبنان در ژوئن سال ۱۹۸۲ آغاز شد ناصر قنديل در محورهای جنگی جنوب بیروت به خصوص در منطقه فرودگاه حضور یافت و با اشغالگران کشورش جنگید. شاهد یاران به منظور بررسی اوضاع لبنان و عملیات مقاومت در مراحل نخست اشغال این کشور به گفت‌وگو با ایشان نشست که با هم می‌خوانیم:

■ سمت راست ژنرال اسرائیلی یوکتیل آدم که در عملیات مقاومت در جنوب بیروت به هلاکت رسید. سمت چپ آریل شارون



جلو می‌آیند باید تلفات دهند. یورش به لبنان برای اخراج فلسطینی‌ها بهانه است. صهیونیست‌ها به آب و خاک لبنان چشمداشت دارند و آن‌ها را از تحقق اهدافشان نا امید خواهیم کرد». این موضع نبیه بری رئیس مجلس لبنان در اولین روز آغاز تهاجم اسرائیل به لبنان بود.

با این وصف نبیه بری و همه رهبران جنبش امل تصمیم به مقاومت در برابر اشغالگران را زود هنگام اتخاذ کردند. من به عنوان عضو شورای مرکزی و مسئول نظامی گروه رابطه الشغیله در بخشی از جلسه آنان که در منطقه برج البراجنه برگزار شد، شرکت داشتم. در آن جلسه مقرر شد که هر دو گروه (جنبش امل و رابطه الشغیله) با همکاری یکدیگر با نظامیان اسرائیل بجنگند. در آن برهه جنبش امل حدود ۱۲۰ رزمنده و رابطه الشغیله حدود ۶۰ رزمنده در اختیار داشتند و آماده جنگ بودند. سپس مقرر شد که رزمندگان را در منطقه کوهستانی اقلیم التفاح مستقر کنیم. آنگاه مرحوم زکریا حمزه مسئول بخش نظامی جنبش امل و حاج مصطفی الدیرانی مسئول امنیتی جنبش امل همه نیروها را بسیج و به وسیله ۲۰۰ خودرو به اقلیم التفاح اعزام کردند. این اقدام در اولین روز تجاوزگری ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان به عمل آمد.

نبیه بری به عنوان مسئول جنبش امل در آن روز بیانیه‌ای منتشر کرد و در آن مردم را به جهاد فراخواند. زمانی که نیروهای رزمنده دو گروه یاد شده به اقلیم التفاح رسیدند و من هم یکی از آنان بودم به ما اطلاع دادند که سربازان اسرائیلی وارد شهر صیدا شده‌اند (حدود ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت). آنگاه تصمیم گرفتیم بجای ماندن در اقلیم التفاح که امکان دارد به محاصره دشمن قرار بگیریم، به اقلیم الخروب (در شمال شهر صیدا) منتقل شویم و در آن جا با متجاوزان بجنگیم.

❁ به دلیل این که اقلیم الخروب بر جاده اصلی و ساحلی بیروت به جنوب لبنان اشرف دارد...

دقیقا همین طور است. وقتی وارد اقلیم الخروب شدیم به ما خبر رسید که نظامیان اسرائیلی تا منطقه خلد در فاصله ۱۰ کیلومتری جنوب بیروت رسیده‌اند. پس از گذشت پنج

و سازمان‌های ملی لبنان اتخاذ هرگونه تصمیم گیری را سودمند ندانستند. چون همه نیروهای مردمی بیروت یا به مناطق امن فرار کرده بودند یا فرسایش شده و توان مقاومت را نداشتند. اصلا در مغز هیچ شهروند لبنانی به خصوص در بیروت فرو نمی‌رفت که مقاومت در برابر ماشین جنگی دشمن و دولت دست نشانده خاندان جمیل سودمند است و می‌تواند موازنه قدرت را دگرگون کند.

من از افرادی هستم که معتقدند جنگ با متجاوزان در بیروت در سطح عالی و به حجم قدرت نظامی سازمان‌های فلسطینی و نیروهای ملی لبنان نبوده است. مقابله با نظامیان متجاوز به شکل انفرادی، یا به وسیله گروه‌های بی نام و نشان صورت می‌گرفت که به صورت مستقل تصمیم به جنگ و مقاومت گرفته بودند. در درون جنبش فتح افرادی هم به صورت مستقل مقاومت کردند. جبهه خلق برای آزادی فلسطین به فرماندهی جرج حبش و به صورت استثنایی و مستقل با اشغالگران جنگیدند. سرهنگ ابو موسی، ابو خالد العملة و ابو مجدی و نیروهای آنان خوب جنگیدند. من در برخی از جبهه‌ها در کنار آنان می‌جنگیدم و شاهد بودم که واقعا مردانه و شجاعانه مقاومت می‌کرده‌اند. ارتش آزادی بخش فلسطین در محور المتحف (منطقه حایل میان شرق و غرب بیروت) به مدت ۲۰ روز جنگید و از پیشروی ارتش اسرائیل جلوگیری کرد. گروه‌های یاد شده مستقل و خودسرانه می‌جنگیدند و هیچ ارتباطی با تصمیمات سازمان آزادی بخش فلسطین که قدرتمندترین گروه‌های فلسطینی بود، نداشتند.

جنبش امل از لحظه آغاز تجاوزگری دشمن تصمیم به جنگیدن گرفت. در روز ششم ژوئن سال ۱۹۸۲ که حمله شروع شد با نبیه بری رئیس جنبش امل جلسه داشتم و از او پرسیدم می‌خواهید چه تصمیمی بگیرید؟ گفت: «رژیم صهیونیستی قصد دارد بیروت را به اشغال درآورد و ما وظیفه داریم از کشورمان دفاع کنیم. اسرائیل تصمیم گرفته پیوند لبنان با جهان عرب را قطع کند و زیر سلطه خود درآورد. لذا ما تصمیم گرفته‌ایم بجنگیم. اگر امیدی هم به پیروزی نداریم به اسرائیلی‌ها اجازه ورود راحت و بی دردسر به خاک لبنان را نمی‌دهیم. در هر گامی که به

❁ پیش از تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان، احزاب و گروه‌های اسلامی، ملی و لائیک لبنانی و فلسطینی با گرایش‌ها گوناگون فعالیت داشتند. زمانی که جنبش‌های مقاومت فلسطین در برابر متجاوزان عقب نشینی کردند، احزاب لبنانی چه واکنشی به این تهاجم وحشیانه به کشورشان نشان دادند؟

من معتقدم که در لحظه یورش نظامیان صهیونیست به لبنان، همه احزاب سیاسی لبنانی به نحوی به مقاومت ملی فلسطین وابسته بودند و تصمیمات نهایی از سوی مقاومت فلسطین به رهبری جنبش فتح اتخاذ می‌شده است. بسیار روشن بود که جنبش فتح از آغاز تهاجم تصمیم گرفته بود که با مهاجمان درگیر نشود. به این امید که تلاش‌های سیاسی بین‌المللی به توقف تهاجم اسرائیل تا مسافت ۴۵ کیلومتری مرز جنوب لبنان با فلسطین اشغالی منجر بشود. سازمان آزادی بخش فلسطین امیدوار بود که مهاجمان عملیات‌شان را تا آن مسافت در داخل لبنان متوقف کنند و بعد گفت و گوهایی با نظارت سازمان ملل متحد برای پایان دادن به مخاصمه صورت گیرد و قطعنامه‌ای برای عقب نشینی متجاوزان صهیونیست صادر کند. مانند قطعنامه ۴۲۵ شورای امنیت سازمان ملل. اما بدترین پیش‌بینی فلسطینی‌ها این بود که مذاکرات سیاسی بتواند متجاوزان را در دروازه‌های جنوبی بیروت متوقف کند.

رهبری مقاومت فلسطین و رهبران احزاب ملی لبنان هرگز تصور و پیش‌بینی نمی‌کردند که جنگ به اشغال بیروت کشیده شود و رئیس جمهوری آینده لبنان با اراده اسرائیلی‌ها بر کرسی کاخ بعدا نشانده شود و این کشور وارد مرحله‌ای شبیه مرحله کمپ دیوید گردد. سرانجام اسرائیلی‌ها تا این مرحله پیش رفتند و بشیر جمیل را به ریاست جمهوری منصوب کردند و پس از به هلاکت رسیدن او به دست حبیب الشرتونی عضو حزب سوری قومی اجتماعی لبنان، برادرش امین جمیل را به کرسی ریاست جمهوری نشانده و موافقنامه صلحی را بر لبنان تحمیل کردند که موافقتنامه ۱۷ مه سال ۱۹۸۳ معروف بود. وقتی کار به اینجا رسید و جنبش مقاومت فلسطین خلع سلاح و از لبنان رانده شد، و ارتش اسرائیل در لبنان به برتری نظامی دست یافت و همه مناطق استراتژیک اطراف بیروت را به اشغال درآورد، در چنین شرایطی رهبران احزاب

من معتقدم جنگ با متجاوزان در بیروت در سطح عالی و به حجم قدرت نظامی سازمان‌های فلسطینی و نیروهای ملی لبنان نبوده است. مقابله با نظامیان متجاوز به شکل انفرادی، یا به وسیله گروه‌های بی نام و نشان صورت می‌گرفت که به صورت مستقل تصمیم به جنگ و مقاومت گرفته بودند

از صحنه گریختند. از آن روز هیچ سربرازی از نیروهای دشمن به خود اجازه نداد فکر پیشروی به سوی منطقه ضاحیه را در سر بپروراند. این منطقه به صورت دژ محکم و تسخیر ناپذیر درآمده بود. چون جوانان این منطقه شبانه از خانه‌های خود بیرون می‌آمدند و به شکار تانک‌های دشمن می‌رفتند. شبی نبود که عملیاتی در خیابان‌های اطراف ضاحیه اجرا نشود. با این وصف عملیاتی که در مناطق مختلف بیروت به اجرا گذاشته شد، دشمن را ناگزیر کرد هر چه سریعتر از پایتخت لبنان عقب نشینی کند. سربازان دشمن هنگام عقب نشینی از بیروت با بلندگو فریاد می‌زدند «ارتش دفاع اسرائیل در حال عقب نشینی است. گلوله شلیک نکنید». ولی جوانان غیور لبنان سربازان دشمن را رها نکرده و هنگام عقب نشینی از بیروت هم آنان را آماج گلوله‌های آتشین خود قرار می‌دادند.

**نیروهای پیمان ناتو یا به تعبیر غربی‌ها نیروهای چند ملیتی در چه زمانی در بیروت استقرار یافتند و ماموریت پشتیبانی از دولت امین جمیل را آغاز کردند؟**

هنگام فرار اشغالگران صهیونیست از بیروت مرحله جدیدی از اشغال این شهر آغاز گردید. این بار نیروهای چند ملیتی متشکل از سربازان کلاه سبز و کماندویی آمریکا، فرانسه، انگلیس و ایتالیا در مناطق استراتژیک بیروت استقرار یافتند و تصمیم گرفتند مأموریت ارتش اسرائیل را تکمیل کنند. البته رسانه‌های دولت‌های غربی این نیروها را به عنوان نیروهای پیمان ناتو معرفی نمی‌کردند. برای این که موجب بروز حساسیت مردم لبنان نشوند، آن‌ها را نیروهای چند ملیتی به منظور برقراری امنیت در لبنان معرفی می‌کردند. در این مرحله ارتش لبنان هم که به دستور امین جمیل رئیس جمهوری بازسازی شده بود، جایگزین قوای اسرائیلی شد و عملیات سرکوب مخالفان رژیم دست نشانده خاندان جمیل و تعقیب مخالفان اشغالگران صهیونیست را آغاز کرد. همزمان با آغاز این مرحله جدید، تعدادی از جوانان انقلابی لبنانی

شهر مستقر شود و زمام امور را به دست گیرد. در آن مرحله تعدادی از سران احزاب سیاسی مانند حزب کمونیست و سازمان پیکار کمونیستی تصمیم به مقاومت گرفتند. نشستند و جبهه مقاومت ملی لبنان را تشکیل دادند. ولی قدرت قابل توجهی برای بسیج نیروهای خودی را نداشتند. باز در این مرحله عملیات مسلحانه پراکنده‌ای که در بیروت به اجرا گذاشته می‌شد به صورت انفرادی و مستقل بود. این عملیات پراکنده در حجم تصمیمات و مواضع احزاب کمونیست نبودند. حزب کمونیست در آن برهه حدود دو هزار شبه نظامی در اختیار داشت. ولی تعداد افرادی که به میدان آمدند ۲۰ تا ۳۰ نفر بیشتر نبودند. همه این شبه نظامیان به کوهستان‌ها فرار کرده بودند.

از روز ششم ژوئن سال ۱۹۸۲ که اولین سرباز اسرائیلی وارد لبنان شد تا ماه دسامبر همه اعضای احزاب جبهه مقاومت ملی گمان کرده بودند که هیچ گروهی حاضر به مقاومت علیه اشغالگران نیست و بر این باور است که بحران اشغال لبنان با مذاکرات سیاسی حل می‌شود. در چنین فضایی هرچند که امکانات و توانمندی‌ها برای مقاومت اندک و محدود بودند، اما عزم و اراده مردم برای مقاومت بسیار عالی بود. به طور مثال عبد الرحیم مراد رئیس حزب اتحاد سوسیالیست حدود ۳۰ شبه نظامی در منطقه برج ابی حیدر در مرکز بیروت مستقر کرد و این افراد مردانه با اسرائیلی‌ها جنگیدند. مناطق نفوذ حزب سوری قومی اجتماعی لبنان در خیابان الحمرا در بیروت هم مشخص است. چند روزی از استقرار سربازان اشغالگر در این خیابان نگذشته بود که عملیات مهمی بر ضد آنان به وسیله شهید خالد علون در مقابل سینما ویمی به مورد اجرا گذاشته شد. علون در برابر دیدگان مردم دو افسر اسرائیلی را به ضرب گلوله به هلاکت رساند. این عملیات نقطه عطفی در زمینه بالا بردن روحیه مقاومت مردمی به شمار رفت.

سربازان دشمن هرگز جرأت نمی‌کردند وارد بخش ضاحیه جنوبی بیروت شوند. به محض این که وارد میدان الغبیری شدند، با گلوله باران جوانان شیعه مواجه شده و بیدرتنگ

**حدود یکصد رزمنده جان برکف توانستند پیشروی ماشین جنگی دشمن را به سمت بیروت چند روزی متوقف کنند. در این نبرد نابرابر تلفات زیادی بر متجاوزان وارد آمد و تعدادی خودروی زرهی آنان به غنیمت گرفته شد. این سخن خیال بافانه نیست. یک واقعیت انکار ناپذیر است**

روز نقل و انتقال به اقلیم التفاح در جنوب لبنان و بازگشت به اقلیم الخروب تصمیم گرفتیم به بیروت بازگردیم. در مسیر بازگشت به بیروت، حزب سوسیالیست ترقی خواه لبنان (به رهبری ولید جنبلاط) مانع شد که اسلحه همراه داشته باشیم. چون شمال منطقه اقلیم الخروب تا منطقه الشویفات در جنوب بیروت دروزی نشین است و نامبرده به افراد مسلحی که خواهان جنگ با اسرائیل بودند اجازه تردد در این مناطق را نمی‌داد. به هر حال هر جوری بود خودمان را به منطقه خلدی رساندیم و جنگ با نظامیان اسرائیل را شروع کردیم و پیشروی آن‌ها را به سمت بیروت چند روزی متوقف کردیم. حدود ۷۰ درصد از نیروهای لبنانی که در این منطقه با تجاوزگران می‌جنگیدند از رزمندگان عضو جنبش امل بودند. شهیدان حاج عماد مغنیه و سید مصطفی بدر الدین و دیگران هم با پرچم جنبش امل در این محور با اسرائیلی‌ها می‌جنگیدند.

**دقیقا در کدام منطقه از خلدی از پیشروی اسرائیلی جلوگیری کردید؟**

رو به روی دانشگاه اسلامی در منطقه خلدی. حدود یک صد رزمنده شجاع و جان برکف توانستند پیشروی ماشین جنگی دشمن را به سمت بیروت چند روزی متوقف کنند. در این نبرد نابرابر تلفات زیادی بر متجاوزان وارد آمد و تعدادی خودروی زرهی آنان به غنیمت گرفته شد. این سخن خیال بافانه نیست. یک واقعیت انکار ناپذیر است. دشمن صهیونیست در پی نبردهای محور خلدی به این نتیجه رسید که پیشروی قدرتمندانه به سمت بیروت کار آسانی نیست و به رغم عدم وجود فلسطینی‌ها، هرگز نتوانست از این مسیر وارد بیروت شود. سپس ارتش رژیم صهیونیستی مسیرش را تغییر داد و از ارتفاعات مناطق دروزی نشین و مسیحی نشین شرق بیروت وارد دومین پایتخت یک کشور عربی شد. روزی که بیروت را به اشغال درآورد، با همکاری شبه نظامیان حزب فالانژ مسیحی جنایت قتل عام اردوگاه‌های صبرا و شاتیلا را مرتکب شد که در نتیجه آن هزاران فلسطینی و صدها لبنانی به شهادت رسیدند. این نشان می‌دهد که چند حزب راستگرای مسیحی لبنان به رهبری حزب کتایب (فالانژ) که همدست اسرائیلی‌ها بودند زمینه ورود آنان را به بیروت هموار کردند. در عین حال از روزی که ارتش رژیم صهیونیستی وارد پایتخت لبنان شد، مردم به او اجازه ندادند به راحتی در این



■ دوران جوانی ناصر قندیل در دیدار با امام خمینی در جماران



عنوان رئیس جمهوری دست نشانده اسرائیل آشکار گردید. با این وصف ورود بشیر جمیل به کاخ ریاست جمهوری بعداً به وسیله تانک‌های اسرائیلی، موضع همه احزاب، جریان‌ها و گروه‌های متخصص و شرکت کننده در جنگ‌های داخلی را به دو گروه موافق دولت و مخالفت دولت تغییر جهت داد. حتی پس از به قتل رسیدن بشیر در جریان عملیات انهدام مقر حزب فالاتر به وسیله حبیب الشرتونی قهرمان و انتخاب امین جمیل به عنوان جانشین برادرش، روند موافق و مخالف دولت دست نشانده ادامه یافت. به خصوص پس از امضای موافقتنامه سازش با رژیم صهیونیستی موسوم به موافقتنامه ۱۷ مه ۱۹۸۳. شخصیت‌های سیاسی که با این قرار داد مخالفت کردند تنها به جامعه شیعیان و مسلمانان محدود نبودند. سلیمان فرنجیه رئیس جمهوری اسبق لبنان در رأس مخالفان قرار داد سازش بود.

در آن برهه سلیمان فرنجیه، نبیه بری رئیس جنبش امل، رشید کرامی نخست وزیر اسبق و ولید جنبلاط رئیس حزب سوسیالیست ترقی خواه جبهه نجات ملی را تشکیل دادند و با موافقتنامه امین جمیل با اسرائیل به مخالفت برخاستند. چون ولید جنبلاط ریاست مجمع احزاب ملی را به عهده داشت در جبهه نجات شرکت کرد. نامبرده تمایلی به روند عملیات مقاومت ضد صهیونیستی نداشت.

### ❁ فقط با پروژه ریاست جمهوری خاندان جمیل مخالفت می‌کرد...

همین طور است. جنبلاط در مناطق نفوذ خود در کوهستان جبل لبنان حتی یک گلوله به سوی نظامیان صهیونیست هنگام پیشروی به سوی بیروت شلیک نکرد. جنگ با متجاوزان را از مسایل ممنوعه می‌دانست. اما در مسایل داخلی از امین جمیل امتیاز می‌خواست. چون اسرائیلی‌ها هنگام پیشروی به سوی مناطق کوهستانی شرق بیروت دست شبه نظامیان افراطی مارونی را برای کشتار دروزی‌های ساکن آن منطقه بازگذاشته بودند.

### ❁ اهداف جبهه نجات ملی چه بوده است؟

جبهه نجات ملی سه هدف را دنبال میکرد که عبارتند از: ۱- سرنگونی امین جمیل رئیس جمهوری دست نشانده

اغلب جوانان لبنان تحت تأثیر آن قرار گرفتند و به اظهارات امام خمینی (ره) درباره لزوم تلاش برای آزادی فلسطین لیبیک گفتند. جوانان مؤمن و انقلابی لبنان با برگزاری راهپیمایی‌های متعدد در مناطق مختلف بیروت از انقلاب و رهبری امام خمینی (ره) پشتیبانی به عمل آوردند و پس از حمله ارتش رژیم صهیونیستی هم رهنمودهای امام را مبنی بر لزوم جنگیدن با اسرائیل ملاک عمل خود قرار دادند.

### ❁ روزی که اسرائیل به لبنان حمله کرد، از جنگ‌های داخلی در مناطق مختلف لبنان هفت سال گذشته بود و همچنان ادامه داشت. این حمله چه تأثیری بر روند جنگ‌های داخلی داشت که بر وفق مراد و خواسته‌های آن رژیم شروع شده بود؟ آیا این حمله توانست معادله‌ای را تغییر دهد؟

زمانی که اسرائیل به لبنان حمله کرد، جنگ‌های داخلی تا حدودی متوقف شده بود. هنگامی که ارتش سوریه در سال ۱۹۷۷ وارد لبنان شد، اوضاع این کشور کمی رو به آرامی رفت. ولی چون اسرائیل از دامن زدن به جنگ‌های داخلی در لبنان به اهدافش نرسیده بود، در آن مرحله پنج ساله (۱۹۷۷-۱۹۸۲) خود را برای تهاجم همه جانبه به لبنان آماده می‌کرد. البته در آن مرحله دو جنگ مقطعی و مهم در لبنان اتفاق افتاد. ولی جنگ فراگیر و گسترده نبود. یکی جنگ میان شبه نظامیان حزب فالاتر با ارتش لبنان در شهر زحله و دومی میان همان شبه نظامیان با ارتش سوریه در منطقه الفیاضیه در کوهستان‌های شرق بیروت بود که آن دو جنگ با دخالت ارتش دولت وحدت ملی زود هنگام مهار و متوقف گردید.

یکی از نتایج برجسته و منفی جنگ‌های داخلی لبنان شکل گیری جریانی به نام «القوات اللبنانیه» که همان شبه نظامیان حزب راست‌گرای مسیحی فالاتر بود که به رژیم صهیونیستی هنگام حمله نظامی به لبنان کمک کرد. روشن است که تهاجم نظامی اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ به موجودیت شبه نظامیان القوات اللبنانیه توان مضاعف بخشید، و بشیر جمیل فرمانده آن شبه نظامیان و فرزند پیر جمیل رئیس حزب فالاتر را به کرسی ریاست جمهوری لبنان نشانند. حدود سه ماه از اشغال لبنان گذشته بود که پروژه انتخاب بشیر جمیل به ریاست جمهوری به

که به هیچ گروه و تشکیلاتی وابسته نبودند زمام امور را به دست گرفتند و کار مبارزه با استعمارگران جدید عضو پیمان ناتو را آغاز کردند.

فراموش نشود که با تعدادی از این جوانان انقلابی هنگام اشغال بیروت آشنا شده بودم. برخی از این جوانان که تعدادشان حدود ۱۵ نفر بود، عضو کمیته‌های مساجد بیروت بودند که محمد برجای در رأس آنان قرار داشت. این جوانان یک توپ ۱۰۶ میلیمتری در اختیار داشتند و در محور صفر در شرق ضاحیه با اشغالگران صهیونیست می‌جنگیدند. گروه دیگری که شهید عماد مغنیه در رأس آنان قرار داشت در مناطق الشیاح و الغبیری با اشغالگران می‌جنگیدند. گروه دیگری از اتحادیه دانشجویان مسلمان به رهبری محمد رعد در جاده اصلی فرودگاه بیروت با اشغالگران می‌جنگیدند. در آن مرحله هنوز حزب الله به وجود نیامده بود و این گروه‌ها به صورت مستقل و با هماهنگی یکدیگر کار مقاومت در برابر دشمن را به عهده داشتند. شاید تنها عامل مشترکی که این گروه‌ها را به یکدیگر پیوند داده بود، حضورشان در کلاس‌های درس مرحوم علامه سید محمد حسین فضل الله در مسجد امام رضا (ع) در محله بئر العبد بود.

تجمع علمای مسلمین لبنان هم یکی دیگر از پایگاه‌های این جوانان انقلابی به شمار می‌رفت. در این تجمع که علمای بزرگوار شیعه و سنی حضور فعال داشتند مبارزه در دوران ریاست جمهوری امین جمیل را به شکل مسالمت آمیز تحت عنوان مخالفت با امضای قرار داد سازش و جلوگیری از برقراری روابط عادی با اسرائیل مدیریت می‌کردند. من با رعایت امانتداری و با اطمینان می‌گویم که شهید عماد مغنیه در همه فعالیت‌های یاد شده نقش محوری و پیش‌تاز داشت و همه عملیات‌های مسلحانه ضد صهیونیستی را اداره می‌کرد. با ایشان روابط نزدیک و صمیمانه داشتم و با همدیگر درباره نحوه اجرای عملیات‌ها و تهیه مهمات و انتخاب جوانان مستعد اجرای عملیات همفکری می‌کردیم.

البته یکی از مهمترین عواملی که موجب تشدید مقاومت مردم لبنان علیه اشغالگران صهیونیست شد، تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر سرتاسر خاورمیانه از جمله لبنان بود. از روزی که انقلاب در سال ۱۹۷۹ به پیروزی رسید

سر‌بازان دشمن جرأت نمی‌کردند وارد ضاحیه جنوبی بیروت شوند. به محض این‌که وارد میدان الغبیری شدند، با گلوله باران جوانان شیعه مواجه شده و بیدرنگ از صحنه گریختند. از آن روز هیچ سر‌بازی به خود اجازه نداد فکر پیشروی به سوی منطقه ضاحیه را در سر بپروراند

در انهدام مقر فرماندار نظامی اسرائیل در شهر صور همه طرح‌ها و توطئه‌های آمریکا و دشمن صهیونیستی را در خاورمیانه نقش بر آب کرد.

**عملیات شهید احمد قصیر از نظر معنوی و سیاسی چه دست‌آوردی برای لبنانی‌ها داشت؟ آیا احزاب و گروه‌های ملی لبنان توانستند این عملیات را الگوی راهکار خود قرار دهند؟**

شکی نیست که این عملیات بر همه اقشار مردم و جریانات مقاومت و فضای محافل سیاسی اثر گذاری فزاینده و مثبت گذاشت. هیچ کسی قبل از این عملیات امکان سخن گفتن از امید به وادار کردن اشغالگران برای خروج از لبنان را نداشت. اراده مقاومت بر این اصل استوار بود که ما باید امتیاز بزرگی در دفتر تاریخ و در تاریخ معاصر لبنان به ثبت برسانیم. نیروهای مقاومت با این عملیات و با یک ضربه فنی نشان دادند که راه رسیدن به آزادی کوتاه است. ثابت کردند که امید به پیروزی با برجاست. این عملیات بود که امید به پیروزی را در اذهان مردم زنده کرد. عملیات شهید احمد قصیر به هزاران تن از توده‌های مؤمن مردم و نیز به رهبران جنبش مقاومت که قصد تسلیم شدن را نداشتند فهماند که پیروزی بر دشمن امکان پذیر است. در تاریخ ملت‌های جهان هرگز دیده نشده که یک رزمنده مقاومت گفته باشد که اشغالگری ذلت بار و مقاومت عزت آفرین است. راهکار مقاومت‌گران همیشه بر این اصل استوار بوده که تحقق پیروزی امکان پذیر است.

لذا عملیات شهید احمد قصیر نقطه سرنوشت ساز و تعیین کننده میان انتخاب ذلت و پیمودن راه عزت و شرافت به شمار رفت. این عملیات به ما آموخت که اسرائیل چنین و چنان نیست. اسرائیل عددی نیست و بیش از اندازه روی او حساب باز نکنید. همین طور هم شد و با چند عملیات شهادت طلبانه از لبنان گریخت. نکته مهم این است که عملیات شهادت طلبانه فضای نمایشی نبود. بلکه عملیاتی جدی و برای اسرائیلی‌ها سنگین تمام شد. نیروهای مقاومت در پی این عملیات در فکر ایجاد تلفات بیشتر به نیروی انسانی دشمن و آسیب رسانی هر چه بیشتر به یگانهای زرهی دشمن برآمدند.

به طور مثال خانم سناء محیدلی از حزب سوری قومی

اغلب نیروهای بیگانه از جمله نیروهای چند ملیتی (بر اثر عملیات کوبنده سازمان جهانی جهاد اسلامی) از بیروت فرار کردند و امین جمیل تک و تنها ماند و توانست در مقابل تحولات شتابان بیروت پایدار بماند و یک سال بعد ناگزیر موافقتنامه ۱۷ مه را به طور یکجانبه لغو کند.

**اشاره کردید که شهید عماد مغنیه نقش بزرگی در سازماندهای و هماهنگی عملیات ضد صهیونیستی در آن مرحله داشته است. آیا ایشان نقشی هم در برنامه ریزی و آماده سازی عملیات شهید احمد قصیر داشته است؟**

صادقانه بگویم که هنوز هیچ کسی از نقش ایشان در آماده سازی عملیات شهید احمد قصیر اطلاعی ندارد. همانگونه که این عملیات بزرگ اسرائیلی‌ها را غافلگیر کرد، مردم لبنان هم نسبت به میزان تلفات، نوعیت، کیفیت و دست‌آوردهای عملیات غافلگیر شدند. در تاریخ اسرائیل دیده و شنیده نشده که انبوهی از ژنرال‌ها و سربازان اسرائیلی در یک لحظه در چنین عملیاتی کشته شوند. هویت مجری عملیات به مدت سه سال به صورت یک معما پنهان مانده بود. روزی از شهید عماد مغنیه پرسیدم کیست که این عملیات بزرگ را اجرا کرده است؟ گفت هر کسی بوده خداوند کار او را قبول کند و با شهدا محشورش گرداند. مقاومت اسلامی پس از گذشت سه سال هویت او را آشکار کرد. ولی عملیات احمد قصیر و عملیات انهدام مقر نیروهای مارینز در بیروت که حدود ۲۳۰ تنگدار آمریکایی در آن کشته شدند و نیز عملیات انهدام مقر چتربازان فرانسوی و کشته شدن ۶۰ سرباز فرانسوی، روحیه معنوی مردم لبنان را در رویارویی با پروژه مشترک اسرائیلی - آمریکایی در لبنان بسیار بالا برد. به کسانی که با اسلحه و قلم مقاومت می‌کردند فهماند که شما از نیروی نامرئی پشتیبانی می‌شوید که از آن شناخت ندارید. این نیرو از جرأت و قدرت فوق العاده برخوردار است. می‌تواند معجزه بیافریند... می‌تواند دشمن را به جهنم بفرستد. لذا تاکنون هیچ کسی از این نیروی نامرئی شناخت ندارد.

بنابر این عملیات حبیب الشرتونی در شامگاه جشن انتصاب بشیر جمیل به ریاست جمهوری در مرکز حزب فالانژ در منطقه اشرفیه و عملیات زنده یاد احمد قصیر

اسرائیل. جبهه نجات همچنین این شعار را مطرح کرده بود که با وجود چنین رئیس جمهوری هیچگونه صلح داخلی برقرار نخواهد شد.

۲- لغو موافقتنامه ۱۷ مه ساله ۱۹۸۳.

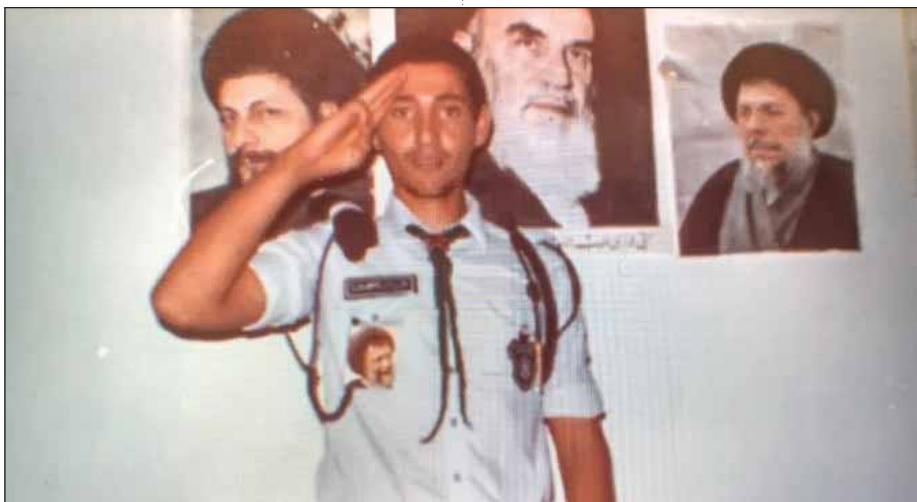
۳- پشتیبانی از مقاومت ضد صهیونیستی مردم لبنان.

**گویا همزمان با فعالیت جبهه نجات ملی، تظاهرات و اعتصابات مردمی هم در مخالفت با موافقتنامه مزبور در مناطق بیروت برگزار می‌شده است. این تظاهرات را چه جناحی هماهنگی می‌کرده است؟**

در حقیقت نقش اساسی برگزاری تظاهرات مردمی تا زمان لغو موافقتنامه ۱۷ مه را دو نماینده مجلس لبنان به نام‌های زاهر الخطیب رئیس تجمع رابطه الشغیله و نجاح واکیم رئیس جنبش خلق بازی کردند. این آقایان تنها دو نماینده مجلس لبنان بودند که بر ضد موافقتنامه ۱۷ مه رأی مخالفت دادند. زاهر الخطیب با همکاری نبیه بری، ولید جنیلاط و شخصیت‌های مقاومت اسلامی و تجمع علمای مسلمین توانستند موافقتنامه مزبور را ساقط کنند. اصولاً زاهر الخطیب سخنگوی جبهه نجات ملی در مجلس لبنان شده بود. اما بار سنگین رویارویی مردمی و مخالفت با موافقتنامه مزبور بر دوش شیعیان ضاحیه جنوبی بیروت قرار داشت. علامه سید محمد حسین فضل الله و روحانیون عضو تجمع علمای مسلمین هم در سخنرانی‌ها و خطبه‌های نماز جمعه‌شان مردم را به شرکت در تظاهرات فرا می‌خواندند.

در اواخر اوت سال ۱۹۸۳ که جوانان جنبش امل سرگرم آماده سازی برگزاری سالگرد ربوده شدن امام موسی صدر بودند، ناگهان و ناخواسته با نیروهای نظامی دولت امین جمیل درگیر شدند و این درگیری به خیابان‌های ضاحیه کشیده شد و تظاهر کنندگان موفق شدند ارتش را از این منطقه اخراج نمایند. یعنی ضاحیه به منطقه آزاد شده تبدیل گشت. در حالی که کوهستان شرق بیروت در آستانه آزادی از وجود شبه نظامیان حزب فالانژ قرار گرفته بود. نظامیان اسرائیلی هم این شرایط را مغتنم شمردند و از کوهستان جبل لبنان عقب نشینی کردند. این فضا چند ماه ادامه داشت تا این که در دو ماه اول سال جدید ۱۹۸۴

شهید حسن قصیر مجری عملیات شهادت طلبانه در شهر صور



یکی از مهمترین عوامل تشدید مقاومت مردم لبنان علیه اشغالگران صهیونیست، تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بر سرتاسر خاورمیانه بود. از روزی که انقلاب به پیروزی رسید اغلب جوانان لبنان تحت تأثیر آن قرار گرفتند و به اظهارات امام خمینی (ره) درباره لزوم تلاش برای آزادی فلسطین لبیک گفتند



همانگونه که عملیات بزرگ احمد قصیر اسرائیلی‌ها را غافلگیر کرد، مردم لبنان هم نسبت به میزان تلفات، نوعیت، کیفیت و دستاوردهای عملیات غافلگیر شدند. در تاریخ اسرائیل دیده و شنیده نشده که انبوهی از ژنرال‌ها و سربازان اسرائیلی در یک لحظه در چنین عملیاتی کشته شوند

زیادی به او دادند که همه سراب بود. در نهایت خداوند عرفات را رحمت کند. وقتی به وعده‌های توخالی آنان پی برد از امضای موافقتنامه نهایی تقسیم قدس خودداری کرد. من معتقدم که راهکار یاسر عرفات باید برای سایر فلسطینی‌ها آموزنده و عبرت باشد تا در اشتباهات او گرفتار نشوند.

❁ آقای قنديل ضمن تشکر از حوصله و سعه صدر شما. به عنوان آخرین سؤال بفرمایید که آینده رویاروی مقاومت اسلامی لبنان با رژیم صهیونیستی را چگونه می‌بینید؟

جنگ آینده در سرزمین‌های فلسطین شکل خواهد گرفت. اسرائیلی‌ها در همه جنگ‌های گذشته، میدان جنگ را به کشورهای همسایه منتقل کرده بودند. در حال حاضر آمریکا و اسرائیل و هم‌پیمانان آن‌ها جنگ و رویارویی با نیروهای مقاومت و آماده شرکت در عملیات آزادسازی فلسطین را به سرزمین‌های خودشان منتقل کرده‌اند. اکنون اسرائیل، آمریکا، عربستان و امارات متحده علیه نیروهای مقاومت در یمن در حال جنگ هستند. در عراق جنگ علیه نیروهای مقاومت جریان دارد. بحران سوریه جنگی است که به وسیله آمریکا و اسرائیل و هم‌پیمانان آن‌ها علیه دولت، ارتش و ملت سوریه جریان دارد. جنگ علیه لبنان و ایران شکست خورده است. جنگ در یمن و عراق و سوریه قطعاً به شکست خواهد انجامید و نیروهای مقاومت حتماً به فلسطین خواهند آمد و سناریوی گذشته لبنان را در فلسطین تکرار خواهند کرد.

من معتقدم که زمان تحولات خاورمیانه دوره کامل خود را طی کرده و به فلسطین بازگشته است. به زودی کانون‌های مقاومت در کرانه باختری به وجود می‌آید و صهیونیست‌ها را وادار به خروج می‌کند. همانگونه که ناگزیر شدند از جنوب لبنان و از غزه عقب نشینی کنند. چون در غیر این صورت باید بهای سنگینی بپردازند. سرنوشت نهایی اسرائیل چنین خواهد بود که در لبنان و غزه تحقق یافت. لذا معامله قرن که محمد سلمان در صدد امضای آن است پوچ و ناکارآمد خواهد بود. ■

نقش امداد و کمک‌رسانی به رزمندگان فعال در مناطق اشغالی را ایفا می‌کردند. در نهایت همه اقدامات امداد رسانی و لجستیک به عهده سپاه پاسداران بود.

در چنین شرایطی جوانان مناطق اشغالی جنوب برای شرکت در دوره‌های آموزشی سپاه به بقاع می‌رفتند و پس از بازگشت به شهرها و روستاهای خود بیدرنگ عملیات مسلحانه را آغاز می‌کردند. لذا نقش سپاه پاسداران در آموزش و هدایت جوانان مقاوم و آماده‌سازی مقدمات شکل‌گیری حزب الله به عنوان یک قدرت عظیم و بی‌نظیر لبنان انکارناپذیر است. فراموش نکنیم که امام خمینی (ره) به پایداری و استقامت مقاومت فلسطین در برابر این تهاجم و وحشتناک بسیار امیدوار بود. انتظار داشت که فلسطینی‌ها از بیروت استالین‌گراد دیگری در برابر متجاوزان به وجود بیاوردند. اگر فلسطینی‌ها در بیروت خوب مقاومت می‌کردند و سلاح‌های خود را بر زمین نمی‌گذاشتند، هیچ کدام از رژیم‌های عرب هم‌دست اسرائیل باقی نمی‌ماندند. اگر فلسطینی‌ها با جدیت مقاومت می‌کردند، قطعاً نیروهای نظامی ایران در جبهه رویارویی با اشغالگران حضور می‌یافتند و درگیر می‌شدند. اما اگر بیروت در برابر متجاوزان ایستادگی می‌کرد، قطعاً اوضاع شکل دیگری داشت.

مگر صنعتاً پایتخت یمن چهار سال استوار و مقاوم نمانده است؟ اکنون صنعا روزانه در برابر حملات هوایی آمریکا، عربستان سعودی و امارات متحده مقاومت می‌کند. مگر بمباران صنعا کمتر از بمباران‌های هوایی اسرائیل بر بیروت است؟ سازمان آزادی بخش فلسطین اراده جنگیدن نداشت. امام (ره) بر این عقیده بود که اگر مقاومت فلسطین از بیروت رانده شود، قطعاً نابود می‌شود.

❁ گویا یاسر عرفات هنگام بمباران بیروت به صورت مخفیانه با آمریکا و رژیم‌های عرب هم در حال مذاکره بود؟

آری... هنگام محاصره بیروت چند بار با او ملاقات کردم. دیدم که او مخفیانه در حال مذاکره است. آمریکا و اعراب به او وعده دادند اگر مقاومت فلسطین را از بیروت خارج کنید در آینده دولت مستقل فلسطینی را به رسمیت می‌شناسیم. شما را به فلسطین بازمی‌گردانیم. قول‌های

اجتماعی لبنان در شب عروسی خود و با لباس زفاف به پاسگاه مرکزی بازرسی اسرائیلی‌ها در ورودی روستای باتر در جنوب لبنان عملیات شهادت طلبانه اجرا کرد. و ده‌ها نظامی دشمن را به هلاکت رساند یا زخمی کرد. عملیات شهادت طلبانه حسن قصیر (پسر خاله احمد قصیر)، عملیات شهادت طلبانه بلال فحص از جنبش امل، عملیات خانم سهی بشاره عضو حزب کمونیست علیه شخص سرهنگ انتوان لحد فرمانده ارتش مزدور اسرائیل در منطقه اشغالی جنوب لبنان و همه عملیات‌های شهادت طلبانه که علیه اسرائیلی‌ها در جنوب لبنان به اجرا گذاشته شد، متأثر از عملیات شهید احمد قصیر بوده است. عملیات احمد قصیر به سایر احزاب و گروه‌های لبنان از جمله حزب کمونیست انگیزه داد تا به صورت جدی وارد میدان شوند و به دشمن اشغالگر امان ندهند.

❁ افرايم سنيه معاون وقت وزير جنگ رژیم صهیونیستی عملیات شهید احمد قصیر را نشانگر حضور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لبنان عنوان کرده بود. ارزیابی شما چیست؟

موقعی که ارتش اسرائیل وارد لبنان شد، تنها موضع اصولی یک کشور خارجی که لبنانی‌ها به آن امیدوار و دل بسته بودند، موضع جمهوری اسلامی ایران بود. همه می‌دانند که امام خمینی (ره) از نخستین روزهای تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان، به سپاه پاسداران دستور رسمی و علنی برای عزیمت به لبنان برای دفاع از این کشور صادر کرد. واحدهای سپاه نتوانستند وارد بیروت شوند و در منطقه بقاع استقرار یافتند. از آن پس خیرهای تشکیل دوره‌های آموزشی و آماده‌سازی جوانان لبنانی برای آغاز عملیات مقاومت منتشر می‌شده است. با توجه به این که بیروت به مدت طولانی در محاصره قرار داشت و اشغالگران نتوانسته بودند وارد بیروت شوند، عملیات مقاومت و رویارویی در مناطق بقاع غربی و راشیا شکل عملی به خود گرفت. این سخن به معنی این نیست که اشغالگران در لبنان استقرار یافته و بر اوضاع کشور مسلط شده بودند. خیر... عملیات مقاومت در درون مناطق اشغالی تازه آغاز شده بود و درگیری‌ها در خطوط تماس ادامه داشت. مناطقی هم که آزاد بودند و پای اسرائیلی‌ها به آن جا نرسیده بود،





نگرشی بر دست‌آوردهای عملیات شهید احمد قصیر در گفت‌وگو با شیخ حسین غبریس عضو تجمع علمای مسلمین لبنان

## با شهادت احمد قصیر دوران جدیدی از عزت و سربلندی لبنان شکوفا شد

درآمد

تاریخچه درخشان مقاومت اسلامی مردم محروم جنوب لبنان به ویژه در پنج ماهه نخست یورش رژیم صهیونیستی تا زمان اجرای عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر آموزه‌های فراوان برای ملت‌های جهان دارد. در این مرحله جوانان غیور و سلحشور بدون تکیه به هیچ تشکیلاتی، به صورت مستقل و ایثارگونه آستین‌ها را بالا زدند و با به دست گرفتن پرچم جهاد، چنان به پیکر دشمن تا دندان مسلح کوبیدند که صدای التماس‌شان به رغم گذشت زمان طولانی همچنان در گوش روحانیون جنوب طنین انداز است. نظامیان کیان غاصب توسط برخی از روحانیون جنوب لبنان به مردم فهماندند که «ارتش دفاع اسرائیل در صدد باقی ماندن در لبنان را ندارند». چنین سخنی این منظور را می‌رساند که عملیات مسلحانه جوانان شجاع جنوب لبنان کارآمد بوده و اسطوره نظامی ارتش شکست‌ناپذیر را در عرض چند ماه شکسته است. حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین غبریس عضو تجمع علمای مسلمین لبنان در گفت‌وگو با شاهد یاران، نقش حماسی جوانان فداکار لبنان در بیرون راندن اشغالگران و آزادسازی کشورشان را تشریح کرده است:



## ❁ در آغاز بحث چگونگی تأسیس تجمع علمای مسلمین لبنان و نقش آن در هدایت مبارزه و مقاومت ضد صهیونیستی را تشریح بفرمایید...

ابتدا به رسانه‌های هدفمند جمهوری اسلامی ایران به خصوص مجله شاهد یاران درود می‌فرستیم. این رسانه‌ها شایستگی و نقش سازنده خود را در میداين گوناگون به اثبات رسانده‌اند. در ارتباط با چگونگی تأسیس تجمع علمای مسلمین لبنان با افتخار به شما بگوییم که اعلام موجودیت این نهاد علمایی و انقلابی به برکت رهنمودهای امام خمینی (ره) بوده است. در تابستان سال ۱۹۸۲ که تجاوز دشمن صهیونیستی به لبنان آغاز شد، تعدادی از علما و شخصیت‌های سیاسی لبنان برای شرکت در همایش بین‌المللی مستضعفین در تهران بسر می‌بردند. این همایش همزمان با نیمه شعبان و خجسته میلاد حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان (عج) برگزار شده بود. شخصیت‌های لبنانی که در آن همایش حضور داشتند، خبر آغاز یورش و وسیع ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان را در تهران شنیدند.

علمای لبنانی از جمله مرحوم علامه سید محمد حسین فضل الله، سید عیسی طباطبایی، شیخ احمد الزین، شیخ محرم عارفی، شیخ ماهر حمود، شیخ حسان عبد الله، شیخ زهیر کنج و دیگران در همایش مستضعفین در تهران حضور داشتند. این برادران جلسه خصوصی تشکیل دادند و راه‌های رویارویی با تجاوزگری دشمن صهیونیستی را بررسی کردند. در این جلسه تصمیم گرفته شده که علمای لبنان با اتحاد و همکاری یکپارچه کار هدایت و رهنمون سازی مبارزات مردمی با دشمن را آغاز نمایند. چون مردم لبنان معتقدند که علما و ارثان پیامبران هستند و رهنمودهای آنان گوش شنوایی در جامعه دارد. سید عیسی طباطبایی به عنوان یک شخصیت ایرانی از ابتدا در جلسات تجمع شرکت می‌کرد.

## ❁ در آن برهه چه سمتی داشت؟

ایشان رابط جمهوری اسلامی ایران در لبنان برای اجرای پروژه‌های گوناگون آموزشی و تربیتی از جمله کمک به رزمندگان مقاومت و خانواده‌های شهدای مقاومت بود. چون سید عیسی با امام خمینی (ره) روابط نزدیک

زمانی که اعضای تجمع علمای مسلمین وارد بیروت شدند، این شهر در محاصره اشغالگران صهیونیست قرار داشت. آقایان با تکیه به رهنمودهای امام خمینی (ره) کار بسیج و تشویق جوانان برای مقاومت و جنگ با اشغالگران در مساجد سایر شهرهای لبنان را آغاز کردند

داشت، علمای لبنانی حاضر در تهران از ایشان خواستند پیش‌نویس طرح وحدت و یکپارچگی علمای شیعه و سنی لبنان را به استحضار مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی برسانند و از ایشان کسب موافقت نماید. طولی نکشید که سید عیسی موافقت و تأیید حضرت امام (ره) را گرفت و در تهران به آگاهی علمای لبنانی رساند. امام به سید عیسی فرمودند: «علمای لبنان به خداوند متعال توکل کنند و در این اقدام با یاری خدا موفق خواهند بود». علمای لبنان پس از بازگشت به کشورشان بیدرنگ کار فرهنگ سازی و تبلیغاتی را شروع کردند و از علمای دیگری برای پیوستن به این تجمع دعوت به عمل آوردند. ناگفته نماند که شهیدان سید عباس موسوی دبیر کل سابق حزب الله و شیخ راغب حرب دو تن از برجسته‌ترین علمای بنیانگذار تجمع علمای مسلمین لبنان بوده‌اند.

## ❁ نوع فعالیت آقایان علما پس از بازگشت از تهران چه بوده است؟

زمانی که اعضای تجمع علمای مسلمین وارد بیروت شدند، این شهر در محاصره اشغالگران صهیونیست قرار داشت. آقایان با تکیه به رهنمودهای امام خمینی (ره) کار بسیج و تشویق جوانان برای مقاومت و جنگ با اشغالگران در مساجد بیروت و سایر شهرهای لبنان را آغاز کردند. نکته قابل توجه این است که تعدادی از روحانیون عضو تجمع در دوره‌های آموزش نظامی سپاه در منطقه بقاع شرکت کردند و اسلحه به دست گرفتند. البته نیازی به حضور آنان در خطوط تماس نبود. چون در آن برهه جوانان زیادی برای شرکت در عملیات مقاومت داوطلب شده بودند.

## ❁ چه تعداد از اعضای تجمع در پشتیبانی از حرکت مقاومت اسلامی نقش فعال داشتند؟

صادقانه بگوییم که هنگام شکل‌گیری تجمع علمای مسلمین لبنان، حزب الله به عنوان یک سازمان نو پا با ساختاری که امروزه شاهد آن هستیم هنوز تأسیس نشده بود. ده‌ها تن از مجاهدین لبنانی که در صدد شرکت در عملیات ضد صهیونیستی بودند با برخی از علمای تجمع

مشورت می‌کردند یا از آنان مجوز شرعی می‌گرفتند. اعضای تجمع پس از بازگشت از همایش مستضعفین تهران فعالیت شبانه روز خود را روی برخورد با تحولات جدید داخلی لبنان متمرکز کردند. برخی از آنان به خاطر فعالیت‌شان علیه اشغالگران دستگیر و به زندان‌های فلسطین اشغالی انتقال یافتند. مانند شیخ محرم عارفی، شیخ محمد قیسی، شهید شیخ راغب و برادر ایشان شیخ عباس حرب برای مدت‌های طولانی در زندان‌های رژیم صهیونیستی بسر بردند. این بازداشت‌ها نشانگر اوج بیم و ترس اشغالگران از اقدامات آگاهی بخش و تحریک آمیز اعضای تجمع علمای مسلمین لبنان است.

## ❁ گویا اعضای تجمع در راه اندازی تظاهرات مردمی در پشتیبانی از انقلاب اسلامی هم نقش داشتند؟

در آغاز دوره تحصیلات حوزوی و پیش از این که عمامه بر سر بگذارم خداوند به من توفیق داد تا در برنامه ریزی و آماده سازی برگزاری راهپیمایی‌های گسترده مردمی در بیروت در پشتیبانی از انقلاب اسلامی شرکت داشته باشم. این راهپیمایی‌ها در مناطق گوناگون لبنان به خصوص در بیروت و ضاحیه جنوبی برگزار می‌شد و توده‌های مردم در آن شرکت می‌کردند. در آستانه پیروزی انقلاب حضور مردمی به طرز چشمگیری گسترش یافت و بسیاری از شخصیت‌های رسمی و رهبران احزاب سیاسی هم در تظاهرات شرکت کردند. نقش آقایان شیخ ماهر حمود، شیخ غازی حنینه و شیخ صلاح الدین ارقه دان از علمای اهل سنت شهر صیدا در همبستگی با انقلاب به یاد ماندنی است. تعداد علمای شیعه هم که در این راهپیمایی‌ها شرکت می‌کردند زیاد بود و قابل شمارش نیستند. ولی حضور و فعالیت شهید شیخ راغب حرب فراموش ناشدنی است. من در سمینارهای پشتیبانی از انقلاب که در منطقه الشیاح برگزار می‌شد با ایشان آشنا شدم. به یاد دارم که شهید راغب حرب روزهای سه شنبه از جنوب لبنان به بیروت می‌آمد و در جلسات هفتگی مردم به پشتیبانی از انقلاب اسلامی شرکت میکرد. چون در آن روزها خیلی از مردم از ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی

**شهید آیت الله سید محمد باقر صدر به مریدان و پیروان خود دستور داده بود «در امام خمینی ذوب شوید، آن گونه که ایشان در اسلام ذوب شده است»، این توصیه نقش مهمی در منحل نمودن جریانات فکری و احزاب سیاسی فعال در صحنه لبنان و ذوب شدن در اندیشه‌های پویای امام خمینی (ره) داشت**

و شخصیت امام خمینی (ره) شناخت کافی نداشتند. البته چند ماه مانده به پیروزی انقلاب روند بیداری اسلامی در صحنه سیاسی اجتماعی لبنان فزونی یافت و میان مردم جوش و خروش غیر طبیعی بروز کرد. در عین حال در آن مرحله برخی از جریانات و گروه‌های سیاسی لبنان مانند هواداران حزب بعث عراق مخالف انقلاب بودند و در برخی از مناطق بیروت علیه هواداران انقلاب اغتشاش و آشوب به پا میکردند. ولی توده مردم در برابر آنها ایستادگی کردند. فراموش نکنم که تعدادی از شخصیت‌های لبنانی به دست هواداران بعث عراق به شهادت رسیدند. ولی با پیروزی انقلاب اسلامی، هواداران رژیم حزب بعث تحت تعقیب جوانان انقلابی لبنانی قرار گرفتند و سرانجام به انزوا کشیده شدند.

**در آن برهه تعدادی از جریانات اسلامی مانند جنبش امل، حزب الدعوه و اتحادیه دانشجویان مسلمان هم فعالیت داشتند. موقعیت و نقش آنها در پشتیبانی از انقلاب اسلامی چگونه بود.**

طبیعی است که جنبش امل در جامعه شیعیان لبنان حضور سیاسی چشمگیر داشت و من هم تا زمان تهاجم اسرائیل به لبنان یکی از اعضای فعال آن بودم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی فضای جدیدی در لبنان بر وفق خواسته و آرزوهای انجمن‌های مردمی و نهادهای جامعه شیعه به وجود آمد و شمار زیادی از اعضا و کادرهای اصلی جنبش از آن منشعب شدند. بخشی از فعالان حزب الدعوه و بخشی دیگر از اتحادیه دانشجویان مسلمان منشعب شدند و جریان کمیته‌های انقلابی طرفدار انقلاب اسلامی را تشکیل دادند. مانند محمد فینش وزیر حزب الله در کابینه لبنان و حسین الشامی مسئول کمیته پشتیبانی از مقاومت اسلامی. هر یک از افراد انشعابی موقعیت‌های کلیدی در جریانات فوق‌الذکر داشتند. چون پیروزی انقلاب اسلامی، آرزوهای دینی و باورهای اعتقادی آنان را برآورده کرد و این مولود جدید به آنان انگیزه قوی داد تا ماهیت مبارزات خود را بشناسند و با توان بهتر به جامعه محروم شیعه لبنان در قالب حزب الله خدمت نمایند. چون موقعی که حزب الله شکل گرفت، همه انجمن‌ها و جریانات یاد شده خود را منحل

اعلام کردند و اکنون نامی از آنها نمانده است. فراموش نکنیم که شهید بزرگوار آیت الله سید محمد باقر صدر به مریدان و پیروان خود دستور داده بود «در امام خمینی ذوب شوید، آن گونه که ایشان در اسلام ذوب شده است»، و این توصیه نقش مهمی در منحل نمودن جریانات فکری و اجتماعی و احزاب سیاسی فعال در صحنه لبنان و ذوب شدن در اندیشه‌های پویای امام خمینی (ره) داشت. شکی نیست که مبارزین راستین لبنان امام را ادامه دهنده خط و مشی پیامبران و امامان معصوم (ع) و اولیای خدا دانستند و با این خط همگام شدند.

**به نظر شما همه رهبران حزب الدعوه در لبنان از توصیه شهید صدر اطاعت کردند؟**

من معتقد نیستم که همه رهبران حزب الدعوه از توصیه‌های شهید صدر اطاعت کردند. روشن است که تعدادی از شخصیت‌های برجسته حزب الدعوه افکار و اهداف آن و پیوستگی به آن را رها کردند و اکنون در حزب الله موقعیت کلیدی دارند. در عین حال برخی از رهبران حزب الدعوه شاخه لبنان شایسته نمی‌دانستند که حزب با فدakarهای گذشته و شهیدانی که تقدیم کرده است، خود را منحل اعلام کند و با انقلاب اسلامی همگام شود. ولی به مرور زمان برای همه پیروان حزب الدعوه در لبنان مشخص شد که باید به شکل واقعی و قطعی این حزب را رها کنند و در اهداف والای امام خمینی و انقلاب اسلامی ذوب شوند و همین کار را کردند. به طور تأکید تعدادی از آنان روی گرایش قبلی‌شان ماندگار شدند و از پیوستن به حزب الله خودداری کردند. در حاضر حزب الدعوه حضور قابل ملاحظه‌ای در لبنان ندارد.

**به نظر شما رژیم صهیونیستی از تهاجم نظامی به لبنان چه اهدافی را دنبال می‌کرده و علت تهاجم چه بوده است؟**

هرکسی که از ماهیت رژیم صهیونیستی و اهداف فزون خواهانه آن شناخت داشته باشد، امکان ندارد

روی تخت خواب ابریشمی بخوابد. منطقی نیست که نسبت به آن چه پیرامون خود می‌گذرد بی تفاوت باشد و تسلیم سیاست‌های فریکارانه بین‌المللی گردد. ما لبنانی‌ها هنوز هم بر این باوریم که چشمداشت و فزون خواهی کیان غاصب حد و مرزی نمی‌شناسد. کنگره صهیونیست‌های جهان همچنان همه ساله در منطقه هرترزیلیا در فلسطین اشغالی برگزار می‌شود. امکان دارد عموم مردم اهداف و مقررات کنگره هرترزیلیا را پیگیری نکنند. ولی آگاهان بر این باورند که شرکت کنندگان آخرین گردهمایی کنگره به این نتیجه رسیدند و به روشنی اعلام کردند که «دولت اسرائیل مصونیت وجودی خود را در برابر قدرت نمایی دیگران از دست داده است». شکی نیست منظور آنان از قدرت نمایی دیگران محور مقاومت است و دولت‌هایی که از محور مقاومت پشتیبانی می‌کنند و در رأس آنان جمهوری اسلامی ایران است. به طور تأکید این همان چیزی است که امام خمینی (ره) و جانشین ایشان مقام معظم رهبری نوید آن را داده بودند. با این وصف آن‌چه که علمای اسلام و رهبران مخلص جنبش‌های مقاومت پیشگویی و پیش‌بینی می‌کردند، امروزه به یاری خداوند متعال تحقق یافته است. بعد از جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶، رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان به موقعیت و قدرتی دست یافته‌اند که دشمن را به شدت مرعوب کرده‌اند. امروزه حزب الله و جریانات لبنانی هوادار آن در موقعیت عمل و نه عکس العمل قرار دارند. دشمن از میزان کارآمدی مقاومت بیم و هراس دارد. اکنون دشمن در حال جست و جوی راهکارهایی اطمینان بخش برای تقویت جبهه داخلی خویش است. جناب آقای سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله چند بار اعلام کرده است که این حزب به وسیله طرف‌های ثالث پیام‌هایی دریافت کرده که شما کاری به قضیه فلسطین نداشته باشید تا همه خواسته‌های شما را برآورده کنیم. ولی ما بر این باوریم که کیان غاصب و نژاد پرست اسرائیل، یک غده سرطانی است که باید از نقشه



نمای شهرک دیر قانون النهر



که در سایر مناطق جنوب لبنان به اجرا گذاشته شد، گزینه‌های جامعه شیعیان لبنان بودند.

### گويا در صيدا هم عمليات شهادت طلبانه به اجرا درآمد از شهيدان مجری این گونه عمليات‌ها شناختی دارید؟

در منطقه صيدا شش عمليات شهادت طلبانه بر ضد اشغالگران به اجرا گذاشته شد و حد اکثر سن هر کدام از شهدا شاید از ۲۰ سال بیشتر نبوده است. به استثنای یکی از آنان که حدود ۳۰ سال سن داشت. شیخ ماهر حمود در آن برهه کوشید آن جوانان شهید را متقاعد کند که از اجرای عمليات شهادت طلبانه خودداری کند. به آنان گفت که در شرایط فعلی تکلیف شما آموزش نظامی و آماده سازی است. هرگاه فرصت فراهم شد به شما می‌گویم جنگ با دشمن را شروع کنید و من هم پشتیبان شما خواهم بود. ولی این مجموعه شش نفره برای مبارزه با دشمن صهیونیست شتاب داشتند و در شهادت در راه خدا از دیگران سبقت گرفتند. دو تن از این شهدا در کنار «جسر الاولی» در شمال صيدا با مسلسل و نارنجک به پاسگاه اشغالگران حمله کردند و در جریان درگیری با نیروهای دشمن به شهادت رسیدند. دو تن دیگر از این مجاهدان در کوچه‌های تنگ و باریک شهر صيدا با مسلسل و نارنجک به خودروهای گشتی نظامیان صهیونیست حمله کردند و در جریان درگیری شهید شدند. دو تن دیگرشان در مسیر خودروهای گشتی اشغالگران بمب کار گذاشتند و با اشغالگران درگیر شدند.

شیخ احمد الزین و شیخ ماهر حمود برای من نقل کرده‌اند که نظامیان صهیونیست قبل آغاز عمليات یاد شده با آسودگی و راحتی در خیابان‌های صيدا تردد می‌کردند و نیمه برهنه روی خودروهای جیب خود آفتاب می‌گرفتند. منظور این است که از شهر صيدا برای خود تفریحگاه ساخته بودند و با این کار احساسات مردم متدین شهر را سبک می‌پنداشتند. برای دختران محجبه صيدا مزاحمت ایجاد می‌کردند. ولی از هنگامی که عمليات مسلحانه شروع شد، تعدادی از افسران صهیونیست به ملاقات شیخ

جنوب- بیروت قرار دارد و پیروان اهل سنت اکثریت آن را تشکیل می‌دهند. وقتی ستون‌های ارتش رژیم صهیونیستی از این شهر گذشتند و وارد بیروت شدند و بخش‌هایی از پایتخت لبنان را به اشغال درآوردند، علمای صيدا مانند شیخ ماهر حمود، شیخ احمد الزین، شیخ غازی حنینه، شیخ محرم عارفی و شیخ صلاح الدین ارقه دان کار تحریک و تشویق مردم به مقاومت را در مساجد و محافل عمومی شهر آغاز کردند. علمای تجمع به مردم می‌فهماند که سکوت در برابر دشمن و اشغال سرزمین لبنان به هیچ وجه جایز نیست. دیری نباید که این تلاش‌ها به ثمر رسید و تعدادی از مجاهدان صيدا عمليات مقابله با اشغالگران را در داخل و اطراف شهر آغاز کردند. هرچند عمليات آنان در آغاز کارزار ساده و ابتدایی بود، اما به مرور زمان متحول گردید و به شهادت برخی از آنان که از اعضای خاندان‌های زهری، نجم و قبرصلی بودند منجر شد. روشن است که این اقدامات به برکت تلاش‌های آقایان عضو تجمع علمای مسلمین در صيدا تحقق یافت.

### آیا تحرکاتی به وسیله مرحوم شیخ سعید شعبان در شهر طرابلس صورت گرفت؟

شیخ سعید شعبان یکی از بنیانگذاران تجمع علمای مسلمین لبنان بود. با وجودی که شهر طرابلس در شمال لبنان قرار دارد، و از اشغال صهیونیست‌ها در امان بود، اما نقش علمای مبارز این شهر در بسیج مردمی برای شرکت در اقدامات ضد صهیونیستی هم فراموش ناشدنی است. اکنون شیخ بلال شعبان فرزند شیخ سعید شعبان در تجمع علمای مسلمین لبنان عضویت دارد. با وجودی که تعدادی از بنیادگذاران تجمع مانند شیخ سعید شعبان، شیخ محرم عارفی، شیخ سلیم اللبایدی و شیخ عبد الناصر الجبری دار فانی را وداع گفتند، اما فرزندان‌شان این مسیر را ادامه می‌دهند. در ارتباط با عمليات شهید احمد قصیر منصفانه به شما بگویم که عمليات ضد صهیونیستی در صيدا گزینه جامعه اهل سنت لبنان بود. ولی عمليات شهید احمد قصیر و عمليات‌های مشابهی

جغرافیای خاورمیانه ریشه کن شود.

اشاره کردید که پس از تأسیس حزب الله بسیاری از جریانات سیاسی و فرهنگی مسلمان لبنان خود را منحل نمودند و به حزب الله پیوستند. در آن برهه بحثی مطرح شد که تجمع علمای مسلمین هم به حزب الله پیوندند؟

قبل از اعلام موجودیت حزب الله در سال ۱۹۸۴ به این شکل سازمانی که اکنون شاهد آن هستید، روحانیون شیعه و سنی عضو تجمع علمای مسلمین حدود دو سال نقش رهنمون سازی جامعه لبنان را به سوی مقاومت در برابر اشغالگری ایفا کردند. تعدادی از آنان شهید، زخمی، بازداشت و تبعید شدند. بنابر این تجمع همان مسیر حزب الله را می‌پیمود و آقایان سید حسن نصر الله، شهید سید عباس موسوی و سایر رهبران حزب الله در آن موقع این نقش را تأیید کردند. به طور مثال وقتی امین جمیل رئیس جمهوری وقت لبنان با دشمن صهیونیست مذاکرات سازش را در روستای مرزی الناقوره در جنوب لبنان آغاز کرد، و آن‌گاه موافقتنامه ۱۷ مه سال ۱۹۸۳ را به امضا رساند. تجمع علمای مسلمین در مخالفت با این موافقتنامه مردم را به تحصن در مسجد امام رضا (ع) در محله بئر العبد در ضاحیه جنوبی بیروت دعوت کرد. به دنبال این تحصن تظاهرات مردمی گسترده‌ای شروع شد و ارتش لبنان به دستور امین جمیل به سوی تظاهرکنندگان آتش گشود و آقای محمد نجدی را به شهادت رساند و تعدادی را زخمی کرد. در پی این اقدام، تظاهرات مردمی متعددی در بیروت تکرار شد و سرانجام موافقتنامه مزبور به طور نهایی لغو گردید.

لطفاً بیشتر نقش فرهنگ سازی و آگاهی بخشی مردم از سوی تجمع علمای مسلمین را در مرحله دو ساله اشغال لبنان تا شکل گیری حزب الله را شرح دهید. آیا در تشویق جوانان به اجرای عمليات مسلحانه ضد صهیونیستی مانند عمليات شهادت طلبانه احمد قصیر هم نقش داشته است؟

بدون شک مرحله‌ای که به آن اشاره کردید، بسیار دقیق و حساس بوده است. به طور مثال شهر صيدا در مسیر

در منطقه صيدا شش عمليات شهادت طلبانه بر ضد اشغالگران به اجرا گذاشته شد و حد اکثر سن هر کدام از شهدا شاید از ۲۰ سال بیشتر نبوده است. به استثنای یکی از آنان که حدود ۳۰ سال سن داشت. این مجموعه شش نفره برای مبارزه با دشمن صهیونیست شتاب داشتند و در شهادت در راه خدا از دیگران سبقت گرفتند

عسیران، خاندان الخلیل. افزون بر آن شخصیت‌های سیاسی دیگری در جنوب حضور داشتند که با آمریکا و دیگر دولت‌های جهان روابط دوستانه برقرار کرده بودند. با این وصف کیان غاصب به همراهی و همکاری شخصیت‌های یاد شده چشم دوخته بود و انتظار داشت که با گل و شیرینی از سرbazان متجاوز استقبال به عمل آورند. بنابر این برخی از این جریان‌ها غیر مسئولانه بر سر سرbazان ارتش دشمن گل ریختند. شکی نیست که این اقدامات بیانگر اراده واقعی اکثریت مردم جنوب لبنان نبود. اما دیری نپایید که جریان‌ها و شخصیت‌هایی که به آن‌ها اشاره کردم، مانند برگ‌های خزان از اذهان مردم سقوط کردند. در عین حال مردم جنوب رفتارها و عملکردهای عناصر نفوذی در جنبش مقاومت فلسطین را فراموش کردند، و سلاح‌های خود را به سوی دشمن اصلی نشانه رفتند.

در این زمینه به یک نکته اشاره می‌کنم. بنده در دوران اشغال لبنان مدتی در یکی از روستاهای شهر نبطیه در جنوب بودم و با چشم می‌دیدم که نظامیان اشغالگر شبانه به خانه‌های مردم یورش می‌بردند و جوانان مظنون به تحریک مردم علیه اشغالگران را دستگیر و بازداشتگاه انصار در نزدیکی نبطیه یا در زندان‌های فلسطین اشغالی زندانی می‌کردند. هنگامی که یک جوان

فلسطینی‌ها آمادگی دارند هر چیزی را بپذیرند. چون رفتارها، خطاها و عملکردهای اشتباه آلود برخی از جریان‌ها فلسطینی، مانند گروه الکفاح المسلح و جنبش فتح و دیگران به مقاومت و آرمان فلسطین آسیب جدی وارد آورده بود. عناصر نفوذی در مقاومت فلسطین مردم شیعه جنوب را آزار دادند. به ناموس آنان تجاوز کردند. اموال و دارایی آنان به وسیله عناصر نفوذی به سرقت می‌رفت. جنایت و قتل مرتکب می‌شدند. اقدامات زیادی که دور از شأن یک چریک فدایی فلسطینی بود. لذا دشمن صهیونیست به این نتیجه رسیده بود که رفتار و عملکرد برخی از فلسطینی‌ها کافی است که مردم جنوب لبنان به طور مشخص او را با گل و نقل و نبات می‌پذیرند.

### ❁ ادعا می‌کردند که برای آزادی شما آمده‌ایم...

دقیقا همین طور است. افزون بر عملکرد ناپسند برخی از جریان‌ها فلسطینی، دشمن امیدوار بود که احزاب، جریان‌ها سیاسی، عشایر و خاندان‌های سنتی حاکم بر جنوب لبنان او را در اشغال جنوب همراهی کنند و مردم را به پذیرش ارتش اسرائیل متقاعد نمایند. به طور مثال تعدادی از خاندان‌های سنتی و سران عشایر از تاریخ‌های طولانی در جنوب لبنان حاکمیت دارند. مانند کامل الاسعد (رئیس اسبق مجلس لبنان)، خاندان ثامر، خاندان

احمد الزین رفتند و به او گفت: «شیخ احمد، مردم صیدا از شما حرف شنوایی دارند. به آنان بگو که سرbazان ارتش اسرائیل در شهرتان ماندگار نیستند». همچنین به سراغ شیخ ماهر حمود رفتند و از او خواستند جوانان صیدا را آرام کند. این اظهارات نشان می‌دهد که نظامیان اشغالگر به این اندازه از مردم صیدا به وحشت افتاده بودند. در نتیجه عملیات‌های شهادت طلبانه جوانان مجاهد صیدا، نظامیان اشغالگر تردد خودروهای گشتی خود را در سطح شهر متوقف کردند. آن‌گاه عملیات رویارویی با صهیونیست‌ها در سرتاسر مناطق اشغالی لبنان سودمندی خود را به اثبات رساند.

### ❁ به نظر می‌رسد که عملیات شهادت طلبانه جوانان صیدا بعد از عملیات شهید احمد قصیر به وقوع پیوست. این طور نیست؟

برخی از این عملیات‌ها قبل از عملیات شهید احمد قصیر و برخی دیگر در مرحله بعد از آن به اجرا گذاشته شد. چون به محض ورود اشغالگران به لبنان عملیات‌های مسلحانه پراکنده در مناطق اشغالی گوناگون صورت می‌گرفت. ولی دشمن انتظار نداشت که چنین عملیاتی هم در صیدا به اجرا گذاشته شود. هنگامی که عملیات بزرگ شهید احمد قصیر در مقر فرماندار نظامی ارتش اسرائیل به اجرا گذاشته شد و تلفات سنگینی بر آنان وارد آورد، دشمن احساس کرد اوضاع لبنان قابل تحمل نیست و باید هرچه سریعتر از کشورمان خارج شود. لذا پس از شهادت احمد قصیر مرحله جدیدی در رویارویی میان مقاومت لبنان و اشغالگران صهیونیست آغاز شد که سرانجام به عقب نشینی نهایی آنان از خاک لبنان منجر گردید.

### ❁ شنیده شده که برخی از اقباش شیعه جنوب لبنان از حمله ارتش اسرائیل به کشورشان ابراز خرسندی کرده و گویا از اشغالگران استقبال هم به عمل آوردند. واقعا چنین چیزی بوده است؟

به صراحت به شما بگویم، وقتی دشمن صهیونیستی به این ماجراجویی بزرگ دست زد و بخش وسیعی از سرزمین لبنان را به اشغال درآورد، از روحیه مردم جنوب خبر داشت که آنان در ازای توقف عملیات مسلحانه



■ انهدام مقر نیروهای آمریکا در بیروت - سال ۱۹۸۳

هنگامی که عملیات شهید احمد قصیر به اجرا گذاشته شد و تلفات سنگینی بر دشمن وارد آورد، دشمن احساس کرد اوضاع لبنان قابل تحمل نیست و باید هرچه سریعتر از کشورمان خارج شود. پس از شهادت احمد قصیر مرحله جدیدی در رویارویی میان مقاومت و اشغالگران صهیونیست آغاز شد



عملیات شهید احمد قصیر که در آن مرحله اولین عملیات از نوع خود بود، به اکثریت مردم لبنان به خصوص روستاهای جبل عامل آرامش و اطمینان به پیروزی بخشید. وقتی خبر وقوع عملیات منتشر شد هزاران تن از مردم به خیابان‌ها آمدند و با پخش شیرینی ابراز شادمانی کردند و به یکدیگر تبریک گفتند

حزب فالانژ جنایت قتل عام اردوگاه‌های آوارگان صبرا و شاتیلا را مرتکب شده بودند. این عملیات چه دست‌آوردی برای جامعه فلسطینیان مقیم لبنان داشت؟

روشن است که گروه‌ها و جنبش‌های فلسطینی مقیم لبنان در مرحله پس از یورش کیان غاصب به لبنان یکپارچه و متحد نبودند. متأسفانه برخی از رهبران جنبش‌های فلسطینی هرگونه رویارویی و درگیری با مهاجمان را رد می‌کردند. مهمتر از آن برخی از دوستان مان در جنوب لبنان در زمان حمله ارتش رژیم صهیونیستی، تعدادی از رهبران و شخصیت‌های فلسطینی را شناسایی کردند که با سرویس‌های اطلاعاتی دشمن همکاری می‌کردند. این آقایان قبل از آغاز تهاجم دشمن به لبنان در سازمان‌ها و جنبش‌های مقاومت فلسطین مسئولیت‌های کلیدی داشتند و در پایگاه‌های به اصطلاح مقاومت در روستاهای جنوب مستقر بودند. این افراد به عواملی نیاز داشتند تا آن‌ها را تکان دهد و از خواب غفلت بیدارشان کند. قتل عام صبرا و شاتیلا یکی از آن عوامل بود که پیکر نیمه جان جنبش‌های فلسطینی را به شدت و بیرحمانه شوکه کرد. چون جنایت قتل عام آوارگان اردوگاه فلسطینی صبرا و شاتیلا بسیار وحشتناک و دردناک بود.

در پایان این گفت‌وگو لازم می‌دانم به این نکته اشاره کنم که وقتی کاروان‌های مجاهدان مقاومت اسلامی به مرور زمان در خطوط رویارویی با دشمن صهیونیست در مرز فلسطین اشغالی استقرار یافتند، اکثریت برادران فلسطینی فهمیدند که حزب الله در دفاع از آرمان مقدس فلسطین اسلحه حمل می‌کند. فهمیدند که امروزه لبنان با دوره قبل از تهاجم اسرائیل تفاوت کرده است. برادران فلسطینی با دلایل محسوس درک کردند که فداکاری‌های مردم جنوب لبنان و قربانیان زیادی که در روستاهای جنوب به خصوص در قانا و منصوریه داده‌اند همه در راه تلاش برای آزادی فلسطین بوده است. ■

اشاره کردید که جنابعالی از روستای طیردبا زادگاه شهید عماد مغنیه هستید. آیا نسبت خویشاوندی هم با ایشان دارید؟

ضمن داشتن روابط خویشاوندی، مدتی هم در کنار یکدیگر زندگی کردیم. پدران مان هم با یکدیگر دوست صمیمی بودند و در روزهای فقر و استضعاف در یکجا در بیروت اشتغال داشتند. افزون بر آن مادر بزرگم هم از خاندان مغنیه است. بنده و شهید مغنیه در دوران جنگ‌های داخلی لبنان در منطقه الشیاح بیروت سکونت داشتیم و در برخی از مسایل همکاری داشتیم.

عملیات بزرگ شهید احمد قصیر در آن مرحله از تاریخ لبنان چه بازتاب و اثراتی در جامعه داشت؟

عملیات شهید احمد قصیر که در آن مرحله اولین عملیات از نوع خود بود، هرچند مورد تأیید مطلق و همگانی جامعه لبنان قرار نگرفت، اما در عین حال به اکثریت مردم آرامش و اطمینان به پیروزی بخشید. وقتی خبر وقوع عملیات منتشر شد هزاران تن از مردم لبنان به خیابان‌ها آمدند و با پخش شیرینی ابراز شادمانی کردند و به یکدیگر تبریک گفتند. کسانی هم که این عملیات را تأیید نکردند، از طوایف غیر مسلمان لبنان بودند و شاید هم بیم داشتند که رژیم صهیونیستی به اقدامات انتقامجویانه دست بزند. ولی به مرور زمان عملیات ایشان و عملیات‌های بعدی که در مناطق مختلف لبنان به اجرا گذاشته شد مورد حمایت همگانی قرار گرفت. در حقیقت کشور لبنان از طوایف گوناگون تشکیل شده و همه مردم آن مانند مردم یک روستا یکدست و یکپارچه نیستند. لذا مردم جبل عامل با عملیات شهید احمد قصیر مطمئن شدند که دوران جدیدی از عزت و شکوفایی و سربلندی لبنان شروع شده است.

عملیات شهید احمد قصیر زمانی اتفاق افتاد که سازمان آزادی بخش فلسطین از لبنان رانده شده بود و صهیونیست‌ها با همدستی شبه نظامیان

بازداشت می‌شد، همه اهالی روستا کوچک و بزرگ از خانه‌ها بیرون می‌ریختند و علیه اشغالگران تظاهرات می‌کردند یا در مساجد و حسینیه‌های روستا به تحصن می‌نشستند. روزی اطلاع رسید که نظامیان دشمن به یکی از روستاهای اطراف شهر نبطیه یورش برده و شماری از جوانان را بازداشت کرده و اهالی به منظور اعتراض به خیابان‌ها آمده و دست به تظاهرات زده‌اند. بنده به همراه حجت‌الاسلام شیخ عقیف نابلسی و تعدادی از روحانیون جنوب به آن روستا رفتیم تا با اهالی آن اعلام همبستگی کنیم. در آن روستا یکی از سران خاندان‌های سنتی منطقه با آمدن مان به روستا مخالفت کرد و کوشید در مسجد روستا سخنرانی و اهالی را آرام کند. ولی ما با همکاری مردم مانع منبر رفتن او شدیم و او را از منبر مسجد پایین آوردیم و اهالی روستا را به ادامه اعتراض دعوت کردیم. بنابر این اکثریت مردم زود هنگام به واقعیت اهداف رژیم صهیونیستی از اشغال لبنان آگاه شدند و زمام امور را به دست گرفتند و به میدان مبارزه آمدند. عملیات جهادی شدت گرفت و مجاهدان بسیاری در راه آزادی میهن به شهادت رسیدند. به این صورت بود که امیدهای دشمن از وجود همراهمانی در جنوب لبنان بر باد رفت.

به یاد دارم که دشمن در مرحله قبل از عملیات شهید احمد قصیر سیاست مشت آهنین را در اغلب روستاهای جنوب لبنان علیه مردم اعمال می‌کرد و مردم را از این سیاست به ستوه آورده بود. به خصوص در روستاهای طیردبا و دیر قانون النهر که زادگاه مردان قهرمانی همچون شهید عماد مغنیه و احمد قصیر بودند. سربازان رژیم صهیونیستی بر مبنای سیاست مشت آهنین به سوی هر جنبه در روستاهای پر جنب و جوش جبل عامل که در طول تاریخ کانون مقاومت به شمار می‌رفتند بیدرتنگ آتش می‌گشودند. حال این جنبنده شخص بود یا وسیله نقلیه یا چهار پا بود. برای آنان تفاوت نداشت. اشغالگران با این سیاست تردد مردم میان ده‌ها روستای جنوب را با وسایل نقلیه منع کرده بودند، و روستائیان فقط با پای پیاده اجازه تردد داشتند. این اقدامات وحشیانه احساسات مردم به خصوص جوانان جنوب را برانگیخت و متقابلاً آنان را نیز به عکس العمل انقلابی واداشت.



بررسی موقعیت شهرک شهید پرور دیر قانون النهر در گفت و گو با عدنان قصیر شهردار این شهرک

## دیر قانون النهر شهرک علما و شهداست

درآمد

تاریخ معاصر بر دیر قانون النهر گواهی می دهد که این شهرک از ۳۵ سال پیش تاکنون به خاطر حماسه آفرینی های بی نظیر تعدادی از جوانان رشید و فداکار همچون احمد قصیر، رضا حریری و حسن قصیر شهرت جهانی یافته است. جوانانی که با نثار خون شان تاریخ و جغرافیای خاورمیانه را دگرگون و کشور لبنان را در برابر غول ماشین جنگی اسرائیل سر بلند کردند. دیر قانون النهر برای دستیابی به این جایگاه رفیع انسانی مسیر عزت و کرامت را در برابر طاغوتیان زمان بیمود و به مردم منطقه در یک مقطع حساس و سرنوشت ساز حیات تازه بخشید. مهندس عدنان قصیر شهردار شهرک است که گرانترین بیکرهای به یادگار مانده از زمان تجاوز وحشیانه رژیم صهیونیستی به لبنان را در آغوش دارد، در گفت و گو با شاهد یاران بخشی از زندگی طراح و نیز مجری عملیات شهادت طلبانه انهدام مقر فرماندار نظامی اسرائیل در شهر صور و نیز دلایل نامگذاری دیر قانون النهر به «شهرک علما و شهدا» را تشریح کرده که با هم می خوانیم:

■ افتتاح پروژه رفاهی در دیر قانون‌النهر توسط عدنان قصیر (شاهد یاران با این آقایان گفتگو کرده است)



مسلحانه و نظامی در محدوده خیلی تنگ و بسیار سری و پنهانی صورت می‌گرفت. این برنامه‌ریزی به مرحله پنج ماهه از نخستین روز ورود نیروهای دشمن به خاک لبنان تا قبل از شهادت احمد قصیر تعلق دارد. شخص شهید رضا حریری در این مدت پنج ماهه محور و مرکزیت عملیات جهادی جوانان مؤمن دیر قانون النهر را تشکیل می‌داد. به یاد دارم که در آن برهه تعدادی از این جوانان پیرامون این محور گردهم آمدند و مبارزه با اشغالگران را به صورت انفرادی و ابتکاری آغاز کردند. رضا حریری و احمد قصیر و برخی دیگر از افراد این مجموعه ابتدا کار جمع آوری سلاح‌های باقی مانده از پایگاه‌های سازمان آزادی بخش فلسطین را شروع کردند.

شاید اطلاع نداشته باشید که فلسطینی‌ها در شهرک دیر قانون النهر پایگاه نظامی داشتند و در آن انواع اسلحه نگهداری کرده بودند. وقتی فلسطینی‌ها در برابر یورش صهیونیست‌ها عقب نشینی کردند، سلاح‌های خود را پنهان یا از بین بردند. در این صورت جوانان مؤمن و مقاوم دیر قانون النهر به جست و جوی سلاح‌های باقی مانده در دشت‌ها و ارتفاعات اطراف شهرک شتافتند و مقادیری از آن‌ها را به دست آوردند و برای استفاده در وقت مناسب پنهان کردند. فراموش نشود که نظامیان صهیونیست هم برای جمع آوری سلاح‌های مانده سازمان آزادی بخش فلسطین به پاکسازی منطقه می‌پرداختند و آن‌ها را جمع آوری می‌کردند.

طوری نقش شهید رضا حریری را تشریح کردید که انگار یک چریک با سابقه و با تجربه بوده است. به نظر شما چه تفاوتی میان ایشان و شهید احمد قصیر وجود دارد؟

وقتی کار برنامه‌ریزی برای تشکیل جریان حزب الله به منظور مقابله با تجاوز ارتش اسرائیل به لبنان آغاز شد، شهید رضا حریری و شهید احمد قصیر از نخستین جوانان این مجموعه بودند که به سازمان نوپای حزب الله پیوستند. البته جوانان دیگری هم بودند که تعدادی از آنان به مرور زمان به شهادت رسیدند و تعداد دیگری هنوز در قید حیات هستند و اکنون مسئولیت‌های سنگینی در مقاومت اسلامی دارند و لزومی برای معرفی آنان نمی‌بینم. با این وصف مسجد جامع دیر قانون النهر محور و پایگاه اصلی حرکت جهادی این جوانان قرار داشت.

لذا با تأسیس حزب الله اندیشه مقاومت نظامی و غیر نظامی علیه اشغالگران با فوریت میان این جوانان مطرح گردید. برگزاری تظاهرات، اعتصابات و فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی و دعوت از عموم مردم برای شرکت در آن‌ها بخشی از مقاومت غیر نظامی را تشکیل می‌داد. ولی برنامه‌ریزی برای مقاومت

در روز ششم ژوئن سال ۱۹۸۲ که ارتش اسرائیل به لبنان حمله کرد، تعدادی از جوانان متدین و غیر متدین برای اجرای حکم شرعی رویارویی با دشمن متجاوز آماده بودند. آن‌ها فقط منتظر صدور دستور شرعی علمای دین بودند تا با کسب تکلیف، عملیات ضد صهیونیستی را شروع نمایند. فراموش نمی‌کنم که در آن برهه بنده و تعدادی از جوانان شهرک دیر قانون النهر در مسجد جامع تجمع می‌کردیم و فعالیت‌های اجتماعی و جهادی خویش را با ایشان هماهنگ می‌کردیم. در نماز جماعت ایشان شرکت می‌کردیم و در خانه ایشان دروس تفسیر قرآن و احکام و مبانی دینی می‌آموختیم. بنابر این، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی شیخ ابراهیم قصیر محور تجمع جوانان مؤمن آن برهه را تشکیل داده بود که شهید رضا حریری در رأس این مجموعه قرار داشت. ایشان پیش از یورش اسرائیل به لبنان فردی آگاه، مؤمن، غیور و روحیه جهادی داشت.

در آغاز بحث کمی از موقعیت شهرک دیر قانون النهر و نقش جوانان آن در رویارویی با اشغالگران صهیونیست در لبنان توضیح دهید...

برای پاسخ به این پرسش لازم می‌دانم به رویدادهای تجاوز وحشیانه و گسترده ارتش اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ مروری داشته باشم. ما برای معرفی موقعیت دیر قانون النهر و نقش جوانان آن در رویارویی با تجاوز دشمن صهیونیستی به لبنان، چند سال پیش این شهرک را به «شهرک علما و شهدا» نام گذاری کردیم و اکنون این اصطلاح نمادین در سرتاسر جنوب لبنان جا افتاده است. در حقیقت این نامگذاری دلایلی دارد که ریشه آن به نقش مجاهدت‌های تعدادی از جوانان فداکار و از جان گذشته به خصوص شهید بزرگوار احمد قصیر بازمی‌گردد. چون ایشان با عملیات بی نظیر خود نام لبنان را در جهان اسلام و در جهان عرب سربلند کرد.

از سوی دیگر شهرک دیر قانون النهر از نظر تاریخی یک مرکز دینی شناخته شده بود. در تاریخ تشیع در جنوب لبنان، علمای بزرگ و برجسته دینی در این شهرک زندگی می‌کردند. همچنین در عصر حاضر شخصیت‌های فکری متعددی از این شهرک برانگیخته شدند. مانند شیخ محمد عزالدین، شیخ موسی عزالدین و علامه شیخ احمد قصیر و دیگر علمای منطقه که نقش بسزایی در ترویج تدین و گسترش مفاهیم اسلامی داشتند.

یکی دیگر از ویژگی‌های متمایز دیر قانون النهر این است که این شهرک از نظر فرهنگی و اجتماعی در مقایسه با برخی از شهرها و روستاهای جنوب لبنان جایگاه و مرکزیت قابل ملاحظه‌ای دارد. معمولاً وقتی میان برخی از مردم روستاهای همجوار بر سر مسایل روزمره اختلاف نظر بروز می‌کرد، به منظور یافتن راحل قطعی به علمای دیر قانون النهر رجوع می‌کردند و آنان را به قضاوت می‌خواندند.

به یاد دارم، در روز ششم ژوئن سال ۱۹۸۲ که ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان حمله کرد، تعدادی از جوانان متدین و غیر متدین قانون النهر برای اجرای حکم شرعی رویارویی با دشمن متجاوز آماده بودند. آن‌ها فقط منتظر صدور دستور شرعی علمای دین بودند تا با کسب تکلیف، عملیات ضد صهیونیستی را شروع نمایند. فراموش نمی‌کنم که در آن برهه بنده و تعدادی از جوانان شهرک دیر قانون النهر در مسجد جامع تجمع می‌کردیم و فعالیت‌های اجتماعی و جهادی خویش را با ایشان هماهنگ می‌کردیم. در نماز جماعت ایشان شرکت می‌کردیم و در خانه ایشان دروس تفسیر قرآن و احکام و مبانی دینی می‌آموختیم. بنابر این، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی شیخ ابراهیم قصیر محور تجمع جوانان مؤمن آن برهه را تشکیل داده بود که شهید رضا حریری در رأس این مجموعه قرار داشت. ایشان پیش از یورش اسرائیل به لبنان فردی آگاه، مؤمن، غیور و روحیه جهادی داشت.



شهید رضا حریری پیش از تهاجم دشمن صهیونیستی یک شخصیت ولایتمدار بوده است. همچنین پیروی و اعتقاد تعداد زیادی از محافل و شخصیت‌های شیعی لبنان به اصل ولایت فقیه همزمان با آغاز انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفته است. لذا شکی نیست که شهید رضا حریری هم یکی از افرادی بود که به اصل ولایت فقیه اعتقاد کامل داشت



هیچ چیزی نمی‌تواند مانع او بشود. مانند عملیات بزرگی به حجم انهدام مقرر فرماندار نظامی اسرائیل در شهر صور. لذا شهید احمد قصیر در سن جوانی از چنین صلابت و استقامتی برخوردار بود و سرانجام عملیات شهادت طلبانه بزرگ و بی‌نظیری را در روز ۱۱ نوامبر سال ۱۹۸۲ به مورد اجرا گذاشت که در تاریخ ماندگار شد. اصولاً در آن برهه که صهیونیست‌ها کنترل اوضاع جنوب لبنان را به شدت در دست گرفته بودند و رعب و وحشت بر همه جا حاکم شده بود، هیچ شهروندی باور نمی‌کرد که احمد قصیر ۱۹ ساله تصمیم جدی گرفته که به چنین ابتکار عمل با صلابت و خلاقیت قاطعانه دست بزند.

از سوی دیگر مشکل بزرگی که جوانان شیعه لبنان در آن برهه با آن مواجه بودند، وجود تعدادی از روحانیون شیعه جبل عامل بود که جنیکدن با دشمن اشغالگر را به هیچ وجه واجب و جایز نمی‌دانستند. در آن شریط میان برخی از روحانیون سازشکار بحث و مجادله مطرح بود که جوانان مقاوم «خویشتن را به مهلکه می‌اندازند». تعدادی از آنان این نظریه را مطرح می‌کردند که جنگ با صهیونیست‌های اشغالگر به حکم شرعی نیاز دارد. البته تبلیغات صهیونیست‌ها نقش خیلی زنده در طرح این القاءات داشت.

نقل شده که برخی از مردم جنوب لبنان بر اثر این القاءات و هنگام یورش صهیونیست‌ها پرچم سفید بر بام منازل خود افراشتند...

آری افراشتن پرچم سفید در برخی از روستاهای جنوب کم نبوده است. ولی من اکنون از نقش ناامید کننده برخی از روحانیون بحث می‌کنم. این روحانیون به جوانان مؤمن و غیور فشار وارد می‌آوردند و می‌گفتند که چه کسی به شما دستور داده با اسرائیل بجنگید؟ در چنین شرایطی شهید احمد قصیر طرح عملیات شهادت طلبانه انهدام مقرر فرماندار نظامی اسرائیل در شهر صور را به عهده می‌گیرد. در آن جو شک و تردید برانگیز و نا امید کننده که آیا این عملیات از نظر شرعی درست بوده یا نبوده، شخصی مانند

و شخصیت‌های شیعی لبنان به اصل ولایت فقیه همزمان با آغاز انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفته است. لذا شکی نیست که شهید رضا حریری هم یکی از افرادی بود که به اصل ولایت فقیه اعتقاد کامل داشت. با این وصف رضا حریری با پشتوانه فکری و اعتقادی که داشت توانست جوانان متدین و متعهد شهرک را پیرامون محور مقاومت ضد صهیونیستی گرد هم بیاورد و عملیات جهادی را در دیر قانون النهر و مناطق همجوار آغاز نماید.

از میان افراد هسته اولیه مقاومت، تنها کسی که از صمیم قلب تحت تأثیر افکار و باورهای شهید حریری قرار گرفت و به او دل بستگی پیدا کرد شهید احمد قصیر بود. فراموش نکنم که احمد فرزند یک خانواده مستضعف و محروم جامعه بود که به موازین مذهبی اعتقاد کامل داشت. شاید حاج جعفر قصیر پدر احمد به شما گفته باشد که اغلب دوران زندگی‌شان را در راه کسب درآمد حلال در مهاجرت در خارج از لبنان گذرانده‌اند. اگر این خانواده از نظر مالی کم بضاعت و در محرومیت بسر برده است، ولی از نظر ایمان و اعتقادات دینی بسیار غنی بوده است. خانواده بسیار سالم و پاکی است که شاید در این شهرک نظیر نداشته باشد. حاج جعفر قصیر از نظر غریزی انسانی پاک سیرت و پاک سرشت است و این مزیت در فرزندان او هم سرایت کرده است. در عین حال یک شخصیت انعطاف ناپذیر و با صلابت است.

گویا احمد قصیر هم این ویژگی‌های ارزشمند را از پدرش به ارث برده بود. در خاندان قصیر این نوع شخصیت را به زبان عامیانه «کله شق یا سرکش» تعبیر می‌کنند. به تعبیر گویاتری چنانچه انسانی از این خانواده تصمیمی برای اجرای کار بخصوصی بگیرد،

شکی نیست که در تجربیات مبارزاتی شهید رضا حریری و شهید احمد قصیر تفاوت چشمگیری وجود دارد. هر چند که هر دو پس از تجاوز دشمن به خاک لبنان با یکدیگر آشنا شدند، اما شهید حریری از همه افراد هسته اولیه عملیاتی مقاومت با سابقه‌تر و با تجربه‌تر بوده است. همانگونه که پیشتر به این نکته اشاره کردم آن دو در مسجد جامع و در جلسات شیخ ابراهیم قصیر شرکت و در چگونگی مبارزه تبادل نظر می‌کردند. شهید احمد قصیر پس از اشغال لبنان به کشورش بازگشته بود. ولی شهید رضا حریری پیش از پیدایش حزب الله در یکی از گروه‌های ذیل فعالیت داشت. چون قبل از تهاجم ارتش اسرائیل به لبنان تعدادی از گروه‌های شیعی مانند جنبش امل، اتحادیه دانشجویان مسلمان، کمیته‌های انقلابی و حزب الدعوة در این کشور فعالیت فکری و مبارزه سیاسی داشتند. کمیته‌های انقلابی همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پیش از یورش اسرائیل به لبنان تشکیل شده بود. بنابر این تنها جریانی که روند مقاومت و عملیات مسلحانه را در برابر اشغالگران پایه گذاری کرد، حزب الله بود.

حال روشن نیست که شهید رضا حریری با کدام یک از گروه‌های یاد شده همکاری می‌کرده است. ولی تردیدی نیست که ایشان ابتدا تحت تأثیر اندیشه‌های انقلابی شهید سید محمد باقر صدر قرار داشته و پس از پیروزی انقلاب اسلامی مستقیماً به میانی انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های پویای امام خمینی (ره) ارتباط پیدا کرده است. این سخن بیانگر این واقعیت است که شهید رضا حریری پیش از تهاجم دشمن صهیونیستی یک شخصیت ولایتمدار بوده است. به یاد دارم که پیروی و اعتقاد تعداد زیادی از محافل

دارد. از نظر ارتباطی هم این شهرک در فاصله چند کیلومتری اتوبان بیروت - جنوب واقع شده است. این شهرک در جریان جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ به نیمه ویرانه تبدیل شد. حدود ۲۵۰ ساختمان مسکونی بکلی ویران شدند و تعداد زیادی هم آسیب دیدند. شهرک دیر قانون النهر پس از جنگ مزبور شاهد نهضت عمرانی بزرگی بود. این شهرک در حال حاضر حدود ۱۰ هزار نفر جمعیت دارد که در حدود ۱۲۰۰ واحد مسکونی زندگی می‌کنند. تعداد مراکز و مؤسسات تجاری آن حدود ۴۰۰ باب می‌باشد. این شهرک مانند برخی از روستاهای قشلاقی و بیلاقی لبنان نیست و مردم در چهار فصل سال در آن به زندگی روزمره ادامه می‌دهند. این ویژگی موجب شده که به موازات تحولات عمرانی، برنامه‌های توسعه پایدار متعددی در این منطقه به مورد اجرا گذاشته شود.

اطلاع دارید که دولت‌های مرکزی گذشته و وزارتخانه‌های ذیربط لبنان نسبت به توسعه و آباد سازی شهرها و روستای جنوب بی توجه بودند و این مناطق در محرومیت مطلق بسر می‌بردند. هشت سال پیش که این مسئولیت را به عهده گرفتم، شهرک از نداشتن کمترین خدمات رنج می‌برد. نهادهای ساختاری از قبیل شبکه‌های برق رسانی، آبرسانی، فاضلاب و جاده‌های ارتباطی تعطیل بودند. کارمان را با رسیدگی و سامان دادن به زیر ساخت‌ها شروع کردیم. همه وسایل رفاهی زندگی مردم را فراهم کردیم. خدا را سپاسگزارم که از این آزمون سربلند بیرون آمده‌ایم. اکنون مرحله توسعه را پشت سر گذاشته‌ایم و در بسیاری از زمینه‌های سازندگی به خصوص آموزشی، فرهنگی و اجتماعی به مرحله بهره برداری رسیده‌ایم. در زمینه ارائه خدمات به فعالیت‌های زنان و کودکان و نیز رفاه حال بزرگسالان، زیبا سازی شهرک، احداث پارک و بهبود محیط زیست گام‌های بلندی برداشته شده است.

❁ **شهرک دیر قانون النهر خانواده و نیز گلزار سه تن از فرزندان شهید قصیر را در آغوش دارد، به خصوص که دبیر کل حزب الله روز شهید مقاومت لبنان را به نام احمد قصیر نامگذاری کرده است. آیا شهرداری این شهرک توانسته است حق این مطلب را ادا کند؟**

خیر... من ادعا ندارم که توانسته‌ام در برابر فداکاری و دست‌آورد بزرگ شهید احمد قصیر در زادگاهش کاری کرده باشم. به رغم گذشت حدود ۳۵ سال از شهادت احمد، اکنون او به نماد و الگوی همه مجاهدان در جهان عرب و جهان اسلام تبدیل شده است. به طور تأکید شهرداری دیر قانون النهر در زمینه فرهنگی و معنوی در خصوص قدردانی از این خانواده بزرگوار خود را مقصر می‌داند. چون توانسته فعالیت‌های خود را به سطح معنوی این شهدای بزرگوار برساند. ■



#### داشته است؟

حجت الاسلام و المسلمین شیخ ابراهیم قصیر در فرهنگ سازی، تربیت دینی، پشتیبانی معنوی و رهنمون سازی جوانان شهرک نقش اساسی داشته است. ایشان در زمینه تربیت دینی جوانان دیر قانون النهر به ویژه شهید احمد قصیر و نیز به گردن نسل‌های گذشته و حاضر حق بزرگی دارد.

❁ **حال که ویژگی‌های شهرک علما و شهدا را برشمردید، به عنوان شهردار منطقه چه اقداماتی در زمینه خدمات رسانی، رفاهی و عمرانی به مردم شهرک انجام داده‌اید؟**

موقعیت جغرافیایی شهرک دیر قانون النهر میان شهرهای بزرگی همچون صور و بنت جبیل قرار

احمد قصیر پیدا بشود و با اطمینان کامل و جسارت وصف ناپذیر این راه را پیماید و همه معادلات را دگرگون کند، این نهایت فداکاری است.

❁ **بفرمایید که برنامه‌ریزی و آماده سازی این عملیات چگونه صورت گرفت؟**

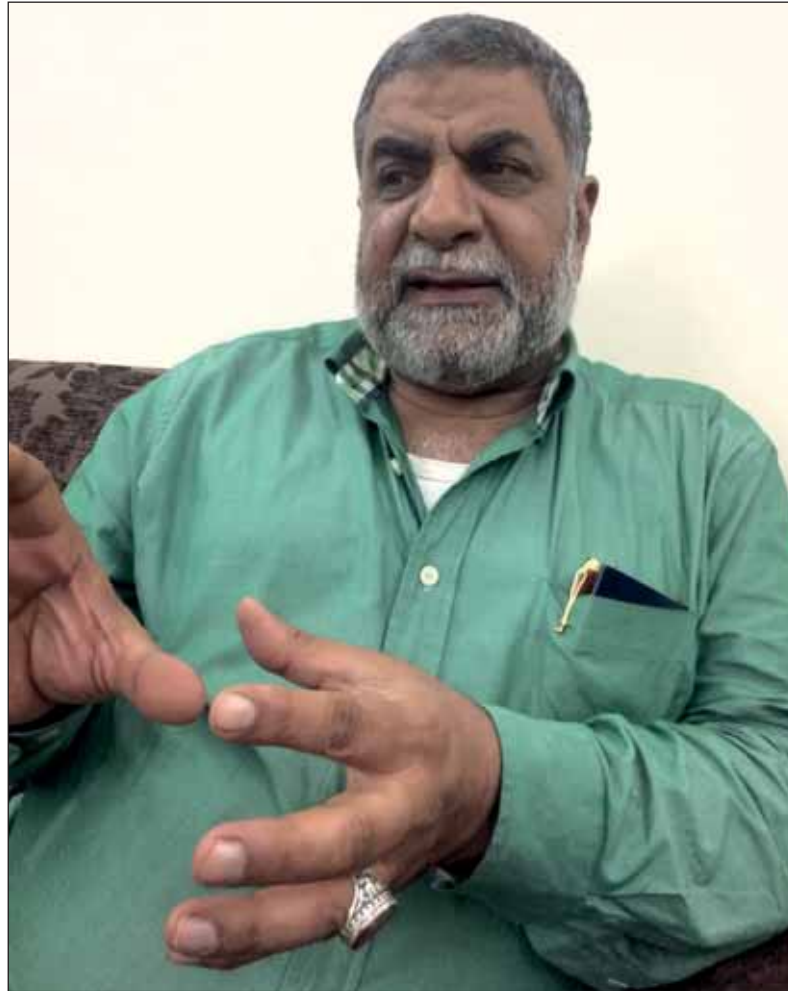
من قاطعانه بر این باورم که الفبای عملیات شهید احمد قصیر ساخته و پرداخته شهید رضا حریری بوده است.

❁ **نقل شده که شهید عماد مغنیه هم در برنامه‌ریزی این عملیات نقش داشته و خودروی حاوی مواد منفجره را او آماده کرده است.**

من از نقش شهید مغنیه اطلاع کافی ندارم، ولی این احتمال وجود دارد که رضا حریری نقش رابط و هماهنگ کننده میان احمد قصیر با عماد مغنیه را برای اجرای این عملیات بازی کرده است. در هر حال من شک ندارم که شهید حریری نقش اساسی در زمینه طراحی و برنامه‌ریزی این عملیات شهادت طلبانه داشته است. در آن مرحله با وجودی که با شهیدان رضا حریری و احمد قصیر روابط صمیمانه و خویشاوندی داشتم، اما هرگز از جزئیات طرح آن دو برای انهدام ساختمان مقر فرماندار نظامی اسرائیل در صور آگاهی نداشتم. این عملیات در شرایط کاملاً سری و فضای خیلی تنگ و محدود برنامه ریزی شده بود. لذا پس از گذشت مدت طولانی اطلاع پیدا کردم که عملیات خیر کار شهید احمد قصیر بوده است.

❁ **بفرمایید که شیخ ابراهیم قصیر امام جمعه و جماعت مسجد جامع دیر قانون النهر چه نقشی در تربیت فکری و آماده سازی این جوانان**

شیخ ابراهیم قصیر در فرهنگ سازی، تربیت دینی، پشتیبانی معنوی و رهنمون سازی جوانان شهرک نقش اساسی داشته است. ایشان در زمینه تربیت دینی جوانان دیر قانون النهر به ویژه شهید احمد قصیر، به گردن نسل‌های گذشته و حاضر حق بزرگی دارد



بازخوانی تحولات لبنان از نیم قرن گذشته تاکنون در گفت و گو با فوزی ابوزید مسئول سابق روابط خارجی حزب الله

## لبنان... دیروز و امروز

درآمد

مهندس فوزی ابوزید فارغ التحصیل رشته مهندسی شهرسازی دانشگاه پنجم پاریس است که پس از بازگشت به لبنان مسئولیت روابط خارجی حزب الله و دستیاری شهید سید عباس موسوی دومین دبیر کل حزب به ایشان واگذار شد. در پی نقل و انتقالاتی که به مرور زمان در تشکیلات نوپای حزب الله صورت گرفت، برنامه ریزی تأسیس چند نهاد و سازمان مشورتی و خدماتی در حزب الله مانند مرکز مشورتی شورای مرکزی، تأسیس منطقه پنجم کمیته پشتیبانی از مقاومت اسلامی، سپس معاونت اجرایی سید هاشم صفی الدین رئیس شورای اجرایی حزب الله به عهده ایشان قرار گرفت. نظر به این که از چهار دهه پیش میان دبیر تحریریه شاهد یاران و مهندس ابوزید روابط دوستانه وجود دارد، ایشان به رغم مشغله‌های فراوان دعوت به اجرای این مصاحبه را باسعه صدر پذیرفت و تاریخچه تحولات لبنان و حزب الله را تشریح کرد. شکی نیست اطلاعاتی که این عضو ارشد حزب الله درباره دیروز و امروز لبنان در اختیار شاهد یاران قرار داده برای اولین بار است که در یک نشریه فارسی زبان منتشر می شود که باهم آن را می خوانیم:

## ❁ در آغاز بحث به طور خلاصه اوضاع لبنان و شیعیان آن را قبل از تأسیس حزب الله شرح دهید...

در آن مرحله سرنوشت ساز که حزب الله به تازگی شکل گرفت و سازمان یافت، کشور لبنان به عنوان یکی از ایالت‌های آمریکا شناخته شده بود که مرحله انتقالی را پشت سر می‌گذاشت و تلاش می‌کرد به مرحله آزادی و استقلال کامل برسد و مردم سرنوشت خویش را به دست بگیرند. فراموش نکنید که پس از جنگ جهانی دوم این طرز تفکر در اذهان مردم جهان قوت گرفت که آمریکا کشورهای جهان را اداره می‌کند.

## ❁ ولی پس از جنگ جهانی اول و تقسیم مملکت دولت عثمانی، کشور لبنان بر اساس موافقتنامه سایکس بیگو زیر سلطه و قیمومیت فرانسه قرار گرفت.

البته موافقتنامه سایکس بیگو در اختیار انگلیس و فرانسه قرار دارد و تاکنون اجازه نمی‌دهند جزئیات آن فاش شود. درست است که کشورهای خاورمیانه زیر سلطه استعمار انگلیس و فرانسه درآمدند ولی سلطه نهایی را آمریکا اعمال می‌کرد. خود بنیانگذاران موافقتنامه سایکس بیگو پس از جنگ جهانی دوم تابع و دنباله رو ابر قدرت آمریکا بودند. من معتقدم که قیمومیت انگلیس و فرانسه بر خاورمیانه یک مرحله انتقالی بود که با آغاز جنگ سرد میان دو بلوک شرق و غرب، اداره امور خاورمیانه و سرتاسر جهان زیر سلطه آمریکا قرار گرفت. فرانسه حضور نظامی در لبنان نداشت و قدرت سیاسی، نظامی و اداره امور کشور را به مسیحیان مارونی سپرده بود. سیاستگذاری نهایی ارتش، امور خارجه، فرودگاه بین المللی، بانک مرکزی، اقتصاد کشور و همه چیز در دست مارونی‌ها بود. فرانسوی‌ها رسماً وصیت کرده بودند که مسیحیان مارونی مادام العمر در اداره امور لبنان نماینده دولت فرانسه هستند. اطلاع دارید که لبنان به خاطر تعدد ادیان و طوایف و مذاهب، یک کشور همزیستی مسالمت آمیز است و این ثروتی طبیعی و فرهنگی برای این کشور می‌باشد.

مرحله دوم تاریخچه لبنان پس از یورش همه جانبه

ارتش رژیم صهیونیستی در ششم ژوئن سال ۱۹۸۲ شروع شد. این یورش به منظور زمینه سازی انتقال حاکمیت سیاسی بیگانه در لبنان از فرانسه به اسرائیل بود.

## ❁ به نظر شما آمریکا هم با این اقدام موافق بود؟

شکی در این نیست! چون اسرائیل ابزار نظامی سلطه آمریکا در خاورمیانه را تشکیل می‌دهد و واشنگتن همیشه میان بیروت و تل آویو نقش رابط را ایفا کرده است. در آن مرحله تعدادی از دولت‌های جهان همچون آمریکا، فرانسه، اسرائیل و دولت‌های عرب در بیروت نمایندگانی غیر رسمی داشتند که دیدگاه‌ها و خواسته‌های دولت‌های یاد شده را بیان می‌کردند. نقش این نمایندگان از مأموریت سفارتخانه‌های خارجی متفاوت بود. در عین حال جنبش‌های سوسیالیستی و ناسیونالیستی عرب که نفوذ بیشتری در جامعه داشتند، دیدگاه‌های دولت‌های عرب را بیان می‌کردند. گروه‌های کمونیستی هم دیدگاه‌های شوروی و چین را بیان می‌کردند. در این میان مسلمانان چه وضعیتی داشتند؟ مسلمانان اهل سنت هم میان دولت‌های قومی مخالف

اسرائیل و غرب مانند مصر، لیبی و سوریه تقسیم شده بودند. آن‌ها برای خود گروه‌هایی مانند «الحزب الناصری» و «الاحباش» را تشکیل داده بودند.

شیعیان در آن مرحله چه وضعیتی داشتند؟ از زمان آغاز قیمومیت فرانسه تا استقلال لبنان و سپردن حاکمیت سیاسی کشور به دست مسیحیان مارونی، هیچ حرکت قابل ملاحظه‌ای در جامعه شیعیان به چشم نمی‌خورد. این جامعه از دوره سلطه دولت عثمانی تا دوره استعمار فرانسه همیشه در بیعدالتی و سرکوب قدرت‌های داخلی و خارجی قرار داشته است. ولی شیعیان تنها طایفه‌ای بودند که به رهبری مرحوم آیت الله سید عبد الحسین شرف الدین در مقابل عثمانی‌ها ایستادند. پس از سقوط دولت عثمانی و استقرار فرانسوی‌ها در لبنان، شیعیان مبارزه با بیگانه را ادامه دادند. در حالی که سایر طوایف راه همزیستی و سازش با استعمارگران و راه مبارزه مسالمت آمیز را برگزیدند. شیعیان از نظر فرانسه همیشه قانون شکن و سازش ناپذیر معرفی شده بودند و همیشه مورد حملات تاخت و تاز و سرکوبگرانه قرار داشتند. منظور این است که عثمانی‌ها و فرانسوی‌ها در دوران استعمار لبنان به طور مساوی شیعیان را دشمن



شارون وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان

چون اسرائیل ابزار نظامی سلطه آمریکا در خاورمیانه را تشکیل می‌دهد و واشنگتن همیشه میان بیروت و تل آویو نقش رابط را ایفا کرده است. در آن مرحله تعدادی از دولت‌های جهان همچون آمریکا، فرانسه، اسرائیل، دولت‌های عرب در بیروت نمایندگانی غیر رسمی داشتند

■ امام موسی صدر در کنار شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر در حوزه نجف اشرف



با تلاش امام موسی صدر، مجلس اعلای شیعیان لبنان به عنوان کیان مستقل تأسیس شد و یک تحول بنیادی و کیفی در تاریخ جامعه شیعه به وجود آمد. از نظر امام صدر بخشی از محرومیت و مظلومیت اهالی روستاهای جنوب لبنان به علت وجود کیان غاصب در فلسطین اشغالی است

خود می‌پنداشتند. و این دشمنی تا زمان ارتحال آقای شرف‌الدین در سال ۱۹۵۷ ادامه داشت.

سران خاندان‌های شیعی و فتودال در جنوب و بقاع لبنان که در دوران استعمار فرانسه ریاست مجلس لبنان به آن‌ها واگذار می‌شد چه نقشی برای احقاق حقوق شیعیان ایفا کردند؟ آیا با مرحوم شرف‌الدین همکاری می‌کردند؟

نه فقط همکاری نمی‌کردند، بلکه مخالف حرکت انقلابی ایشان هم بودند. آن‌ها فتودال بودند و فقط منافع سیاسی و کشاورزی خاص خودشان را دنبال می‌کردند. اصولاً به خاطر سازشکاری و همکاری‌شان با استعمارگران عثمانی و فرانسوی و حاکمیت مسیحیان مارونی به ریاست مجلس منصوب می‌شدند. جنوب و بقاع دو منطقه مهم کشاورزی لبنان زیر سلطه خاندان‌های فتودال احمد الاسعد و صبری حماده و عسیران قرار داشتند. حتی در مجلس هم هیچ کاری برای رفاه حال جامعه شیعه انجام ندادند. اکنون هم در جامعه شیعیان لبنان شخصیت‌هایی هستند که برای تأمین منافع شخصی‌شان حاضرند با هر دولتی مانند آمریکا و عربستان همکاری کنند.

وقتی امام موسی صدر به لبنان آمد و کار محرومیت زدایی از جامعه شیعه را آغاز کرد، وضعیت شیعیان بر خلاف خواست سران خاندان‌های فتودال تاحدودی دگرگون گردید. با استقرار ایشان در لبنان، جایگاه خاصی برای خود میان شیعیان به خصوص قشر جوانان دست و پا کرد. مردم امام صدر را پذیرفتند و از اهداف والای ایشان پشتیبانی به عمل آوردند. در آن برهه اغلب جوانان شیعه به علت محرومیت و بیکاری که در جامعه وجود داشت، برای اشتغال یا به خارج از کشور مهاجرت می‌کردند، یا به احزاب سیاسی فعال لبنانی و فلسطینی می‌پیوستند. متأسفانه پایگاه‌های مردمی احزاب کمونیستی، ناسیونالیستی و سایر احزاب سیاسی لبنان از جوانان شیعه تشکیل شده بود.

امام صدر در چنین شرایطی به لبنان آمد و گردان‌های مقاومت لبنان شاخه نظامی جنبش محرومان (جنبش امل) را تشکیل داد و همه جوانان شیعه را به عضویت

می‌کرد که پشت پرده با اسرائیل داد و ستد سیاسی و اقتصادی داشته باشند مواضع آقای صدر را قابل تحمل ندانستند. دشمنان خوب فهمیده بودند که آقای صدر راهکار منطقی رویارویی با اسرائیل را شناخته و در صدد ایجاد کیانی مستقل برای شیعیان لبنان است. به همین دلیل احساس خطر کردند و او را ربودند. فراموش نکنیم که توطئه‌گران زیادی در این اقدام ناجوانمردانه همدست شدند. معمر قذافی فقط مجری توطئه شوم دولت‌های متعددی بود که فعالیت‌های امام صدر را برای منافع‌شان تهدید آمیز می‌دانستند.

گویا یکی از سازمان‌های فلسطینی مقیم لبنان هم در این توطئه دست داشت...

دولت‌های متعددی در منطقه و جهان در این توطئه شوم دست داشتند. بر اساس اطلاعات دقیقی که به دست آمده فلسطینی‌ها، لیبی، تونس، الجزایر و اسرائیل در این توطئه نقش داشتند. ولی جزئیات قطعی این توطئه هنوز مشخص نیست. به طور کل همه دولت‌هایی که به آن اشاره کردم متهم هستند و درباره هر کدام از دولت‌های یاد شده دلایلی نیز وجود دارد. برخی از دولت‌ها بر مبنای منافع‌شان، برخی به زور و برخی دیگر داوطلبانه در این جنایت تشریک مساعی کردند.

در آن برهه شایع شده بود که دولت وقت سوریه هم در این توطئه دست داشته است...

من دولت آن وقت سوریه را نه متهم و نه تبرئه می‌کنم. چون سوریه در آن وقت به طور آشکار از جنبش امام موسی صدر پشتیبانی می‌کرده است. ما منتظر تکمیل اطلاعات مستند در این زمینه هستیم.

امام صدر پس از تأسیس مجلس اعلای شیعیان، تعدادی از سران خاندان‌های فتودال را به عنوان اعضای هیئت مدیره وارد مجلس کرد. علت چیست؟

این گردان‌ها در آورد. شخصیت امام صدر دوست داشتی و سخنان ایشان بسیار منطقی و تأثیر گذار بود که زود هنگام مورد تأیید اغلب محافل سیاسی و اجتماعی لبنان قرار گرفت. ایشان با دیدگاه‌های انعطاف پذیر و روشنگرانه و تماس مستقیم با مردم در محافل و مجامع عمومی توانست دوستی حاکمیت مسیحیان را هم کسب کند. فعالیت آقای صدر به جایی رسید که از ایشان برای ایراد سخنرانی به کلیساهای معتبر دعوت به عمل می‌آوردند. ایشان با بیانات گویا و منطقی دولتمردان را به محرومیت زدایی از جامعه شیعیان و ایجاد اشتغال فرا می‌خواند. مارونی‌های حاکم هرگز امام صدر را دشمن منافع خویش نمی‌دانستند و با ایشان همکاری می‌کردند.

سرانجام با تلاش امام موسی صدر، مجلس اعلای شیعیان لبنان به عنوان کیان مستقل و محترمانه شیعیان تأسیس شد و یک تحول بنیادی و کیفی در تاریخ جامعه شیعه به وجود آمد. از نظر امام صدر بخشی از محرومیت و مظلومیت اهالی روستاهای جنوب لبنان به علت وجود کیان غاصب در فلسطین اشغالی است. چون صهیونیست‌ها به منابع خاکی و آبی جنوب لبنان چشم دوخته بودند و همیشه این منطقه را زیر بمباران قرار می‌دادند. روزی در همایشی که در تالار یونسکو در بیروت برگزار شد، آقای صدر با تعبیر گویا اعلام کرد: «اسرائیل شر مطلق است». در آن همایش که یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین حضور داشت آقای صدر خطاب به ایشان گفت: «آقای ابو عمار، این جمله را همیشه به یاد داشته باشید که شرافت قدس اجازه نمی‌دهد از چنگال اشغالگران آزاد شود مگر به دستان توانای مردان مؤمن و شریف». این سخن ماندگار نشانگر این است که اگر چریک‌های فدایی فلسطینی غیور و صادق نباشند نمی‌توانند قدس و فلسطین را آزاد کنند.

همانگونه که پیشتر به آن اشاره کردم چون منافع برخی از جریانات لبنانی و برخی از دولت‌های خارجی اقتضا

■ تقدیم لوح یادبود به خانواده شهدا توسط فوزی ابوزید



رفتم و به ایشان گفتم: «ما جوانان لبنانی تحصیل کرده سرگردان هستیم. در این کشور آقای فضل الله، حزب الله، جنبش امل، نمایندگان ایران و گروه‌های دیگری فعال هستند». در آن ملاقات به ایشان نگفتم که شما هم به عنوان یک شخصیت فکری میان شخصیت‌های یاد شده حضور دارید. به ایشان گفتم که ما راه‌مان را میان این رهبران گم کرده‌ایم. در آن ملاقات زبان حال آقای شمس الدین را چنین احساس کردم که چرا از شخص من یاد نکردید؟ چون ایشان خشمگینانه به من خیره شده بود و انگار می‌خواست بگوید که من رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان رهبرتان هستم.

سید محمد حسین فضل الله هم خود را مرجعیت دینی و فقهی شیعیان می‌دانست. حزب الله هم با موقعیت مقاومتی و سیاسی که کسب کرده بود وانمود می‌کرد که همه شیعیان همراه او هستند. ولی واقعیت امر چنین نبود. نه حزب الله نماینده همه شیعیان است و نه دیگران. فنودال‌های سنتی جامعه شیعه هم در حال حاضر در جامعه حضور دارند.

❁ و آزادانه به فعالیت‌شان در مناطق جنوب و بقاع ادامه می‌دهند؟

درست است که اکنون گرداننده اصلی جامعه شیعه لبنان حزب الله است. اما مجلس اعلای شیعیان و وارثان سید محمد حسین فضل الله هم با داشتن مؤسسات آموزشی و خدماتی، بخشی از جامعه شیعیان را همراه

❁ یعنی تأسیس نهادهای سیاسی، اجتماعی و خدماتی حزب الله توانست این خلأ را پر کند؟

امام موسی صدر و مجلس اعلا دربرگیرنده همه مؤسسات اجتماعی مخصوص جامعه شیعه لبنان بود. مدیریت‌های اجرایی نهاد مقاومت، امور سیاسی، مؤسسات آموزشی، تربیتی، فکری و فرهنگی و سایر نهادهای وابسته به جامعه شیعه را تقسیم بندی کرده بود و زیر نظر ایشان اداره می‌شدند. به محض این‌که ایشان ربوده و ناپدید شد، گروهی آمدند و مسئولیت اداره هر یک از مؤسسات یاد شده را قبضه کردند. حزب الله نهاد مقاومت را به دست گرفت، شیخ محمد مهدی شمس الدین اداره مجلس اعلا را به دست گرفت. سید محمد حسین فضل الله و برخی از روحانیون، امور فقهی و فرهنگی شیعیان را به دست گرفتند.

❁ یعنی روند کار مدیریتی این‌گونه بود؟

منظورم میراث امام موسی صدر را میان خودشان تقسیم کردند. بدون این‌که توافق و تفاهمی صورت گرفته باشد. بدون این‌که انسجام و هماهنگی میان آنان وجود داشته باشد. هر کسی که بخشی از میراث امام صدر را به دست گرفت، اصرار داشت وانمود کند که رهبری جامعه شیعه را به عهده دارد. بنده در پایان تحصیلات دانشگاهی در پاریس و بازگشت به بیروت به همراه تعدادی از دوستان به ملاقات آقای شمس الدین

پرسش منطقی و مهمی است. در مرحله تأسیس مجلس اعلای شیعیان، جریانات سیاسی، اجتماعی، خانوادگی، دینی سنتی و روشنفکرانه زیادی در جامعه شیعیان لبنان فعالیت داشتند. در میان این فعالان، شخصیت‌های پارلمانی شیعه، وزرای شیعه و مدیران کل شیعه هم حضور داشتند. ولی دلبستگی روشنی به جامعه شیعه نداشتند. فقط فعال سیاسی و اجتماعی بودند. لذا امام صدر تصمیم گرفت همه فعالان و شخصیت‌های سرشناس شیعی را در مجلس اعلا گردآوری کند و از موقعیت آنان به سود محرومیت زدایی از جامعه شیعه و شکوفایی اقتصادی آنان استفاده کند. نکته دیگری که لازم است به آن اشاره شود این است که در آن برهه ضمن این‌که احزاب سیاسی چپگرا و قومی با گرایشات گوناگون فعالیت می‌کردند، در جامعه شیعی نیز شخصیت‌هایی همچون سید محمد حسین فضل الله، شیخ محمد مهدی شمس الدین و دیگران در زمینه مسایل دینی سنتی مانند برگزاری مجالس سوگواری فعال بودند. ولی به هیچ وجه اجازه نداشتند در مسایل سیاسی دخالت کنند. دولت لبنان حتی اجازه نمی‌داد در مجالس سوگواری امام حسین (ع) بحث‌های سیاسی مطرح شود. گاهی پلیس به مساجد شیعه در ضاحیه جنوبی بیروت حمله می‌کرد و مجالس سوگواری را به تعطیلی می‌کشاند.

در آن برهه علاوه بر مجلس اعلای شیعیان لبنان، جریانات و شخصیت‌هایی هم در حوزه دینی و فرهنگی فعالیت می‌کردند ولی فعالیت‌های میدانی نداشتند. این روند از دوران استعمار عثمانی و فرانسه تا سال‌های نخست ریاست جمهوری امین جمیل ادامه داشت. اما وقتی انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید، نقش و موقعیت جریانات اسلامی لبنان را تقویت کرد.

❁ ربوده شدن امام موسی صدر موجب بروز خلأ در رهبری جامعه شیعیان لبنان شد. آیا تاکنون کسی توانسته این خلأ را پر کند؟

در حقیقت خلأ ناشی از ربوده شدن امام موسی صدر همچنان تا امروز در جامعه شیعیان لبنان احساس می‌شود.

شیعیان لبنان در حال حاضر در جنگ وجودی با اسرائیل و جهان غرب بسر می‌برند و اسرائیل، آمریکا، اروپا و شیخ نشینان خلیج فارس برای نابودی شیعیان لبنان همدست شده‌اند. جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ هم بخشی از پروژه نابودی شیعیان لبنان بوده است

آمریکا و اسرائیل همواره برای رهبری حزب الله پیام می‌فرستند که لبنان در بست در اختیاران باشد. اما به این شرط که به فلسطین نزدیک نشوید. امروزه غرب حاضر است حاکمیت کشور لبنان را به حزب الله بسپارد، ولی مشروط بر این که هیچ کاری به کیان غاصب نداشته باشد



شیعیان هم سرنوشت خویش را به دست حزب الله سپرده‌اند، مگر جریانات ملوک الطوائف و فنودال‌های سنتی که نقش و موجودیت حزب الله را مخالف منافع‌شان می‌دانند.

در عین حال آمریکا و اسرائیل همواره برای رهبری حزب الله پیام می‌فرستند که لبنان در بست در اختیاران باشد. اما به این شرط که به فلسطین نزدیک نشوید. امروزه غرب حاضر است حاکمیت کشور لبنان را به حزب الله بسپارد، ولی مشروط بر این که هیچ کاری به کیان غاصب نداشته باشد.

**رژیم صهیونیستی به بهانه طرد سازمان آزادی بخش فلسطین از جنوب لبنان چند بار به این کشور حمله نظامی کرده است. من معتقدم که صهیونیست‌ها اهداف دیگری هم در لبنان داشتند. این طور نیست؟**

در حقیقت از روزی که موجودیت کیان غاصبی به نام اسرائیل در سال ۱۹۴۸ در شورای امنیت سازمان ملل متحد به تصویب رسید، اشغال سرزمین فلسطین بخشی از طرح اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات بود. گام دوم صهیونیست‌ها پس از اشغال فلسطین، تصرف لبنان بود. یهودیان همواره به دنبال این بودند که مسیحیان مارونی را در لبنان به قدرت برسانند تا با اهداف و طرح‌های دراز مدت اسرائیل بزرگ همگام و همراه باشد.

**انگار صهیونیست‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی به این طرح سرعت بخشیدند...**

این طرح چند دهه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و از زمان تصویب قطعنامه تأسیس اسرائیل در سازمان ملل تدارک دیده شده بود. از دهه پنجاه قرن بیستم میلادی زمینه‌ها و برنامه‌های اجرای این طرح آغاز شده بود. به طور مثال حزب الکتائب (حزب فالانژ) با نظارت و هماهنگی آمریکا نیروهای خود را برای آموزش نظامی مخفیانه به فلسطین اشغالی اعزام می‌کرده است. حزب فالانژ در جریان جنگ‌های داخلی و قبل از یورش اسرائیل به لبنان درگیری با

که کمربند فقر و بینوایی در حاشیه شهر بیروت و شهرهای بزرگ همچنان پا برجاست. بدتر از همه مردان و زنان محروم شیعه جنوب و بقاع به عنوان پیشخدمت در مناطق اعیان نشین و گردشگری بودند. امام موسی صدر این مناطق را «کمربند بینوایی» نامیده بود.

اکنون برای مسیحیان مارونی، فرانسویان و سایر بیگانگان تعجب آور است که چگونه شیعیان توانسته‌اند در این کشور به آقایی برسند و قدرت تصمیم‌گیری‌های سیاسی را به دست بگیرند. اکنون کار انتخاب رئیس جمهوری و رئیس مجلس و نیز تعداد زیادی از نمایندگان مجلس توسط شیعیان رقم می‌خورد. این وضعیت دشمنان داخلی و خارجی را ناخرسند کرده است. قطعاً این دست‌آورها نقطه قوت شیعیان لبنان به شمار می‌رود.

**همه این دست‌آوردها به برکت موجودیت و رهبریت حزب الله در جامعه شیعه است. یا تحولی هم در طرز تفکر شیعیان به وجود آمده است؟**

به برکت هر دو عامل بوده است. دقت کنید قبل از یورش رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲ تا دو سال بعد از آن، رئیس جمهوری، رئیس مجلس و نخست وزیر در عرض نیم ساعت انتخاب می‌شدند. انتخاب بشر جمیل، سپس برادرش امین جمیل در سایه استقرار تانک‌های نظامیان صهیونیست در بیروت اینگونه صورت گرفته بود. این روند از دوران استعمار فرانسه در لبنان معمول بوده است. ولی در سایه وجود و نفوذ حزب الله مقام‌های کلیدی لبنان به صورت اصولی انتخاب می‌شوند نه به صورت فرمایشی. امروزه برای هیچ حزب و گروهی هرچند که با آمریکا روابط و همکاری داشته باشند، امکان ندارد حزب الله را دور بزنند. می‌خواهم بگویم که اکثریت مردم لبنان به خصوص جامعه شیعیان اکنون سرنوشت خویش را به دست گرفته‌اند. اکثریت

خود دارند. تعدادی از افراد مستقل هم در جامعه شیعه نفوذ دارند. اما واقعیت انکار ناپذیر این است که تصمیم‌گیرنده نهایی برای جامعه شیعه لبنان حزب الله است. من معتقدم که امروزه تعیین سرنوشت اساسی شیعیان در درجه اول در دست حزب الله و با هماهنگی با جنبش امل می‌باشد. اشتباه نشود که در این زمینه تفاهمی وجود ندارد و فقط در سطح هماهنگی است.

از سوی دیگر شیعیان لبنان در حال حاضر در جنگ وجودی با اسرائیل و جهان غرب بسر می‌برند و اسرائیل، آمریکا، اروپا و شیخ نشینان خلیج فارس برای نابودی شیعیان لبنان با یکدیگر همدست شده‌اند و کمر همت بسته‌اند. جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ هم بخشی از پروژه نابودی شیعیان لبنان بوده است. دشمنان بین المللی با راه انداختن آن جنگ می‌خواستند شیعیان لبنان را به کشورهای عراق و ایران کوچ دهند. ولی قدرت سیاسی، نظامی، فرهنگی و دینداری حزب الله به رغم همه توطئه‌های بین المللی روز به روز فزونی می‌یابد. حزب الله در بخش اجتماعی ضعف دارد و فقر و بیکاری در میان شیعیان همچنان بیداد می‌کند. شاید این مشکلات از یک قرن پیش برجای مانده و بزرگتر از توان حزب الله است، اما یافتن راه حل برای این مشکلات ناممکن نیست. اگر به صورت منطقی و اصولی کار بشود حزب الله می‌تواند بر مشکل فقر و بیکاری چیره شود. اسرائیل و آمریکا این مشکلات و نقاط آسیب پذیر حزب الله را شناخته‌اند و از این دریچه بر این حزب فشار وارد می‌آورند.

در خصوص علت وجود فقر و استضعاف در جوامع مسلمان لبنان ژنرال فؤاد شهاب رئیس جمهوری دوران استقلال، علنی اظهار می‌داشت که ارزش لبنان فقط به منطقه «جبل لبنان» است. منظورش مناطق مسیحی نشین و دروزی نشین شرق بیروت بود. بودجه‌های اختصاصی توسعه دولت فقط در آن مناطق هزینه می‌شده است. طرح‌های عمرانی، گردشگری، صنایع و بانکداری در آن مناطق به اجرا گذاشته می‌شده است. تا امروز ملاحظه می‌کنید



موقعیت پیشتازی از عزت و سربلندی در لبنان و جهان کسب کرده است.

**ارزیابی تان از عملیات شهید احمد قصیر چیست؟ به خصوص در آن برهه که ارتش رژیم صهیونیستی با حمله به لبنان همه اعراب را دچار سردرگمی و سرافکنندگی کرده بود...**

شکی نیست که یک عملیات سرنوشت ساز تاریخی در یک مقطع تاریخی از تحولات پر فراز و نشیب لبنان بود. یک جوان ساده و ۱۹ ساله به نام احمد قصیر از روستای دیر قانون النهر برخیزد و به چنین اقدامی دست بزند، همه محافل سیاسی و نظامی آن روز دنیا به خصوص ارتش آمریکا را شگفت زده کرد. امیدها را در دل مسلمانان و اعراب زنده کرد. بالعکس این عملیات، ارتشی را که فقط در رسانه‌های مطبوعاتی آن را «ارتش شکست ناپذیر» عنوان می‌کرده‌اند دچار سرافکنندگی و سردرگمی ساخت. به تعبیری دیگر، احمد قصیر حالت سرافکنندگی و سردرگمی را از میان لبنانی‌ها و اعراب به جامعه و ارتش اسرائیل انتقال داد. ارتش اسرائیل که ارتشی رفاه طلب و خوشگذران بود روحیه خود را در عرض چند دقیقه از دست داد.

فرماندهان این ارتش به سربازان شان گفته بودند که ما برای پیک نیک به لبنان می‌رویم. اسرائیلی‌ها در آن موقع از نظر مادی در قله قدرت قرار داشتند، ولی یک نوجوان مخلص، مؤمن و فداکار در یک چشم به هم زدن، مقرر فرماندار نظامی‌شان را که نماد قدرت مادی آنان به شمار می‌رفت فرو ریخت. ساختمان مقرر فرماندار نظامی صهیونیست‌ها در شهر صور به وزارت جنگ کوچک آنان تبدیل شده بود. صرفنظر از تلفات سنگینی که عملیات شهید احمد قصیر بر ارتش شکست پذیر دشمن وارد آورد، روحیه نظامیان آن را به شدت شوکه کرد. ضربه شکننده و جبران ناپذیر بود. اسرائیلی‌ها از آن لحظه فهمیدند

پایداری اوضاع در ایران و توانمند شدن انقلاب کار ضمیمه کردن لبنان را یکسره کنند. ولی فعال شدن جوانان شیعه آموزش دیده در مبارزه با اشغالگران و آنگاه استقرار سپاه پاسداران در شرق لبنان، نتایج معکوس برای اسرائیلی‌ها در پی داشت. کلاس‌های آموزش نظامی و عقیدتی که برای جوانان مؤمن و پر جنب و جوش لبنانی تدارک دیده شد کار خودش را کرد و عملیات مقاومت مسلحانه و شهادت طلبانه رونق گرفت و دمار از روزگار صهیونیست‌ها درآورد. در اولین بیانیه سرگشاده اعلام موجودیت حزب الله که در سال ۱۹۸۴ قرائت شد، دوست و دشمن لبنان در آن مشخص گردید، در بیانیه تصریح شده است که صهیونیست‌ها با اشغال لبنان می‌خواهند کشورمان را به یکی از ایالت‌های وابسته به آمریکا تبدیل کنند و ما وظیفه داریم با این طرح مقابله کنیم. هر چند که در آن مرحله هیچ گروهی مسئولیت عملیات مسلحانه نیروهای مقاومت ضد صهیونیستی را از بیم واکنش نظامیان اشغالگر به عهده نمی‌گرفت، اما مشخص بود که این عملیات به وسیله جوانان شیعه به مورد اجرا گذاشته شده است. به طور مثال مسئولیت واقعی اجرای عملیات شهید احمد قصیر به مدت سه سال از افکار عمومی پنهان ماند. ولی حدود ۱۲ گروه و سازمان انقلابی ناشناخته و با عناوین مبهم مسئولیت آن را به عهده گرفتند که هیچ نقشی در عملیات نداشتند.

روزی شهید سید عباس موسوی دبیر کل سابق حزب الله در رأس هیئتی با امام خمینی (ره) ملاقات کرد و اوضاع داخلی لبنان را به استحضار ایشان رساند. امام به شهید موسوی به این مضمون فرمود: «شما برای اخراج اشغالگران از کشورتان باید قیام خونین کربلا و شهادت امام حسین (ع) را الگو و ملاک عمل قرار دهید». حزب الله با دقت به توصیه‌ها و رهنمودهای منطقی امام خمینی (ره) عمل کرد و بر همه نوظهورهای داخلی و خارجی فایق آمد و امروزه

جنبش‌های مقاومت فلسطین در اردوگاه‌های آوارگان لبنان را آغاز کرده بود. شکی نیست که حزب فلالان با این اقدامات زمینه تهاجم اسرائیل به لبنان را فراهم می‌کرده است. اسرائیل هم به بهانه دور کردن چریک‌های فدایی فلسطینی از مرز فلسطین همزمان روستاهای شیعه نشین جنوب لبنان را بمباران می‌کرد تا اهالی آن‌جا ناگزیر به ترک روستاهای خود شوند و به سوی بیروت کوچ نمایند.

**قصید داشت جنوب را از جمعیت خالی کند...**

دقیقا همین طور است. از سوی دیگر مأموران اطلاعاتی رژیم صهیونیستی با شایعه سازی و تفرقه افکنی، شیعیان جنوب و فلسطینی‌ها را به جان هم می‌انداختند تا از آب گل آلود استفاده کنند. برخی از بزرگسالان جنوب نقل کرده‌اند که عناصر مزدور و نفوذی فلسطینی در جنوب لبنان کاری می‌کردند که امروزه داعش چنین کارهایی را انجام می‌دهد. این اقدامات موجب تفرس و انزجار اهالی جنوب از وجود فلسطینی‌ها شده بود. البته این داستان مطلق نیست و شامل حال فلسطینی‌های عضو جنبش‌های مقاومت نمی‌شود. چون اکثریت جوانان شیعه در آن برهه به وسیله جنبش‌های فلسطینی فتح و سایر گروه‌های مقاومت فلسطین آموزش نظامی دیدند. ولی اسرائیلی‌ها همیشه می‌کوشیدند اهالی جنوب را نسبت به مقاومت فلسطین بدبین کنند.

با این وصف حمله نظامی گسترده ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲ زمانی روی داد که حدود سه سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران گذشته بود. همچنین حدود هفت سال از جنگ‌های مستمر داخلی لبنان گذشته بود. اگر یادتان باشد یکی از نخست وزیران وقت اسرائیل، انقلاب اسلامی را همچون زمین لرزه‌ای بزرگ توصیف کرد که طرح‌های آنان را نقش بر آب کرده بود. پیروزی انقلاب، صهیونیست‌ها را غافلگیر و به تضعیف کشاند. نه می‌توانستند از طرح ضمیمه کردن لبنان چشم پوشی کنند، نه می‌توانست زمان آن را به آینده موکول کنند. شاید چنین فکر کرده بودند که قبل از

**عملیات شهید احمد قصیر عملیاتی سرنوشت ساز در یک مقطع تاریخی از تحولات پر فراز و نشیب لبنان بود. یک جوان ساده و ۱۹ ساله از روستای دیر قانون النهر برخیزد و به چنین اقدامی دست بزند، همه محافل سیاسی و نظامی آن روز دنیا به خصوص ارتش آمریکا را شگفت زده کرد**



اکنون شیعیان لبنان به برکت عملیات شهید احمد قصیر و تأسیس حزب الله مراحل محرومیت و استضعاف را پشت سر گذاشته‌اند و به جایگاه قابل ملاحظه‌ای دست یافته‌اند. سرافرازی و شکوفایی شیعیان لبنان بر سایر مسلمانان عرب، آسیایی و آفریقایی تأثیر گذار بوده است

استضعاف را پشت سر گذاشته‌اند و به جایگاه قابل ملاحظه‌ای در این کشور دست یافته‌اند. همچنین سرافرازی و شکوفایی شیعیان لبنان بر سایر مسلمانان عرب، آسیایی و آفریقایی تأثیر گذار بوده و آنان برای دستیابی به حقوق‌شان راهکار حزب الله را الگوی خود قرار داده‌اند. راهکار حزب الله و مقاومت اسلامی فضای معنوی بزرگی برای مستضعفین جهان به ارمغان آورده و به شعار پویا تبدیل شده است.

❁ به عنوان آخرین پرسش چرا سوریه به بحران و آشوب کشیده شد؟

بعد از عملیات آزاد سازی منطقه استراتژیک القصیر در مرز سوریه با لبنان از دست تکفیری‌های وهابی مأموریت یافتیم با زخمی‌های عملیات ملاقات کنیم و احوال آنان را جویا شوم. حدود ۱۲۰۰ رزمنده لبنانی در این عملیات زخمی شده‌اند که فقط حدود ۳۰۰ تن از آنان در منطقه بقاع در داخل لبنان زخمی شده‌اند. در گفت و گو با زخمی‌های حزب الله به اطلاعات ارزشمندی از روند عملیات و اهداف یورش صدها هزار تکفیری در سوریه دست یافتیم. آن‌ها به من گفتند چون اسرائیلی‌ها از جنوب لبنان کاری از پیش نبردند، از شرق لبنان به وسیله گروه‌های تکفیری به سراغ حزب الله آمدند. در حقیقت ماهیت و اهداف استقرار جبهه النصره در القصیر از اهداف جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ بر ضد حزب الله کمتر نبوده است. نیروهای تکفیری به نمایندگی آمریکا، اسرائیل، ترکیه، عربستان، سازمان جهانی اخوان المسلمین و همه دولت‌های مخالف محور مقاومت در این جنگ بر ضد حزب الله بسیج شده بودند. یعنی این جنگ میان نیروهای مقاومت اسلامی لبنان با عوامل غرب و شیخ نشین‌های خلیج فارس بود. اگر سوریه و محور مقاومت در این جنگ شکست می‌خوردند، فاتحه حزب الله خوانده شده بود. پیروزی حزب الله در نبردهای القصیر، کلید پیروزی نهایی سوریه در جنگ با گروه‌های تروریستی بود که از سرتاسر جهان به سوریه احضار شده بودند. ■



رژیم صهیونیستی با عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر شروع شد. در پی آن هم عملیات کیفی انهدام پایگاه‌های نیروهای خصوص آمریکا و فرانسه در بیروت به وسیله «سازمان جهانی جهاد اسلامی» به اجرا گذاشته شد. هدف از استقرار آن‌ها در بیروت که خود را نیروهای چند ملیتی معرفی کرده بودند، کمک به دشمن صهیونیستی در اشغال لبنان و مهار حرکت نوپای امام موسی صدر بود. در آن برهه صدها تن از نیروهای انگلیسی و ایتالیایی هم در قالب نیروهای چند ملیتی در بیروت استقرار یافته بودند. همه آن عملیات‌ها به دشمن و حامیان دشمن فهماند که با مردمی با عزت، سرافراز، با اراده و آزادی خواه طرف هستند که به هیچ کسی اجازه خدشه وارد آوردن به هویت اسلامی و ملی خویش را نمی‌دهند. اکنون شیعیان لبنان به برکت عملیات شهید احمد قصیر و تأسیس حزب الله مراحل محرومیت و

که با دشمنی رو به رو شده‌اند که با ارتش‌های عرب تفاوت دارد.

از سال ۱۹۸۲ به بعد هر اندازه حزب الله قویتر می‌شد، انگیزه و اراده رویارویی با اسرائیل در نیروهای مقاومت اسلامی فزونی می‌یافت. در عین حال توطئه‌های دشمن و عوامل او در منطقه و لبنان هم علیه حزب الله افزایش می‌یافت و این معادله همچنان ادامه دارد. در حال حاضر هر اندازه که این دشمن وحشی به حالت احتضار و مرگ نزدیکتر می‌شود، گرایش‌های انتقامجویانه او هم بیشتر می‌شود. اکنون بسیاری از رژیم‌های عرب به ویژه شیوخ خلیج فارس به خاطر ترس و هراس‌شان از توانمندی حزب الله ناگزیر شده‌اند با کیان غاصب کنار بیایند. چون اسرائیلی‌ها در موقعیت ضعف و درماندگی قرار گرفته‌اند و به کمک دیگران نیازمندند. بنابر این شمارش معکوس ضعف و درماندگی ارتش



نگاهی به حیات پربار شهدای دیرقانون النهر در گفت و گو با زین قصیر مسئول شاخه حزب الله در این شهرک

## دیرقانون النهر همچنان شهید پرور ماندگار خواهد بود

درآمد

شاید مهمترین حماقت تاریخی کیان غاصب قدس، حمله گسترده نظامی به لبنان در سال ۱۹۸۲ باشد. این رژیم به منظور تحقق اهداف فزون خواهانه و دراز مدت از جمله ایجاد نظام سیاسی دست نشانده در بیروت به لشکرکشی وسیعی دست زد. برپایه ضرب المثل «عدو شود سبب خیر»، این اقدام باعث شکل گیری مقاومت اسلامی و مردمی اصیل شد که به وسیله جوانان غیور و فداکار شهرک پر صلابت و استوار دیرقانون النهر همه اهداف و توطئه های دشمن را برای همیشه بر باد داد. جوانان پر شور و شوق و برومندی از خانواده های معزز و نجیب قصیر، حریری و صفی الدین برانگیخته شدند و درس فراموش ناشدنی به اشغالگران دادند. زین قصیر مسئول حزب الله در دیرقانون النهر در گفت و گو با شاهد یاران پیشینه تاریخی این شهرک حماسه ساز را تشریح کرده است



وحشیانه دشمن به خاک لبنان، در برابر مهاجمان ایستادگی کردند و رعب و وحشت در دل آنان به وجود آوردند. شهیدان رضا حریری و احمد قصیر و دیگر شهدای گرانقدر از جوانان این شهر بودند که نقش پیشتازی در پایداری و مقاومت در برابر دشمن متجاوز داشتند.

در مرحله دوم اشغال جنوب لبنان و ایجاد کمربند امنیتی در نوار مرزی، جوانان غیور زیادی از این شهر که به مقاومت اسلامی پیوستند و در عملیات مسلحانه در اقلیم التفاح و جبل الرفیع و سایر مناطق اشغالی جنوب با اشغالگران و مزدوران ارتش نتوان لحد به سستی برخاستند و تعدادی شان به درجه رفیع شهادت نایل آمدند. مانند شهید حسین غسانی و شهید ندیم سبکی و دیگران.

**شاید یکی از ارزش‌های ماندگار و نمادین شهرک دیر قانون النهر این باشد که زادگاه و اقامتگاه خانواده سه فرزند شهید حاج جعفر قصیر است. احمد قصیر و دو برادر شهید او موسی و ربیع قصیر. بفرمایید که این شهرک چه جایگاهی برای حزب الله دارد؟**

شکی نیست که نام دیر قانون النهر برای مردم مقاوم جنوب لبنان به خصوص برای حزب الله افتخار آمیز است. چون عملیات شهید احمد قصیر در این شهرک طراحی و تدارک دیده شد و سرانجام بساط اشغالگری رژیم صهیونیستی را در لبنان برای همیشه برچید. عملیات انهدام مقر فرماندار نظامی ارتش اسرائیل در صورتیکه تحول راهبردی و سرنوشت ساز در روند مبارزه با رژیم غاصب به شمار رفت. اکنون این خانه احمد قصیر است که در حیاط آن نشسته‌ایم و گفت و گو می‌کنیم، مردم جنوب لبنان با افتخار و احترام خاصی به خانواده و پدر و مادر او نگاه می‌کنند. این افتخار و احترام محدود به هواداران حزب الله نیست. بلکه همه جریان‌ها و طیف‌های سیاسی لبنان برای خانواده جعفر قصیر و فرزندان شهید او احترام قایلند.

**شناختی از دوران کودکی احمد قصیر دارید؟**

شاید بتوان گفت که عمر مجاهدت و مقاومت احمد قصیر بسیار کوتاه بود. چون ایشان اغلب حیات خود را برای تجارت و کسب درآمد به همراه خانواده در کشورهای لیبی و عربستان گذراند. احمد در سن ۱۹ سالگی به اقدام سرنوشت ساز و تعیین کننده انهدام مقر نظامیان اشغالگر در صورت دست زد. من بر این باورم که عملیات شهادت طلبانه ایشان بزرگتر از سن و سال او بوده است. ■

کمونیست لبنان هم چهار کشته از اهالی این شهرک داشته است. وجود این شهید در دیر قانون النهر حاکی از آن است که این شهرک از گرایشات متعدد فرهنگی و فکری برخوردار است و همه در فضای دوستانه و محبت آمیز زندگی می‌کنند.

**خانندان قصیر در دیر قانون النهر به داشتن علمای دینی بزرگواری شهرت دارند. شما چه شناختی از آنان دارید؟**

در عصر حاضر مرحوم علامه شیخ احمد فرزند شیخ حبیب قصیر که دو سال پیش دارفانی را وداع گفت، یکی از اندیشمندان بزرگ این شهرک می‌باشد. دروس فقهی را در سطح اجتهاد در حوزه‌های علمیه نجف اشرف و قم فرا گرفت. ایشان هنگام حضور در لبنان نقش بزرگی در گسترش آگاهی جوانان جنوب و نیز امامت جمعه و جماعت مسجد شهرک دیر قانون النهر داشت. در حال حاضر علامه شیخ ابراهیم قصیر که امامت مسجد جامع شهرک را به عهده دارد، یکی از روحانیون سرشناس و متعهد جنوب لبنان به شمار می‌رود.

**نقش این علمادار در گسترش آگاهی و بسیج عمومی برای رویارویی با دشمن صهیونیستی چگونه ارزیابی می‌کنید.**

اصولاً حضور و فعالیت این علمای بزرگ و انقلابی، سطح دینداری را در میان جوانان مجاهد دیر قانون النهر و در سایر روستاهای جنوب لبنان گسترش داده است. بر این اساس روزی که دشمن صهیونیستی در سال ۱۹۸۲ به لبنان حمله نظامی کرد، زمینه مقاومت و روحیه جهاد از قبل فراهم شده بود و این علمای بزرگ نقش بسزایی در بسیج جوانان مجاهد ایفا کردند. افزون بر وجود مقام‌های عالی دینی در دیر قانون النهر از قرن‌های گذشته، همچنین به میزان قابل ملاحظه‌ای شخصیت‌های فرهیخته و اندیشمند و جامعه شناس نیز در آن وجود داشته و دارد.

**حضور و فعالیت پیشتاز جوانان دیر قانون النهر در مقاومت ضد صهیونیستی چه تأثیری بر سایر جوانان جنوب داشت؟**

شهرک دیر قانون النهر از نظر جغرافیایی در یکی از مسیرهای مرزی جنوبی کشور به شهر صور قرار گرفته و بخشی از نیروهای اسرائیلی هنگام حمله به لبنان از این مسیر گذشتند. با وجودی که حزب الله در آن زمان هنوز تأسیس نشده بود، جوانان مبارز و انقلابی این شهرک در نخستین روزهای یورش

**موقعیت شهرک دیر قانون النهر از نظر نمادین چه جایگاهی در نگاه حزب الله دارد؟**

در حال حاضر تمایز شهرک دیر قانون النهر در این ویژگی نهفته که «شهرک علما و شهدا» شهرت پیدا کرده است. به یاد دارم که پدران و نیاکان مان به ما آموختند که این شهرک از روزگار قدیم پایگاه علمای شاخص دین و مرکزیت صدور فتوا بوده و نسل کنونی بر اساس این دیدگاه تربیت شده است. در سال‌های قدیم که وسایل ارتباطاتی وجود نداشت، مردم روستاهای همجوار به دیر قانون النهر می‌آمدند تا برای مسایل شرعی شان پاسخ لازم دریافت نمایند. به ویژه در باره رؤیت هلال ماه مبارک رمضان و سایر احکام شرعی و هر نوع مسئله مهم دینی. چون این شهرک در حاشیه یکی از مناطق کوهستانی جنوب لبنان واقع شده و هلال ماه مبارک رمضان و عید فطر به روشنی در آن رؤیت می‌شده است. افزون بر آن دیر قانون النهر یک منطقه ارتباطی میان روستاهای جنوب به شمار می‌رود و در سال‌های اخیر جاده‌های ارتباطی نوساز در آن ایجاد شده است.

همچنین دیر قانون النهر به اندازه جمعیت ۱۰ هزار نفره خود، شهدای گرانقدر و شاخصی در راه آزادی لبنان و مبارزه با اشغالگری دشمن صهیونیستی تقدیم کرده است. مانند شهیدان احمد قصیر، حسن قصیر و علی صفی الدین که با عملیات شهادت طلبانه شان راه آزاد سازی جنوب را از لوٹ وجود صهیونیست‌های غاصب هموار کردند. جوانان این شهرک از جمله شهید رضا حریری در پایه‌گذاری عملیات شهادت طلبانه و نیز پایه‌گذاری مقاومت اسلامی پیشگام بوده‌اند. با این وصف مجاهدان و شهیدان این شهرک از پیشتازان نبرد با دشمن در قالب مقاومت ضد صهیونیستی بوده‌اند.

**در مراحل متعدد اشغال جنوب لبنان، این شهرک چند شهید تقدیم راه آزادی کرده است؟**

در حقیقت طیف‌های گوناگون و جنبش‌های مقاومت مستقر در جنوب لبنان قبل از تأسیس حزب الله شهیدان زیادی از این شهرک داشته‌اند. ولی مقاومت اسلامی شاخه نظامی حزب الله تاکنون ۲۴ شهید تقدیم راه آزاد سازی لبنان و جنوب لبنان کرده است.

**از جنبش‌های گوناگون مقاومت یاد کردید، آن‌ها از این شهرک چند شهید داشته‌اند؟**

هشت تن از اعضای جنبش امل از اهالی این شهرک در مصاف با دشمن صهیونیستی به شهادت رسیده‌اند. شاخه حزب

شکی نیست که نام دیر قانون النهر برای مردم مقاوم جنوب لبنان به خصوص برای حزب الله افتخار آمیز است. چون عملیات شهید احمد قصیر در این شهرک طراحی و تدارک دیده شد و سرانجام بساط اشغالگری رژیم صهیونیستی را در لبنان برای همیشه برچید



روایت شاهدان عملیات شکوهمند احمد قصیر

## عملیات احمد قصیر، اسرائیلی‌ها را در تراژدی بزرگ قرار داد

درآمد

ارتش رژیم صهیونیستی روز ششم ژوئن ۱۹۸۲ در جریان جنگی از پیش برنامه‌ریزی شده به نام عملیات «سلامت الجلیل» و بدون محاسبه پیامدهای آن به لبنان یورش برد. در همان روز دان مریدور وزیر اطلاعات پیشین اسرائیل اعلام کرد: «این جنگ از طرف دولت به گونه‌ای طراحی شده تا جنگی کوتاه مدت باشد. همانگونه که از قبل پیش‌بینی شده بود جنگ ساعت ده و ۳۵ دقیقه آغاز شد و ما از فاصله چهل کیلومتری گذشتیم و وارد بیروت شدیم. نیروهای زرهی ارتش پنجاه دقیقه پیش وارد لبنان شدند و عملیات آغاز گشته و پایان جنگ مشخص نیست. گزارش‌های اطلاعاتی دقیق وجود نداشت. در لبنان پیش‌بینی اوضاع بسیار دشوار است و گمان کنم تحقیقات مشخصی انجام نشده باشد». اظهارات یک مقام بلندپایه اسرائیل که واقعا از عواقب وخیم تجاوز به لبنان آگاهی نداشت تعجب آور نیست. با وجودی که حدود ۳۵ سال از این عملیات گذشته است، اما تعدادی از شاهد عینی که هنوز در قید حیات هستند خاطرات خود را چنین روایت کرده‌اند

■ برداشتن آوار ساختمان منهدم شده فرماندار نظامی اسرائیل در شهر صور



عملیات آوار برداری یک سرباز زخمی را کشتند. دکتر حسن الزین در بیان احساسات و میزان خرسندی خود از این عملیات حماسی گفت: واقعا لحظات درخشانی بود. احساس عزت و سربلندی می‌کنم که گریه زاری و آه و ناله سربازان دشمن را با چشم شاهد بودم. با این عملیات شکست هیبت و سرافکندگی ارتش شکست ناپذیر به روشنی نمایان بود. ویژگی عملیات شهید احمد قصیر به کشته شدن ده‌ها افسر و سرباز صهیونیست محدود نبود. چه این عملیات سرآغاز روند عملیات شهادت طلبانه و عملیات مسلحانه مقاومت اسلامی را پایه گذاری کرد که سرانجام به آزادی جنوب لبنان منجر شد.

دکتر احمد مروه پزشک دیگر بیمارستان جبل عامل خاطرات خود را از لحظات فروریزی ساختمان فرماندار نظامی ارتش رژیم صهیونیستی چنین بازگو کرده است: بیمارستان تنها چند متر با محل عملیات فاصله داشت. حدود ساعت هفت روز پنجشنبه من در طبقه دوم بیمارستان مشغول کار بودم. صهیونیست‌ها اغلب نیروهای نظامی خود را در ورزشگاه اتوبوسرانی در مقابل ساختمان جمع کرده بودند. تصور می‌کنم نیروهایی که در آن روز در ساختمان وجود داشتند دو برابر همیشه بودند. چون به شدت باران می‌بارید و همه به ساختمان پناه برده بودند. دقایقی بعد انفجار مهیبی در داخل ساختمان رخ داد و در پی آن آتش، دود غلیظ و گرد و غبار به هوا بلند شد. پس از آن ساختمان لرزید و طبقات آن فرو ریختند و ساختمان هشت طبقه در یک چشم به هم زدن به تلی از خاک تبدیل شد. دکتر مروه در پاسخ به پرسشی درباره شمار تقریبی نظامیان موجود در ساختمان هنگام عملیات گفت: من عملا نتایج عملیات را از نزدیک دیدم. در آن زمان حدود ۱۸۰ نظامی اسرائیلی در ساختمان بودند. کسی به طور دقیق نمی‌تواند تعداد آنان را بازگو کند. اما به

مخابراتی‌شان منهدم شده بود. حدود دو ساعت بعد از حادثه تعدادی بالگرد در اطراف ساختمان منهدم شده به زمین نشستند و حدود ۳۵ اسرائیلی با لباس شخصی و یکنواخت که گویا از کارکنان و مأموران نهادهای اطلاعاتی دشمن بودند از آن‌ها پیاده شدند.

**ده دقیقه مانده به ساعت هفت بامداد روز ۱۱ نوامبر سال ۱۹۸۲ روی تخت خود در اتاقی که مقابل ساختمان عزمی قرار داشت دراز کشیده بود. ناگهان انفجار مهیبی رخ داد که و حشت زده از جا برخاستم و نمی‌دانستم چه شده است. در عمرم هرگز صدای چنین انفجاری را نشنیده بودم**

آن‌گاه اجساد مقتولان را به سرعت به بالگردها انتقال دادند. شاید منظورشان این بود که کسی نبیند یا فیلمبرداری نکند. عصر همان روز آریل شاورن وزیر جنگ وقت به همراه تعدادی از مسئولان صهیونیست از جمله اسحاق مردخای با چهره‌ای برآشفته و سرافکننده از ساختمان منهدم شده دیدن کردند. در همان حال وارد بیمارستان جبل عامل شدند و در مدت سه شبانه روز عملیات امداد و نجات آن‌جا را به بیمارستان صحرائی تبدیل کردند. در روز سوم از وجود افراد زنده زیر آوارهای ساختمان نا امید شدند و کار خاک برداری را آغاز کردند. به یاد دارم که در

دکتر حسن الزین پزشک بیمارستان جبل عامل که در نزدیکی ساختمان منهدم شده قرار دارد، مشاهدات خود را از عملیات شجاعانه شهید احمد قصیر چنین تشریح کرده است: در آن روزها که اشغالگران میدان را برای تاخت و تاز خود خالی دیدند، سعی کردند با سیاست مشت آهنین مردم لبنان را مرعوب کنند. فصل زمستان بود و روز قبل از عملیات شهید احمد قصیر باران شدیدی می‌بارید. ناگهان هوا توفانی شد و به خیمه‌های سربازان دشمن در نزدیکی اردوگاه آوارگان فلسطینی البص آسیب وارد کرد. در آن شرایط سربازان ناگزیر شدند به ساختمان هشت طبقه‌ای فرماندار نظامی پناه ببرند. با این وصف ساختمان مزبور مملو از سرباز شد.

ده دقیقه مانده به ساعت هفت بامداد روز ۱۱ نوامبر سال ۱۹۸۲ روی تخت خود در اتاقی که مقابل ساختمان عزمی قرار داشت دراز کشیده بودم که ناگهان انفجار مهیبی رخ داد و وحشت زده از جا برخاستم و نمی‌دانستم چه شده است. در عمرم هرگز صدای چنین انفجاری را نشنیده بودم. نزدیک پنجره شدم و با چشم دیدم که ساختمان هشت طبقه روی هم فرو می‌ریزد. چند ثانیه طول نکشید که انبار مهمات درون ساختمان هم منفجر شد. در آن هنگام احساس کردم که بچه‌های مقاومت ساختمان را منهدم کرده‌اند. ابتدا گمان نمی‌کردم که ساختمان فرماندار نظامی اسرائیل به وسیله عملیات شهادت طلبانه منهدم شده است. اما دقایقی نگذشت که یکی از شهروندان با خودروی شخصی‌اش به میان جمعیت تماشای آمد و به من گفت که ساختمان به وسیله یک جوان شهادت طلب لبنانی با پژو سفید رنگ حاوی مواد منفجره منهدم شده است.

دکتر حسن الزین تلفات دشمن در این عملیات را به دلایل حسی بیشتر از ۲۰۰ تن ارزیابی کرده و گفته است: در جریان عملیات امداد و نجات که حدود دو ساعت بعد از انفجار آغاز شد حدود ۴۵ جسد را که در کنار جاده اصلی صور به بیروت قرارداده بود دیدم. از سوی دیگر خیمه‌هایی که در نزدیکی اردوگاه البص نصب شده بودند بر اثر توفان شدید بکلی تلف شدند و صدها سربازی که در آن‌ها مستقر بودند به ساختمان پناه بردند. دلیل سوم این است عملیات شهید احمد قصیر ده دقیقه قبل از ساعت هفت بامداد رخ داد و در این لحظات مأموریت‌های گشت شبانه سربازان دشمن ساعت شش و نیم بامداد پایان یافته بود. لذا در این نیم ساعت میان دو شیفت ساختمان مملو از سرباز شده بود و شهید احمد قصیر زمان عملیات را خیلی خوب محاسبه کرده بود تا تلفات بیشتری بر اشغالگران وارد کند.

بعد از انهدام ساختمان فرماندار نظامی ارتش اسرائیل در جل البحر، تعداد انگشت شماری از سربازان دشمن که زنده مانده بودند به مدت دو ساعت سرافکننده و سردرگم و در حال گریه زاری بودند و کاری از دستشان ساخته نبود. چون همه وسایل ارتباطی و

✓  
**خاطره دیگری که از این عملیات دارم از میزان خباثت و کینه تیزی صهیونیست‌ها نسبت به ما لبنانی‌ها حکایت دارد. هنگامی که میان تلی از آوارهای بتنی قرار داشتیم یکی از سربازان اسرائیلی به من نزدیک شد و پرسید که سربازی در کنارم زیر آوار مانده است؟ به او گفتم نه کسی نیست و در حالی که من هم به کمک نیاز داشتیم، راهش را گرفت و رفت**

داخل ساختمان هشت طبقه پناه بردند. گویا سربازان دیگری هم از سایر پاسگاه‌های نظامی شهر به آنجا آمده بودند. این نشان می‌دهد که تعداد اسرائیلی‌هایی که در ساختمان عزمی بودند زیاد بود. حدود ساعت هفت روز پنجشنبه در هوای بارانی وارد کارگاه خود بیرون گاراژ خودروهای دیزلی در مقابل ساختمان عزمی شدم. در آن هوای بارانی خودروهای اندکی در خیابان‌های شهر تردد می‌کردند. مشغول روشن کردن بخاری نفت سوز کارگاه بودم که تردد خودروی پژو سفید رنگ در آن منطقه توجهم را به خود جلب کرد. خودرو ابتدا میدان جل البحر را دور زد و برگشت به طرف ساختمان فرماندار نظامی حرکت کرد. صدای سربازان اسرائیلی را شنیدم که به احمد دستور توقف دادند. ولی او بدون توجه به دستور آنان از موانع سر راهش گذشت و خودرو را به قلب ساختمان هدایت کرد. دیری نپایید که صدای انفجاری مهیب ساختمان فرماندار نظامی اسرائیلی‌ها را بر سر ساکنانش ویران کرد. عملیات شهید احمد قصیر اولین و بزرگترین ضربه‌ای بود که به پیکر ارتش اسرائیل در لبنان وارد کرد. ■

می‌شنیدم. البته من هم آرام نبودم و از شدت درد فریاد می‌کشیدم. دیری نپایید که صدای فعالیت لودرها و بلدوزرهای خاک برداری به گوش رسید. از آن پس صدای آه و ناله و درخواست کمک سربازان متجاوز خاموش شد و تشخص دادم که همه‌شان در حال جان کندن بودند و به هلاکت رسیدند. در لحظات مرگ و زندگی از یکطرف احساس غرور و سربلندی کردم و از طرف دیگر نگران بودم که نکند بمیرم و سربازان یگان‌های امداد و نجات اسرائیلی مرا از خودشان بدانند و به فلسطین اشغالی انتقال دهند.

خاطره دیگری که از این عملیات دارم از میزان خباثت و کینه تیزی صهیونیست‌ها نسبت به ما لبنانی‌ها حکایت دارد. هنگامی که میان تلی از آوارهای بتنی قرار داشتیم یکی از سربازان یگان امداد و نجات اسرائیلی به من نزدیک شد و پرسید که سربازی در کنارم زیر آوار مانده است؟ به او گفتم نه کسی نیست و در حالی که من هم به کمک نیاز داشتیم، راهش را گرفت و رفت. حدود هفت ساعت گذشت و من چنین حال و وضعی داشتم، اما کسی به من توجه نمی‌کرد. وقتی دوباره احساس کردم در اطرافم صدای آه و ناله به گوش می‌رسد به امدادگران گفتم که در این محدوده صدای کمک به گوش می‌رسد، مرا هم از میان آوارها بیرون کشیدند. فراموش نمی‌کنم که من هم زخمی شده بودم و خونریزی داشتم. بدون شک خود را مدیون شهید احمد قصیر و راه و آرمان او می‌دانم. بعد از گذشت سه دهه از این عملیات شجاعانه خود را موظف می‌دانم به روح این شهید بزرگوار که میهن را سربلند کرد و به ما فرصت زندگی مجدد و عزت بخشید و راه جهاد و مقاومت را هموار کرد درود بفرستم.

عبدالله شاکر یکی دیگر از شاهدان عملیات شهید احمد قصیر خاطرات خود را این‌گونه بازگو کرده است: شب قبل از عملیات افسران ارتش رژیم صهیونیستی در زمین چمن فوتبال کنار دریا ورزش می‌کردند. وقتی بارش شدید باران شروع شد همه به

وسيله آمبولانس‌هایی که می‌آمدند و اجساد کشته‌ها را به فلسطین منتقل می‌کردند می‌توان تعداد زیاد آن را فهمید. آریل شارون وزیر جنگ وقت اسرائیل شخصا به آنجا آمد و حدود یک ساعت بر آوار برداری و انتقال اجساد کشته‌ها نظارت کرد. من با چشم خود او را دیدم. صهیونیست‌ها ابتدا گفتند در ساختمان فرماندار نظامی کیسول گاز منفجر شده است. آن‌ها یا واقعا سردرگم شده بودند یا نمی‌خواستند اعتراف کنند که ساختمان با عملیات شهادت طلبانه منهدم شده است.

آقای ابو سامر یکی از بازماندگان این حادثه خاطرات خود را از عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر چنین بازگو کرده است: یک روز قبل از اجرای عملیات احمد قصیر به وسیله نظامیان اشغالگر بازداشت شدم و مرا در طبقه هفتم ساختمان زندانی کردند. آنجا هال وسیعی بود که زندانیان را در آن شکنجه می‌کردند. دستانم را با دست بند بستند و سرم را با کیسه نایلونی پوشاندند. در آن شب از شدت دردهای ناشی از شکنجه به خواب نرفتم. حدود ده دقیقه مانده به ساعت هفت بامداد که مرا به سرویس بهداشتی می‌بردند، ناگهان احساس کردم زمین لرزه شدید روی داده است. در آن لحظه بیهوش شدم و از حال رفتم. اصلا صدای انفجار را درک نکردم. گمان کردم دوباره مرا زیر شکنجه برده‌اند. وقتی به هوش آمدم و چشمانم را باز کردم، خود را میان ویرانه‌های طبقات بالای ساختمان هشت طبقه یافتیم. خداوند تبارک و تعالی را سپاسگزارم که به کنار ستون سقف ویران شده‌ای پرت شده بودم. این معجزه الهی بود که یکی از ستون‌های ساختمان پا برجا بماند تا من در کنارش زنده بمانم.

در آن لحظات از میان ویرانه‌های ساختمان منهدم شده صداهای آه و ناله سربازان شکنجه‌گر به گوشم می‌رسید. لحظاتی نگذشت که انفجار مهمات درون ساختمان آغاز شد. آن‌گاه به مدت دو ساعت فقط صداهای گریه زاری سربازان و تقاضای نجات



از قلعه الشقیف در جنوب لبنان دیدار مناخیم بگین نخست‌وزیر و آریل شارون وزیر جنگ رژیم صهیونیستی



عملیات شهید احمد قصیر از نگاه صهیونیست‌ها

## انهدام مقر فرماندار نظامی اسرائیل در صور ما را شوکه کرد

درآمد

در اوایل سال ۱۹۸۲ اولین نشانه‌های آماده سازی ارتش رژیم صهیونیستی برای حمله گسترده نظامی به لبنان به بهانه پایان دادن به موجودیت سازمان آزادی بخش فلسطین نمایان شد. آمریکا، اسرائیل و برخی از احزاب مسیحی لبنان از جمله حزب کتائب (فالانژ) به رهبری پیر جمیل برای زمینه سازی این حمله همدست شده بودند. البته حزب کتائب برای دستیابی به قدرت مطلقه در لبنان و سرکوب احزاب ملی و چپ‌گرای لبنانی و گزینش راهکار مستقلاً به دور از هویت عربی کشور لبنان، اسرائیلی‌ها را برای این حمله تشویق کرد. احزاب غرب زده مسیحی همچنین به واشنگتن و تل آویو قول مساعد دادند چنانچه قدرت کشورشان را به دست گیرند، با اسرائیل توافقنامه صلح منعقد می کنند که این وعده در اولین سال اشغال لبنان و در پی انتخاب بشیر جمیل به ریاست جمهوری تحقق یافت. به هر حال طرح حمله نظامی به وسیله مناخیم بگین نخست وزیر، آریل شارون و زیر جنگ و نظارت رافائیل ایتان رئیس ستاد مشترک و عمیر دروری فرمانده منطقه شمالی ارتش تهیه و به اجرا درآمد. غافل از این که شن‌های روان لبنان بر خلاف پیش بینی‌ها و توطئه‌های آنان حرکت می کند که امروزه پیامدهای آن را شاهد هستیم

رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین که آگاه بودند عملیات «سلامت الجلیل» برای سرکوب آنان و پایان دادن به مبارزات ملت فلسطین در حال شکل گیری است، هیچ اقدامی برای مقاومت در برابر تجاوز دشمن حتی ایستادگی کوتاه مدت از خود نشان نداده و با ورود اولین خودروی زرهی اسرائیل به جنوب لبنان، مردم جنوب را به حال خودشان رها کرده و فرار به سوی بیروت را ترجیح دادند. در آن شرایط پیچیده و سخت، شیعیان جنوب لبنان و بیروت با اجرای عملیات حماسی و مقاومت قهرمانانه زمام امور را به دست گرفتند و در پیشروی اشغالگران به عمق خاک کشورشان خلل به وجود آوردند. تاریخ معاصر هیچ گاه حماسه مدرسه الزهراء (س) در منطقه خلد در جنوب بیروت و حماسه شهید بزرگوار احمد قصیر را فراموش نخواهد کرد.

ژنرال افرایم سنیه معاون وقت وزیر جنگ اسرائیل در خصوص چگونگی شکل گیری عملیات ضد صهیونیستی مردم لبنان در یک اظهار نظر منطقی گفته است: «وقتی ارتش اسرائیل در سال ۱۹۸۲ وارد لبنان شد، دیری نپایید که روند شکل گیری فعالیت های ایران را در مرز شمالی اسرائیل حس کردم. به مسئولان هشدار دادم تا دیر نشده برای سرکوب این گونه فعالیت ها در مراحل نخست آن چاره اندیشی کنند تا در آینده نزدیک با بحران بزرگی مواجه نشویم. ولی این تحول بر خلاف اراده ما رخ داده است. در گفت و گویی که با یارون زکای یکی از مسئولان سازمان جاسوسی خارجی اسرائیل (موساد) در جنوب لبنان داشتم، احساس کردم که او نیز با من هم عقیده است. زکای از آماده شدن شیعیان جنوب لبنان از سال ۱۹۸۲ برای مقابله با ارتش اسرائیل به خوبی

آگاه بود و این آمادگی به طرز وحشتناکی پیش رفت و سرانجام به پایه گذاری سازمانی به نام حزب الله منجر شد. روزی که انفجار مقرر فرماندار نظامی اسرائیل در شهر صور رخ داد من برای ایراد شهادت درباره کشتار اردوگاه صبرا و شاتیل در کمیته حقیقت یاب کاهان بودم. قاضی به من گفت: سرهنگ فعلا به اتاق بغلی برو و به تلفن پاسخ بده. پشت تلفن به من گفتند که مقرر فرماندهی ما در صور فروریخته است. من بیدرنگ با بالگرد از پایتخت به صور

**ژنرال افرایم سنیه: وقتی ارتش اسرائیل در سال ۱۹۸۲ وارد لبنان شد، دیری نپایید که روند شکل گیری فعالیت های ایران را در مرز شمالی اسرائیل حس کردم. به مسئولان هشدار دادم تا دیر نشده برای سرکوب این گونه فعالیت ها در مراحل نخست آن چاره اندیشی کنند تا در آینده نزدیک با بحران بزرگی مواجه نشویم**

رفتیم. فاجعه دلخراش را از آسمان دیدم. ارتش اسرائیل بسیاری از افسران و نظامیان خود را از دست داده بود».

در حقیقت در ماه های اول جنگ حدود ۳۰ هزار نظامی اسرائیلی در جنوب و حدود ۶۰ هزار

نظامی دیگر در سایر بخش های لبنان مستقر شده بودند و شهید احمد قصیر به خوبی آگاه بود که برای آغاز مبارزه با شمار زیادی از نیروهای اشغالگر در جنوب، عملیات پراکنده چریکی کفایت نمی کند و عملیاتی کیفی و بزرگ می طلبد که ارتش متجاوز را تکان دهد. او با همفکری و همکاری شهیدان عماد مغنیه و رضا حریری نقشه انهدام مقرر فرماندار نظامی ارتش اسرائیل در صور را کشیدند و آن را در روز ۱۱ نوامبر سال ۱۹۸۲ به مورد اجرا گذاشتند. احمد قصیر در آن روز بلایی بر سر اسرائیلی ها وارد آورد که هرگز آن را فراموش نخواهد کرد.

ژنرال گیورا آیلند رئیس سابق شورای امنیت ملی اسرائیل در پاسخ به این پرسش که عملیات انهدام مقرر فرماندار نظامی در صور تا چه اندازه شما را غافلگیر کرد گفت: «زمانی که در جنگ نا برابر در مقابل سازمانی قرار دارید که جنگ چریکی مؤثر انجام می دهد، شک نکنید که نقاط ضعف شما را جستجو خواهد کرد. در این صورت نتیجه همان اتفاقی می افتد که در صور رخ داد. در این صورت باید اوضاع خطرناک را با دقت کنترل می کردند تا از وقوع آن چه که اتفاق افتاد جلوگیری به عمل آید. در آن زمان فرماندهی گردانی از نیروهای داوطلب افتخاری در صور را به عهده داشتم و در مکانی نزدیک ساختمان ویران شده سرگردان بودم. همه چیز فروپاشیده شده بود. گویی که ساختمان از مقوا ساخته شده بود. از ساختمانی هشت طبقه صحبت می کنم که ارتفاع آن ۲۲ متر بود. زمانی که فروریخت با چشم دیدم که به تپه های ۹ متری تبدیل شده است. ساختمان در لحظه ای که فرو ریخت سقف ها روی هم انباشه شدند».

گیورا آیلند که در زمان حمله به لبنان فرماندهی یکی از یگان های زرهی ارتش را به عهده داشت در پاسخ به پرسشی که آیا عملیات انهدام مقرر فرماندار نظامی اسرائیل در صور به نظر شما سرآغاز دوره ای چالش های جدید برای اسرائیل در لبنان بود، گفت: «آری، این حمله درک و فهم جدیدی برای اسرائیل در برخورد با مسائل خاورمیانه به وجود آورد. شک ندارم که این حادثه اسرائیل را به شدت تکان داد. در عین حال آمریکایی ها و فرانسوی ها نیز در بیروت مورد حمله قرار گرفتند. این حمله دشواری شدیدی برای جنگ نابرابر به وجود آورد. چرا که با دشمنی بسیار متفاوت و تازه شکل گرفته که از حمایت گسترده اهالی جنوب برخوردار است مواجه شدیم. اطلاعاتی که از وضع موجود در جنوب لبنان در اختیار داشتیم برای این که در آینده با دشمن جدیدی رو به رو می شویم کفایت نمی کرد».

ژنرال آیلند افزود: «جنگ نخست لبنان، الگوی



آریل شارون روند عملیات حمله به لبنان را برای نمایندگان مجلس رژیم صهیونیستی شرح می دهد



اجرای عملیات انتحاری با خودروی انباشته شده از مواد منفجره روش جدیدی بود که نتوانستیم آن را شناسایی و در آینده با آن مقابله کنیم. راننده خودرو به راحتی توانست از موانع و نقطه بازرسی بگذرد، و در داخل ساختمان هشت طبقه خود را منفجر کند. گمان کنم حملات بعدی دیگری که مراکز و پایگاه‌های ارتش اسرائیل در لبنان را هدف قرار داد به وسیله عماد مغنیه طراحی و هدایت شده بود. لازم می‌دانم بگویم که عملیات تروریستی خطرناکترین تهدیدی است که اسرائیل با آن مواجه است».

آرییل شارون وزیر جنگ وقت اسرائیل و مسئول اصلی حمله به لبنان روز ۱۶ سپتامبر سال ۱۹۸۲ بر روی مکان بلندی مشرف به اردوگاه صبرا و شتیلا (نقل شده بر بام سفارت کویت) ایستاد و کشتار بیرحمانه ساکنان غیرنظامی و بیگناه اردوگاه

رژیم صهیونیستی در پاسخ به این پرسش که در زمان عملیات احمد قصیر کجا بودید؟ گفت: «افسر بخش عملیات نیروی زرهی ارتش بودم که به ستاد نیروهای عملیاتی تغییر نام داد. وقتی این خبر را دریافت کردم، شوکه و آشفته شدم. این عملیات ضربه شکننده و زخم بسیار بزرگی به اسرائیل وارد کرد. چرا که از نظر اسرائیلی‌ها حمله‌ای وحشتناک و رسوایی بزرگی بود. چون این عملیات شمار بسیار زیادی کشته و زخمی برجای گذاشت. از آن روز به بعد حملات تروریستی عاملان انتحاری شروع شد و در سال‌های طولانی ادامه یافت. این لبنانی‌ها بودند که عملیات انتحاری را در خاورمیانه پایه‌گذاری کردند. در دوران استقرار در جنوب لبنان همیشه با چنین تهدیداتی مواجه بودیم. در جاده‌ها بمب کار می‌گذاشته و عملیات تروریستی و تیراندازی و

اسرائیلی از جنگ ویتنام بود. زمانی که شما می‌خواهید به جنگ بروید ابتدا باید سناریوی آن را تهیه کنید. یعنی سناریوی ساده برای خود می‌نویسید. در حالی که شما در جایگاه قدرت قرار دارید. اما بعد مشخص می‌شود که اشتباه کردید و قدرتمند نیستید. در این صورت باید پرسید که آیا ارتش اسرائیل پس از فاجعه صور باید در لبنان باقی می‌ماند یا از لبنان خارج می‌شد؟ چگونه از لبنان بدون این که بهای سنگینی برای عملیات عقب نشینی نپردازیم خارج بشویم؟».

رئیس سابق شورای امنیت ملی اسرائیل در بیان خاطرات خود از نشانه‌های ضعف دولت مرکزی لبنان و سایر دولت‌های عرب در آن دوره افزود: «در دوران کودکی گاهی پدرم که فرمانده لشکر یکم مستقر در مرز لبنان بود تعریف می‌کرد

**ژنرال گیورا آیلند: عملیات انهدام مقرر فرماندار نظامی اسرائیل درک و فهم جدیدی برای اسرائیل در برخورد با مسائل خاورمیانه به وجود آورد. شک ندارم که این حادثه اسرائیل را دشواری شدیدی برای جنگ نابرابر به وجود آورد. در عین حال آمریکایی‌ها و فرانسوی‌ها نیز در بیروت مورد حمله قرار گرفتند**



حضور پدر و مادر شهید احمد قصیر در مکان ساختمان منهدم شده فرماندار نظامی اسرائیل

را نظارت کرد. شاید کمتر از دو ماه نگذشت که نامبرده این بار بر تلی از خاک ایستاد تا اجساد متجاوزان دفن شده زیر آوار ساختمان آقای عزمی در محله جل البحر در شهر صور را نظارت کند. شارون این بار بر ویرانه ساختمانی ایستاد که چند ساعت پیش مقرر فرماندار نظامی اسرائیل در جنوب لبنان نامیده می‌شد. وزیر جنگ رژیم صهیونیستی عصر روز حادثه دو بار پیاپی از مکان عملیات شهید احمد قصیر بازدید به عمل آورد و میزان تلفات و حجم فاجعه‌ای را که بر سر نیروهایش در لبنان آمده بود ارزیابی کرد. در آن لحظه فهمید که با دشمنی قدرتمند و سرسخت رو به روست که می‌تواند مقاومت کند و انتقام بگیرد. شارون در این بازدید مغرورانه از هرگونه اظهار نظر خودداری کرد و خشم و اندوه خود را بلعید. اوری میلیشتاین نویسنده و تحلیلگر مطبوعات

خودروهای بمب‌گذاری شده انجام می‌دادند. به روشنی دیدید که یک ساختمان را به طور کامل ویران و سربازان ما را زیر آوار دفن کردند. لذا برای رهایی از آن‌ها ناچار شدیم خیلی سریع از لبنان خارج شویم».

دانی یاتوم که در دوران تصدی ریاست سازمان موساد همیشه در تعقیب و جست و جوی شهید عماد مغنیه بود دیدگاهش را درباره ایشان چنین بیان کرده است: «عماد مغنیه مرد زیرک و با هوش بود. سرویس‌های امنیتی اسرائیل اطلاعات اندکی درباره عماد داشتند. با وجودی که عملیات سنگین و مرگباری علیه اسرائیلی‌ها در لبنان به وقوع پیوست. اما نتوانستیم سرنخی از او پیدا کنیم. انهدام مقرر فرماندار نظامی ارتش اسرائیل در صورت هم یکی از آن عملیات بسیار سنگین بود که اسرائیلی‌ها تلفات زیادی در آن دادند.

که لبنان برای ارتش اسرائیل عددی نیست. فرماندهان ارتش در آن برهه با یکدیگر شوخی می‌کردند و می‌گفتند که اگر همسایگان عرب مان بخواهند مانند سال ۱۹۴۸ دوباره علیه ما بجنگند چه کار باید بکنیم؟ یکی گفت با ارتش اردن با تانک می‌جنگیم. با کشور مصر با هواپیماهای جنگنده می‌جنگیم. با ارتش سوریه با نیروهای تفنگدار و کماندو می‌جنگیم. کسی از فرماندهان ارتش گفت که برای جنگ با لبنان گروه موسیقی ارتش را می‌فرستیم. چون لبنانی‌ها از جنگ بیزارند و در درجه دوم نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد در مرز جنوب لبنان مستقر هستند. انگار اکنون شرایط با گذشته بکلی تغییر کرده است».

ژنرال دانی یاتوم رئیس اسبق سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) و یکی از افسران بلند پایه ارتش

کمیته حقیقت یاب تشکیل شد و به بررسی حادثه اقدام کرد. ولی متأسفانه مسئولین کوشیدند فاجعه شهر صور از ذهن و حافظه مردم پاک شود. اکنون که حدود دو ماه از این حادثه گذشته است برخی از نجات یافتگان احساس می‌کنند که فراموش شده‌اند. من معتقدم که طرح‌ها، اهداف و بهانه‌های حمله نظامی به لبنان در سال ۱۹۸۲ یک فریب بزرگ بود. در آن زمان آرییل شارون میان ارتش و دولت نقش هماهنگ کننده داشت. وقتی مناخیم بیگین نخست وزیر، شارون وزیر جنگ و رافائیل ایتان رئیس ستاد مشترک، جنگ افروز بودند و اصرار داشتند به لبنان حمله شود، طرح حمله را به دور از آگاهی سایر اعضای کابینه تدارک دیدند و اهداف اصلی را نیز از دید مردم پنهان کردند».

در حقیقت شاهکار ماندگار شهید احمد قصیر

طراحی و مدیریت کرده است. ولی مقام‌های اسرائیل به دروغ پراکنی و فریب افکار عمومی روی آوردند. چون نمی‌توانستند مردم خود را در جریان جزئیات آنچه رخ داده است قرار دهند. با وجودی که خبر انهدام ساختمان مقرر فرماندار نظامی را پس از گذشت ۱۴ ساعت از وقوع آن همانند یک خبر عادی اعلام کردند، اما به این هم اکتفا نکردند و گفتند که سقوط ساختمان به علت انفجار کپسول گاز بوده است».

یکی از افسران صهیونیست بازمانده عملیات شهید احمد قصیر خاطرات خود را این‌گونه بازگو کرده است: «وقتی امدادگران در جست و جوی اجساد مقتولین و مجروحین از زیر آوارها بودند نمی‌دانستم چه اتفاقی افتاده است. بلدوزری که در اطرافم آوار برداری می‌کرد به دیوار یا سقفی رسید که زیر آن مانده بودم. وقتی مأموران تلاش

تل آویو اولین کسی بود که وقایع پنهان کردن اطلاعات مربوط به جزئیات عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر توسط مقام‌های جنگ افروز اسرائیل را فاش کرد. میلیشتاین در این باره چنین اظهار نظر کرده است: «ژنرال رافائیل ایتان رئیس وقت ستاد مشترک ارتش و مسئول اسبق سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) که یکی از طراحان حمله نظامی به لبنان بود، اصرار می‌کرد جزئیات انهدام مقرر فرماندار نظامی در شهر صور پنهان بماند تا به روحیه نظامیان ارتش لطمه وارد نکند. کارشناسان در محل انفجار به تکه‌های خودرو پژو سفید رنگی که پلاک لبنانی داشت دسترسی پیدا کردند. نگاه کنید... در آن ساختمان نمایندگان سرویس‌های امنیتی و نظامی موساد و شاپاک و طرف‌های مختلفی مستقر بودند و وظیفه داشتند از ورود خودرو بمب‌گذاری شده



**اوری میلیشتاین تأکید کرده است:  
آنچه در شهر صور رخ داد موفقیت  
بزرگی برای دشمنان اسرائیل بود.  
این عملیات نشان داد که سازمان  
تازه تأسیس حزب الله می‌تواند در  
آینده کارهای بزرگتری انجام دهد.  
آن‌ها که این کار را انجام دادند ثابت  
کردند که می‌توانند بار دوم و سوم و  
چهارم هم انجام دهند**

اختلال بزرگی در هوشیاری و آگاهی سران نظامی و سیاسی به خصوص شهروندان رژیم صهیونیستی به وجود آورد. این عملیات و سایر عملیات‌های بعدی که به آزاد سازی جنوب لبنان منجر شد، نشان داد که این رژیم از نظر اطلاعاتی بسیار ضعیف است و شاید تنها با هیاهو کاری را از پیش می‌برد. سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله خیلی زیبا توصیف کرده که «اسرائیل سستر از خانه عنکبوت است». ایشان در بحث دیگری سران کیان غاصب را احمق و کودن یاد کرده است. چون آن‌ها شیعیان لبنان به خصوص مکتب مقاومتی را که شهیدان عماد مغنیه و احمد قصیر و دیگران به وجود آوردند نشناختند. این مکتب حدود ۳۶ سال است که اندیشه نظامی و اطلاعاتی اسرائیل را به چالش کشیده است. ■

کردند آن دیوار را برداند، نزدیک بود بر سرم فرود بیایید. با خود گفتم که کارم تمام است و وقت جان کندم رسیده است. ولی در آن لحظه با تمام توان فریاد زدم و تقاضای کمک کردم. ناگهان بولدوزر از کار ایستاد و من صدای مأموری را شنیدم که می‌گفت یک زخمی زیر آوار است؟ قدرت تشخیص نداشتم و نمی‌فهمیدم چه اتفاقی افتاده است. گفتم اگر صدای مرا می‌شنوند و می‌گویند جسدی اونجاست؟ چرا برای نجاتم به سراغم نمی‌آیند؟ دو باره چند بار فریاد زدم تا این‌که مأموران آمدند و مرا نجات دادند».

افسر نجات یافته افزود: «به یاد دارم که پس از یک ماه بستری و درمان در بیمارستان حالم بهبود یافت و به خانه بازگشتم. حدود ۲۴ ساعت زیر آوار مانده بودم. چون مأموران امداد و نجات خیلی دیر به محل حادثه رسیدند. در آن برهه

بیگانه جلوگیری کنند. اگر آن‌ها خوب بازرسی می‌کردند، می‌توانستند از بروز فاجعه جلوگیری کنند. با این وصف بر اثر تحقیقاتی که انجام دادم به این نتیجه رسیدم که به نفع مسئولان بود که جزئیات این حادثه را پنهان نگه دارند. من به هویت مجری عملیات کاری ندارم. برای من مهم است که بدانم چرا مسئولین تلاش کردند جزئیات حمله را پنهان کنند و بگویند که ساختمان بر اثر انفجار کپسول‌های گاز فرو ریخته است. این روایتی جعلی است».

میلیشتاین تأکید کرده است: «آنچه در شهر صور رخ داد موفقیت بزرگی برای دشمنان اسرائیل بود. این عملیات نشان داد که سازمان تازه تأسیس حزب الله می‌تواند در آینده کارهای بزرگتری انجام دهد. آن‌ها که این کار را انجام دادند ثابت کردند که می‌توانند بار دوم و سوم و چهارم هم انجام دهند. از همان لحظه شارون نخست وزیر به روشنی درک کرد سازمانی که این عملیات را طراحی، آماده و مدیریت کرده یک سازمان عادی نبوده است. سران اسرائیل به مرور زمان به این نتیجه رسیدند که این عملیات را عماد مغنیه



حزب الله معادله قدرت با رژیم صهیونیستی را دگرگون کرد

## نصر الله و راهبرد خردمندانه بازدارندگی دشمن

درآمد

دست آوردها و پیروزی‌های مقاومت اسلامی لبنان از زمان تأسیس آن در سال ۱۹۸۲ در برابر کیان غاصب تا کنون قابل شمارش نیستند. این دست آوردها تنها به آزاد سازی لبنان محدود نماند و گروه کوچکی از رزمندگان مقاومت با ایثار و فداکاری و ایمان به قدرت الهی و پیروی از رهنمودهای سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله، تاریخ جدید منطقه را رقم زدند و تاریخ ساز شدند و اکنون در تلاشند آینده ساز باشند و از آینده درخشان و هویت خود پاسداری کنند. شکی نیست که پاسداری از دست آوردها مهمترین عامل برای بیمه کردن آزادی سرزمین است که با خون هزاران شهید به دست آمده است. در حقیقت حفظ پیروزی و آزادی و استقلال لبنان در برابر دشمن جنایتکاری همچون اسرائیل که در دریای متلاطم جهان عرب بیسابقه بوده، بسیار سخت و دشوار است و آمادگی و هوشیاری فوق العاده می‌طلبد. با این وصف دبیر کل حزب الله با شناختی که از دشمن دارد، می‌داند با چه زبانی با او سخن بگوید تا برای همیشه از فکر تجاوز مجدد به لبنان باز بماند. البته توانمندی تسلیحاتی مقاومت نقش تعیین کننده در این بازدارندگی دارد.

■ تظاهرات مردمی در بیروت در پشتیبانی از انقلاب اسلامی. دبیرکل حزب الله در پیشاپیش تظاهرکنندگان حضور دارد.



دبیر کل حزب الله، شیخ راغب حرب و تعداد زیادی از کادرهای فرماندهی عملیاتی و نیز ادامه بمباران وحشتناک روستاهای جنوب با هدف دامن زدن به نارضایتی عمومی علیه حزب الله بخشی از آن ابزارها بود. ولی اصرار صهیونیست‌ها به ماندن در نوار اشغالی جنوب لبنان، بار سنگینی بر دوش شهروندان اسرائیل ایجاد کرده بود که تعداد زیادی هر هفته برای خروج از لبنان و پایان دادن به روند فرسایش جوانان‌شان تظاهرات می‌کردند. در عین حال حملات موشکی مقاومت اسلامی به شهرک‌های صهیونیست نشین در پاسخ به اقدامات تجاوزگرانه دشمن، نوار امنیتی جنوب لبنان را به عامل نابسامانی و آشفتگی امنیتی شهرک‌های نزدیک مرز لبنان تبدیل کرده بود. در حقیقت این معادله نظامی مقاومت اسلامی باعث شد ایهود باراک نخست وزیر وقت کیان غاصب در روز ۲۵ ماه مه سال ۲۰۰۰ دستور عقب نشینی بدون قید و شرط از لبنان را صادر کند.

لذا سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله با شناختی که از ماهیت دشمن دارد و جنگ تحمیلی و قطعی اسرائیل در سال ۲۰۰۶ علیه لبنان را پیش‌بینی کرده بود، کار آماده سازی نیروهای مقاومت اسلامی و تهیه انواع سلاح‌های موشکی برای مقاومت را آغاز کرد. تحولات شتابان منطقه از قبیل اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ و خروج ارتش سوریه از لبنان در سال ۲۰۰۵ شرایط تجاوز مجدد اسرائیل به لبنان را در سال ۲۰۰۶ فراهم کرد. با وجودی که پیروزی مجدد حزب الله و شکست قطعی ارتش اسرائیل در آن جنگ آشکار بود و مقاومت توانست الگوی خود را به سایر ملت‌های عرب منطقه که «خانه رژیم صهیونیستی سستر از خانه عنکبوت است» نشان دهد، اما باز به آماده سازی و حفظ دست‌آورد های گذشته ادامه داد.

دبیر کل حزب الله پس از جنگ ۳۳ روزه ژوئیه، با آگاهی کامل از این‌که هدف توطئه‌های آمریکا و اسرائیل و دولت‌های عرب مرتجع خلیج فارس از دامن زدن به بحران کنونی سوریه نابودی حزب الله لبنان است، ناگزیر پا به عرصه رویارویی مستقیم با گروه‌های تروریستی تکفیری در آن کشور نهاد. این آزمون به

دانشجویان مسلمان لبنان، کمیته‌های اسلامی جوانان و تجمع علمای مسلمین و نیز تعدادی از گروه‌های سیاسی که با برخی از شخصیت‌های مبارز ایرانی مقیم لبنان ارتباط داشتند، با انقلاب اعلام همبستگی کرده و کمیته پشتیبانی از انقلاب اسلامی تشکیل دادند.

با این وصف می‌توان گفت که پس از یورش ارتش اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، پتانسیل جوانان مذهبی شیعه برای رویارویی با تجاوز و اشغالگری از قبل به صورت پراکنده و نامنسجم آماده شده بود. در همان سال اختلافاتی در کادر رهبری جنبش امل بر سر مشارکت در کمیته نجات ملی به دعوت الیاس سرکیس رئیس جمهوری بروز کرد و تعدادی از کادرهای ارشد به رهبری سید حسین موسوی معروف به ابو هشام از جنبش منشعب شدند و جنبش امل اسلامی را تشکیل دادند. آنگاه سه تن از مسئولان این جنبش، سه تن از مسئولان کمیته‌های اسلامی و سه تن از تجمع علمای مسلمین هیئت ۹ نفره تشکیل دادند و به منظور یافتن راه‌های یکپارچگی و منسجم کردن راهکار مبارزه نظامی و سیاسی با تجاوز دشمن به تهران آمدند. اعضای این هیئت در دیدار با امام خمینی (ره) ضمن تعهد به رهنمودهای ایشان، آمادگی خود را برای بنیانگذاری تشکیلات نوین که چند سال بعد «حزب الله» نامیده شد اعلام کردند. با ورود نیروهای سپاه پاسداران به شرق لبنان، کار آموزش و سازماندهی جوانان داوطلب عضویت در تشکیلات تازه تأسیس مقاومت آغاز و نخستین مرحله از عملیات مسلحانه در مناطق تحت اشغال شروع شد که عملیات شهادت طلبانه شهید زنده یاد احمد قصیر در روز ۱۱ نوامبر همان سال در شهر صور از برجسته‌ترین آن‌ها بود که در نتیجه آن به عقب نشینی تدریجی ارتش اسرائیل از اغلب مناطق لبنان در سال ۱۹۸۵ منجر گردید.

رژیم صهیونیستی پس از عقب نشینی از بخش اعظم خاک لبنان به استثنای نوار امنیتی مرزی آرام ننشست و از همه نوع ابزارهای تروریستی و نظامی برای ضربه زدن به حزب الله استفاده کرد. به شهادت رساندن رهبران حزب الله از جمله سید عباس موسوی دومین

در روز ششم ژوئن سال ۱۹۸۲ که تجاوز وحشیانه و بیرحمانه ارتش اسرائیل به لبنان آغاز گردید، نشانه‌های سردرگمی، نومیدی و تسلیم شدن در برابر میهمان ناخوانده، لبنان و جهان عرب را فرا گرفت. سازمان آزادی بخش فلسطین که در آن مرحله به صورت غیر رسمی بر نیمی از لبنان حکومت می‌کرد، بیدرنگ از میدان کارزار گریخت و سلاح‌های آن زیر زنجیر تانک‌های نیروهای مهاجم که برای اشغال دومین پایتخت عربی در حال پیشروی بودند تار و مار شد. در آن شرایط اعراب در حال ترسیم دورنمای سیاست آینده موجودیت خود بر وفق تحولات جدید اشغال لبنان بودند. در آن روز آرییل شارون وزیر جنگ رژیم صهیونیستی هنگام گذر از شهرها و روستاهای جنوب لبنان به سمت بیروت عریضه سر می‌داد و برای سایر دولت‌های عرب همسایه خط و نشان می‌کشید. آنان را تهدید می‌کرد که سرتاسر خاورمیانه را زیر سلطه تل آویو و واشنگتن در خواهد آورد. اما شارون غافل از این بود که با اشغال لبنان، مرحله‌ای جدیدی را پایه گذاری کرد که با برجیده شدن بساط ظلم و اشغالگری در منطقه پایان خواهد یافت.

در جامعه شیعیان لبنان از سال‌ها پیش از تجاوز رژیم صهیونیستی، تعدادی از علمای دین و شخصیت‌های مبارز تحصیل کرده حوزه‌های علمیه قم و نجف اشرف مانند امام سید موسی صدر، سید محمد حسین فضل الله و شهید شیخ راغب و دیگران وجود داشتند، که تحت تأثیر دیدگاه‌های امام روح الله خمینی (ره) و شهید آیت الله سید محمد باقر صدر قرار گرفته بودند. این آقایان با تأسیس هیئت و انجمن اسلامی، در مساجد و حسینیه‌های شهرها و روستاهای بیروت و جنوب، فرهنگ و آگاهی دینی را میان جوانان شیعه گسترش دادند. یکی از این فعالیت‌ها پایه‌گذاری مجلس اعلای شیعیان لبنان و جنبش امل به وسیله امام موسی صدر بود که جوانان را به حمل اسلحه و مبارزه با دشمن صهیونیستی تشویق می‌کرد. ولی مهمترین برجسته‌ترین عاملی که محافل و جوانان شیعی لبنان را دگرگون کرد، پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ بود. در پی پیروزی انقلاب، اتحادیه

**مهمترین عاملی که محافل و جوانان شیعی لبنان را دگرگون کرد، پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود. در پی پیروزی انقلاب، اتحادیه دانشجویان مسلمان لبنان، کمیته‌های اسلامی جوانان، تجمع علمای مسلمین و تعدادی از گروه‌های سیاسی با انقلاب اعلام همبستگی کرده و کمیته پشتیبانی از انقلاب اسلامی تشکیل دادند**

سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله باشناختی که از ماهیت دشمن دارد و جنگ تحمیلی و قطعی اسرائیل در سال ۲۰۰۶ علیه لبنان را پیش‌بینی کرده بود، کار آماده سازی نیروهای مقاومت اسلامی و تهیه انواع سلاح‌های موشکی برای مقاومت را آغاز کرد

ارشد مقاومت به وسیله عوامل موساد و همکاری برخی از سرویس‌های جاسوسی دولت‌های عربی و غربی در محله کفرسوسه دمشق ترور شد. نصر الله طی سخنانی برای انبوه سوگواران تشییع کننده شهید مغنیه اعلام کرد: «این اقدام تروریستی مرحله سقوط کیان غاصب را هموار کرد. اگر خون شهید شیخ راغب حرب صهیونیست‌ها را از اغلب خاک لبنان بیرون کرد... اگر خون سید عباس موسوی آنان را از نوار مرزی به استثنای کشتزارهای شبعا بیرون کرد... خون عماد مغنیه آنان را از هستی بیرون خواهد کرد. چون عماد مغنیه هزاران رزمنده آماده کرده است. پیش از این درباره کارایی قدرت موشکی مقاومت سخن گفته‌ام. ولی امروز که دشمن حاج عماد مغنیه را شهید کرد، به او می‌گویم خوب گوش کن! در جنگ آینده ده‌ها هزار عماد مغنیه آموزش دیده، مجهز و آماده شهادت منتظر شماست. مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۹ از ارسال سلاح‌های برهم زننده موازنه قدرت برای حزب الله از طریق سوریه خبر دادند و تهدید کردند اگر چنین سلاح‌هایی در اختیار حزب الله قرار گیرد، جنگ شکننده‌ای را دوباره بر لبنان تحمیل

که پشت سر او ایستاده‌اند قابل تصور نباشد». اما وقتی جنگ و تجاوز اسرائیل شروع شد و مناطق مسکونی و غیر نظامی لبنان هدف بمباران هواپیماهای دشمن قرار گرفتند، دبیر کل حزب الله طی پیام رادیویی پاسخ دندان شکنی به دشمن داد. ایشان گفت: «امروز نمی‌گویم اگر به بیروت و منطقه ضاحیه حمله کردید، ما هم به حیفا حمله می‌کنیم. خیر اگر می‌خواهید این معادله ساقط شود، به درک که ساقط شود. شما جنگ باز و نامحدود خواستید و ما هم در مسیر جنگ در ابعاد گوناگون گام برداشته‌ایم. باور کنید در این جنگ آن سوی حیفا (منظور تل آویو) را هم هدف قرار خواهیم داد».

در همان پیام وقتی آقای نصر الله خبر انهدام ناوچه اسرائیلی به وسیله موشک زمین به دریا در آب‌های ساحلی لبنان را اعلام کرد، انگار نیروی دریایی دشمن از کار افتاد و از معادله جنگ بکلی خارج شد. اما هنگامی که دشمن برای اعزام نیروهای پیاده به جنوب لبنان نغمه سرایی کرد، باز آقای نصر الله چنین پاسخ داد: «امکان ندارد که دشمن بار دگر وارد سرزمین جنوب عزیزمان شود. اگر صهیونیست‌های متجاوز وارد جنوب شدند، آن را به گورستانی برای آنان تبدیل می‌کنیم. شما تاکنون مقداری از شجاعت و قاطعیت ما را آزموده‌اید. پس با عملیات گسترده زمینی خوش آمدید! در آن روز است که شجاعت و قاطعیت کامل ما را خواهید دید».

سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله در سال ۲۰۰۷ در پاسخ به تهدیدات فزاینده مسئولان کیان غاصب به بهانه تلاش نیروهای مقاومت برای بازسازی زرادخانه موشکی و تسلیحاتی در مراسمی که به مناسبت روز شهید برگزار گردید گفت: «مقاومت لبنان نه تنها برای دفاع آماده می‌شود، بلکه برای سازندگی پیروزی تاریخی که چهره منطقه را دگرگون خواهد کرد، لحظه شماری می‌کند». در سال ۲۰۰۸ در روند رویارویی میان مقاومت و اسرائیل، شهید عماد مغنیه فرمانده نظامی

جای این‌که حزب الله را فرسایش و تضعیف کند، نتایج معکوس و غیر قابل پیش‌بینی برای دشمن دیرینه حزب الله داشت و به تقویت روز افزون قدرت بازدارندگی راهبردی مقاومت اسلامی در زمینه‌های گوناگون کمک کرد. چنانچه به اعتراف دشمن که اذعان کرده حزب الله در جنگ آینده در صدد است به منطقه الجلیل در شمال فلسطین نفوذ کند و این رژیم کار برنامه‌ریزی و تهیه سناریوهای عملی برای جلوگیری از رخنه رزمندگان مقاومت را شروع کرده استناد کنیم، می‌توانیم بگویم که این یک اعتراف واقعی و قطعی است که حزب الله عملاً به قدرتی دست یافته که ارتش تا دندان مسلح اسرائیل توان ایستادگی در مقابل آن را ندارد. همانگونه که امکان خروج بدون قید و شرط اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ از نظر برخی از افراد نا آگاه یک فرضیه خیال‌بافانه بود، پیروزی حزب الله در جنگ آینده با رژیم صهیونیستی از نظر اقشار وسیعی از ملت‌های مسلمان جهان به یاری خداوند متعال یک امر قطعی و اجتناب ناپذیر خواهد بود.

بعد از شکست‌های پی در پی ارتش‌های دولت‌های عربی در برابر ارتش رژیم صهیونیستی در جنگ‌های نیمه دوم قرن گذشته، برای هیچ کارشناس سیاسی یا تحلیلگر مسایل نظامی باور کردنی نبود که یک سید لبنانی در سال ۲۰۰۰ در شهر بنت جبیل در نزدیکی مرز جنوب لبنان با فلسطین اشغالی میان مردم شجاع و حماسه ساز خود ظاهر شود و به آنان بگوید: «این پیروزی، امت را در آستانه پیروزی‌های بعدی و اسرائیل را در آستانه شکست‌های بعدی قرار داد». سید مقاومت پس از پیروزی در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ نوید آغاز پیروزی‌های درخشان دیگری را در آینده سر داد و گفت: «دوره پیروزی‌ها شروع و دوره شکست‌ها سپری گشته است». در برابر تحولات بنیادین و شکوهمندی که در روند رویایی ملت‌های مسلمان منطقه و نقش کلیدی رهبری حزب الله در سازندگی این تحولات و پیامدهای آن بر تغییر معادله قدرت با رژیم صهیونیستی، ژنرال گادی آیزنکوت رئیس کنونی ستاد مشترک ارتش ناگزیر اعتراف کرد: «امروزه مهمترین عامل تهدید موجودیت اسرائیل حزب الله لبنان است». در حقیقت این سخن بیانگر مواضع و باورهای همه ارکان نظامی و سیاسی حاکم بر اسرائیل است که به ندرت آن را بیان و آشکار می‌کنند.

البته از سال ۲۰۰۶ تا کنون شاهد یک رشته خطابه‌ها و سخنرانی‌های آتشین دبیر کل حزب الله بودیم که بر اساس منطق و عقلانیت شکست‌های پی در پی رژیم صهیونیستی در ۳۰ سال گذشته در لبنان را به مسئولان آن رژیم گوشزد می‌کرد تا شاید سر عقل آیند و از جنگ افروزی دست بردارند. ایشان روز ۱۲ ژوئیه سال ۲۰۰۶ پس از اسیر کردن دو نظامی صهیونیست در جنوب لبنان و با شرکت در کنفرانس خبری، آمادگی مقاومت را برای دفع هرگونه تجاوزگری دشمن اعلام کرد و گفت: «اگر دشمن در صدد جنگ افروزی است، ما هم برای رویارویی آماده‌ایم، تا جایی که برای دشمن و کسانی



شهید عماد مغنیه



وارد جنگ با گروه‌های تکفیری در سوریه شدند، رژیم صهیونیستی از این فرصت سوء استفاده کرد و لحن تهدید آمیز خود را علیه حزب الله شدت بخشید. این رژیم به گمان این‌که حزب الله همه نیروهای خود را از جنوب لبنان به سوریه منتقل کرده به یابوه گویی پرداخت. ولی دبیر کل حزب الله در سخنانی در سالگرد شهدای مقاومت در بیروت آمادگی مقاومت را برای جنگیدن در میداین متعدد و آفرینش معادلات و پیروزی‌های جدید تأکید کرد. ایشان گفت: «شاید برخی گمان کرده‌اند جنگ خونینی که در سوریه جریان دارد، این کشور را از هرگونه رویارویی احتمالی با دشمن صهیونیستی خارج کرده و این بهترین فرصت برای ضربه زدن به مقاومت اسلامی لبنان است. خیر هرگز چنین نیست. مقاومت در لبنان از نظر تجهیزات و نیرو در آمادگی کامل قرار دارد، و با آرامش خاطر می‌تواند طرح‌های دشمنان را بر سرشان خراب کند». در همان سال موفقیت مجاهدین مقاومت در نبرد با گروه‌های تروریست تکفیری در منطقه القصیر سوریه در نزدیکی مرز شرقی لبنان بهترین و بزرگترین پاسخ به یابوه گویی‌های رژیم صهیونیستی بود. چون در آن مرحله آشکار شده بود که گروه‌های تکفیری از سوی اسرائیل پشتیبانی مالی، تسلیحاتی، پزشکی و درمانی می‌شوند.

محافل تبلیغاتی و اطلاع رسانی صهیونیسم در سال ۲۰۱۴ به جنگ روانی و یابوه گویی علیه مقاومت اسلامی ادامه داده و از قدرت روز افزون و دخالت نظامی حزب الله در بحران‌های منطقه ابراز نگرانی کردند. دبیر کل حزب الله در برابر جنگ روانی اسرائیلی‌ها ساکت نشست و خطاب به آنان گفت: «وظیفه دارید فرودگاه‌ها و بنادرشان را تعطیل کنید. در سرتاسر سرزمین فلسطین اشغالی مکان امنی برای شما وجود ندارد. هیچ جایی از موشک‌های مقاومت در امان نیست. باید برای هر چیزی که به ذهن‌تان می‌رسد حساب باز کنید». در روز ۱۸ ژانویه سال بعد تحول خطرناکی در روند رویایی حزب الله با دشمن روی داد.

فلسطین به پرواز درآمد. صهیونیست‌ها در آن سال خیلی خوشبین شده بودند که گروه‌های مسلح تکفیری با اشغال مناطقی در منطقه بقاع در شرق لبنان اقدام به عملیات تروریستی انتحاری در ضاحیه جنوبی بیروت کنند که پایگاه مردمی مرکزی حزب الله به شمار می‌آید، حزب الله کاملاً تضعیف شده و توان ایستادگی در مقابل اسرائیل را ندارد. لذا نیروهای مقاومت با اعزام بهیاد ایوب بار دیگر راهبرد بازدارندگی خود را مورد تأکید قرار دادند و انقلاب بزرگی در موازنه قدرت با رژیم صهیونیستی به وجود آوردند. عاموس هارنیل مفسر نظامی روزنامه هآرتس در این زمینه نوشت: «نفوذ بهیاد حزب الله در آسمان اسرائیل یادآور میزان بازدارندگی موجود میان طرفین است. این اقدام نشان داد که حزب الله هوشمندترین دشمن اسرائیل در منطقه است». به موازات به پرواز آمدن بهیاد ایوب، دبیر کل حزب الله در سخنان آتشینی به مناسبت روز جهانی قدس پیام شدید اللحنی به رهبران کیان غاصب ارسال کرد و هشدار داد: جنگیدن با لبنان بهای سنگینی در پی دارد و حمله به یکی از پایگاه‌های مقاومت زندگی صدها هزار صهیونیست را به جهنم واقعی تبدیل می‌کند». هنگامی که رزمندگان مقاومت اسلامی از سال ۲۰۱۳

**هنگامی که دشمن برای اعزام نیروهای پیاده به جنوب لبنان نغمه سرایی کرد، باز آقای نصر الله چنین پاسخ داد: امکان ندارد که دشمن بار دیگر وارد سرزمین جنوب عزیزمان شود. اگر صهیونیست‌های متجاوز وارد جنوب شدند، آن را به گورستانی برای آنان تبدیل می‌کنیم**

خواهند کرد. دبیر کل حزب الله در پاسخ به این یابوه گویی صهیونیست‌ها اعلام کرد: «در جنگ آینده حیفا و آن سوی حیفا هدف حملات مشروع ما نیستند. امکان دارد جنگ فرسنگ‌ها از آن سوی حیفا شروع شود. به باراک، اشکنازی نتانیاها و اوباما و همه سران دنیا می‌گویم لشکرهای پنجم و ششم و اگر خواسته باشید همه ارتش اسرائیل را به میدان بیاورید تا آن‌ها را در کوهستان‌ها و دشت‌های لبنان تار و مار و نابود کنیم. اگر چنین جنگی در منطقه آغاز شود، سرانجام آن یک تحول بزرگ خواهد بود» که چهره منطقه را دگرگون می‌کند. منتهی امر آقای نصر الله برای این‌که دشمن را همچنان در حالت خماری، ترس و نگرانی نگه دارد، از افشای معمای تملک موشک‌های ضد هوایی که اسرائیلی‌ها آن را برهم زنده و مختل کننده موازنه قدرت عنوان کرده بودند خودداری کرد.

صهیونیست‌ها یک سال بعد برای آزمودن میزان واکنش حزب الله به عملیات ایذایی در روستای مرزی عدیسه دست زدند که به شهادت سه تن از سربازان ارتش لبنان منجر شد. سربازان مستقر در پایگاه عدیسه به آتش نظامیان صهیونیست پاسخ دادند و تعدادی از آنان را به هلاکت رساندند. سید حسن نصر الله اجازه نداد از این حادثه به سادگی بگذرد و خطاب به دشمن گفت: «به دشمن با صراحت می‌گویم در هر جا بخواهد به ارتش لبنان یا پایگاه‌های مقاومت آسیب برساند، رزمندگان مقاومت ساکت و منضبط نخواهند بود. دستی که به سوی ارتش لبنان دراز شود، مقاومت آن را قطع می‌کند». مقام‌های رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۱ و در پرتو آشوب و هرج و مرجی که برخی از کشورهای جهان عرب را فرا گرفت و به دروغ «بهار عربی» نامیده شد، گمان کردند که این تحولات می‌تواند سرپوشی برای حمله مجدد به لبنان باشد. لذا بنی گانتس رئیس ستاد مشترک و ایهود باراک وزیر جنگ اسرائیل در بازدید از نقاط مرزی لبنان سربازان خود را به آماده باش برای ورود مجدد به لبنان فراخواندند. دبیر کل حزب الله در واکنش به یابوه گویی صهیونیست‌ها و بر خلاف پیش‌بینی و ارزیابی آن‌ها برای اولین بار مسئله امکان ورود رزمندگان مقاومت به مناطق الجلیل در شمال فلسطین را مطرح کرد و گفت: «در سالروز شهادت سید عباس موسوی و شیخ راغب حرب و حاج عماد مغنیه به مجاهدین مقاومت اسلامی می‌گویم آماده باشید تا اگر جنگی بر لبنان تحمیل شد، امکان دارد فرماندهی مقاومت از شما بخواهد منطقه الجلیل را به تصرف خود در آورد». در حقیقت این سخن یک تحول نوعی و راهبردی در تاریخ رویایی حزب الله با دشمن صهیونیستی به شمار می‌آید.

در زمانی که بحران سوریه به وسیله گروه‌های تروریست تکفیری و هابی و تعدادی از محافل دولتی غربی و عربی به شکل خطرناکی اوج گرفت و هدف اصلی آن دگرگونی معادلات جغرافیایی منطقه و ترسیم دورنمای خاورمیانه جدید به نفع رژیم صهیونیستی بود، مقاومت اسلامی لبنان در سال ۲۰۱۲ بهیاد «ایوب» را در آسمان



در این روی داد بالگرد اسرائیلی شش تن از رزمندگان مقاومت و یک سردار سپاه پاسداران را هنگام بازدید از جبهه قنیطره سوریه به شهادت رساند. ارتش رژیم صهیونیستی در پی این اقدام از ترس عملیات تلافی جویانه رزمندگان مقاومت، در محورهای بلندی های جولان و شمال فلسطین به حال آماده باش کامل درآمد و نیروهای کمکی در آن مناطق مستقر کرد. رزمندگان مقاومت یک هفته بعد با یک گروه گشتی اشغالگران در منطقه اشغالی کشتزارهای شبعاً درگیر شدند و پنج تن از آنان را به هلاکت رساندند.

سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله پس از عملیات شبعاً طی سخنان آتشین و بازدارنده خطاب به اسرائیلی ها گفت: «امکان ندارد مردم را به قتل برسانید و در خانه هایتان با امنیت و آسایش بخواهید. وقتی عملیات شبعاً را به مورد اجرا گذاشتیم، خود را برای بدترین احتمال ها آماده کرده بودیم. کسی که اکنون به سوی شما آتش می گشاید، آماده است فراتر از آنچه کسی در این جهان تصور آن را ندارد، پیش برود. عملیات شبعاً یک اقدام بازدارنده بود تا یک اسرائیلی این مسئله را خوب درک کند و هیچ وقت تصور نکند که مقاومت مرعوب شده است. امیدوارم دشمن این نکته را هم با دقت درک کند و گمان نبرد که مقاومت به چیزی به نام اصول درگیری اهمیت قابل است. ما چیزی را به نام رعایت اصول درگیری به رسمیت نمی شناسیم. همچنین جدا سازی جبهه ها و میادین رزم را قبول نداریم». گویا پس از این سخنان بود که اصطلاح «پیوند جبهه ها» میان برخی از کشورها و جنبش های عضو محور مقاومت به منظور آماده سازی و مقابله با جنگ افروزی دشمن رواج پیدا کرد.

در سال ۲۰۱۶ جنگ و رویارویی با گروه های تکفیری و پشیمانان آن ها از قبیل آمریکا، فرانسه، عربستان سعودی، قطر، ترکیه و رژیم صهیونیستی به نفع محور مقاومت پیش رفت و طیف های مدافع حرم مانند حزب الله، سپاه پاسداران، گروه فاطمیون، گروه علویون و نیروهای مردمی سوریه نقش برجسته ای در آزاد سازی سرزمین های و سیمعی از چنگ گروه های داعش و جبهه النصرة در خاک سوریه را ایفا کردند. حزب الله در همان سال با برگزاری رزمایش عظیمی با انواع

**سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله پس از عملیات شبعاً طی سخنان آتشین و بازدارنده خطاب به اسرائیلی ها گفت: امکان ندارد مردم را به قتل برسانید و در خانه هایتان با امنیت و آسایش بخواهید. وقتی عملیات شبعاً را به مورد اجرا گذاشتیم، خود را برای بدترین احتمال ها آماده کرده بودیم**

اسلامی تعبیر کنند. این موضع گیری ها آن گونه که دبیر کل حزب الله یاد کرده از دیدگاه اسلامی، ایمانی و اعتقادی نشأت گرفته که برچیده شدن بساط کیانی غاصب به نام «اسرائیل» از نقشه خاورمیانه را قطعی و حتمی می داند. ایشان در سال ۲۰۱۸ در سخنانی به مناسبت روز جهانی قدس در بیروت گفت: «در روز جهانی قدس به اسرائیلی ها، فلسطینی ها و همه ملت های جهان بر مبنای سنت ها و قوانین تاریخی می گویم که قدس و فلسطین حق مشروع ملت فلسطین است و روزی آزاد خواهند شد. ما نمی خواهیم شش میلیون یهودی مهاجر در فلسطین به قتل برسند. این دیدگاه اسلام و مقاومت است. ما نمی خواهیم کسی را به دریا بیافکنیم. خیلی متمدنانه به صهیونیست های متجاوز و اشغالگر می گویم سوار کشتی ها و هواپیماهای خود بشوید و به کشورهایی که از آن جا آمده اید باز گردید. اما اگر به اشغالگری اصرار می ورزید باز به شما می گویم که روز نبرد بزرگ در این منطقه به هر علتی فرا خواهد رسید و ما منتظر آن روز هستیم تا دسته جمعی در قدس نماز بخوانیم. این وعده الهی است».

آن چه گذشت به روشنی نشان می دهد که رهبری حزب الله هنر بازدارندگی و شیوه استفاده از قدرت را در مکتب جهاد و شهادت خوب آموخته است. دبیر کل حزب الله از زمان شکل گیری مقاومت و نبردهای حماسی و بی نظیری که با دشمن اشغالگر داشت، بسیار حرفه ای و دقیق با اعصاب و روان دشمن بازی کرد. ایشان کاری انجام داد که مقاومت اسلامی را از نظر راهبردی به یک سازمان قدرتمند، در ردیف مهمترین تشکیلات نظامی حریف ارتش اسرائیل تبدیل کرد. با این وصف دشمن که روزی برای لبنان خط و نشان می کشید، اکنون برای هر اقدام احتمالی در لبنان هزار بار حسابرسی می کند. امروزه رهبران کیان غاصب با عوامل و عوارض قدرت نظامی راهبردی حزب الله

سلاح های پیشرفته و سنگین در منطقه القلمون سوریه به موازات مرز شرقی لبنان «موضع بازدارندگی» خود را به سمع و نظر مقام های اسرائیل رساند. در حقیقت این رزمایش یک تحول راهبردی در قدرت بازدارندگی حزب الله به شمار رفت که رهبران کیان غاصب از فزاینده قدرت تسلیحاتی و نیروی انسانی مقاومت به دلیل کسب تجربیات ارزنده از جنگ در سوریه به شدت ابراز نگرانی کردند. باز صهیونیست ها از تجربیات تلخ گذشته عبرت نگرفته و این بار شعار «جنگ سوم لبنان» را مطرح کردند. دبیر کل حزب الله در سخنانی در مراسم یادبود شهدای مقاومت به شعار یاد شده صهیونیست ها واکنش نشان داد و اظهار داشت: «چنانچه بخواهید در لبنان جنگ افروزی کنید، بدانید که رزمندگان مقاومت این بار انبارهای حاوی گاز امونیاک در بندر حیفا را هدف موشک های خود قرار خواهند داد. کارایی چنین حمله ای مساوی با یک بمب اتمی است».

سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله در سال گذشته ۲۰۱۷ میلادی سقف بازدارندگی مقاومت را بالا برد و خطاب به اسرائیلی ها گفت: «این بار از شما نمی خواهیم فقط انبارهای امونیاک حیفا را تخلیه کنید. بلکه از شما می خواهیم نیروگاه هسته ای دایمونا را هم تفکیک و اوراق کنید». اما مهمترین موضع تاریخی و بی سابقه دبیر کل حزب الله در سال گذشته چنین بود که برای اولین بار فاش کرد: «دشمن صهیونیست بدانند که اگر بخواهد به سوریه و لبنان حمله کند، معلوم نیست جنگ بین لبنان و اسرائیل، یا سوریه و اسرائیل محدود بماند، بلکه امکان دارد فضای جنگ برای مشارکت صدها هزار مجاهد جنگاور از سرتاسر جهان عرب و جهان اسلام گشوده شود.

شاید برخی افراد اظهارات و واکنش های آقای نصر الله به جنگ افروزی های مستمر صهیونیست ها را در چارچوب جنگ روانی یا راهکار بازدارنده مقاومت



حزب‌الله از عملیات کمین تا جنگ آینده در الجلیل

## نصرالله: جنگ آینده را به فلسطین منتقل می‌کنیم

درآمد

در آغاز ورود به لبنان، نیروهای حزب‌الله را با دوربین‌های دید شبانه شکار می‌کردیم... انگار در میدان آموزش تیراندازی هستیم... آن‌ها نمی‌دانستند از چه سمتی گلوله به سوی‌شان شلیک می‌شود... چند سال بعد مأموران ساواک در کشورهای اروپایی پرسه زدند تا پیگیری کنند و آگاه شوند که حزب‌الله از چه مراکزی امکانات الکترونیکی خریداری می‌کند تا به وسیله آن‌ها مانع پرواز هواپیماهای اسرائیل در آسمان لبنان شود. همچنین مأموران ساواک پیگیری می‌کردند که بفهمند حزب‌الله تخصص بمب‌گذاری در جنوب لبنان را از کجا کسب کرده است. «این بخشی از سخنان ایهود باراک نخست وزیر پیشین رژیم صهیونیستی است که روند قدرت‌نمایی فزاینده حزب‌الله را از ابتدای شکل‌گیری آن در سال ۱۹۸۲ تاکنون خلاصه کرده است. چون نیروهای مقاومت اسلامی در مرحله نخست مبارزه با دشمن برای آزادسازی جنوب لبنان راه‌های نصب کمین و بمب‌گذاری در مسیرهای تردد اشغالگران را آغاز کردند و اکنون کار حزب‌الله به جایی رسیده که به طور تلویحی از جنگ آینده در منطقه الجلیل در شمال فلسطین خبر داده است. یعنی منتقل نمودن میدان جنگ به سرزمین دشمن. حزب‌الله از دیروز و امروز تا آینده عنوان مقاله‌ای است که ایلی حنا روزنامه‌نگار لبنانی در شماره ۲۹۶۲ مورخ پنجشنبه ۱۸ اوت سال ۲۰۱۶ روزنامه‌ی الاخبار منتشر کرده است. این مقاله با استناد به گفت و گوی صریح با یکی از فرماندهان مقاومت اسلامی لبنان تنظیم و منتشر شده است.



■ توپخانه اسرائیل به غنیمت گرفته شده در جنوب لبنان



عملیات شهادت طلبانه علیه پایگاه‌های دشمن، مانند عملیات شهید احمد قصیر، دو جوان برای مین گذاری و تعدادی رزمنده برای اجرای کمین کفایت می‌کرد. اما با عقب‌گرایی دشمن به سوی روستاهای نوار مرزی، رزمندگان به مناطق آزاد شده بیشتری دسترسی پیدا کردند و از آن‌ها برای حمله به پایگاه‌های مستحکم دشمن و تصرف آن‌ها در مدت زمان محدود فراهم شد. رزمندگان در آن مرحله پس از به هلاکت رساندن نیروهای دشمن بیدرنگ به پایگاه‌های خود باز می‌گشتند. گاهی در این‌گونه عملیات تعداد ۷۰ رزمنده مجاهد شرکت می‌کردند. این راهکار تا زمان آزادی جنوب ادامه داشت.

بعد از عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان، رهبری حزب الله ممنوعیت اشغال مجدد جنوب را به مقاومت ابلاغ کرد و فرماندهی مقاومت راهکار جدیدش را که همانا تکیه بر مناطق متعدد جنگی و تثبیت یگان‌های کامل رزمی در هر منطقه با هماهنگی فرماندهان و افسران هر یک از یگان‌ها متمرکز کرد. موفقیت این راهکار در جنگ سال ۲۰۰۶ به اثبات رسید. با این وصف وقتی جنگ ۳۳ روزه آغاز شد، حزب الله بر مبنای «هوش نظامی»، خود را بر هرگونه احتمالی آماده کرده بود. چرا که هوشمندی نظامی در پیکره جهادی مقاومت، این امکان را برای رزمندگان فراهم کرد تا از شیوه‌ها و روش‌های گوناگون در جنگ مزبور استفاده کنند.

همچنین در سال ۲۰۰۰ به فرماندهی مقاومت ابلاغ شد که کادرها و فرماندهان را با تخصص‌های گوناگون و روش‌های جدید نظامی آموزش دهد. سپس بعد از جنگ ژوئیه تحولی در روش‌ها و راهکارهای پیشین به وجود آمد و این پرسش مطرح گردید که تا چه اندازه می‌شود به اسرائیلی‌ها اجازه داد وارد خاک لبنان بشوند و بعد از آن به دفاع بپردازیم؟ حزب الله برای پاسخ به این پرسش بیدرنگ سقف اولویت‌ها و افزایش ضریب عوامل مادی چهارگانه آماده سازی سازمان جهادی فوق الذکر را بالا برد. یعنی دوباره عوامل چهارگانه تحول را وفق نیازمندی‌های مرحله بعد از جنگ ژوئیه مطرح کرد که پیش از این به آن اشاره شده است.

فرمانده مقاومت در پاسخ به این پرسش که این

دینی، طبیعی، اعتقاد کامل دارد و به مرور زمان روند تصاعدی به خود گیرد و تشکیل دهنده یک حزب بزرگ می‌شود، رهنمون می‌کند. این فرمانده مقاومت اظهار داشت: حزب الله در راهکار عملی به این نیاز داشت که شیوه‌های پیکار را در مراحل گوناگون تغییر دهد. به طور مثال در اولین عملیات مقاومت به فرماندهی شهید سمیر مطوط در تاریخ ۱۷ مارس سال ۱۹۸۶ در منطقه کونین در جنوب لبنان به اجرا گذاشته شد، دو نظامی اسرائیلی به اسارت گرفته شدند.

در ماه فوریه سال ۱۹۹۲ هنگامی که سربازان دشمن صهیونیست به روستاهای کفرا و یاطر در جنوب لبنان یورش آوردند، مقاومت اسلامی با موشک باران آن‌ها به وسیله موشک‌های کاتیوشا نشان داد که زرادخانه بزرگی از این نوع موشک‌ها دارد و آنان را وادار به عقب نشینی به کمر بند امنیتی کرد. در آن درگیری، موشک‌های کاتیوشا به عنوان معادله بازدارنده نقش تعیین کننده داشت. با این وصف نیازمندی برای تحقق هدف بزرگی همچون نابودی اسرائیل از نقشه خاورمیانه ایجاب می‌کند که پیمودن راه توسعه توانمندی‌های نظامی حزب الله یک ضرورت مبرم است. این فرمانده مقاومت توسعه عوامل مادی ضروری برای رشد و توسعه راهکار یک جنبش مقاومت را چهار عامل شمرده که عبارتند:

- ۱- افزایش تعداد نیرو.
- ۲- مجهز شدن به انواع اسلحه.
- ۳- آموزش.
- ۴- آرایش نظامی.

لذا قدرت بازدارندگی حزب الله بعد از جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ بر مبنای عوامل یاد شده از نظر کمی و کیفی و با روش‌ها و شیوه‌های گوناگون چند برابر افزایش یافته است. حزب الله در سازندگی این قدرت، مراحل و روش‌های متعددی را پشت سر گذاشت. قبل از آزاد سازی سال ۲۰۰۰ هدف مقاومت فرسایش نیروهای دشمن برای تسریع در عقب نشینی از جنوب بود. همچنین تهیم دشمن که در برابر ادامه اشغال جنوب باید بهای سنگین بپردازد. لذا آن مرحله از مبارزه اقتضا می‌کرد که مقاومت راهکارها و روش‌های متعدد و مشخصی به کار گیرد.

در سال‌های نخست اشغال جنوب لبنان افزون بر

در آغاز «دو برادر» بودند. اولی رصد می‌کرد و دومی اجرا. یا «برادری» بود که به صورت انفرادی خودروی بمب گذاری شده را میان افراد دشمن منفجر می‌کرد. مانند شهید احمد قصیر در آغاز شکل گیری حزب الله. داستان حزب الله با هسته‌های کوچکی از رزمندگان مقاومت آغاز شد. «ارتش شکست ناپذیر» تک تک آن‌ها را به صورت انفرادی تعقیب می‌کرد. ولی هسته‌های مقاومت حزب الله لحظه به لحظه رشد می‌کردند و تعدادشان میان چهار دیواری خانه‌های روستاهای جنوب افزایش می‌یافت. صدای سرودهای انقلابی، یا نشر زندگی‌نامه شهدا، هویت و مشخصات رزمندگان را پنهان نمی‌کرد. با گذشت زمان مأموریت سنگین شد و اشغالگران با چالش جدیدی به نام حزب الله مواجه شدند. شاید داستان‌سرایی روند حزب الله این‌گونه درست باشد که آن‌چه از حزب الله سال ۱۹۸۲ ماندگار مانده، هویت و ماهیت حزب الله و نام تعدادی از بنیانگذاران است.

از ۳۰ سال پیش تاکنون، آگاهان نظامی و تحلیلگران سیاسی راز ماندگاری و پایداری حزب الله را پیگیری می‌کردند. برخی از آنان به فنای حزب الله و برخی دیگر به محدود شدن قدرت حزب الله امیدوار بودند. ولی حقیقت انکار ناپذیر این است که حزب الله در روند شکوهمند خود در برابر هر نوع تهدیدی در هر مقطعی رشد کرد و توسعه یافت و به نهاد عظیمی تبدیل شد که توان خلاقیت و همگرایی و تحول را دارد. امروزه حزب الله در جبهه‌های متعددی در منطقه حضور دارد. کارش را از مقاومت در یک روستای دور افتاده جنوب شروع کرد و پرورش یافت و دفاع از قلمرو روستای خود را در دستور کار قرار داده بود، به مقاومتی تبدیل شد که اکنون همان هوا را تنفس می‌کند و در شهرها و بیابان‌های کشورهای منطقه از اهداف و اصالت پروژه حزب الله دفاع می‌کند.

در سال ۱۹۸۲ گروهی از افراد مؤمن، آرمان‌خواه و رؤیایی، سنگ بنای یک مؤسسه فعال و تأثیر گذار در سرتاسر منطقه را پایه گذاری و سازماندهی کردند. یک فرمانده بزرگ جهادی ما را به راهکارهای عملی حزب الله برای «احقاق حقوق مردم لبنان و دفاع از میهن» که به عنوان عوامل معنوی، انسانی، ملی،

**در آغاز «دو برادر» بودند. اولی رصد می‌کرد و دومی اجرا. یا «برادری» بود که به صورت انفرادی خودروی بمب گذاری شده خود را میان افراد دشمن منفجر می‌کرد. مانند شهید احمد قصیر در آغاز شکل گیری حزب الله. داستان حزب الله با هسته‌های کوچکی از رزمندگان مقاومت آغاز شد**

نیازمندی‌ها کدامند؟ گفت: از ما خواسته شد از منظومه دفاعی به منظومه تهاجمی متحول شویم. البته این تحول زاینده مرحله کنونی نیست. این تحول بیانگر مرحله آماده سازی کادرهایی است که برای ورود به منطقه الجلیل لحظه شماری می‌کنند که اسرائیلی‌ها را به شدت آشفته و نگران کرده است. در حقیقت این کادرها برای آموزش و آماده سازی صف کشیده‌اند. چون پادگان‌ها و مراکز آموزش نظامی حزب‌الله در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۲ شاهد تورم فزاینده از اعضا و نیروهای جدید بوده است.

**انگار جنبش مقاومت گرفتار بازی انیمیشنی شده است. اینطور نیست؟**

هر اندازه جلوتر برویم، نیازمندی‌های ما به روش‌ها و راهکارهای جدید و تجهیزات نظامی جدید بیشتر می‌شود. بدون شک همگرایی با چالش، مبنای پشت سرگذاشتن هر مرحله را تشکیل می‌دهد. رزمندگان مقاومت در سال‌های گذشته که دشمن دوربین‌های دید شبانه در تانک‌های خود کار گذاشته بود یا از سیستم‌های حرارتی استفاده می‌کرد، این همگرایی را آزموده‌اند. لذا حزب‌الله در آن مرحله آمادگی خود را با میزان تهدید دشمن انطباق داده بود.

این فرمانده مقاومت که نامش پنهان مانده حضور نیروهای حزب‌الله در سوریه و نبرد با گروه‌های تروریستی تکفیری را مانند ادامه نبرد بزرگ با دشمن صهیونیستی توصیف کرده و افزوده است: از آغاز روشن بود هدف اصلی آشفته کردن و بحران آفرینی در سوریه آسیب‌رسانی به حزب‌الله و کشور لبنان بوده است. به خصوص که نیروهای سلفی در آغاز بحران سوریه روستاهای لبنانی نشین مناطق مرزی و مقام حضرت زینب (س) را آماج حملات خود قرار دادند. سپس هجوم آنان در میداین غوطه شرقی، القصیر والقلمون تمرکز یافت. عناصر حزب‌الله هم عملاً طبق آمادگی گذشته وارد جنگ شدند و تجربیات گران‌بهایی در سیستم رویارویی نیروهای پیاده با نیروهای زرهی و چگونگی استفاده از سلاح توپخانه با هماهنگی نیروی هوایی کسب کردند.

در حال حاضر سیستم فرماندهی مقاومت اسلامی لبنان طوری متحول و دگرگون شده که در مراحل گذشته در رویارویی با دشمن اشغالگر به چنین سیستمی نیاز نداشت و اکنون به کادرهای متخصص و کاردان بیشتری نیاز دارد. البته چنین کادرهایی را از نظر تئوری برای رویارویی با چالش‌های فزاینده و از قبل آموزش دیده و آماده داشتند. ولی تنها عاملی که به آن افزوده شد، شناخت موقعیت جدید و تجربیات عملی بود. لذا این رویکرد ایجاب کرد که فرماندهانی عالی‌رتبه و کادرهای متخصص میدانی و فنی تربیت شوند. در کنار آن هم منظومه‌های پشتیبانی از قبیل اورژانس جنگی، بیمارستان‌های صحرائی و کادرهای پزشکی به وجود آمدند.

در ادامه سخن درباره غرق شدن حزب‌الله در

**موفقیت این راهکار در جنگ سال ۲۰۰۶ به اثبات رسید. وقتی جنگ ۳۳ روزه آغاز شد، حزب‌الله بر مبنای «هوش نظامی»، خود را بر هرگونه احتمالی آماده کرده بود. چراکه هوشمندی نظامی در پیکره جهادی مقاومت، این امکان را برای رزمندگان فراهم کرد تا از شیوه‌ها و روش‌های گوناگون در جنگ مزبور استفاده کنند**

باتلاق سوریه صرفنظر از افزایش مهارت‌ها و کسب دستاوردهای فراوان نظامی این فرمانده مقاومت تصریح کرد: سهم اسرائیل از تجربیات و دستاوردهای نظامی و تخصصی حزب‌الله در سوریه محفوظ است، و جنگ در سوریه بحث جداگانه‌ای است. هرچند که هزاران رزمنده مقاومت از جنگ با گروه‌های تکفیری در سوریه تجربه کسب کردند، ولی حزب‌الله از نظر آمادگی، جبهه سوریه را از جبهه جنگ با اسرائیل جدا می‌داند. چون اگر خود را از قبل آماده نمی‌کردیم قطعا موفق نمی‌شدیم. بنابر این مقاومت در هر مرحله‌ای و در هر مقطعی توان و مهارت‌های بیشتری کسب می‌کرد. امروزه یک رزمنده مجاهد حزب‌الله تجربه جنگ شهری، جنگ در بیابان و جنگ در کوهستان آموخته است.

به یاد دارید که رزمندگان مقاومت روزگاری در قله‌های یخچالی کوه‌های القلمون با دشمن تکفیری به ستیز برخاستند. این منطقه حدود ۲۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و میزان سرمای آن ۲۰ درجه زیر صفر است. همانگونه که وظیفه داشتیم در فضاهای متفاوت از فضای جنوب لبنان حضور داشته باشیم. در فضای سردسیر القلمون هم حضور یافتیم. این مسئله خیلی طبیعی است. کسی از آینده چه می‌داند؟ شاید کسی که عملیاتی را در لبنان و سوریه فرماندهی کرده است، در سال‌های آینده جنگجوی سلحشوری در هزاران کیلومتر آن سوی این سرزمین باشد!! یا در خط مقدم بایستد و از خلبان جنگنده بخواهد نقطه بخصوصی را بمباران کند. چه کسی می‌داند؟ شاید این رزمنده شخصا خلبان



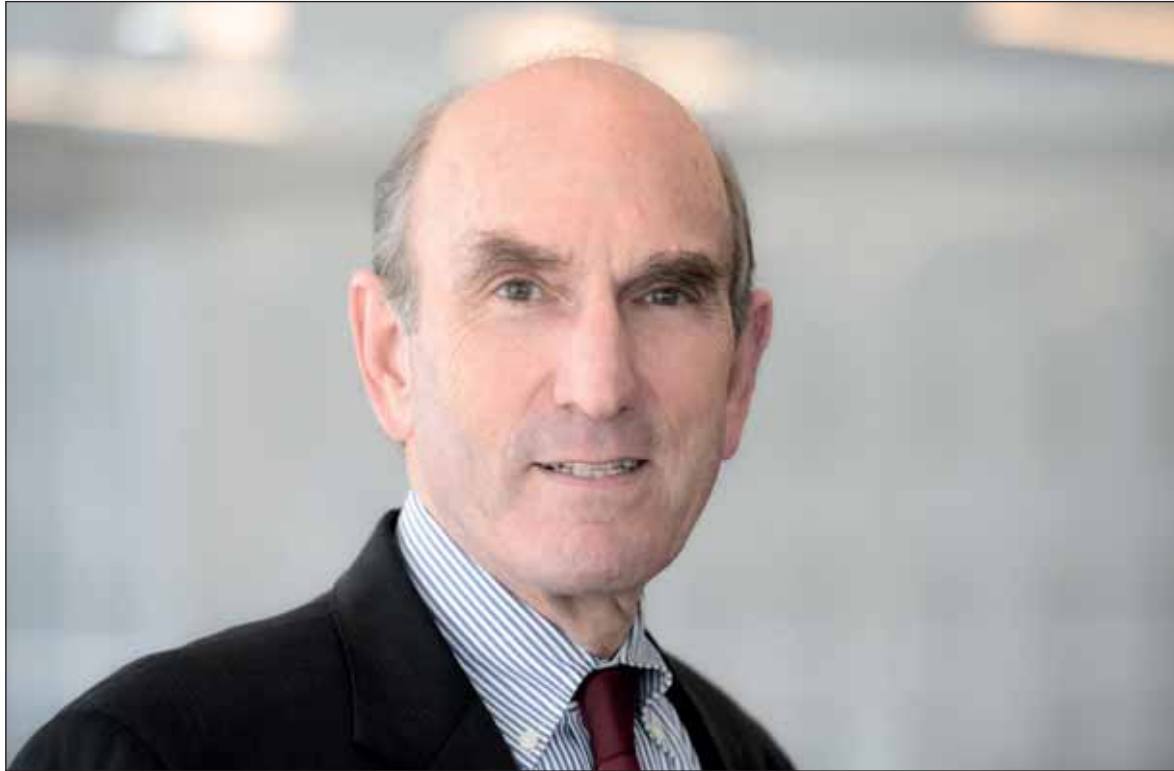
آن جنگنده بوده باشد!!

**گردان‌های مقاومت... ارتش ۵۰ هزار رزمنده**

بعد از رویارویی مشهور تابستان سال ۱۹۹۷ با اشغالگران صهیونیست که سید هادی نصر الله فرزند دبیر کل حزب‌الله در آن به شهادت رسید، موج همبستگی فرزندان طوایف گوناگون لبنان با مقاومت اسلامی به اوج رسید، تا جایی که صدها تن از جوانان در تماس با مراکز حزب‌الله خواستار مشارکت جدی در عملیات ضد صهیونیستی مقاومت اسلامی شدند. حزب‌الله در آن روزها با دو چالش اساسی و سخت مواجه بود. یکی این که اقشار مختلف لبنان که با حزب‌الله سنخیت فکری و اعتقادی ندارند، خواستار پیوستن به صفوف مقاومت شده بودند. دوم این که حزب‌الله برای حفظ ساختار جهادی خود باید مانع ورود عوامل نفوذی به درون مقاومت بشود. بر این اساس سید حسن نصر الله دبیر کل حزب‌الله تصمیم نهایی و مشهور خود را گرفت و با شرکت در یک کنفرانس مطبوعاتی از تشکیل «گردان‌های لبنانی مقاومت با اشغالگری» خبر داد. گردان‌های مقاومت ضد صهیونیستی از نظر سازمانی به تشکیلاتی منسجم و در برگیرنده شهروندانی شد که با عقیده دینی حزب‌الله سنخیت ندارند.

با این وصف حزب‌الله به مرور زمان ابزارهای لازم و راهکارهای پذیرش هزاران جوان لبنانی را فراهم کرد. پادگان‌ها و مراکز آموزش نظامی برای آنان به وجود آمدند و از بسیاری از آنان در ده‌ها عملیات مسلحانه قبل از آزادی جنوب استفاده شد. سپس این گردان‌ها در جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ نقش مؤثری در پشتیبانی از رزمندگان حزب‌الله به عمل آوردند. امروزه این گردان‌ها به قدرت داخلی بزرگی تبدیل شده‌اند که همه مخالفان لبنانی حزب‌الله به خصوص جریان المستقبل به رهبری سعد حریری به شدت از آن‌ها ترس و وحشت دارند.

حاج ابو رami فرمانده گردان‌های مقاومت می‌گوید: تجربه «نیروهای مشترک» که در جریان جنگ‌های داخلی لبنان به وسیله احزاب لبنانی و فلسطینی تشکیل شد، زود هنگام شکست خورد. چون در آن مرحله برخورد با برتری و قدرت نظامی اسرائیل روش‌های متفاوتی مطالبید. هر چند که مسئولان حزب‌الله بودجه کافی در اختیارمان قرار نمی‌دهند، ولی درهای این تشکیلات همیشه به روی افراد داوطلب باز است. این سازمان از تخصص و امکانات فراوان برخوردار است و اعضای آن حرفه‌ای آموزش می‌بینند. چون ما خود را بخشی از مقاومت می‌دانیم. ما پیرو سید حسن نصر الله هستیم و ایشان به ما آموخت که به یاره گویی مخالفان گوش ندهیم. اکنون حدود ۵۰ هزار رزمنده از طوایف مختلف دینی لبنان در گردان‌های مقاومت عضویت دارند. در مسائل داخلی و خارجی لبنان دخالت می‌کنیم. چون دشمنان، رهبری مقاومت را در رأس اهداف شوم‌شان قرار داده‌اند. در حال حاضر دشمن تکفیری هم به دشمن صهیونیستی افزوده شده است. ■



نگاهی به نقش لابی صهیونیست در واشنگتن

## آمریکا در نابودی حزب الله ناکام و سردرگم مانده است

درآمد

هرگاه دولت مردان محافظه کار آمریکا برای نابودی حزب الله و فروپاشی محور مقاومت و تغییر نقشه خاورمیانه به منظور تأمین منافع واشنگتن و تل آویو طرح هایی تدارک می بینند، نام ایلویوت ابرامز صهیونیست می درخشد. نامبرده از دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان و جرج بوش پسر تا اواخر دوران اوباما سمت های کلیدی در شورای امنیت ملی آمریکا داشته و از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ مسئول میز خاورمیانه و شمال آفریقا در شورای مزبور بوده است. با وجودی که راهکارهای ابرامز خالی از رسوایی های سیاسی و مالی نبوده و چند بار از سوی کنگره محکوم شده است، ولی هنوز در ترسیم سیاست های صهیونیستی خاورمیانه ای کاخ سفید به منظور تحقق منافع امنیتی اسرائیل نقش تعیین کننده دارد. ایلویوت ابرامز در سال ۲۰۰۰ پس از آزاد سازی جنوب لبنان طرحی را به منظور سرنگونی رژیم بشار اسد به عنوان نخستین گام برای نابودی حزب الله لبنان ارائه داد. نامبرده در آن طرح همچنین خواستار فشار جدی آمریکا بر بشار اسد به منظور امضای پیمان صلح با اسرائیل و پایان دادن به مناقشه خاورمیانه شده بود.



و سرافکننده کرد.

در مقاله ایلپوت ابرامز آمده است: «جنگی که پس از اقدام حزب الله به اسارت در آوردن دو نظامی اسرائیلی در روز ۱۲ ژوئیه سال ۲۰۰۶ آغاز شد، بخشی از طرح دامنه‌دار آمریکا برای اعمال سلطه بر لبنان و سرتاسر خاورمیانه بود. یکی از اهداف این جنگ حذف و تضعیف حزب الله از معادلات داخلی لبنان بود، تا آمریکایی‌ها از این راه بتوانند به اهدافشان در این کشور برسند و محور طرفدارشان در لبنان را که همانا حکومت فؤاد السنیوره و جریان المستقبل می‌باشد تقویت کنند. این بار عامل و ابزار اجرایی این طرح ارتش اسرائیل بود که با شکست فاحشی رو به رو شد و این هدف ناکام ماند.»

هدف دوم این جنگ آن‌گونه که ابرامز به آن اعتراف کرده به دگرگونی برخی از معادلات خاورمیانه از جمله تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی ایران و تقویت جایگاه اسرائیل در منطقه ارتباط دارد. ایلپوت ابرامز در این باره چنین ابراز عقیده کرده است: «تنها راه تحقق این هدف به موفقیت ارتش اسرائیل در وارد آوردن ضربه شکننده به حزب الله بستگی داشت. شکی نیست که اگر این هدف تحقق می‌یافت، آمریکا به استقرار نیروهای بین‌المللی، شاید نیروهای ناتو در مرز لبنان و سوریه دستور می‌داد تا آن‌ها مانع بازسازی و توسعه قدرت نظامی حزب الله بشوند.»

به عبارتی می‌توان گفت که یکی از دلایل دیگر تحمیل جنگ ۳۳ روزه بر لبنان این است که آمریکا با دامن زدن به این جنگ می‌خواسته قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد را که پس از ترور رفیق حریری نخست‌وزیر وقت لبنان صادر شد، به وسیله ارتش اسرائیل به اجرا بگذارد. خلع سلاح حزب الله و خروج نیروهای سوریه از لبنان بخشی از خواسته‌های این قطعنامه است. ولی با ناکامی ارتش اسرائیل، نه فقط اهداف سیاسی قطعنامه مزبور تحقق نیافت، بلکه به تقویت جایگاه مردمی حزب الله در جهان عرب کمک کرد. چون فضای سیاسی کم‌نظیری که در جهان عرب هنگام جنگ شکل گرفت به آمریکا و اسرائیل فشار آورد تا آتش بس با حزب الله را بپذیرند و جنگ را هرچه سریعتر متوقف کنند.

باز ایلپوت ابرامز در این مقاله اعتراف کرده: «هر اندازه که زمان جنگ طولانی می‌شد و هر اندازه حزب الله در

جنوب در سال ۲۰۰۰ در امور داخلی لبنان دخالت داشته و با برخی از سرمایه‌داران و سیاستمداران لبنانی گروه ۱۴ مارس روابط دوستانه برقرار کرده است. او به تازگی گفته که برای تضعیف حزب الله در صحنه داخلی لبنان و پایان دادن به حضور نیروهای این حزب در سوریه باید به رژیم بشار اسد آسیب وارد کرد. ابرامز در سال ۲۰۰۰ با همدستی و همکاری تعدادی از نئو محافظه کاران افراطی آمریکا از قبیل ریچارد بیرویل رئیس کمیته مشورتی امور دفاعی آمریکا در مرحله ریاست جمهوری جرج بوش پسر، داننیل پاییس، باولا دو بریانسکی، دایوید ویلش، داغلاس فیث، جین کرکباتریک و نیز تعدادی از سرمایه‌داران لبنانی مانند زیاد عبد النور، داننیل ناصیف، نیل الحاج، حبیب مالک، سمیر بستانی و شارل صهیون منشوری برای خروج نیروهای سوریه از لبنان تهیه و تسلیم دولت آمریکا داد که این خواسته پنج سال بعد در نتیجه صدور قطعنامه شماره (۱۵۵۹) شورای امنیت سازمان ملل متحد تحقق یافت. این نشان می‌دهد که در آمریکا و در لبنان افرادی می‌اندیشند، توطئه و آشوب به پا می‌کنند و در شرایط مناسب به اجرا می‌گذارند. ناگفته نماند که ایلپوت ابرامز ده‌ها بار از لبنان به خصوص بعد از جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ دیدن کرده است.

#### ❁ دلایل تحمیل جنگ ۳۳ روزه بر لبنان

شاید کمتر کسی دلایل تحمیل جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ بر حزب الله لبنان از سوی آمریکا و با تأیید ملک عبد الله پادشاه سابق عربستان و حسنی مبارک رئیس جمهوری اسبق مصر را که مجری آن ارتش رژیم صهیونیستی بود نداند. ایلپوت ابرامز در مقاله‌ای که در اکتبر سال ۲۰۱۴ از سوی پژوهشکده امنیت ملی تل‌آویو منتشر شد نوشت: «آمریکا به منظور شکست حزب الله و پایه‌گذاری خاورمیانه جدید این جنگ را به راه انداخت، ولی مقاومت حزب الله اهداف این طرح سیاسی و نظامی را ناکام ساخت». این جملات اعتراف یک قطب مقاومت یا تعدادی از تحلیلگران سیاسی و نظامی خاورمیانه‌ای نیست. چه اعتراف صریح یکی از مسئولان شورای امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری جرج بوش است که شکست ارتش شکست‌ناپذیر! اسرائیل او را نیز نا امید

الیوت ابرامز در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۶ در سخنانی در بخش خاورمیانه و شمال آفریقای کمیسیون روابط خارجی کنگره آمریکا دیدگاه‌های خود را درباره راهکارهای راهبردی سیاست واشنگتن در سوریه تشریح کرد. موضوع جلسه استیضاح ابرامز این بود که آمریکا در سیاست خارجی خود در برخورد با مسایل عراق و سوریه چه گام‌هایی باید بردارد؟. آن‌چه در پاسخ ابرامز توجه حاضران جلسه را جلب کرد، فقط تکیه او بر لزوم تلاش برای نابودی حزب الله لبنان به عنوان خطر جدی برای موجودیت اسرائیل بود. او تأکید کرد که آمریکا برای تحقق منافع خود در منطقه و تحقق منافع اسرائیل، باید حزب الله لبنان را از سر راه خود بردارد. ابرامز در آن سخنرانی نقشه راه خود را به دو محور تقسیم بندی کرد: «محور حزب الله - ایران - روسیه که از بشار اسد پشتیبانی می‌کنند. محور دوم آمریکا، اروپا و تعدادی از شیوخ عرب خلیج فارس که خواهان برکناری اسد هستند». در غیر این صورت موافقت آمریکا با ماندن بشار اسد در قدرت سوریه در مرحله آینده «شکست واشنگتن و پیروزی تهران شمرده می‌شود».

ابرامز در پاسخ به این پرسش که چگونه آمریکا در بحران جاری سوریه باید پیروز شود؟ گفت: باید یک رژیم سنی را جایگزین بشار اسد کند تا با رژیم‌های سنی منطقه همگام و همراه شود. تنها با این راهکار است که ایران، روسیه و حزب الله شکست می‌خورند. چون یکی از پیامدهای شکست رژیم اسد نابودی حزب الله در لبنان را در پی دارد. من معتقدم که قدرت حزب الله از چند دهه پیش فزونی یافته و تنها با دگرگونی اوضاع سوریه عقب‌گرایی حزب الله شروع می‌شود و به طور تأکید این به نفع آمریکا و اسرائیل است. الیوت ابرامز در پاسخ به پرسش یکی دیگر از اعضای کمیسیون روابط خارجی کنگره آمریکا که اسرائیل از دگرگونی اوضاع سوریه چه سودی خواهد برد؟ گفت: سوریه پل ارتباطی ایران با حزب الله است. اکنون ایران به وسیله این حزب با اسرائیل هم مرز شده است. این یک مشکل بزرگی است. ولی اگر بشار اسد سرنگون بشود، همه چیز تغییر خواهد کرد. در عین حال اگر داعش هم سرکوب شود، موقعیت رژیم اسد بیش از پیش تثبیت خواهد شد. بنابراین این آمریکا لازم است ضمن ادامه کمک‌های تسلیحاتی به مخالفان بشار اسد، نیروی هوایی سوریه را نیز به شدت بمباران کند.

ناگفته نماند که ایلپوت ابرامز صهیونیست برای تأمین منافع اسرائیل در خاورمیانه از سال‌های قبل از آزادسازی

**ایلپوت ابرامز: یکی از پیامدهای شکست رژیم اسد نابودی حزب الله لبنان را در پی دارد. من معتقدم که قدرت حزب الله از چند دهه پیش فزونی یافته و تنها با دگرگونی اوضاع سوریه عقب‌گرایی حزب الله شروع می‌شود و به طور تأکید این به نفع آمریکا و اسرائیل است**

ایستادگی در مقابل عملیات تهاجمی اسرائیل موفقتر عمل می‌کرد، اسطوره مقاومت و جایگاه مردمی حزب گسترش می‌یافت. البته دولت آمریکا در آغاز جنگ به تصمیم ایهود اولمرت نخست وزیر وقت اسرائیل برای آغاز جنگ علیه حزب الله شک و تردید نداشت. آمریکا و اغلب کشورهای اروپایی و عربی گمان کرده بودند که ارتش اسرائیل ضربه برق آسا و شکننده‌ای بر پیکر حزب الله وارد خواهد کرد و آن را از معادلات لبنان و منطقه حذف و بیرون خواهد آورد. اگر این هدف تحقق می‌یافت مزایای زیادی برای آمریکا و هم‌پیمانان او در منطقه در پی داشت.»

در حقیقت مواضع دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی در اعلام جنگ علیه حزب الله و لزوم عدم بازگشت به وضع موجود در لبنان که پس از عقب نشینی اسرائیل از جنوب در سال ۲۰۰۰ شکل گرفت کاملاً مطابقت داشت. از سوی دیگر در ادامه جنگ مشخص شد که اغلب دولت‌های عربی برای شکست حزب الله لحظه شماری می‌کردند. همچنین بسیاری از مقامات و دیپلمات‌های عرب در گفت و گوهای پشت پرده با آمریکایی‌ها از ارتش اسرائیل حمایت و با اعلام آتش بس مخالفت کردند. کوندالیزا رایس وزیر خارجه وقت آمریکا که در طول روزهای جنگ میان تل آویو و بیروت در حال رفت و آمد بود گفت که طرح خاورمیانه جدید با هرگونه آتش بس خنثی می‌شود. او روز ۱۹ ژوئیه سال ۲۰۰۶ در دیدار با فؤاد السنیوره نخست وزیر لبنان در بیروت با اعلام آتش بس به شدت مخالف کرد.

رایس به منظور بسیج دولت‌های غربی برای پشتیبانی از مواضع آمریکا و اسرائیل در جنگ، دعوت به برگزاری کنفرانس وزیران امور خارجه تعدادی از کشورهای غربی، عربی و لبنان در رم پایتخت ایتالیا کرد. رایس در این کنفرانس که روز ۲۶ ژوئیه همان سال برگزار شد، مخالفت با آتش بس در جنگ جاری بین حزب الله و رژیم صهیونیستی را تکرار کرد. وزیر خارجه آمریکا از قبل به ماسیمو دیلیما هم‌تای ایتالیایی خود گوشزد کرده بود که با هرگونه تصمیم برای آتش بس کارشکنی خواهد کرد. وزیر خارجه آمریکا در کنفرانس مزبور خواهان استقرار نیروهای چند ملیتی در جنوب لبنان و حضور نیروهای ناتو در مرز لبنان و سوریه شده بود تا مانع انتقال سلاح از سوریه و ایران برای حزب

الله بشوند. ولی دو هفته از آغاز جنگ نگذشته بود که ناتوانی ارتش اسرائیل از شکست حزب الله برای افکار عمومی به خصوص دولت‌های غربی نمایان شد. اغلب کشورهای غربی شرکت کننده در کنفرانس رم با جایگزینی نیروهای بین المللی به جای نیروهای حافظ صلح سازمان ملل مستقر در جنوب لبنان مخالفت کردند.

متلاشی شدن جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل بر حزب الله لبنان در سومین هفته آن به روشنی نمایان گشت. در بیستمین روز جنگ مشخص شد که اسرائیل پیروز قطعی جنگ نخواهد بود و امکان کمک هم‌پیمانان آمریکا در لبنان و در غرب به منظور دسترسی به سازشی برای تداوم وضعیتی بهتر از وضع موجود قبل از جنگ وجود ندارد. در همان حال فؤاد السنیوره نخست وزیر و عامل آمریکا در لبنان که از شکست حزب الله نا امید شده بود، از ترس حزب الله به چرخش ۱۸۰ درجه‌ای دست زد و در موضع پیشین خود تجدید نظر به عمل آورد. در عین حال کوندالیزا رایس توجیه شکست طرح خاورمیانه‌ای جدید آمریکا را در ناتوانی ارتش اسرائیل قلمداد کرد. او با صراحت اعلام کرد: «آمریکا از این پس از اولمرت نخست وزیر اسرائیل سلب اعتماد کرده است. هرگاه با او ملاقات می‌کنم، به من می‌گوید که ده روز دیگر به من مهلت دهید!! تا در این مدت بتوانم ضربه نهایی را بر پیکر حزب الله وارد کنم. پنج روز بعد که با اولمرت ملاقات کردم، همان جمله را تکرار کرد. اسرائیل در مدت ۳۳ روز جنگ هیچ دلیل قانع کننده‌ای که می‌تواند عملاً ضربه کاری و شکننده بر حزب الله وارد کند ارائه نداد.

در حقیقت ناتوانی ارتش اسرائیل از شکست حزب الله در این جنگ نابرابر مهمترین عامل تعیین کننده بود که منطق ادامه جنگ را درهم شکست. افزون بر ناکامی اسرائیل، رایس در لبنان با چالش دیگری هم مواجه بود که همانا ادامه پشتیبانی آمریکا از نخست وزیری فؤاد السنیوره و جریان المستقبل در برابر حزب الله می‌باشد. چون واشنگتن صدها میلیون دلار کمک در اختیار جریان ۱۴ مارس به رهبری السنیوره برای ایستادگی تبلیغاتی علیه حزب الله قرار داده بود، از این مسئله نگرانی داشت که در پی بروز ناامیدی از شکست حزب الله در جنگ جاری، حکومت پوشالی السنیوره هم ساقط شود. این نگرانی باعث شد که رایس

خواسته السنیوره را درباره لزوم گنجاندن مسئله کشتزارهای اشغالی شبعاً در مرز لبنان با فلسطین را در هرگونه قطعنامه آتش بس بپذیرد. لذا رایس در روزهای آخر جنگ به ناچار در دیدار با اولمرت و وزیر خارجه او تسهیلی لیونی اعلام کرد در هر نوع قطعنامه‌ای بین المللی که در آینده برای پایان دادن به رویارویی جاری صادر می‌شود، الزاماً در آن به مسئله کشتزارهای شبعاً اشاره خواهد شد.

هر اندازه به روزهای پایان جنگ نزدیک می‌شدیم، کوندالیزا رایس بهتر این موضوع را درک می‌کرد که دگرگونی وضع موجود در لبنان به نفع اسرائیل امکان پذیر نیست. چرا که نه کاری از دست اسرائیل ساخته است و نه هیچ دولت بین المللی حاضر است برای تشکیل نیروی چند ملیتی و استقرار آن در جنوب لبنان یا در مرز سوریه کمک کند. در عین حال هر اندازه جنگ ادامه پیدا می‌کرد و حزب الله موفق بود در برابر تهاجم هوایی اسرائیل بایستد، جایگاه مردمی و اسطوره‌ای حزب گسترش می‌یافت. اگر چه اسرائیل در این جنگ توانست به مناطق مسکونی و تأسیسات غیر نظامی لبنان آسیب برساند، ولی هیچ خللی و آسیبی به بدنه حزب الله وارد نکرد. با این وصف وقتی رایس از پیروزی ارتش اسرائیل نا امید شد، بررسی راه‌های توقف جنگ و برقراری آتش بس را شروع کرد. در پیش نویس طرح‌های مقدماتی رایس برای آتش بس چنین وانمود شده بود که اهداف آمریکا و اسرائیل را بر مبنای قطعنامه ۱۵۵۹ مبنی بر خلع سلاح حزب الله و استقرار ارتش لبنان در مرز فلسطین تأمین می‌کند، ولی همه جریان‌های سیاسی لبنان و محافل بین المللی معتقد بودند که این یک طرح عوام فریبانه برای نجات اسرائیل از این گرفتاری بیش نیست.

در اوایل اوت سال ۲۰۰۶ رایس به منظور تسریع در برقراری آتش بس راهی سازمان ملل متحد شد تا زمینه صدور قطعنامه‌ای را فراهم کند. ولی حمله ناگهانی ارتش اسرائیل به روستای قانا و کشتار ده‌ها غیر نظامی جلسه شورای امنیت را به تعویق انداخت و اوضاع جبهه جنگ را پیچیده کرد. در آن شرایط فؤاد السنیوره مقامات اسرائیل را جنایتکاران جنگی توصیف و تقاضای رایس برای سفر مجدد به بیروت را رد کرد. لذا در نتیجه فشارهای نظامی حزب الله به اسرائیل و دستپاچگی وزیر خارجه آمریکا قطعنامه شماره ۱۷۰۱ مؤرخ ۱۱ اوت سال ۲۰۰۶ برای توقف جنگ صادر شد و اغلب بندهای آن که به حزب الله ارتباط دارد تاکنون اجرا نشده است. در پی جنگ ۳۳ روزه توان نظامی حزب الله فزونی

یکی از اهداف جنگ ۳۳ روزه ژوئیه حذف حزب الله از معادلات داخلی لبنان بود، تا آمریکایی‌ها از این راه بتوانند به اهدافشان در این کشور برسند و محور طرفدارشان در لبنان را که همانا حکومت السنیوره و جریان المستقبل می‌باشد تقویت کنند



در ادامه جنگ مشخص شد که اغلب دولت‌های عرب برای شکست حزب الله لحظه شماری می‌کردند. همچنین بسیاری از مقامات و دیپلمات‌های عرب در گفت و گوهای پشت پرده با آمریکایی‌ها از ارتش اسرائیل حمایت و با اعلام آتش بس مخالفت کردند



موشک قرار می‌گیرند.

با این وصف در نتیجه بارش موشک‌های حزب الله، تاریکی مطلق سرتاسر فلسطین اشغالی را فرا می‌گیرد و هیچ کاری از دست ارتش اسرائیل ساخته نیست. گردشگران خارجی برای فرار از جنگ ناگزیرند با پای پیاده به سوی گذرگاه‌های مرزی اردن و مصر یا بنادر مدیترانه هجوم بیاورند. در آن جنگ با صحنه‌های نا متعارفی مواجه می‌شویم که در هیچ کدام از جنگ‌های گذشته اعراب و اسرائیل دیده نشده است. امکان دارد ناوچه‌های جنگی و قایق‌های توپدار نیروی دریایی دشمن به وسیله مین یا موشک زمین - دریا، یا به وسیله غواصان مقاومت و مردان قورباغه‌ای به قعر آب‌های مدیترانه فرو روند. شاید صدها بهیواد از جنوب لبنان به سمت آسمان فلسطین به پرواز درآیند و دمار از روزگار اشغالگران درآورند. در روزهای اول جنگ امکان دارد جنگنده‌های نیروی هوایی دشمن که عازم مأموریت در لبنان می‌شوند، به پایگاه‌شان برنگردند و اگر برگشتند، شاید باندی سالم برای فرود پیدا نکنند و ناچار شوند در فرودگاه‌های کشورهای همسایه فرود آیند.

اگرچه آسمان همان آسمان و زمین همین زمین است. ولی بر اثر شلیک روزانه هزاران موشک، آسمان رنگین می‌شود و زمین خاکستری. سیستم‌های متنوع و مدرن پدافند هوایی مقاومت که در ایران، روسیه، کره شمالی، چین و حتی در آمریکا ساخته شده‌اند انواع جنگنده‌های متجاوز را قبل از نزدیک شدن به آسمان لبنان یا در آسمان لبنان مورد تعقیب قرار می‌دهند و تعدادی از آن‌ها را سرنگون می‌کنند. آنگاه زمین خاکستری ناگهان شکافته می‌شود و از لابه لای این شکاف‌ها جنگاورانی با خودروهایی زرهی ظاهر می‌شوند و تعدادی از شهرک‌های صهیونیست نشین را ابتدا به محاصره و سپس به تصرف خود در می‌آورند. پس از گذشت چند روز هزاران آواره فلسطینی ساکن اردوگاه‌های لبنان و سوریه به وسیله اتوبوس‌های از قبل آماده شده به سمت سرزمین‌شان سرازیر می‌شوند. در این صورت یکی از صهیونیست‌های افراطی در بزرگترین عملیات انتحاری تاریخ، بمب هسته‌ای میان شهروندان اشغالگر منفجر می‌کند. چون افسانه ملت برگزیده اقتضا کرده که در این سرزمین بمانند، هرچند به صورت پیکر بی جان. ■

منابع این بحث: روزنامه لبنانی الاخبار، شماره ۲۴۵۱ مؤرخ ۲۲ اکتبر ۲۰۱۴ و شماره ۲۴۹۶ مؤرخ ۱۹ ژانویه ۲۰۱۵ و شماره ۲۹۳۰ مؤرخ نهم ژوئیه ۲۰۱۶.

زمینی، امواج خروشان رزمندگان مقاومت وارد سرزمین مقدس می‌شوند.

شاید برخی از افراد ندانند که حزب الله چه ابزارهای غافلگیر کننده برای جنگ آینده در صورت تحمیل آن از سوی دشمن پنهان نکرده باشد. نقل شده که مقاومت ده‌ها هزار رزمنده ورزیده در اختیار دارد که آن‌ها را با شیوه‌های ویژه و نوین آموزش داده و توانمندی‌شان را چند بار در جریان مانورهای نظامی در سوریه و شرق لبنان آزموده است. امروزه قدرت مقاومت در برگیرنده یگان‌هایی تخصصی در جنگ‌های پارتیزانی، خیابانی و کلاسیک است که انواع سلاح‌های پیشرفته در اختیار دارند. مأموریت این یگان‌ها دو بخش است. یکی دفاعی برای جلوگیری از پیشروی دشمن در خاک لبنان و دیگری تهاجمی برای اجرای عملیات گوناگون در شمال سرزمین فلسطین. هدف یگان‌های بخش دوم ضربه زدن به پشت خطوط دشمن و عقب نشینی سریع به پایگاه‌های خود نیست. بلکه برای آزاد سازی و استقرار همیشگی و تثبیت مواضع‌شان در سرزمین‌های آزاد شده است.

به گمان زیاد مقاومت نیروی انسانی چند هزار نفره متخصص جنگ‌های سایبری و الکترونیکی مورد نیاز در جنگ‌های نوین آموزش داده که افراد آن قادرند دشمن را تعقیب و از نفس بیندازند و اطلاعات لحظه به لحظه جبهه‌های عملیات را در اختیار فرماندهان قرار دهند. فراموش نشود که مقاومت در این زمینه صدها نیروی پنهان در مناطق گوناگون فلسطین در اختیار دارد که نقش آن‌ها در صورت بروز جنگ، رساندن اطلاعات ضروری به اتاق جنگ مقاومت است.

در بازخوانی رویدادهای جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ به این نتیجه می‌رسیم که اسرائیل در طول روزهای جنگ حدود ۱۵ هزار واحد مسکونی، تجاری، دولتی و نظامی را در لبنان با حملات هوایی و موشکی منهدم کرد، هزاران شهروند بی‌دفاع را به خاک و خون کشید و دو میلیون تن را از جنوب لبنان آواره کرد. نقل شده که مقاومت اسلامی در راستای اقدام بازدارنده دشمن و جلوگیری از جنایات مجدد دشمن تصمیم گرفته روزانه حدود چهار تا پنج هزار موشک سنگین وزن به سوی اسرائیل شلیک کند. لذا در صورت وقوع جنگی در آینده روزانه صدها هدف حیاتی دولتی و نظامی و نیز تأسیسات شناخته شده و ناشناخته مورد اصابت

یافت و سلاح‌های مدرن با تکنیک‌های برتر وارد زرادخانه حزب الله شد و معادله بازدارندگی نوینی میان لبنان و رژیم صهیونیستی برقرار شد. اسرائیل که در جنگ مزبور توانست به اهدافش برسد، در آینده نیز در صورت بروز جنگ با حزب الله شکستی فاحش متحمل خواهد شد. آن‌گونه که سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله تصریح کرده که دوران شکست لبنان در برابر اسرائیل سپری گشته و کیان غاصب سستر از خانه عنکبوت است.

#### دورنمای جنگ آینده مقاومت اسلامی با اسرائیل

حال با شناختی که آقای سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله از توطئه‌های مستمر آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه مقاومت اسلامی و بر ضد ملت‌های اسلامی منطقه دارد، چندین بار در سخنرانی‌های خود تأکید کرده است: «فرماندهان مقاومت صرفنظر از توطئه‌های دشمنان در لبنان، سوریه، عراق و دیگر مناطق خاورمیانه، مهمترین تلاش خود را روی تقویت ساختار دفاعی و تهاجمی مقاومت برای رویارویی آینده با رژیم صهیونیستی متمرکز کرده‌اند. مقاومت برای رویارویی با تهدیدات دشمن حق دارد سلاح‌های گوناگون و مناسب در اختیار داشته باشد. اکنون هم انواع اسلحه که هرگز به ذهن دشمن خطور نمی‌کند در زرادخانه خود دارد و می‌کوشد این زرادخانه را انباشته کند.»

سخنان دبیر کل حزب الله این مسائل را فاش می‌کند که امروزه نیروهای مقاومت انواع تخصص‌های تکنیکی و نظامی را فقط در انحصار خود ندارند، بلکه دستگاه‌های اطلاعاتی حزب الله و اغلب شیعیان لبنان با عبرت گرفتن از جنایات صهیونیست‌ها در جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ به وظایف مخفیانه خود و به دور از چشم عوامل دشمن برای رویارویی آینده فعال هستند. شاید تنها خدا می‌داند که دبیر کل حزب الله چه خوابی برای دشمن دیده و برای رویارویی سرنویشت ساز آینده چه فکری کرده است. به هر حال هرچه که آقای نصر الله تاکنون گفته و پیش‌بینی کرده راست بوده و دشمنان سخنان ایشان را از ته دل باور دارند. دشمن آگاه است که دبیر کل حزب راستگوست و سلاح را برای استفاده و نه برای انباشتن تهیه می‌کند. و اگر خدای نکرده قرار باشد روزی جنگ دیگری میان حزب الله و رژیم صهیونیستی روی دهد، شکی نیست که هزاران موشک روزانه بر سر غاصبان فلسطین می‌بارد، و با شکافته شدن تونل‌های زیر



چشم اندازی به قدرت‌نمایی مقاومت اسرائیل در خاور میانه

## عماد مغنیه و احمد قصیر دشمنان را این‌گونه ذلیل کردند

درآمد

با مطالعه دقیق این مقاله که برای اولین بار در یک نشریه فارسی زبان منتشر می‌شود، به واقعیت‌های انکار ناپذیری پی می‌بریم که رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان شاخه نظامی حزب الله چه مصیبت‌هایی که بر سر ژنرال‌های ارتش رژیم صهیونیستی در طول اشغال ۱۸ ساله جنوب لبنان وارد نیاوردند. همانگونه که سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله در جریان جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ خطاب به اسرائیلی‌ها گفت «امروز شما نمی‌دانید با چه کسانی می‌جنگید؟» این ذهنیت و این باور را در مغزهای تهی دولتمردان صهیونیست القا کرد تا هیچ زمانی خیال تجاوز مجدد به لبنان را در سر نپرورانند. «عماد مغنیه و احمد قصیر دشمنان را این‌گونه ذلیل کردند»، عنوان مقاله‌ای از دکتر سیف دعنا استاد جامعه شناسی و مطالعات بین المللی دانشگاه ویسکونسن - پارک سایه آمریکاست که به مناسبت هجدهمین سالروز آزادی جنوب لبنان در روزنامه لبنانی الاخبار در روز ۲۵ مه سال ۲۰۱۸ منتشر شده که با هم می‌خوانیم

سید حسن نصر الله در رثای فرمانده مقاومت لبنان: شهید حاج عماد مغنیه حقوقی بر گردن امت دارد که امت به خاطر آینده خود و نه به خاطر شخص عماد او را خوب بشناسد. شهید عماد مغنیه بر یکایک افراد امت حق دارد که برای نجات و رهایی خودشان از روح، مکتب و جهاد او الهام بگیرند.

رابرت پیر مأمور سازمان سیا برای تعقیب و ترور شهید عماد مغنیه در کتاب «نهایت قتل» چنین گفت: برای تعقیب و شناسایی عماد مغنیه وقت بسیاری صرف کردیم. ولی دیری نپایید به این نتیجه رسیدیم که خلاقیت او در بکارگیری تاکتیک نظامی با بهترین تاکتیک‌های نظامی تاریخ برابر است.

تئوری اندیشمندان انقلابی جهان مانند فرانتر فانون در الجزایر، چه گوارا در کوبا، هوشی مین در ویتنام، غسان کنفانی در فلسطین و شهید عماد مغنیه در لبنان و دیگر آزادی خواهان جهان به پایان دادن به استعمار قلمرو جغرافیایی سرزمین‌شان و طرد سربازان استعمار محدود نبوده است. چه مهمترین مأموریت دشوار و سخت آنان، آزادی انسان و آزاد سازی تفکر و روح او و دمیدن روح خود باوری، و ساختن انسانی نو، آگاه و آرمان‌خواه بوده است. هر چند تلاش برای آزاد سازی سرزمین‌های جغرافیایی نخستین گام بوده است، ولی ساختن جامعه‌ای بدون استعمار و استعمار و بهره‌کشی گام دوم را تشکیل می‌دهد.

سید حسن نصر الله سرور و امانت دار مقاومت لبنان هنگام قرائت بیانیه سیاسی حزب الله چه زیبا گفته است: «شعار وحدت مستضعفان جهان به عنوان یکی از اصول پایدار تفکر و اندیشه سیاسی حزب الله در ساختار و شناخت روابط و مواضع حزب در مسائل بین المللی زنده و پایدار خواهد بود». بنابر این همانگونه که سید مقاومت این درس ساده را به ما آموخت که سرنوشت انسان در درجه اول به دست اوست. شهید عماد مغنیه این الگوی مقاومت مترقیانه هم بهترین راهکارهای مبارزه را به ملت‌های منطقه نشان داد تا با بهره‌مندی از امکانات سرشارشان به ارزش‌های والای انسانی خودشان پی ببرند.

تئوری اندیشمندان انقلابی جهان مانند فرانتر فانون، چه گوارا، هوشی مین، غسان کنفانی و شهید عماد مغنیه در لبنان به پایان دادن به استعمار قلمرو جغرافیایی سرزمین‌شان محدود نبوده است. مهمترین مأموریت آنان، آزادی انسان و آزاد سازی تفکر و روح او و دمیدن روح خود باوری و ساختن انسانی آگاه و آرمان‌خواه بوده است

شرایط که لبنان زیر حملات هوایی و توپخانه‌ای ارتش اسرائیل قرار داشت. کابینه تنایه‌ها از صدها هزار شهرک نشین ساکن مناطق شمالی فلسطین اشغالی خواست جشن‌های عید بوریم را در پناهگاه‌های زیر زمینی برگزار کنند، تا از موشک باران‌های رزمندگان حزب الله در امان باشند. لذا فرماندهی ارتش رژیم صهیونیستی به رغم این همه آتش بازی در دو سوی مرز پیامدهای به هلاکت رساندن گیرشتاین را پس از گذشت ۱۸ سال از یورش به لبنان بلعید و به پیروزی حزب الله اذعان کرد.

دو هفته از این رویداد نگذاشته بود که ژنرال ایهود باراک در نیمه اول مارس همان سال اولین مقامی بود که به خودش جرأت داد و به شکست قطعی و مفتضحانه ارتش اسرائیل در جنوب لبنان اعتراف کرد. باراک لزوم خروج از لبنان را مهمترین محور تبلیغات انتخاباتی برای تصدی پست نخست وزیری قرار داده بود و به همین دلیل به نمایندگی از سوی حزب کارگر در انتخابات به پیروزی رسید و این سمت را در سال‌های (۱۹۹۹ - ۲۰۰۱) به عهده داشت. او در سال دو هزار میلادی به قول خود عمل کرد و ارتش را به شکلی ذلت بار از کمر بند اشغالی جنوب لبنان بیرون کشید و به عجز و ناتوانی از ایستادگی در برابر حزب الله اعتراف کرد. ژنرال باراک که در سال‌های (۱۹۹۱ - ۱۹۹۵) ریاست ستاد مشترک ارتش را به عهده داشت شخصا بر عقب نشینی ارتش از باقی مانده مناطق اشغالی جنوب لبنان نظارت کرد.

این ژنرال صهیونیست افزون بر ریاست ستاد مشترک ارتش، سمت‌های ذیل را نیز بر عهده داشت: رئیس اداره اطلاعات نظامی ارتش - امان (۱۹۸۳ - ۱۹۸۵). فرمانده منطقه مرکزی ارتش (۱۹۸۶ - ۱۹۸۷). جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش (۱۹۸۷ - ۱۹۹۱).

در روز ۲۸ فوریه سال ۱۹۹۹ هنگامی که کاروان سرتیپ ایریز گیرشتاین فرمانده اشغالگران صهیونیست در جنوب لبنان به طرف پایگاه فرماندهی خود در شهر مرجعیون در فاصله چهار کیلومتری مرز فلسطین در حرکت بود، ناگهان بمب بزرگی در کنار خودروی مرسدس بنز زرهی او منفجر شد. در این حادثه گیرشتاین، راننده، افسر ارتباطات و یک خبرنگار که او را همراهی می‌کرد به هلاکت رسیدند. فردای آن روز پاتریک کوپیرن خبرنگار روزنامه اندپندت از قدس گزارش داد که موفقیت حزب الله در به قتل رساندن سرتیپ گیرشتاین، سیستم نظامی ارتش اسرائیل را شوکه کرد.

در حقیقت گیرشتاین تنها بلند پایه‌ترین مقام نظامی صهیونیست‌ها در لبنان نبود که مورد تعقیب رزمندگان قرار داشت. بلکه عالی‌ترین مقام نظامی ارتش رژیم صهیونیستی بود که پس از اشغال لبنان در سال ۱۹۸۲ به هلاکت می‌رسید. در آن سال سرلشکر یکوئیل آدم نائب رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل بود که هنگام اشغال لبنان در عملیات جنبش مقاومت فلسطین در منطقه الدامور به هلاکت رسید. از سوی دیگر ژنرال اودی آدم فرمانده وقت منطقه شمالی ارتش اسرائیل و فرزند سرلشکر یکوئیل آدم به علت شکست در برابر رزمندگان حزب الله در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ از سمت خود عزل شد. این نشان می‌دهد که مقاومت لبنان برای خانواده آدم کابوس شده بود.

تنایه‌ها نخست وزیر وقت کیان غاصب در واکنش به کشته شدت گیرشتاین به نیروهای زمینی، هوایی و دریایی ارتش دستور داد لبنان را به شدت بمباران کنند. چند روز بعد از بمباران لبنان برای افکار عمومی آشکار شد که این واکنش از ناتوانی و شکست در برابر عملیات کیفی مقاومت ناشی بوده است. در آن





**زمانی که ایهود باراک رئیس ستاد مشترک به ارتش افتخار می‌کرد، عملیات مقاومت به مرور زمان از نظر کیفی و کمی فزونی می‌یافت و این امر بیانگر شکست راهبرد صهیونیست‌ها در لبنان و موفقیت راهبرد مقاومت صرف نظر از وجود باراک در مقام فرماندهی ستاد مشترک ارتش بود**

آن روز به رغم همه نوع اقدامات حفاظتی و مراقبتی، تعدادی بمب در عمق منطقه اشغالی در اطراف روستای دبل کار گذاشتند. عقل هاشم در ظهر آن روز بهاری سرگرم روشن کردن منقل کباب پزی بود که رزمندگان مقاومت در لحظه‌ای مناسب بمب‌های کار گذاشته شده را با تخصصی بسیار حرفه‌ای منفجر کردند که در آن لحظه کسی به نام عقل هاشم روی گیتی وجود نداشت.

این عملیات هم یکی از بزرگترین ضربات روحی بود که بر پیکر ارتش انتوان لحد وارد آمد و سبب فروپاشی آن در چهار ماه بعد شد. لذا ایهود باراک نخست وزیر رژیم صهیونیستی در پی تحقق دو عملیات به هلاکت رسیدن گیرشتاین و عقل هاشم دیر هنگام به این نتیجه رسید که در رویارویی با حزب الله با مغز متفکر استثنایی رو به روست که با هیچ راهکار علمی و با هیچ نسخه‌ای از دانشگاه‌های نظامی غربی نمی‌توان با آن کنار آمد. باراک به روشنی این نکته را درک کرد که با جدیدترین و خطرناکترین نسلی از رزمندگان مقاومت مواجه است که خیلی جدی و خیلی حرفه‌ای با او می‌جنگند. بازارک دریافت که رزمندگان حزب الله با رزمندگان دوره مبارزات مائو تسه تونگ در چین، با رزمندگان هوشی مین و جیاب در ویتنام، با رزمندگان چه گوارا در کوبا، هواری بومدین فی الجزایر و با رزمندگان گروه ودیع حداد فی فلسطین تفاوت چشمگیر دارند. رزمندگان حزب الله بجز پیروزی قطعی و سرنوشت ساز حتی در مقابل سرسختترین امپراتوری‌های تاریخ به چیز دیگری فکر نمی‌کنند.

در جبهه مقابل رزمنده‌ای از نسل جدید به نام عماد مغنیه وجود داشت که رابرت پیر مأمور سازمان سیا برای تعقیب و ترور عماد مغنیه شیفته تاکتیک‌های نظامی او شده بود و او را مشابه قیصر روم توصیف کرده بود. مهمتر از آن رابرت پیر، حاج عماد را مانند کسی تشبیه کرده که سرانجام بر قیصر چیره شد و او را به قتل رساند. پیر گوید: «عماد مغنیه به خود آموخت که خشونت را با دقت و شایستگی فوق العاده به سوی اهداف نظامی شناخته شده و از پیش تعیین

جنوب لبنان در یکی از سخنرانی‌های خود اعلام کرد حزب الله از آغاز رویارویی با دشمن صهیونیستی در ماه ژوئن سال ۱۹۸۲ تعداد ۱۱۷۹ شهید از جمله شهید احمد قصیر تقدیم راه آزادی کرده است. این در حالی است که دشمن خوب می‌دانست که تعداد مقتولان او از آغاز تجاوز به لبنان در سال ۱۹۸۲ تا موقع عقب نشینی در سال دو هزار ۹۳۹ سرباز و افسر اسرائیلی و تعداد ۳۵۸ سرباز و افسر از ارتش انتوان لحد بوده است.

رونین بیرگمن تحلیلگر امور سیاسی و نظامی روزنامه یدیعوت آحارنوت چاپ تل آویو حق دارد بگوید که آمار و ارقام تلفات طرفین جنگ که قدرت نظامی‌شان و امکانات‌شان نابرابر بود، پذیرفتنی نمی‌باشد. شگفت آور این است که بازتاب تبلیغاتی عملیات مقاومت در جنوب لبنان در آن مرحله بیش از تعداد تلفات انسانی ارتش اسرائیل و مزدوران او در ارتش انتوان لحد تأثیر گذار بود. لذا عملیات کیفی به هلاکت رساندن گیرشتاین، سرآغاز یک تحول بنیادی در روند عملیات مقاومت بود که خروج ذلت بار صهیونیست‌ها را از جنوب لبنان سرعت بخشید. هر چند که آخرین عملیات مسلحانه مقاومت اسلامی بود، ولی پیش از آن هم هنگام آغاز تجاوز به لبنان در سال ۱۹۸۲ ده‌ها ژنرال و افسر بلندپایه در جریان عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر به هلاکت رسیده بودند.

شاید خیلی از افراد ویدیوی چگونگی به هلاکت رسیدن سرهنگ عقل هاشم سردسته مزدوران ارتش انتوان لحد و جانشین فرمانده این ارتش را تاکنون ندیده باشند. رونین بیرگمن نقل کرده که عقل هاشم همیشه پاهو گویی می‌کرد که ضد گلوله است و هیچ کسی نمی‌تواند به او آسیب وارد کند، یا به قتل برساند. ولی مردان عماد مغنیه ظهر روز یکشنبه ۳۰ ژانویه سال ۲۰۰۰ با عقل هاشم قرار عملیات گذاشته بودند و اصرار داشتند عملیات را تصویر برداری کنند. در



در دوره‌های خدمت خود در تاریخ ارتش اسرائیل بیشترین نشان‌ها و مدال‌های نظامی را کسب کرده است. باراک به خاطر داشتن سوابق خشونت بار، تجربیات نظامی و امنیتی و زیرکی خاص اسرائیلی‌ها او را مهمترین دیوار تسخیر ناپذیر امنیت خود می‌پنداشتند. ولی برنامه‌ریزی بسیار دقیق و تحسین برانگیز برای اجرای عملیات شکوهمند و شگفت انگیز به هلاکت رساندن سرتیپ گیرشتاین، مانند چوب کاه بود که کمر ایهود باراک مهمترین ژنرال رژیم صهیونیستی را شکاند. چون واقعیت‌هایی که در طول ۱۸ سال اشغال جنوب لبنان در برابر چشمان او متراکم شده بود بسیار وحشتناک و دلهره آور بود و ناگزیر این واقعیت‌ها را پذیرفت و از جنوب لبنان عقب نشینی کرد.

حقیقت تلخ و شکننده‌ای که این ژنرال افسانه‌ای از آن آگاهی یافت، جزوه‌ای بود که حزب الله در ماه فوریه سال ۱۹۹۶ منتشر کرد. در این جزوه تصریح شده که مقاومت اسلامی در سال ۱۹۹۵ تعداد ۶۶۰ عملیات مسلحانه علیه اشغالگران صهیونیست و شبه نظامیان ارتش انتوان لحد در کمر بند امنیتی جنوب لبنان انجام داده است. زمانی هم که باراک رئیس ستاد مشترک به ارتش اسرائیل افتخار می‌کرد، عملیات مقاومت به مرور زمان از نظر کیفی و از نظر کمی فزونی می‌یافت و این امر بیانگر شکست راهبرد صهیونیست‌ها در لبنان و موفقیت راهبرد مقاومت صرف نظر از وجود باراک در مقام فرماندهی ستاد مشترک ارتش بود.

با وجودی که خداوند بر دل‌ها، شنوایی و چشمان صهیونیست‌ها پرده کشیده بود «ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی أبصارهم غشاوه» ولی تجربه و دورنمای اشغال ۱۸ ساله جنوب لبنان به روشنی نور خورشید برای آنان روشن شده بود. این در حالی بود که مقاومت در مسیر پیروزی توأم با خون و گلوله و موشک‌های متنوع به پیش می‌تاخت و ژنرال یاد شده هیچ راه حل تکنیکی جز عقب نشینی ذلت بار از جنوب لبنان در اختیار نداشت. سید حسن نصر الله حدود ۱۸ ماه بعد از عقب نشینی نظامیان اسرائیل از



گیرشستاین برنامه ریزی شده بود، دو سرباز دیگر به هلاکت رسیدند و شماری نیز زخمی شدند. در این عملیات کیفی که موجب دخالت تانک‌های مرکاوا شد، تعدادی از افسران بلندپایه از جمله سرتیپ میخا تمیر فرمانده یگان ارتباط ارتش اسرائیل در جنوب لبنان نجات یافتند.

آن چه از دیدگاه تحلیلگران سیاسی و نظامی مهم به نظر می‌رسد، شیوه و طرز تفکر مقاومت است که سرانجام به پیروزی ۲۵ مه سال ۲۰۰۰ خاتمه یافت. مهمتر از آن این پیروزی در دوران نخست وزیر ایهود باراک، خطرناکترین ستاره نظامی و مغز امنیتی ارتش اسرائیل تحقق یافت. او بود که در ماه‌های اول هزاره سوم شکست ارتش اسرائیل در برابر مقاومت اسلامی لبنان را اعلام کرد. چه باراک تنها ژنرال ارتش اسرائیل نبود که در مراحل مختلف از زمان تجاوز به لبنان در سال ۱۹۸۲ و اولین شکست در سال ۲۰۰۰ و دومین شکست در سال ۲۰۰۶ ریاست ستاد مشترک ارتش را به عهده داشت. در سال ۱۹۸۲ رافایل ایتان و در پیروزی مقاومت در سال ۲۰۰۶ دان حالوتس ریاست ستاد مشترک را به عهده داشتند.

ریاست ستاد مشترک ارتش کیان غاصب را از سال ۱۹۸۲ تا پیروزی سال ۲۰۰۰ میلادی تعداد هشت تن از برجسته‌ترین ژنرال‌های این کیان به عهده گرفتند و هر کدامشان درجه سرلشکر داشتند. هر کدامشان با تمام توان کوشیدند مقاومت را سرکوب کنند. ولی چون عماد مغنیه در آن طرف مرز مقاومت مسلحانه را فرماندهی می‌کرد، این نبرد نابرابر در روز ۲۵ ماه مه سال ۲۰۰۰ آنگونه که شخص حاج رضوان می‌خواست پایان بگیرد دقیقاً به پایان رسید. این نبرد طولانی طوری پایان یافت که با صحنه‌های عقب نشینی ذلت بار و هرج و مرج ارتش‌های اسرائیل و انتوان لحد همراه بود که چهره و هویت همه نظامیان اسرائیل را برای همیشه مخدوش و بد نام کرد. ■

عماد مغنیه و هم‌زمان او به پیکار نظامی همه جانبه نگاه می‌کردند و انتخاب اهداف و روش و زمان انهدام موفقیت آمیز آن‌ها را خیلی مهم می‌دانستند. رونین بیرگمن تحلیلگر روزنامه بدیعوت آحارانوت به نقل از منابع اطلاعاتی انگلیسی نوشته است که شهید عماد مغنیه شخصاً طرح اجرای عملیات جنبش جهاد اسلامی در ششم آوریل سال ۱۹۹۲ برای به هلاکت رساندن اسحق موردخای فرمانده وقت منطقه شمالی ارتش اسرائیل را برنامه ریزی کرده بود. ولی در آخرین لحظه در برنامه موردخای تغییری حاصل شد و او جان سالم بدر برد. اسحاق موردخای وزیر پیشین جنگ هم مانند ایهود باراک یکی از برجسته‌ترین ژنرال‌های ارتش اسرائیل بود و امکان داشت به نخست وزیر انتخاب بشود. ولی بر اثر یک رسوایی اخلاقی ناگزیر شد از سمت‌های نظامی خود کناره گیری کند.

بعد از پیامدهای مرگ گیرشستاین که به عقب نشینی ارتش اسرائیل از جنوب لبنان منجر شد، برای مرگ موردخای در صورت موفقیت عملیات مقاومت چه پیامدهایی می‌توان متصور شد؟ در عملیات کمین محکم مقاومت که برای به هلاکت رساندن ژنرال

**رهبری حزب الله به ابعاد نظامی عملیات مقاومت توجه نداشتند. بلکه در درجه اول به پیامدهای روحی، معنوی و فرهنگی عملیات بر وجود کیان غاصب که آن را ابعاد غیر نظامی عملیات مسلحانه می‌خوانیم، اهمیت خاص قائل بودند که آقای نصر الله این راهکار را در جمله «سوزاندن آگاهی» دشمن خلاصه کرده است**

شده رهنمون سازد. میان اجرای دقیق و سریع عملیات با رعایت اصل غافلگیری دشمنانش آمیختگی ایجاد کرده بود که این راهکار دشمنانش را در هرج و مرج و عقب نشینی قرار می‌داد».

شکی نیست که شهید عماد مغنیه بر خلاف ایهود باراک از دانشگاه‌های نظامی معتبر و شناخته شده غرب فارغ التحصیل نشده بود. ولی رابرت پیر درباره او چنین گفته است: «عماد بر مبنای حدس و گمان آموخت که اقدام خشونت آمیز دقیق و کارآمد در درجه اول به شاهرگ حساس انسان (دشمن) که همانا آگاهی و خودباوری اوست ضربه می‌زند و ترس و دلهره در ذهن او ایجاد می‌کند و این ترس مقدماتی تعبیر می‌شود که بر سایر خشونت‌های فیزیکی برتری دارد».

بی‌تردید این توصیف هوشمندانه پیر از چگونگی درک خارق العاده اندیشه، منطق و ماهیت خشونت انقلابی نزد شهید عماد مغنیه نتیجه ارزیابی و بازخوانی کارشناس سازمان سیا از یک رشته عملیات مسلحانه‌ای است که به حاج رضوان منتسب بوده، یا به تعبیری دیگر در نتیجه بررسی برخی از عملیاتی است که همه مردم می‌دانند که عماد شخصاً مجری آن‌ها بوده است. چون رفتار و شیوه اجرای خشونت انقلابی و حتی تعداد و هویت مقتولان این نوع عملیات‌ها، بی‌نظیر و منحصر به فرد عماد بوده است. با این وصف می‌توان تأکید کرد که ترس و دلهره وجود افراد آن گروه تروریستی آمریکایی را که از سال‌های نیمه هشتم قرن گذشته مأمور ترور شهید عماد مغنیه شده بودند، فرا گرفته بود که نکند خشونت انقلابی عماد هم شامل حال آن‌ها بشود و ایشان به آن‌ها هم دسترسی پیدا کنند. در حالی که هنوز تا آن مرحله چهره ظاهری و هویت عماد برای آن‌ها ناشناخته مانده بود.

رابرت پیر مأمور سیا روایت کرده که «چاک» یکی از همداستان او در آن گروه آمریکایی که بیهوده تلاش می‌کرد اطلاعاتی درباره عماد جمع آوری و او را ترور کند، به قدری دچار ترس و وحشت از عماد مغنیه شده بود که آپارتمان مسکونی خود را در شرق بیروت بمب‌گذاری کرد. چون چاک اغراق نمی‌گفت و واقعا به این باور رسیده که امکان دارد فرمانده مقاومت روزی به او دسترسی پیدا کند. شک ندارم که اگر عماد عملاً تصمیم گرفته بود چاک را به قتل برساند، هرگز آپارتمان بمب‌گذاری شده چاک که در آن زندگی می‌کرد مانع او نبود.

در حقیقت شهید عماد مغنیه و رهبری حزب الله فقط به ابعاد نظامی عملیات مقاومت توجه نداشتند. بلکه در درجه اول به پیامدهای روحی، معنوی و فرهنگی عملیات بر وجود کیان غاصب که آن را ابعاد غیر نظامی عملیات مسلحانه می‌خوانیم، اهمیت خاص قایل بودند که آقای سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله این راهکار را در جمله «سوزاندن آگاهی» دشمن خلاصه کرده است.



سازندگان اسطوره «وعده صادق»

## نصرالله: اسرائیل سست تر از لانه عنکبوت است

درآمد

در پی بی توجهی رژیم صهیونیستی به هشدارهای سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله برای آزادی بدون قید و شرط چهار تن از رزمندگان اسیر مقاومت اسلامی به اضافه شهید سمیر قنطار، اسیر ۳۰ ساله لبنانی در سیاهچال‌های فلسطین اشغالی، گروهی از رزمندگان مقاومت مأموریت یافتند تعدادی از نظامیان صهیونیست را در منطقه مرزی به اسارت بگیرند، تا آنان را با اسیران لبنانی مبادله کنند. فرماندهی این گروه را شهید خالد بزی به عهده داشت و به مدت چند ماه به شناسایی منطقه عملیات آینده در کنار سیم خاردار الکترونیکی مرزی در نزدیکی روستای عینا الشعب پرداخت. کار اطلاعات و عملیات و آموزش ایجاد شکاف در سیم خاردار برای عبور مجاهدان به مدت سه ماه زیر نظر شهید عماد مغنیه فرمانده مقاومت ادامه یافت تا عملیات اسیرگیری در شرایط مناسب به اجرا گذاشته شود. رزمندگان در شیارهای منطقه مرزی و زیر درختان برای خود سنگر و نقاط کمین ایجاد کردند تا دوربین‌های دشمن آن‌ها را شناسایی نکند. به هر حال صبر و حوصله بچه‌ها نتیجه داد و دو خودروی زرهی گشتی نظامیان صهیونیست بامداد روز ۱۲ ژوئیه سال ۲۰۰۶ به نقطه صفر مرزی نزدیک شدند و عملیات اسیرگیری این گونه آغاز شد، ناگفته نماند رزمندگانی که در عملیات «وعده صادق» شرکت داشتند در موقعیت‌های متفاوت به شهادت رسیدند که از نظرتان خواهد گذشت

«صبح به خیر... آخرین مأموریت گشتی است... امیدارم همگی شاد باشید». این اولین پیام ایهود گولد فاسر فرمانده گروه گشتی نظامیان اسرائیل بود که ساعت هشت و ۴۵ دقیقه به وسیله بیسیم به آگاهی سرنشینان خودروی زرهی پشت سر رسید. این تیم گشتی وظیفه داشت از سلامت سیم خاردار مرزی مراقبت کند. در همان حال گروه مراقبت مقاومت به وسیله دوربین پیشروی دو خودروی زرهی هامر دشمن در جاده ارتباطی میان دو مزرعه زرعی و شتولا به سمت نقطه مرزی شماره ۱۰۵ را زیر نظر گرفته بود. در آن سوی مرز واحد مراقبت مرزی اسرائیل مستقر در زرعی در ساعت هشت و ۵۵ دقیقه یک رزمنده مقاومت را شناسایی کرد که در فاصله نزدیک دو خودروی گشتی موشک انداز ضد زره بر دوش داشت، ولی بی تفاوت از آن گذشت. گولد فاسر در ساعت هشت و ۵۷ دقیقه برای آخرین بار با خودروی پشت سر تماس گرفت تا مطمئن شود که همراه اوست. مسیری که دو خودروی زرهی هامر در آن حرکت می کردند خاکی، پست و از نظر نظامی بی ارزش و از دید دوربین های سیم خاردار مرزی پنهان بود. در خاک لبنان هم اتاق مخصوص عملیات مقاومت لحظه به لحظه اوضاع را با دقت زیر نظر داشت.

شهید خالد بزی در حالی که به وسیله دوربین سرعت حرکت خودروهای گشتی هامر را ارزیابی می کرد، به رزمندگان خود دستور آماده باش برای شکافتن سیم خاردار مرزی داد. آن گاه با مسلسل به سیم خاردار نزدیک شد تا از نقطه صفر مرزی عملیات را فرماندهی کند. خالد همه واحدهای اقدام کننده را به حال آماده باش کامل در آورد و برای نزدیک شدن هدف لحظه شماری می کرد. شهید علی صالح توپ «بی ۹» خود را با گلوله ضد زره مسلح کرد تا با نزدیک شدن خودروهای زرهی دشمن، اولین خودرو را از کار بیندازد. سرعت گلوله این توپ ۸۰۰ متر در ثانیه است و برای این انتخاب شده بود تا آسیبی به سرنشینان خودروها وارد نیاید. چون دبیر کل حزب الله در سخنرانی سال ۲۰۰۴ اعلام

**خودروها به نقطه کمین نزدیک شدند و شهید خالد بزی بیدرنگ دستور آتش و یورش صادر کرد. شهید علی صالح در ساعت ۹ و یک دقیقه بارمز «یا رسول الله» آغاز عملیات «وعده صادق» را اعلام و همزمان با شلیک گلوله توپ «بی ۹» یکی از خودروها را مورد اصابت قرار داد**

فرماندهی را با بمب کنترل از راه دور منفجر کرد تا اسرائیلی ها با هیچ دلیل و مدرکی به سرنوشت اسیران، دسترسی پیدا نکنند. رزمندگان به همراه اسیران شان به وسیله یک دستگاه خودروی شخصی که منتظرشان بود، در عرض چند دقیقه بکلی از منطقه ناپدید شدند.

شهید خالد بزی در ساعت ۹ و شش دقیقه گوشی تلفن را برداشت و با اتاق فرماندهی مقاومت تماس گرفت و گفت: «به دوست مان بگوئید که امانتی در اختیار ماست». آن گاه به دبیر کل حزب الله اطلاع داده شد که عملیات با موفقیت به پایان رسید و نیروهای مقاومت سالم به پایگاه شان بازگشته اند. در مورد اسیران هم اطلاع داده شد که «دو سرباز اسیر اسرائیلی بیهوش هستند». اتاق عملیات مرکزی مقاومت به محض دریافت این خبر به اتاق پیگیری حوادث فوق العاده که از قبل مشخص شده بود انتقال یافت. افراد ذریط احضار شدند و کارها به سه بخش پیگیری عملیات اسیرگیری، بخش پیگیری واکنش دشمن و بخش آماده باش نظامی تقسیم شد. آقای نصر الله در مرحله اول لزومی ندانست که آماده باش واحدهای نظامی علنی باشد.

پس از حصول اطمینان از بازگشت رزمندگان عمل کننده به لبنان یگان پشتیبانی توپخانه مقاومت، طول خط مرزی فلسطین اشغالی را زیر آتش توپخانه و خمپاره انداز قرار داد تا دشمن را از احتمال ورود به لبنان برای آزادی اسیران باز دارد. ابراهیم الحاج از پایگاه رامیه مشرف به منطقه عملیات اسیر گرفتن مراقبت به عمل می آورد تا از احتمال پیشروی دشمن جلوگیری کرده باشد.

در آن سوی مرز فرمانده گروهان مرزی ارتش اسرائیل به فرمانده گردان منطقه گزارش داد که پیام «مورد حمله قرار گرفتیم» شنیده شده است. پیام را سرباز فراری از چنگال رزمندگان مقاومت فرستاده بود.

کرده که حزب الله اسیران زنده از اسرائیل خواهد گرفت. شهید علی صالح هم گلوله زن ماهری بود و به همین خاطر در این عملیات انتخاب شده بود. خودروها به نقطه کمین نزدیک شدند و شهید خالد بزی بیدرنگ دستور آتش و یورش صادر کرد. شهید علی صالح در ساعت ۹ و یک دقیقه با رمز «یا رسول الله» آغاز عملیات «وعده صادق» را اعلام و همزمان با شلیک گلوله توپ «بی ۹» یکی از خودروها را مورد اصابت قرار داد. رزمندگان دیگری سه گلوله «بی ۷» به سوی هامر اول شلیک کردند و آن را از کار انداختند. گروه دیگری از رزمندگان به فرماندهی بلال خیر الدین با مسلسل سنگین مأموریت تأمین سایر بچه ها را داشتند. در همان حال گلوله های ضد تانک، به خودروی هامر دوم اصابت کرد و راننده آن در دم به هلاکت رسید و دو نظامی دیگر که در صدد فرار بودند با آتش مسلسل هلاک شدند. در این لحظه شهید خالد بزی از گروه مهندسی خواست با بمب در سیم خاردار مرزی شکاف ایجاد کنند تا بچه ها وارد فلسطین اشغالی شوند و هرچه سریعتر نظامیان زنده مانده اسرائیلی را به لبنان انتقال دهند.

در عرض چند ثانیه شهید حمزه حیدر و شش تن از رزمندگان در سایه تأمین آتش به سوی خودروی فرماندهی شتافتند و با دو نظامی در حال فرار به سوی درختان نزدیک منطقه عملیات مواجه شدند. شهید عباس کورانی به سوی آنان آتش گشود که یکی شان هلاک و دومی با وجودی که زخمی شده بود توانست از منطقه دور شود. وقتی رزمندگان به خودروی زرهی فرماندهی رسیدند، هنوز ایهود گولد فاسر والداد ریگیف نیمه جان در خودروی خویش بودند. رزمندگان آن دو را از دست و پا برداشتند و دوان دوان به سوی مرز لبنان شتافتند. یکی از رزمندگان، خودروی زرهی





روز موعود برای آزمون بزرگ در ۱۲ ژوئیه سال ۲۰۰۶ فرارسید و رزمندگان می‌بایستی امتحان پس دهند. بار دیگر در برابر دشمن بیرحم مجرمه‌های خود را به خدا سپردند و مانند درختان کاج قله‌های استوار لبنان با صلابت در برابر قاتلان پیامبران ایستادند و جاودانگی درخشان آفریدند

## تعدادی از فرماندهان شهید اسطوره «وعده صادق»

کمک مستضعفان آن سرزمین شتافته بود. شهید علی فیاض چند روز پیش از آغاز عملیات «وعده صادق» با توجه به شناختی که از روش‌های جنگ چریکی با دشمن داشت، مسئولیت روستاهای محور ساحلی جنوب لبنان به ایشان واگذار گردید. در این محور پایگاه‌های متعدد مقاومت از جمله پایگاه روستای کفرا وجود دارد.

همزمان با آغاز مسئولیت جدید شهید علی فیاض در روستای کفرا تهاجم زمینی دشمن از محور عینا الشعب در نزدیکی مکان به اسارت درآمدن دو نظامی صهیونیست به ارتفاعات استراتژیک روستاهای منطقه آغاز شد. فیاض با همکاری رزمندگان مستقر در منطقه بیدرنگ طرح دفاعی به اجرا گذاشت و با نصب کمین و مین گذاری و آماده سازی سلاح‌های ضد زره عملیات کیفی مقابله با مهاجمان را شروع کرد. وقتی که اتاق عملیات مقاومت برای ارسال مهمات و تجهیزات به روستاهای رشاف و صربین با مشکل مواجه شد، شهید فیاض نقش امداد رسانی لجستیک را ایفا کرد. این شهید بزرگوار و رزمندگان همراه او تا زمان توقف جنگ در روز ۱۴ اوت در منطقه پایدار ماندند و به دشمن اجازه پیشروی در سرزمین مقاوم لبنان را ندادند.

۲- خالد احمد بزّی در سال ۱۹۶۹ در شهر بنت جبیل تولد یافت و در جنگ ۳۳ روزه در همین شهر آسمانی شد. شهر مقاوم و حماسه ساز بنت جبیل همیشه متجاوزان را رو سیاه کرده است. یک بار در سال ۲۰۰۰ پس از آزادی جنوب، سید حسن نصر الله در این شهر سخنرانی تاریخی و ماندگار داشت و در آن «اسرائیل را سستر از خانه عنکبوت» توصیف کرد. بار دوم هنگامی که شهید خالد بزّی در ژوئیه سال ۲۰۰۶ جنگ پایداری و حماسی را در بنت جبیل مدیریت کرد. متجاوزان در طول ۳۳ روز جنگ بیرحمانه کوشیدند این شهر را در عرض ۴۸ ساعته اشغال کنند و با برافراشتن پرچم اسرائیل در ورزشگاه آن، برای خود اعاده اعتبار نمایند. ولی رزمندگان مقاومت به فرماندهی خالد بزّی (فرمانده عملیات اسارت دو نظامی اسرائیلی) نظامیان متجاوز را پشت دروازه‌های شهر نگه داشتند. خانه‌های شهر در طول جنگ ۳۳ روزه به وسیله هوایم‌های دشمن بکلی

فرماندهان شهید جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶، مردان رستگاری بودند که از ششم ژوئن سال ۱۹۸۲ در سن جوانی تفنگ به دست گرفتند و در میادین گوناگون نبرد با متجاوزان صهیونیست در همواری‌ها و ناهمواری‌های سرزمین جنوب لبنان، در تابستان سوزان و زمستان یخبندان پیروزی‌های پی در پی درخشان آفریدند. محاسن سفید کردند و با کسب تجربیات گران‌بهای رزم با نظامیانی که برای «پیک نیک» به لبنان آمده بودند، به سطوح فرماندهی درجه یک بهترین ارتش‌های جهان ارتقا یافتند.

سرانجام روز موعود برای آزمون بزرگ در دوازدهم ژوئیه سال ۲۰۰۶ فرارسید و می‌بایستی امتحان پس دهند. بار دیگر در برابر دشمن بیرحم و گستاخ مجرمه‌های خود را به خدا سپردند و مانند درختان کاج قله‌های استوار لبنان با صلابت در برابر قاتلان پیامبران ایستادند و جاودانگی درخشان آفریدند. با شمشیرهای برآن خود به دشمن اجازه ندادند به اندازه یک قدم در خاک لبنان پیشروی کند. با عهدی که با آفریدگار خویش بسته بودند وفادار ماندند و مسیر پیروزی یا شهادت را ادامه دادند. برخی از این سرو قامتان در سرزمین جنوب و در رویارویی با متجاوزان به درجه رفیع شهادت رسیدند و تعدادی هم در همین مسیر و در جبهه‌های عراق و سوریه در نبرد با تکفیری‌های وهابی همدست اسرائیل شهید شدند. منتها اسطوره سازی آنان در جنگ وعده صادق به یاد ماندنی است.

۱- شهید علی احمد فیاض مشهور به «علاء البوسنه» در سال ۱۹۷۰ در روستای انصار در جنوب لبنان تولد یافت و در سال ۲۰۱۶ در شهر حلب در سوریه به شهادت رسید. فرمانده بزرگ و ارشد مقاومت شهید مصطفی بدر الدین در توصیف هم‌رزم ۴۶ ساله خود علاء البوسنه گفته بود: «اگر خانه‌های همه اعراب را جست و جو کنیم، شجاع‌تر از علی احمد فیاض پیدا نخواهیم کرد». شهید فیاض در دوران زندگی جهادش مأموریت‌های سختی انجام داد که یکی از آن‌ها تأسیس واحد نیروی مخصوص کماندویی مقاومت بود. شهرت علاء البوسنه از آن‌جا ناشی شد که در زمان آغاز بحران بوسنی و هرزگوین به

یگان مستقر در منطقه بیهوده تلاش کرد با سرنشینان دو خودروی گشتی منهدم شده تماس بگیرد. پس از گذشت ۲۶ دقیقه از پایان عملیات فرمانده گردان از فرمانده تیپ مستقر در منطقه اجازه خواست اطراف منطقه عملیات را زیر باران گلوله قرار دهد تا شاید از دور شدن نیروهای اسیر گرفته جلوگیری به عمل آورد. فرماندهی ارتش اسرائیل در منطقه تصمیم گرفت با اعزام یک دستگاه تانک به منطقه عینا الشعب رزمندگان حزب الله را تعقیب کند. از راننده تانک خواسته شد برای در امان ماندن از مین‌های احتمالی کار گذاشته شده توسط نیروهای مقاومت، از مسیرهای جانبی حرکت کند.

فرماندهی مقاومت همه پیش‌بینی‌ها را از قبل به عمل آورده بود و در مناطقی که احتمال می‌رفت دشمن از مسیرهای انحرافی رزمندگان را تعقیب کند، در برابر دید دوربین‌های سیم خاردار مین کار گذاشتند که این پیش‌بینی بسیار دقیق و به جا بود. در ساعت ۱۱ فرماندهان ارتش اسرائیل در حضور ایهود اولمرت نخست‌وزیر و عمیر پیرتز وزیر دفاع در ساختمان ستاد مشترک در قدس جلسه اضطراری تشکیل دادند و به صورت زنده تصاویر صحنه عملیات را در منطقه مرزی تماشای می‌کردند. در آن لحظات تانک مرکاوا چهار به سوی ارتفاعات مرزی در خاک لبنان به حرکت درآمد. تنها پنج متر پیشروی نکرده بود که در برابر دیدگان فرماندهان ارشد ارتش روی مین رفت و بر جک آن به آسمان پرتاب شد و شاسی آن در زمین فرو رفت. در شرایطی که عملیات اسیرگیری، و انهدام تانک مرکاوا مقام‌های سیاسی و نظامی اسرائیل را شوکه کرده بود، رزمندگان مقاومت اسیران صعب‌العلاج را به منطقه امن انتقال دادند و تلاش‌های پزشکان معالج نتوانست حیات دوباره به آنان ببخشد. در نتیجه نهایی این عملیات شش دقیقه‌ای، هشت نظامی اسرائیلی به هلاکت رسیدند و دوتن اسیر شدند. مهمترین دست‌آورد این عملیات برپاد رفتن نقشه خاورمیانه جدید و پیروزی شکوهمند حزب الله بود.



عملیات رزمی نیروهای نخبه و بسیجی و سایر تشکیلات و هماهنگی با اتاق عملیات مقاومت را از این محله فرماندهی می‌کرده است.

در روزهای نیمه دوم جنگ و دقیقا در اوایل ماه اوت سال ۲۰۰۶، واحد اطلاعات و عملیات عینا الشعب به ابراهیم الحاج اطلاع داد که تعدادی از نظامیان اسرائیلی به داخل روستا رخنه کرده‌اند. ایشان فوری عازم محل شد و گروهی از صهیونیست‌ها را یافت که در گاراژی سنگر گرفته‌اند. بیدرنگ به سوی آنان آتش گشود و آنان را هلاک یا زخمی کرد. اما شهید ابراهیم الحاج از ناحیه پا مورد اصابت گلوله قرار گرفت. شخصا پای خود را پانسمان کرد و به منظور حفظ روحیه رزمندگان اصرار داشت کسی از مجروحیت او اطلاع نیابد. رزمندگان عینا الشعب به فرماندهی ابو محمد سلمان شجاعانه جنگیدند و به دشمن اجازه ندادند هویت مقاوم روستا را لوث کنند. چون ایشان روش دفاعی جدیدی را با استفاده از پایگاه‌های موشکی ضد زره مستقر در اطراف روستا به کار برده بود. این روش قبل از آغاز جنگ «وعده صادق» معمول نبوده است. به همین دلیل شهید ابراهیم الحاج عنوان کلید اسطوره‌ای مقاومت در جنوب لبنان را به خود اختصاص داد. روایت شده که فرماندهی مقاومت در روزهای جنگ برای ابو محمد سلمان پیام کتبی ارسال کرد و از مقاومت وصف ناپذیر او قدردانی کرد. فرماندهی مقاومت در آن پیام از او پرسید که آیا می‌تواند به استقامت و جنگ ادامه دهد؟ ایشان در پاسخ نوشت: «می‌توانیم تا آخرین نفس بجنگیم. این جا روحیه بچه‌ها خیلی بالاست». ابو محمد در ذیل نامه خطاب به سید حسن نصرالله نوشت: «مردانی دارید که از لشکر دشمن هراس ندارند. سرورم... بدان که به نمایندگی از سوی رزمندگان عینا الشعب اعلام می‌کنم که همه شهادت طلب هستیم و تا آخرین نفس با دشمن می‌جنگیم».

۵- شهید علی الهادی العاشق مشهور به «حاج عباس العاشق» در سال ۱۹۷۳ در روستای العین در استان بعلبک در شرق لبنان تولد یافت و در سال ۲۰۱۷ در محور عملیاتی تدمر سوریه شهید شد. سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله در توصیف کارآمدی شهید علی العاشق او را «نماد سازندگی قدرت و آمادگی مقاومت» معرفی کرده است. العاشق از سن نوجوانی به صفوف منسجم و یکپارچه مقاومت اسلامی پیوست

وسعی از ساحل جنوب در امتداد شهر صور تا بندر ناقوره می‌باشد، که ایشان در این مأموریت هم سربلند بیرون آمد. چون ابو محمد الاقلیم به منظور رویارویی با تجاوز احتمالی دشمن به منطقه ساحلی جنوب، طرح‌های عملیاتی برای هر کدام از تشکیلات مستقر در محورهای یاد شده تدارک دید و مأموریت‌های همه جانبه یگان مستقر در منطقه و نیازهای تسلیحاتی آن‌ها را مشخص نمود.

حسن الحاج در نخستین روز آغاز جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ مأموریت جدید خود را تحویل گرفت و اتاق پیگیری عملیات منطقه را در یکی از خانه‌های روستای القلیله در جنوب شهر صور قرار داد. چند روز نگذشت که فرمانده محور منطقه شهرک ساحلی و مرزی الناقوره مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت و ابو محمد الاقلیم افزون بر فرماندهی سرتاسر منطقه، شخصا فرماندهی محور الناقوره را نیز به عهده گرفت. با پیشروی دشمن به سوی روستای البیاضه جنگ سختی میان مدافعان و مهاجمان شروع شد. در این شرایط شهید حسن الحاج به رزمندگان مقاومت دستور داد در طول جاده آسفالته ساحلی برای خود سنگر حفر کنند و برای رویارویی با عملیات هلی برد احتمالی دشمن کمین بگذارند. ایشان همچنین به جبهه‌های الناقوره، البیاضه، طیرحرفا و مجدل زون نیروهای کمکی، تجهیزات و موشک‌های ضد زره ارسال کرد و جنگ تن به تن میان رزمندگان مقاومت با متجاوزان را در جبهه البیاضه مدیریت کرد. یکی از فرماندهان مقاومت در بیان خاطراتش از جنگ ۳۳ روزه نقل کرده که ابو محمد الاقلیم در جریان درگیری‌های اطراف روستای مرزی اللبونه گروه‌های شهادت طلب اعزام کرد و در عین حال بر حملات موشکی مقاومت به اهداف دشمن در فلسطین اشغالی نظارت داشت.

۴- شهید ابراهیم محمود الحاج در سال ۱۹۷۰ در روستای مشغره در جنوب لبنان به دنیا آمد و در سال ۲۰۱۴ در منطقه الضابطیه عراق به درجه رفیع شهادت نایل آمد. در اوپسین روزهای جنگ ۳۳ روزه مردم جنوب به خصوص اهالی روستای مرزی عینا الشعب، ابراهیم الحاج را با نام جهادی «ابو محمد سلمان» شناختند. شهید ابراهیم الحاج مأموریت تأمین نیروهای مخصوص مقاومت را به عهده داشت و فرماندهی مقاومت پس از توقف جنگ ایشان را در همان روستا ابقا کرد تا یگان‌های نظامی مستقر در منطقه را در برابر هجوم احتمالی اشغالگران فرماندهی کند. ابراهیم الحاج در روزهای جنگ «وعده صادق» طرح دفاع از عینا الشعب، حفظ میزان آمادگی، آرایش نیروهای مقاومت و تأمین ذخیره و تجهیزات برای آنان را به عهده داشت. در عین حال مسئولیت خاکسپاری پیکرهای شهدا و رسیدگی به اوضاع زخمی‌ها و اداره امور اهالی ماندگار در روستا را به عهده گرفت. شهید ابو محمد الحاج برای ایستادگی در برابر مهاجمان صهیونیست و توقف پیشروی آنان به روستای عینا الشعب، خطرناکترین بخش روستا «محلّه مصیلح» را مرکز فرماندهی خود قرار داده بود و

## این فرمانده سلحشور در نخستین روزهای جنگ نیروهای خود را در محور کوهستانی عیناتا- بنت جبیل- عیترون- مارون الراس، معروف به مربع آزادی مستقر کرد و از پیشروی نیروهای دشمن به سمت بنت جبیل جلوگیری به عمل آورد

ویران شد، ولی خالد عملیات دفاعی را از یک خانه کلنگی قدیمی مدیریت کرد.

در ادامه گلوله باران و بمباران شدید بنت جبیل، زندگی در آن ناممکن شده بود. به همین علت فرماندهی کل عملیات جنگ ژوئیه از شهید خالد بزی خواست از منطقه عقب نشینی کند. ایشان این درخواست را رد کرد و در حضور هم‌زمان خود گفت: «شهید شدن در زیر زنجیر تانک‌های دشمن را بر عقب نشینی ترجیح می‌دهم». خالد در طول روزهای جنگ ضربات کوبنده بر پیکر یگان‌های متجاوز به بنت جبیل وارد آورد و آنان را از نفوذ به زادگاه خود ناکام کرد. این فرمانده سلحشور در نخستین روزهای جنگ نیروهای خود را در محور کوهستانی عیناتا- بنت جبیل- عیترون- مارون الراس، معروف به مربع آزادی مستقر کرد و از پیشروی نیروهای دشمن به سمت بنت جبیل جلوگیری به عمل آورد. دشمن سپس کوشید خود را از محور تله مسعود و گراند پالاس به بنت جبیل برساند که بار دگر با واکنش سریع رزمندگان مقاومت رو به رو شد. نیروهای نخبه مقاومت در این جبهه ضمن وارد آوردن ضربات مهلک به متجاوزان در گراند پالاس، کوشیدند تعدادی از آنان را هم به اسارت بگیرند. دشمن که در تصرف شهر مقاومت بنت جبیل ناکام مانده بود، روز ۲۸ ژوئیه تصمیم گرفت آن را با خاک یکسان کند. با این وصف عملیات وحشیانه بمباران آغاز شد و ۸۰٪ خانه‌های بنت جبیل منهدم شدند که یکی از آن خانه‌ها بر پیکر خالد بزی فرود آمد. ۳- شهید حسن محمد الحاج در سال ۱۹۶۴ در روستای اللویزه واقع در ارتفاعات اقلیم التفاح در جنوب لبنان دیده به جهان گشود و در سال ۲۰۱۵ در درگیری با مزدوران تکفیری در منطقه سهل الغاب در نزدیکی حمه در شمال سوریه به شهادت رسید. به همین دلیل شهید حسن الحاج به «ابو محمد الاقلیم» شهرت یافته بود. ایشان یکی از رزمندگان نسل اول مقاومت و نیز یکی از فرماندهان برجسته واحدهای آموزشی مقاومت از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۰۴ به شمار می‌رفت که هزاران رزمنده جان بر کف زیر نظر ایشان تربیت شدند. شهید حسن الحاج نظر به تجربیات فراوانی که در نبرد با اشغالگران در اقلیم التفاح داشت، دو سال از قبل از جنگ ژوئیه به فرماندهی نظامی مقاومت در بخش غربی جنوب لبنان منصوب شد. بخش غربی دربرگیرنده منطقه

■ شهید علی العاشق



رژیم صهیونیستی به اسارت بگیرد، شهید حاتم حماده در روز ۱۲ ژوئیه سال ۲۰۰۶ مسنولیت گروه آتشبار سنگین را به عهده گرفت تا نیروهای عمل کننده را پوشش دهد. در پایان عملیات بیدرنگ به اتاق عملیات مرکزی مقاومت در ضاحیه جنوبی بیروت پیوست. اما در طول جنگ ۳۳ روزه و بر حسب نیاز به مناطق جنوب و بقاع تردد می کرد. اوضاع جبهه های جنگ را با دقت پیگیری و ارزیابی می کرد و به فرماندهان جبهه ها مشورت می داد. حاج علاء افزون بر حفظ مسنولیت نا متمرکز یگان های ضد هوایی در سرتاسر لبنان در زمینه استقرار یگان های موشکی در اماکن مناسب هم تخصص داشت. به طور مثال روزی که احساس کرد دشمن با بمباران محوری در جنوب لبنان به وسیله هواپیماهای بدون سرنشین در صدد هلی برد بر آمده است از رزمندگانی خواست با آتشبار ضد هوایی روی تپه مریمین در غرب روستای یاطر بایستد و هواپیماهای دشمن را هدف قرار دهد. این پیش بینی خیلی دقیق بود و دیری نپایید که یک فروند بالگرد شینوک در آسمان منطقه عملیات ظاهر شد و رزمنده مزبور با موشک «وعد» بالگرد را با سرنشینان آن سرنگون کرد.

۸- شهید محمد حسن قانصو در سال ۱۹۶۶ در شهرک الدویر در جنوب لبنان متولد شد و در سن ۲۰ سالگی به تشکیلات مقاومت پیوست و سرانجام در سال ۲۰۰۶ در جبهه بیت یا حون در جنوب به درجه رفیع شهادت نایل آمد. مجاهدان مقاومت، محمد قانصو هم رزم ۴۰ ساله خود را «ساجد الدویر» یا «ساجد نیروی مخصوص» می نامیدند. ایشان در طول ۲۰ سال خدمت در صفوف مقاومت به عنوان رزمجو، دیده بان و رزمنده اطلاعات و عملیات تخصص های نظامی ارزشمندی به دست آورد و قبل از آزاد سازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ نقش مهمی در تشکیل هسته اولیه نیروی مخصوص ایفا کرد، و به فرماندهی آن منصوب شد.

فرماندهی کل مقاومت در سال ۲۰۰۵، شهید محمد قانصورا مأمور کرد با همکاری گروهی از رزمندگان تعدادی از نظامیان صهیونیست را در محور شرقی روستای العجبر به اسارت در آورد. هر چند عملیات به علت نقص فنی غیر مترقبه ناکام ماند، ولی این ناکامی هیچ خللی در اراده و روحیه خستگی ناپذیر ساجد الدویر به وجود نیاورد. بلکه به او انگیزه داد تا فرماندهی گروه مراقبت و برخورد با پایگاه های دشمن را هنگام

خاطر وظیفه حساسی که در کادر فرماندهی مقاومت از ابتدای تأسیس آن داشت، همواره مورد تعقیب دشمن بود ایشان در جریان جنگ «وعده صادق» مأموریت پیگیری و نظارت بر سیستم های ارتباطی و سامانه های الکترونیکی مقاومت را به عهده داشت. از سوی دیگر نظر به این که منطقه ضاحیه روزانه هدف بمباران های بی وقفه جنگنده بمب افکن های دشمن قرار می گرفت، اللقیس ناگزیر بود برای رد گم کردن اماکن کار خود را تغییر دهد. مسنولان مقاومت این شهید بزرگوار را فرمانده جنگ الکترونیکی، پخش پارازیت و راهنمای فرماندهان در زمینه ارتباطات در طول جنگ ۳۳ روزه یاد کرده اند.

اللقیس در سال های پس از جنگ با آگاهی از مسنولیت حساسی که به عهده داشت، خیلی با احتیاط رفت و آمد می کرد تا هیچ سرنخی از موقعیت خود به دشمن بیرحم ندهد. چون اطلاع داشت که سرویس های امنیتی و اطلاعاتی دشمن از سال ها پیش در تعقیب او هستند و چند بار تلاش کرده بودند او را ترور کنند. فرماندهی اطلاعاتی مقاومت در این خصوص ترجیح داده که هدف بمباران اطراف کلیسای مار مخایل در بخش جنوبی ضاحیه در اوایل ماه اوت سال ۲۰۰۶ حسان اللقیس بوده است. در روزهای جنگ و حماسه خانه ای را در یک ساختمان چند طبقه برای سکونت در خیابان الحجاج در منطقه الشیاح انتخاب کرد. ولی جنگنده های دشمن روز هفتم اوت ساختمان را بر سر ساکنانش منهدم کردند. شهید حسان اللقیس در آن لحظه برای انجام کاری بیرون از خانه بود، ولی علی الرضا فرزند اللقیس در آن بمباران به شهادت رسید. پس از جنگ هم تلاش های رژیم صهیونیستی برای تعقیب و ترور این مغز خلاق و دشمن شکن متوقف نشد. به خصوص که در زمینه ابتکارات هوشمندانه مأموریت جدید و حساسی به حسان موکول شده بود که دشمن از طریق وسایل ارتباطی آن را شناخته بود. سرانجام عوامل تروریست دشمن در شامگاه روز سوم دسامبر سال ۲۰۱۳ خانه مسکونی حسان اللقیس را در منطقه الحدث شناسایی کردند و ایشان را با چند گلوله به وسیله کلت صدا خفه کن به شهادت رساندند.

۷- شهید حاتم ادیب حماده در سال ۱۹۷۱ در شهرک قماطیه در منطقه کوهستانی شرق بیروت دیده به جهان گشود و در سال ۲۰۱۶ در جنگ با دژخیمان تکفیری در شهر حلب در شمال سوریه به شهادت رسید.

شهید حماده مهندس ماهر رشته برق بود و کسی که او را نمی شناخت به دلیل تواضع و محجوب بودنش، تشخیص نمی داد که یک فرمانده عملیاتی است. حاتم با کتبه جهادی «حاج علاء» همیشه در جلسات برنامه ریزی عملیات نظامی و نیز هوشمندانه در میادین رزم حضور داشت. فرمانده شجاع، دلآور و زیرکی بود که با آغاز بحران سوریه نقش چشمگیری در تعقیب تروریست های تکفیری در رشته کوه های شرقی لبنان و القلمون ایفا کرد.

وقتی حزب الله تصمیم گرفت تعدادی نظامی اسرائیلی را در منطقه عینا الشعب برای مبادله با اسیران لبنانی در بند

و در مسیر جهادی خود تلاش های دامنه داری برای بنیانگذاری و توسعه قدرت نیروی مخصوص و ضربتی مقاومت قبل از پیروزی سال ۲۰۰۰ به عمل آورد. حاج عباس العاشق در جنگ «وعده صادق» به یکی از فرماندهان عملیاتی تبدیل شد. فرمانده شهید ساجد الدویر، در پایان عملیات اسارت دو نظامی صهیونیست در منطقه عینا الشعب در روز ۱۲ ژوئیه، شهید علی الهادی را از منطقه بعلبک به جنوب احضار و فرماندهی مثلث دیر قانون النهر را به او واگذار کرد. این شهید بزرگوار پس از گذشت یک هفته از جنگ از مأموریت جدید خود در پشت جبهه که با خطوط مرزی فاصله دارد، ابراز ناراضیاتی کرد. ساجد الدویر در تماس تلفنی با نامبرده گفت «آن چه خدا برای تو مقدر فرموده بپذیر». سرانجام، العاشق در روز ۱۹ ژوئیه به حاجت خود رسید. در آن برهه که درگیری های سختی در محور مارون الراس جریان داشت، فرماندهی مقاومت از حاج عباس العاشق خواست با هماهنگی سایر فرماندهان منطقه و نیروهای مخصوص جبهه شهر بنت جبیل را تقویت کند. چون روستای مارون الراس منطقه مرزی بلندی است که در مربع آزادی واقع شده است. مارون الراس از سمت جنوب بر سرزمین فلسطین اشغالی و از سمت شمال به شهر بنت جبیل اشرف دارد. همانگونه که پیشتر اشاره شد محورهای بنت جبیل، عیترون، عیناتا و مارون الراس مربع آزادی را تشکیل می دهند. عباس العاشق در سایه حملات مستمر هوایی و توپخانه ای ارتش رژیم صهیونیستی، در این منطقه استقرار یافت و به کمین نیروهای زمینی دشمن نشست. مقاومت دلیرانه ایشان در این محور تا زمان توقف جنگ، فرماندهی مقاومت را شگفت زده کرد. داستان حماسه سازی علی الهادی العاشق به این جا ختم نمی شود. ایشان از فرماندهان پیشگام حزب الله در سوریه بود که نقش چشمگیری در آزاد سازی القصیر، حلب و رشته کوه های شرقی لبنان از دست گروه های جنایتکار تکفیری داشت. سرانجام در نبردهای سال گذشته منطقه باستانی تدمر به فیض شهادت نایل آمد.

۶- شهید حسان اللقیس، رفیق راه دبیر کل حزب الله در سال ۱۹۶۲ در شهر بعلبک در شرق لبنان متولد شد و در سال ۲۰۱۳ در ضاحیه جنوبی بیروت توسط عوامل موساد وابسته به رژیم صهیونیستی ترور شد. اللقیس به

ابو محمد در ذیل نامه خطاب به سید حسن نصرالله نوشت: «مردانی دارید که از لشکر دشمن هراس ندارند. سرورم... بدان که به نمایندگی از سوی رزمندگان عینا الشعب اعلام می کنم که همه شهادت طلب هستیم و تا آخرین نفس بادشمن می جنگیم».

**روزی که احساس کرد دشمن در  
صدد هلی برد بر آمده است از  
رزمنده‌ای خواست با آتشبار ضد  
هوایی روی تپه مریمین بایستد و  
هوایماهای دشمن را هدف قرار  
دهد. این پیشبینی خیلی دقیق  
بود و دیری نیابید که یک فروند  
بالگرد شینوک در آسمان منطقه  
عملیات ظاهر شد و رزمنده مزبور  
آن سرنگون کرد**

اجرای عملیات «وعده صادق» در نزدیکی روستای عینا الشعب در روز ۱۲ ژوئیه سال ۲۰۰۶ به عهده گیرد. شهید قانصو در پایان این عملیات موفقیت آمیز و آغاز جنگ ۳۳ روزه چند روزی در شهر صور منتظر صدور دستورات بعدی فرماندهی کل ماند. آن‌گاه به او مأموریت داده شد به جبهه بنت جبیل ملحق شود و در کنار هم‌رزمش شهید خالد بزی و سایر فرماندهان مستقر در محور بنت جبیل - بیت یاخون - عیناتا از نفوذ مهاجمان به خاک لبنان جلوگیری به عمل آورد. شهید ساجد الدویر در جنگ ۳۳ روزه دو بار زخمی شد. یک بار در جریان درگیری تن به تن در همان محور زخمی شد و صهیونیست‌ها به گمان این‌که ایشان به شهادت رسیده برای سیستم‌های مخابراتی مخصوص مقاومت پارازیت فرستادند که ما ساجد الدویر را به قتل رسانده‌ایم. بار دوم، ساجد الدویر یک هفته مانده به پایان جنگ مأموریت یافت به بیت یاخون انتقال یابد و از آن جبهه جنگ دفاعی را اداره کند. در مسیر حرکت از بنت جبیل به سوی بیت حانون از ناحیه پا بار دگر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و عملیات ممانعت از ورود اشغالگران به بنت جبیل را به نحو مطلوب مدیریت کرد. بار سوم اصابت ساجد الدویر کشنده بود و او را آسمانی کرد. به رزمندگانی که به همراه ایشان بودند وصیت کرد «به مقاومت ادامه دهند و پیروزی بسیار نزدیک است. به دشمن اجازه ندهند پیکرش را به فلسطین ببرد».

۹- شهید ناصر أحمد العیتاوی با کنیه جهادی «حاج ابو الفضل» در سال ۱۹۷۲ در روستای اللبوه از توابع شهرستان بعلبک دیده به جهان گشود و در سال ۲۰۰۸ در بیروت به شهادت رسید. ایشان فرمانده بلند پایه و یکی از چهره‌های برجسته و آموزگار واحدهای آموزشی نیروهای مقاومت اسلامی به شمار می‌رفت. پیش از عملیات «وعده صادق» و جنگ ۳۳ روزه مسئولیت آموزش و آمادگی نیروهای مخصوص را به عهده داشته است. فرماندهی کل مقاومت در روز سوم جنگ از شهید ناصر العیتاوی خواست در رأس گروهی از نیروهای آموزگار عازم جبهه جنوب و استقرار در منطقه بقاع غربی شود. به مدت هفت روز در بقاع غربی استقرار یافت و به فرماندهان محوره‌های منطقه مشورت و طرح‌های

عملیاتی ارائه می‌داد و شخصاً در زمینه بمب گذاری و نصب کمین شرکت می‌کرد. چند روزی نگذشت که فرماندهی مقاومت به ناصر العیتاوی مأموریت داد در بیروت مستقر شود و تعدادی از نیروها را به چگونگی استفاده از موشک‌های ضد زره «بی ۲۹» آموزش دهد. ایشان یکی از معدود افرادی بود که از وجود چنین سلاحی آگاهی داشت و شیوه استفاده از آن را می‌شناخت. کار آموزش افراد و انتقال و توزیع این نوع موشک در محوره‌های جنگ فوری به پایان رسید. در شانزدهمین روز جنگ، فرمانده شهید حاج ناصر العیتاوی وارد شهر نبطیه در جنوب و از آن‌جا به اتفاق همراهان عازم جبهه مشروع الطیبه شد. با وجودی که در مسیر خود چند بار مور حملات هوایی دشمن قرار گرفت، اما پس از استقرار در جبهه مشروع الطیبه کار فرماندهی و مدیریت جنگ را به صورت حرفه‌ای مانند تقویت نیروهای رزمی، استقرار نیروهای کمین و نیز آرایش موشک‌های ضد زره را تا آخرین روز پایان جنگ ادامه داد. حاج ابو الفضل پس از جنگ و به دستور شهید عماد مغنیه تشکیلات «نیروهای اقدام سریع» را از میان رزمندگان نخبه مقاومت به وجود آورد و تا روز شهادت فرماندهی آن را به عهده داشت.

۱۰- روستای مرزی عینا الشعب زادگاه شهید محمد وهبی سرور است که در سال ۱۹۷۰ در آن به دنیا آمده و پرورش یافته است. محمد وهبی در اجرای مسئولیت‌های عملیاتی‌اش همیشه پشت پرده و پنهانی کار کرده است. در فرهنگ نظامی مقاومت به «حاجی جهاد پشتیبان»، یعنی پشتیبانی لجستیکی شهرت داشت. شاید بتوان گفت که ایشان رکن اساسی یک ارتش قدرتمند جهانی بود که ساختار قدرت نظامی مقاومت زیر نظر ایشان شکل گرفته است. افزون بر آن در سازماندهی اطلاعات و عملیات و نیروی انسانی نقش پیشتاز و فعال بازی می‌کرده است. فرماندهان مقاومت بر این باورند که عامل اصلی موفقیت هر عملیات کیفی و با هر حجمی شهید محمد وهبی بوده است.

چون «حاجی جهاد» یکی از فرماندهان ستاد پشتیبانی مقاومت بود، تأثیر گذاری ایشان در عملیات آزاد سازی جنوب در سال ۲۰۰۰ انکار ناپذیر است. انواع سلاح‌ها، بمب‌ها، تجهیزات و آذوقه مورد نیاز رزمندگان مقاومت برای عملیات ضد صهیونیستی در زمان اشغال جنوب لبنان به عهده ایشان بود. پس از فرار صهیونیست‌ها از جنوب در سال ۲۰۰۰ شهید محمد وهبی سرور نیروهای خویش را برای جمع آوری سلاح‌های انباشته شده در انبارهای آنان و نیز در انبارهای ارتش مزدور انتوان لحد بسیج کرد. همه مسیرهای جنوب را از بندر الناقوره گرفته تا شهر مرجعین پیمود و سلاح‌های بر زمین مانده را جمع آوری کرد. چون پیش‌بینی کرده بود که رزمندگان مقاومت روزی از آن‌ها علیه دشمن استفاده خواهند کرد. روزی که شهید عماد مغنیه معاون جهادی دبیر کل حزب الله دستور داد همه پایگاه‌های اشغالگران پس از آزادی جنوب منفجر گردد «حاجی جهاد» اولین کسی بود که به این فراخوانی لبیک گفت و امکانات و تجهیزات

شهید خالد احمد بزی



شهید علی احمد فیاض علاء البوسنه



شهید بلال خیر الدین

شهید خالد بزی



شهید حاتم امین حمادة

شهید محمد وهبی سرور



مورد نظر گروه‌های مهندسی را فراهم کرد. این شهید خستگی ناپذیر با همکاری سایر هم‌زمان خود در مدت شش ساله قبل از آغاز جنگ ۳۳ روزه ژوئیه انواع اسلحه مورد نیاز مقاومت را تدارک دید. چون به روشنی می‌دانست که دشمن صهیونیستی هرگز از لبنان دست بردار نیست. همچنین مسئولیت پشتیبانی لجستیکی از عملیات «وعده صادق» برای به اسارت در آوردن نظامیان صهیونیست در اطراف روستای عینا الشعب و تأمین نیازهای آنان به عهده ایشان گذاشته شده بود. از روزی که جنگ ۳۳ آغاز شد به وظیفه خویش از تأمین گلوله مسلسل تا موشک دور برد برای جبهه‌های نبرد عمل کرد. سرانجام در روزهای آخر جنگ پایگاه محمد وهبی در روستای باریش هدف حمله هوایی دشمن قرار گرفت و به شهادت رسید.

شاهد یاران: این ده فرمانده شهید تنها تعدادی از ۱۱۷ شهید مقاومت هستند که در جنگ ۳۳ روزه به شهادت رسیده‌اند.

شهید حسان اللقیس

شهید ابراهیم محمود الحاج





به قلم حسن خامه‌یار

## شهید احمد قصیر از ولادت تا شهادت

درآمد

در روز ۱۱ نوامبر سال ۱۹۸۲ میلادی، مقارن با سال ۱۳۶۱ شمسی، جوان ۱۹ ساله‌ای به نام احمد قصیر از میان درد و رنج مردم محروم جنوب لبنان برانگیخته شد و با خودروی بمب‌گذاری شده به مقر فرماندار نظامی رژیم صهیونیستی در ساختمانی هشت طبقه در منطقه جل البحر در شمال شهر صور در جنوب لبنان یورش برد و بیش از ۱۵۰ ژنرال، افسر و سرباز آن رژیم را به هلاکت رساند. با وجودی که پنج ماه و یک هفته از ورود اشغالگران به لبنان نگذشته بود، این عملیات بزرگ که اولین، مهمترین و موفقترین عملیات شهادت طلبانه در تاریخ رویارویی اعراب با دشمن صهیونیستی بود، کیان غاصب قدس را تکان داد و معادلات سیاسی و نظامی منطقه را در آن روزگار تاریک دگرگون کرد. در پی این عملیات ارتش مغرور و تادندان مسلح اسرائیل که به قول خودشان تنها ارتش شکست ناپذیر خاور میانه است، ناگزیر شد در اشغال لبنان تجدید نظر کند. در حقیقت شهید احمد قصیر و سایر شهادت طلبان فداکار شیعه لبنان که پس از او به میدان جهاد رفتند و درهای این شیوه مبارزه را گشودند، دشمن را ناتوان، درمانده و سرخورده کردند و کلید پیروزی‌های پی در پی مقاومت اسلامی را در جنگ با ارتش رژیم اشغالگر در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ رقم زدند. به درستی که عملیات بی نظیر احمد قصیر این شایستگی را دارد که نامگذاری روز شهید در لبنان به میمنت روز ۱۱ نوامبر باشد.



### ❁ شهید احمد قصیر کیست؟

جوان قهرمان، احمد جعفر قصیر در سال ۱۹۶۳ در شهرک دیر قانون النهر در شهرستان صور در جنوب لبنان در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد. احمد اولین فرزند خانواده حاج جعفر قصیر از دوران کودکی بر اساس مبانی دینی و اصول اخلاقی پرورش یافت و از صفات نیک و رفتار شایسته برخوردار بود که او را از بسیاری از کودکان هم‌دوره خود متمایز می‌کرد. در دوران نوجوانی هم به خاطر تربیت خانوادگی و داشتن دوستان خوب و مؤمن در محیط اجتماعی وظایف و احکام دینی را با دقت رعایت می‌کرد. عشق به اسلام و میهن و دشمنی با اشغالگران صهیونیست در جامعه آشوب زده جنوب لبنان از دیگر ویژگی‌های شهید احمد قصیر بود. در این دوره آموخت که باید خلاقیت داشته باشد و با صهیونیست‌های اشغالگر بستیزد.

احمد در سن پنج سالگی به همراه خانواده‌اش به کشور لیبی مهاجرت کرد و پدرش با تشویق دوستان و همکاری آنان به کار تجارت و سائل بهداشتی پرداخت. چون در آن برهه اغلب سرپرستان خانواده‌های لبنانی به علت وجود بیکاری و رکود اقتصادی حاکم بر کشورشان به کشورهای گوناگون آفریقا، آمریکای جنوبی و خلیج فارس مهاجرت می‌کردند. ولی با آغاز تجاوز مجدد رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان احمد و پدرش به کشورشان بازگشتند و برای امرار معاش مغازه خواربار فروشی کوچکی را در شهرک دیر قانون النهر دایر کردند. شهید احمد قصیر در آن مرحله به گردان‌های مقاومت لبنان شاخه نظامی جنبش امل که امام موسی صدر بنیانگذار آن بود پیوست و با فراگیری آموزش‌های نظامی، با همکاری دوستانش گروه‌های مقاومت محلی را پایه‌گذاری کرد. این گروه‌ها علیه پایگاه‌های نظامیان صهیونیست شیخون می‌زدند و این بخشی از اقدامات انقلابی شبانه احمد و دوستانش بود.

حاج جعفر قصیر روایت کرده که فرزندش احمد هنگام اقامت در لیبی به تحصیل در مدارس دولتی آن کشور ادامه داد، و افزون بر آن بیشتر اوقات فراغت را در مطالعه و پیگیری فعالیت‌های فرهنگی گذراند. جوانی شجاع و جسور بود و دلی پاک و مهربان داشت. صبور و راز ننگه دار بود و گاهی به نیازمندان کمک می‌کرد. احمد بسیار دورنگر بود و فکری باز و فراتر

عشق به اسلام و میهن و دشمنی با استعمارگران و صهیونیست‌ها در جامعه آشوب زده جنوب لبنان از دیگر ویژگی‌های شهید احمد قصیر بود. در این دوره آموخت که باید خلاقیت داشته باشد و با صهیونیست‌های اشغالگر بستیزد

علی بن موسی الرضا (ع) در مشهد مقدس بسر می‌برد. گویا در آن روزها که با عملیات آزاد سازی خرمشهر در جریان عملیات بیت المقدس تقارن داشت در جبهه‌های رزم جنوب نیز حضور داشت و به محض شنیدن خبر حمله اسرائیل به لبنان از طریق سوریه به کشورش بازگشت. ایشان در مسیر زمینی دمشق به بیروت توسط عناصر حزب مسیحی افراطی فالانز (حزب کتاآب) لبنان که با رژیم صهیونیستی همکاری داشت روبرو شد ولی با دخالت‌های سیاسی برخی از دولتمردان لبنان آزاد گشت و خود را به بیروت رساند. حاج عماد بیدرنگ کار برنامه‌ریزی و سازماندهی نیروهای لبنانی را برای رویارویی با اشغالگران صهیونیست در دروازه‌های جنوبی و شرقی بیروت آغاز کرد. ایشان در جریان درگیری با نظامیان اسرائیلی در محور خلد در جبهه ساحل جنوبی بیروت از ناحیه پا مورد اصابت گلوله قرار گرفت و مدت کوتاهی را در بستر درمان بسر برد. نظر به روابط دوستانه و همکاری نزدیکی که عماد مغنیه با خلیل الوزیر معروف به ابو جهاد، معاون یاسر عرفات داشت، گویا کلید تعدادی از انبارهای اسلحه سازمان آزادی بخش فلسطین پس از خروج فدائیان فلسطینی از بیروت در اختیار شهید مغنیه قرار گرفت. شهید حاج عماد مغنیه فرمانده نظامی مقاومت اسلامی لبنان با استفاده از این سلاح‌ها و با همکاری برخی از دوستان مبارز نخستین هسته‌های مقاومت ضد صهیونیستی را در بیروت، جنوب و در منطقه بقاع پایه‌گذاری کرد. آنگاه عملیات حمله به خودروهای گشتی و پایگاه‌های دشمن، کمین‌گذاری، تیراندازی به نظامیان اشغالگر در مناطق گوناگون جنوب آغاز گردید. در حقیقت انهدام کامل مقر فرماندار نظامی ارتش اسرائیل در ساختمان هشت طبقه‌ای شهر صور در جنوب لبنان در جریان عملیات شهادت طلبانه شهید احمد قصیر در روز ۱۱ نوامبر سال ۱۹۸۲ نخستین عملیات کیفی مقاومت اسلامی لبنان بود که توسط شهید عماد مغنیه و شهید رضا حریری طراحی شد.

از سن خود داشت. شهید احمد از آغاز جوانی تحت تأثیر دیدگاه‌های امام موسی صدر قرار گرفت و همواره مردم را به رویارویی و جنگ با دشمن صهیونیست فرا می‌خواند. قبل از اجرای عملیات مشهور شهادت طلبانه در شهر صور وارد میدان جهاد شد و در چند عملیات ضد صهیونیستی شرکت کرد. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران، تعدادی از رهبران و کادرهای اصلی جنبش امل با ابراز ناراضی از عملکرد این جنبش از آن منشعب شدند و جنبش امل اسلامی را به وجود آوردند. شهید احمد قصیر هم یکی از نیروهای انشعابی جنبش امل بود که زود هنگام به هسته‌های اولیه مقاومت اسلامی، شاخه نظامی حزب الله بعد از یورش ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان پیوست. زمانی که آن رژیم به لبنان حمله و تا بیروت پیشروی کرد، ده‌ها تن از شخصیت‌های دینی و سیاسی لبنان همچون شیخ صبحی الطفیلی اولین دبیر کل حزب الله، شهید سید عباس الموسوی دومین دبیر کل حزب الله، شهید شیخ راغب حرب، سید حسن نصرالله دبیر کل کنونی حزب الله، سید حسین موسوی رئیس جنبش امل اسلامی و اعضای اتحادیه دانشجویان مسلمان لبنان، سید حسین الشامی، شیخ حسین و شیخ علی کورانی از رهبران سابق حزب الدعوه، مسئولان کمیته‌های انقلابی و دیگران برای شرکت در کنفرانس جهانی مستضعفین در تهران بسر می‌بردند. افراد یاد شده در دیدار با امام خمینی (ره) و مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی گام نخست را در مسیر پایه‌گذاری سازمان مقاومت اسلامی که بعد از گذشت مدت کوتاهی «حزب الله» نامیده شد، برداشتند. امام در دیدار با افراد یاد شده رهنمودهای لازم را برای رویارویی با اشغالگران و آزاد سازی لبنان در پرتو مبارزه همگانی صادر فرمودند.

در نخستین روزهای حمله اسرائیل به لبنان، شهید دلاور حاج عماد مغنیه برای زیارت مرقد مطهر ثامن الحجج

رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین برای این که به اسرائیل بهانه حمله مجدد به لبنان را ندهند، پایبندی خود را به این تفاهمنامه اعلام کردند.

انور السادات رئیس جمهوری پیشین مصر در رژه نظامی سالگرد جنگ اکتبر که در سال ۱۹۸۱ برگزار گردید توسط سرهنگ خالد اسلامبولی به قتل رسید. در دسامبر همان سال مجلس رژیم صهیونیستی با سوء استفاده از آشفتگی در جهان عرب، طرح قانون ضمیمه کردن بلندی‌های اشغالی جولان سوریه به خاک فلسطین اشغالی را به تصویب رساند. با آغاز سال ۱۹۸۲ اوضاع جنوب لبنان بشدت متشنج شد و اسرائیل نیروهای کمکی خود را روانه نوار امنیتی در خاک لبنان کرد. رژیم صهیونیستی در روز ۱۹۸۲/۴/۲۱ با بمباران مراکز جبهه خلق برای آزادی فلسطین در منطقه کوهستانی الدامور در جنوب بیروت، تفاهمنامه آتش بس با ساف را نقض کرد. تحولات و رویدادهایی که از نظراتان گذشت، به ارتش رژیم صهیونیستی انگیزه داد تا با استفاده از وضع موجود در جهان عرب به لبنان حمله کند و بدترین و بی سابقه‌ترین جنایت را علیه مردم لبنان و ملت فلسطین مرتکب شود.

حمله خونبار ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان تلفات جانی هولناک و خسارت‌های مالی فراوان بر جای گذاشت. دولت لبنان روز ۳۰ نوامبر سال ۱۹۸۲ با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد در نتیجه این حمله حدود ۱۹ هزار غیر نظامی کشته و ۳۲ هزار شهروند زخمی و هزاران تن دیگر زندانی و بیش از نیم میلیون تن از شهرها و روستاهای جنوب آواره شده‌اند. در آمارهایی که از سوی وزارت جنگ اسرائیل منتشر شد حاکی است که تلفات نظامیان آن رژیم در عملیات سلامت الجلیل تعداد ۳۴۹ تن کشته و دو هزار و ۱۲۷ نفر زخمی بوده است. این در حالی است که مطبوعات آن رژیم ارقام بیشتری از تعداد کشته‌ها و زخمی‌های ارتش اسرائیل در لبنان ارائه دادند. روزنامه هآرتص در شماره مؤرخ ۱۹۸۴/۵/۳ تلفات ارتش اسرائیل در لبنان در جریان عملیات سلامت الجلیل را ۶۰۰ کشته و ۳۵۰۰ زخمی، و چهار میلیارد دلار خسارت مالی اعلام کرده بود.

از سوی دیگر مقاومت شجاعانه و عملیات مسلحانه جوانان لبنانی در ماه‌های اول تهاجم اسرائیل به کشورشان به خصوص عملیات شهادت طلبانه بی نظیر احمد قصیر این رژیم را ناچار ساخت به محاصره سه ماهه شهر بیروت پایتخت لبنان پایان دهد. مقاومت‌های پراکنده که در روزهای ۲۷ و ۲۸ سپتامبر سال ۱۹۸۲ توسط رزمندگان وابسته به احزاب قومی و ملی لبنان در مرکز بیروت به مورد اجرا گذاشته شد، نظامیان اشغالگر را ناگزیر کرد از بخش غربی بیروت تا منطقه خلد در ۱۰ کیلومتری جنوب این شهر عقب نشینی کنند. اسرائیل که از عملیات گسترده سلامت الجلیل انتظار پیروزی سریع و تحقق اهدافش را در لبنان داشت، دیری نپایید که با بن بست جدی مواجه شد، و فرماندهان بلند پایه نظامی آن رژیم نخستین قربانیان این جنگ شدند. مناخیم بگین نخست وزیر پس از چند ماه گوشه نشینی،

سنگین و سه ماهه شهر بیروت و انهدام شبکه‌های آب و برق و اشغال بخش غربی بیروت و کشتار مردم غیر نظامی، سرانجام در روز ۱۵ سپتامبر سال ۱۹۸۲ با کمک فیلیپ حبیب فرستاده آمریکا توانست به حضور مسلحانه جناح‌های سازمان آزادی بخش فلسطین در لبنان پایان دهد، و بشیر جمیل فرمانده نیروهای شبه نظامی فالانژ را به کرسی ریاست جمهوری این کشور بنشانند، و با برادر او امین جمیل قرار داد صلح موسوم به «موافقتنامه ۱۷ ماه مه» سال ۱۹۸۳ را امضاء کند. ناگفته نماند که بشیر قبل از تصدی رسمی ریاست جمهوری در حادثه بمب گذاری مرکز حزب فالانژ در شرق بیروت به قتل رسید و برادرش امین جمیل به ریاست جمهوری لبنان توسط مجلس نمایندگان مردم انتخاب شد. عامل این بمب‌گذاری حبیب الشرتونی از اعضای حزب سوری قومی اجتماعی لبنان نام دارد که هنوز زنده است و در سوریه زندگی می‌کند.

جهان عرب و فلسطین اشغالی در پنج ساله (۱۹۷۷-۱۹۸۲) و قبل از تهاجم ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان بسیار دشوار و آشفته شده بود. ائتلاف حزب افراطی لیکود به رهبری مناخیم بگین در سال ۱۹۷۷ قدرت را در اسرائیل به دست گرفت. معاهده صلح کمب دیوید که میان قاهره و تل آویو به امضاء رسیده بود و در جهان عرب شکاف شکننده‌ای به وجود آورده بود. در سال



### عملیات سلامت جلیل و اشغال لبنان

همانگونه که از نام عملیات «سلامت جلیل» پیداست، ارتش رژیم صهیونیستی به بهانه انهدام ساختار نظامی سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) و دور کردن فدائیان فلسطینی تا شعاع ۴۰ کیلومتری مرز فلسطین با لبنان در روز ششم ژوئن سال ۱۹۸۲ عملیات نظامی گسترده‌ای را در لبنان آغاز کرد. در حقیقت شمال فلسطین اشغالی، منطقه الجلیل نامیده می‌شود و سازمان آزادی بخش فلسطین در واکنش به جنگ افروزی‌های اسرائیل هر چند مدت یکبار شهرک‌های صهیونیست نشین الجلیل را آماج حملات موشک‌های کاتیوشا و توپخانه قرار می‌داد. این هدف اساسی حمله نظامی گسترده اسرائیل بود که از چند ماه قبل برای اجرای آن برنامه‌ریزی کرده بود. اما چون این حمله در سال هفتم جنگ‌های داخلی لبنان به وقوع پیوست، اسرائیلی‌ها اهداف پنهان دیگری را هم تدارک دیده بودند که عبارتند از جایگزینی نظام سیاسی مزدور در بیروت به منظور فراهم کردن مقدمات برقراری صلح با آن رژیم و نیز کنترل مناطق استراتژیک لبنان مانند ارتفاعات الباروک بود که از آن‌جا می‌توانست بر سرتاسر سرزمین سوریه و سایر مناطق لبنان اشراف نظامی و الکترونیکی داشته باشد. شکی نیست که احزاب مسیحی افراطی در حاکمیت سیاسی آن روزگار لبنان با صهیونیست‌ها برای حمله نظامی به لبنان و اخراج جنبش مقاومت فلسطین از این کشور اهداف مشترک داشتند.

ارتش اسرائیل پس از ارتکاب جنایات شدید و بمباران

**در حقیقت انهدام کامل مقر فرماندار نظامی ارتش اسرائیل در ساختمان هشت طبقه‌ای شهر صور در جنوب لبنان در جریان عملیات شهادت طلبانه شهید احمد قصیر در روز ۱۱ نوامبر سال ۱۹۸۲ نخستین عملیات کیفی مقاومت اسلامی لبنان بود که توسط شهید عماد مغنیه طراحی شد**

۱۹۷۸ امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان هنگام سفر به لیبی به دعوت معمر قذافی توسط او روبرو شد. در سال ۱۹۷۹ انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید. در سال ۱۹۸۱ میان سوریه و اسرائیل بحران موشکی بروز کرد، که با بمباران سکوها موشکی ضد هوایی سوریه مستقر در منطقه بقاع لبنان در روزهای نهم ژوئن و هشتم سپتامبر سال ۱۹۸۲ توسط جنگنده‌های اسرائیل پایان یافت. در تابستان سال ۱۹۸۱ جنگ میان جنبش مقاومت فلسطین و اشغالگران صهیونیست که در جنوب لبنان کمر بند امنیتی ایجاد کرده بودند، شدت گرفت و در پی میانجیگری آمریکا میان طرفین در روز ۱۹۸۱/۷/۲۴ آتش بس برقرار شد.



حمله ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان تلفات جانی هولناک و خسارت‌های مالی فراوان بر جای گذاشت. دولت لبنان روز ۳۰ نوامبر سال ۱۹۸۲ با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد در نتیجه این حمله حدود ۱۹ هزار غیر نظامی کشته و ۳۲ هزار شهروند زخمی و هزاران تن دیگر زندانی و بیش از نیم میلیون تن از شهرها و روستاهای جنوب آواره شده‌اند

یک شهروند کاسب و آرام برای مزدوران ارتش سعد حداد شناخته شده بود. کار بمبگذاری خودور پژو به وسیله چهار شهید به نام‌های احمد قصیر، عماد مغنیه و برادران رضا و یوسف حریری سه روز قبل از اجرای عملیات خیبر تکمیل شد.

به لحظه موعود در هوای بارانی بامداد روز پنجشنبه ۱۱ نوامبر سال ۱۹۸۲ نزدیک می‌شویم. تعداد زیادی از سربازان دشمن به خاطر این فضای بارانی به ساختمان هشت طبقه پناه برده بودند. احمد قصیر با نام جهادی «حیدر» موتور خودروی خود را روشن کرد و به همراه شهید عماد مغنیه به سوی شهر صور سپس به سوی هدف مورد نظر به حرکت درآمد. مغنیه در نزدیکی ساختمان هدف با احمد خدا حافظی کرد و از خودرو پیاده شد و از فاصله چند صد متری منتظر لحظه موعود ماند. احمد بدون این‌که شک و توجه نظامیان اشغالگر را برانگیزد خود را به ساختمان عزمی رساند. وقتی به فاصله ۲۰ متری هدف رسید به سرعت خود افزود. در آن لحظه کاری از دست نگهبانان مستقر در کنار درب اصلی ساختمان ساخته نبود. احمد فرمان خودروی پژوی سفید را که حدود ۲۰۰ کیلوگرم مواد منفجره جاسازی کرده بود به سرعت به سمت راست چرخاند و با فریاد الله اکبر وارد ساختمان شد و فرصت عکس العمل نگهبانان اسرائیلی را از آنان سلب کرد. آنگاه با فریاد الله اکبر احمد انفجاری عظیم رخ داد و زلزله‌ای شگفت انگیز به وقوع پیوست و ساختمان هشت طبقه و مستحکم عزمی ناگهان به تلی از خاک تبدیل شد. صدای مهیب انفجار خواب را از چشمان مردم شهر ربود و تا شعاع چند کیلومتری شنیده شد. سایه دود سیاه و غلیظ از ویرانه‌های مقرر فرماندار نظامی ارتش رژیم صهیونیستی به آسمان بلند شد. نظامیانی که در بیرون ساختمان زنده مانده بودند با هراس و دلهره دیوار امنیتی محکمی برای جلوگیری از هجوم شهروندان و خبرنگاران ایجاد کردند.

صدها تن از مردمی که سراسیمه در اطراف ساختمان ویران شده تجمع کرده بودند و از ماجرا اطلاع نداشتند

به آقای عزمی در منطقه جل البحر واقع در ورودی شمالی شهر صور را به مقرر فرماندهی و عملیات لجستیکی خود تبدیل کرده بودند. افزون بر دفاتر فرماندهان ارتش اسرائیل از جمله دفتر ژنرال فیلگ فرماندار نظامی در لبنان و معاونانش، دفاتر واحدهای پشتیبانی نظامی، اطلاعات نظامی، فرمانده یگان پلیس نظامی، یگان نگهبانان مرزی، فرماندهی یگان مهندسی رزمی، فرماندهی نیروهای ویژه هوایرد و فرماندهی نیروهای ویژه کماندویی تیپ گولانی به همراه ستاد فرماندهی کل عملیات نیروهای سرگرد سعد حداد مزدور لبنانی اسرائیل نیز در این ساختمان مستقر بودند. یک دفتر برای مأموران موساد هم در یکی از طبقات ساختمان در نظر گرفته شده بود. طبقه چهارم خوابگاه ژنرال‌ها و افسران ارشد ارتش شده بود که مأموریت‌های ویژه در لبنان انجام می‌دادند.

گروهی از هسته‌های پیشگام مقاومت به فرماندهی شهید عماد مغنیه و در حضور شهید احمد قصیر از چند روز قبل مقرر فرماندهی ارتش رژیم صهیونیستی را زیر نظر گرفته بودند، و رفت و آمدهای آن را رصد می‌کردند. طرح عملیات خیبر احمد از چند شب پیش تکمیل شده بود. مراحل مقدماتی و آماده سازی عملیات چند روز طول کشید و احمد شخصا نظارت بر اوضاع و شناسایی تحرکات دشمن را برای تعیین روز مناسب برای اجرای عملیات برعهده گرفت. مجهز نمودن خودروی حاوی مواد منفجره برای انهدام یک ساختمان هشت طبقه در آن شرایط که منطقه جنوب یکپارچه به منطقه نظامی تبدیل شده بود کار بسیار دشوار به نظر می‌رسید. به همین دلیل بمب و ترکیبات متنوع مواد منفجره خودروی پژو مورد نظر در زادگاه احمد در شهرک دیر قانون النهر در بخش نوار امنیتی که در کنترل شبه نظامیان سعد حداد قرار داشت، جاسازی شد. چون احمد به عنوان

و احساس سرافکنندگی، از سمت خود کناره گیری کرد. آرپل شارون، وزیر جنگ وقت نیز پس از این‌که هیئت حقیقت یاب مأمور رسیدگی به جنایت کشتار اردوگاه‌های صبرا و شاتیلا و اهداف ناکارآمد حمله به لبنان مقرر دانست، ناگزیر از سمت خود استعفا کرد، و رافیل ایتان، رئیس ستاد مشترک ارتش نیز به دنبال او از مقام خود کناره گیری کرد.

#### ❁ چگونگی اجرای عملیات خیبر توسط شهید احمد قصیر

ساعت هفت بامداد روز پنجشنبه ۱۱ نوامبر سال ۱۹۸۲، هنوز مردم شهر صور به خاطر وجود بارندگی شدید در خانه‌های خود بسر می‌بردند. ولی سربازان و مأموران امنیتی ارتش اسرائیل در جستجوی انقلابیون و جوانان مقاوم، شهر را زیر و رو می‌کردند و هر جوانی را که مشکوک به نظرشان می‌رسید دستگیر و به زندان‌های صحرایی در شهرهای الخیام و الانصار می‌بردند. شهر صور در آن روزگار غمگین و افسرده و صدای اذان مساجد و ناقوس کلیساها بکلی خاموش بود. امواج دریا هم آرام و انگار دریا به مردار تبدیل شده بود. در آن برهه این جملات زبانزد مردم صور شده بود که «دریای صور از خروش بازمانده و گل‌های شهر پژمرده شده و پرتقال شیرین صور خشک شده است. انگار زندگی در این شهر بکلی تعطیل شده و تاب سر و صدای چکمه‌های اشغالگران را ندارد». ولی فرزندان رشید صور که چهار قرن قبل از میلاد مسیح (ع) بر سربازان اسکندر کبیر چیره شدند، این بار هم تصمیم گرفتند در برابر اشغالگران صهیونیست بایستند و آن‌ها را به زانو در بیاورند، و به شهرشان، درختان مرکبات‌شان، به ساحل مدیریتانه‌شان زندگی، رونق دوباره و پویایی ببخشند. اشغالگران صهیونیست ساختمان هشت طبقه‌ای متعلق

### بیانیه مقاومت اسلامی لبنان

تا زمان عقب نشینی ذلت بار و تدریجی ارتش رژیم صهیونیستی از لبنان در چند مرحله تا استقرار در مناطق کمربند امنیتی، نام و هویت شهید قهرمان و مجری عملیات شهادت طلبانه خیر احمد قصیر پنهان ماند. اهالی صور و سایر روستاهای جنوب لبنان در آن مدت از آن جوان شجاع و گمنام که مقرر فرماندار نظامی صهیونیست‌ها را با خاک یکسان کرد داستان سربازی‌های افتخار آفرین خیابانی می‌کردند. تا این که مقاومت اسلامی با برگزاری مراسم یادبودی برای تجلیل از شهدای شهرک دیر قانون النهر در روز ۱۹ مه سال ۱۹۸۵ مسئولیت رسمی خود را نسبت به انجام عملیات

**افراد یکی از هسته‌های پیشگام مقاومت به فرماندهی شهید عماد مغنیه و در حضور شهید احمد قصیر از چند روز قبل مقرر فرماندهی ارتش رژیم صهیونیستی را زیر نظر گرفته بود و رفت و آمدهای آن را رصد می‌کرد. طرح عملیات خیبر احمد از چند شب پیش تکمیل شده بود**

مزبور اعلام و شهید احمد جعفر قصیر را مجری این عملیات معرفی کرد. بیانیه رسمی حزب الله درباره عملیات شهید احمد قصیر به این شرح است:

#### بیانیه مقاومت اسلامی

بسم الله قاصم الجبارین  
به مناسبت بزرگداشت شهدای شهر مقاوم دیر قانون النهر، مقاومت اسلامی لبنان اعلام می‌دارد که شهید بزرگ عملیات شکوهمند و شهادت طلبانه و پیروزمندانه علیه مقرر فرماندار نظامی اسرائیل در جبل البیحر که عملیات خیبر نام داشت و دشمن را دچار رعب و وحشت کرد و اختلال و شکستی ذلت بار در ارکان نظامی اش وارد آورد و فتحی بزرگ در نبرد با صهیونیسم برای مسلمین به ارمغان داشت، شهید احمد قصیر بود. ما با افتخار تمام و با احترام خاص برای امام امت خمینی کبیر، شهید این عملیات را معرفی می‌کنیم. با خون شهدای جبل عامل پیمان می‌بندیم که راه آنان را تا پیروزی نهایی ادامه دهیم.

حزب الله در همان مراسم روز ۱۱ نوامبر را مناسبت «روز شهید» اختصاص داد که این مناسبت همه ساله با شکوه خاصی در سرتاسر لبنان برگزار می‌گردد. در حقیقت زمان، مکان و نتایج نظامی ارزشمند این

سربازان ارتش رژیم صهیونیستی با صلابت و خشونت برخورد می‌کرد. یکبار که برای خرید آب معدنی به مغازه او آمده بودند، در چهره آن‌ها خشمگینانه فریاد بر آورد: «شما دشمن هستید و به شما جنس نمی‌فروشیم». چون سربازان دشمن را خوب شناخته بود که برای کشتار و به ذلت کشاندن مردم مسلمان خاورمیانه، سرزمین فلسطین را اشغال کرده‌اند. رفتار این جوان با دشمن نشان می‌داد که به آگاهی و خودباوری کامل رسیده است. به همین دلیل زود هنگام به تشکیلات مقاومت پیوست تا خدمتی به دین و سرزمین خود کرده باشد. به روشنی می‌دانست که تحقق عزت، کرامت، سربلندی، آزادی و استقلال میهن به فداکاری و جانبازی احتیاج دارد.

شهر صور و روستاهای اطراف در دو مرحله مورد یورش اشغالگران قرار گرفته بود. بار اول در سال ۱۹۷۸ که اسرائیل در آن منطقه کمربند امنیتی در جنوب لبنان به وجود آورد، روزی که شیعیان منطقه در اعتراض به ربوده شدن امام موسی صدر توسط معمر قذافی تظاهرات کرده بودند، مورد حمله سربازان دشمن قرار گرفتند. شیعیان معترض جنوب لبنان یکبار هم در روز ۳۱ اوت سال ۱۹۸۲ سالگرد ربوده شدن امام صدر مورد تهاجم اشغالگران قرار گرفتند. احمد قصیر صحنه‌های جنایتکارانه سربازان رژیم صهیونیستی را در جنوب لبنان با چشم دیده بود. به همین دلیل از حجت الاسلام و المسلمین شیخ ابراهیم قصیر امام جماعت شهرک دیر قانون النهر که همیشه در مجالس او حضور داشت و نیز از دو تن از همزمان خود، شهیدان حسن قصیر و رضا حریری هنگام خدا حافظی خواست تا زمانی که جنوب لبنان در اشغال دشمن قرار دارد، راز شهادت او را آشکار نکنند، تا دشمن آسیبی به خانواده‌اش نرساند. با این وصف خانواده شهید احمد قصیر پس از گذشت دو سال و شش ماه و پس از عقب نشینی ذلت بار ارتش رژیم صهیونیستی از صور از شهادت او اطلاع یافتند، و از بازگشت او به میان خانواده قطع امید کردند.

از یکدیگر می‌پرسیدند چه شده است؟ ناگهان دو تن از همزمان احمد که از فاصله نسبتاً نزدیک در خودروی دیگری نشسته بودند و شاهد صحنه انهدام مهم‌ترین مرکز فرماندهی نظامی ارتش اشغالگر در لبنان بودند، به میان مردم آمده و به آنان اطلاع دادند که یکی از فرزندان ناشناس، غیور و شریف جبل عامل در جریان عملیاتی شهادت طلبانه این ساختمان را منفجر کرده است. یکی از فرماندهان مقاومت چند سال بعد اعلام کرد که بر اساس این طرح قرار بود مرکز فرماندهی ارتش رژیم صهیونیستی در شهر صیدا نیز همزمان منفجر گردد، تا این دو عملیات مشابه تأثیر و بازتاب بزرگتری بر روحیه اشغالگران و سرنوشت شوم اهدافشان از تجاوز به لبنان داشته باشد. ولی در آخرین لحظه شرایط میدانی غیر قابل پیش‌بینی بروز کرد که از طرح عملیات شهادت طلبانه صیدا صرف‌نظر شد.

در پی این عملیات بی‌نظیر و حماسی، ساختمان آقای عزمی به تلی از آوار تبدیل شد که اجساد کشته‌های متجاوزان در گوشه‌های آن پراکنده شده بود. خودروها و بالگردهای امداد و نجات بیدرنگ سرگرم جمع آوری و انتقال آن‌ها به فلسطین اشغالی شدند. ژنرال‌های ارشد ارتش شکست‌پذیر و در رأس آنان ژنرال عمیر دروری فرمانده وقت منطقه شمالی ارتش به تدریج با بالگرد و خودروهای زرهی در مکان حادثه حاضر می‌شدند. سخنگوی نظامی اسرائیل در ابتدای امر تعداد کشته‌ها را ۷۴ افسر و سرباز از جمله فرماندار نظامی در لبنان و تعداد مفقودان را ۲۷ تن اعلام کرد. ولی به مرور زمان این رقم به ۱۴۱ کشته و ۱۰ مفقود افزایش یافت. دولتمردان کیان غاصب در پی این عملیات قهرمانانه جلسه اضطراری تشکیل داده و سه روز عزای عمومی اعلام کردند. رسانه‌های دیداری و شنیداری رژیم برنامه‌های عادی خود را قطع کرده و آهنگ‌های حزن انگیز پخش کردند.

زمانی که شهید احمد قصیر در مغازه خواربار فروشی پدرش در دیر قانون النهر حضور می‌یافت، همیشه با



پنادر طرابلس در شمال لبنان: نیروهای عرفات بر عرشه کشتی در حال کوچ اجباری به تونس

**تازمان عقب نشینی ارتش رژیم صهیونیستی از لبنان در چند مرحله تا استقرار در مناطق کمربند امنیتی نام و هویت احمد قصاب مجری عملیات شهادت طلبانه خیبر پنهان مانده بود. اهالی صور در آن مدت دو سال و نیم از آن جوان شجاع و گمنام که مقرر فرماندار نظامی صهیونیست‌ها را با خاک یکسان کرد داستان سرایی‌های افتخار آفرین خیالبافی می‌کردند**

صهیونیستی در لبنان استقرار یافته بودند که پس از این عملیات از لبنان فرار کردند.

در ادامه این عملیات‌ها، نزیه قبرصی نوجوان ۱۷ ساله در روز ۱۸ ژانویه سال ۱۹۸۴ به سوی خودروی جیب گشتی اسرائیلی‌ها در شهر صیدا آتش گشود و یک تن از سربازان را کشت و سه تن را زخمی کرد و سپس با آتش آنان به شهادت رسید. شهید بلال فحوص از جنبش امل نیز در اجرای عملیات شهادت طلبانه در منطقه الزهرانی شمال شهر صور در تاریخ ۱۹۸۴/۶/۱۶ در مسیر کاروان نظامیان صهیونیست کین کرد. در این عملیات ۱۱ نظامی متجاوز کشته و زخمی شدند. شهید حسن قصاب پسر خاله شهید احمد قصاب با اجرای عملیات شهادت طلبانه در منطقه البرج الشمالي در شمال شهر صور در روز پنجم فبریه ۱۹۸۵ تعداد ۱۵ نظامی متجاوز را اکشت و ۵۰ تن دیگر را زخمی کرد. عملیات هبم دبوک از حزب الله در تاریخ ۱۹۸۸/۸/۱۹ در جاده مرجعیون ۳۰ کشته و زخمی داشت. عملیات عبد الله عطوی از حزب الله در روز ۱۹۸۸/۱۰/۱۹ در گذرگاه مرزی بوابه فاطمه ۴۳ کشته و زخمی داشت. مقاومت اسلامی در تاریخ ۱۹۸۹/۹/۹ به وسیله اسعد برو در جاده القلیعه - مرجعیون در عمق نوار اشغالی جنوب ۲۰ تن از اشغالگران را کشته و زخمی کرد. شهادت طلب ابراهیم ضاهر در تاریخ ۱۹۹۲/۹/۲۱ با اجرای عملیاتی در منطقه نبطیه ۲۵ تن از اشغالگران را به هلاکت رساند یا زخمی کرد. علی صفی الدین با اجرای عملیات شهادت طلبانه در تاریخ ۱۹۹۴/۴/۱۳ در روستای دیر قانون النهر، زادگاه شهیدان احمد و حسن قصاب دو نفر بر زرهی اشغالگران را با سرنشینان آن‌ها منهدم کرد. صلاح غندور در تاریخ ۱۹۹۵/۴/۲۵ در عملیاتی در شهر مرزی بنت جبیل ۲۰ تن از صهیونیست‌ها را به هلاکت رساند، یا زخمی کرد. به هر حال در عملیات علی اشمر در تاریخ ۱۹۹۶/۳/۲۰ در منطقه اشغالی العدیسه و عملیات عمار حمود در تاریخ ۱۹۹۹/۱۲/۳۰ در منطقه اشغالی القلیعه ده‌ها صهیونیست کشته و زخمی شدند. با این وصف عملیات ضد صهیونیستی تا اخراج کامل اشغالگران از جنوب در سال ۲۰۰۰ به شیوه‌های دیگری تداوم یافت. ■

این کشور تسلیم او خواهد شد. ولی صهیونیست‌ها چند ماه بعد، از این‌گونه عملیات که نمی‌توان الگوی آن را از آمریکا و شوروی وارد کرد، غافلگیر شدند. چرا که این‌گونه عملیات از شرافت، ارزش‌های انسانی و شور و شوق جوانان برای لقای پروردگار و مخالفت با ظلم و اشغالگری برخوردار است. به درستی که احمد با روح عطر آگین خود پیام رسان این ارزش‌ها بود که سرانجام به شکست دشمن و پیروزی لبنان کمک کرد».

به دنبال شهید احمد قصاب روند عملیات شهادت طلبانه و مسلحانه جوانان سلحشور لبنانی به صورت روزانه شتاب گرفت. هرگاه چنین عملیاتی به اجرا گذاشته می‌شد بر اندام صهیونیست‌های متجاوز لرزه می‌افتاد. بدین ترتیب از ماه ژانویه تا ماه ژوئن سال ۱۹۸۳ تعداد ۵۳ عملیات گوناگون بر ضد اشغالگران صهیونیست به مورد اجرا گذاشته شد که مهمترین آن‌ها حمله به اتوبوس حامل نظامیان اسرائیلی در جاده ساحلی عرمون در جنوب لبنان بود. در این حمله ۱۸ نظامی کشته و زخمی شدند. عامر کلاکش رزمنده حزب الله در ۱۱ مارس ۱۹۸۳ بانفوذ به شهرک صهیونیست نشین المظله در شمال فلسطین اشغالی ۱۲ تن از آنان را به هلاکت و ۱۴ تن را زخمی کرد. در همان مدت عملیات مشابهی علیه خودروی زرهی اشغالگران در تقاطع گالری سمعان در شرق بیروت به اجرا گذاشته شد که سه تن کشته و دوزخمی بر جای گذاشت. در روز چهارم نوامبر سال ۱۹۸۳ شهادت طلب دیگری با وانت حاوی موار منفجره ساختمان جدید فرماندار نظامی اسرائیل در شهر صور را منهدم کرد و تعداد ۲۹ تن از صهیونیست‌ها را به هلاکت رساند. گروه ناشناس سازمان جهاد اسلامی مسئولیت این عملیات را به عهده گرفت. این سازمان پیش از آن در آوریل سال ۱۹۸۳ نیز ساختمان هشت طبقه‌ای سفارت آمریکا را در ساحل غربی بیروت با عملیات شهادت طلبانه منهدم کرده بود. مقرر فرماندهی تفنگداران آمریکایی و تیپ چتربازان فرانسوی در بیروت هم در اکتبر سال ۱۹۸۳ توسط سازمان جهاد اسلامی منفجر شدند. این نیروها در قالب نیروهای چند ملیتی مدافع اهداف رژیم



■ خروج نهایی نیروهای سازمان آزادی بخش از بیروت به سوی کشورهای مهاجرت اجباری

عملیات نقطه عطفی بنیادین در روند رویارویی مقاومت نوپای اسلامی لبنان با رژیم صهیونیستی رقم خورد که آثار مثبت آن را در روند تحولات و مراحل گوناگون اوضاع خاورمیانه شاهد هستیم. چرا که با روح و اهداف مقدس این عملیات جسورانه، کاروان بزرگی از مجاهدان شهادت طلب و جان برکف بیدرنگ در جنوب لبنان به راه افتاد و متجاوزان ارتش شکست ناپذیر را به خاک ذلت نشانند و در کام مرگ فرو برد و دستاوردهای عظیمی به ارمغان داشت.

سید حسن نصر الله دو دهه بعد طی سخنانی در بیروت در توصیف عملیات زنده یاد احمد قصاب اظهار داشت: «این پیروزی و پیروزی‌هایی که در مراحل بعد از عملیات احمد قصاب تحقق یافت، امانتی است بر دوش دولت، احزاب، جامعه مدنی، علمای دین و خانواده‌های معزز شهدا. لذا حزب الله روز ۱۱ نوامبر را که آن جوان سلحشور باخودروی مملو از مواد منفجره مقرر فرماندار نظامی اسرائیل را ویران کرد و ده‌ها تن از متجاوزان را به هلاکت رساند، روز همه شهادهای خود اختصاص داده است. بر این اساس هویت احمد، امیر شهادت طلبان به منظور حفظ جان خانواده‌اش تا عقب نشینی اسرائیل پنهان ماند. انتخاب روز شهید و آن چه در آن روز اتفاق افتاد دلایل خاص و مهم خود را دارد. چرا که احمد قصاب یکی از دژهای مستحکم دشمن را منهدم کرد و سنت نیکی را در روند کاربرد عملیات جهادی که پاداش الهی دارد، پایه گذاری کرد. از آن پس در هر یک از عملیات شهادت طلبانه که در پایگاه‌های دشمن در سرزمین فلسطین به مورد اجرا گذاشته می‌شد، چهره احمد قصاب نمایان بود».

دبیر کل حزب الله افزود: «مطمئن باشید که عملیات شهادت طلبانه احمد قصاب بر مبنای دیدگاه فقهی قطعی و متین به مورد اجرا گذاشته شد و به دلیل این‌که به برتری و تکبر صهیونیست‌ها در آن شرایط خاورمیانه پایان داد، از ویژگی معنوی خاصی برخوردار است. در آن روزگار که فشار و سرافکندگی منطقه را فرا گرفته بود، چه کسی جرأت و رؤیای رویارویی با دشمن را داشت. دشمن گمان کرده بود که در لبنان ماندگار خواهد بود و جامعه



aparar.com/iranpl.ir



p.r.@iranpl.ir



instagram.com/iranpl.ir



www.iranpl.ir

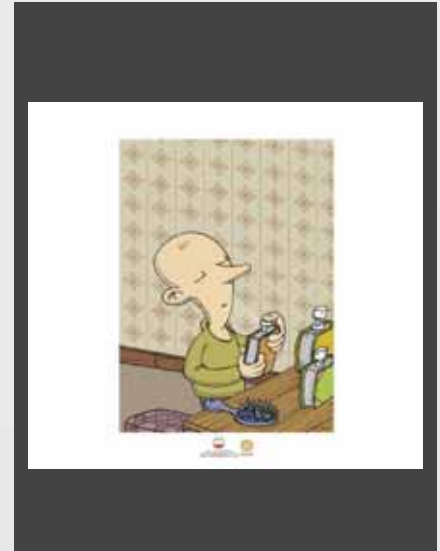


سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

## البرز - کتابخانه عمومی امیر کبیر کرج

کتابخانه عمومی امیر کبیر کرج در سال ۱۳۵۲ در زمینی به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع و زیربنای ۱۴۷۲ متر مربع به بهره‌برداری رسیده است. این کتابخانه با بیش از ۲۱ هزار جلد کتاب و بخش‌های ویژه کودک و نوجوان، بخش نابینایان و کم‌بینایان، بخش نوسوادان، بخش استان‌شناسی، سالن‌های مجزای مطالعه ویژه آقایان و خانم‌ها و برگزاری برنامه‌های متنوع فرهنگی، همه‌روزه پذیرای علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی در تمامی گروه‌های سنی است.

کتابخانه‌شناسی



کارتون کتاب

امین فامیل باغستانی، ایران  
دومین دو سالانه بین‌المللی کارتون کتاب

## پیشنهاد کتاب



مصطفی رحماندوست، از شاعران مجموعه در مقدمه کتاب گفته است: برای سرودن شعرهای این مجموعه ده‌ها جلسه چندساعته وقت گذاشته‌ایم؛ سروده‌های خویش را به داوری و نقد بی‌تعارف یکدیگر سپرده و سروده‌های بسیاری را کنار گذاشته‌ایم و سرانجام به این ۲۵ قطعه شعر در این کتاب رسیده‌ایم.

این کتاب علاوه بر معرفی شخصیت‌ها، اشیا و جانداران مختلف به کودکان، با لحن موزون و جذاب خود، نشاط آور است و با نگاهی منحصر به فرد دنیای اطراف بچه‌ها را در قالب شعر برایشان ترسیم می‌کند.

هیچانه نوعی از شعر است که در آن، معنا و مفهوم مدنظر شاعر نیست و تنها خوش‌آوایی و دل‌نشینی کلام، هدف شاعر از سرایش آن است، برخی معتقدند که برای کودکان خردسال هیچانه‌ها مفیدترین قالب شعری هستند و در پرورش تخیل ایشان بسیار مؤثر خواهند بود.

اشعار کتاب «اسمش چیه؟» از میان اشعار ۶ شاعر بنام و توانای معاصر انتخاب شده است؛ هیچانه‌هایی هستند که در آن شاعر به انتقال محتوا و پیام نیز توجه داشته است و همان لطیفی و خیال‌انگیزی هیچانه را برای کودکان به ارمان می‌آورند.



نام کتاب ..... اسمش چیه؟  
سروده ..... جعفر ابراهیمی و جمعی از شاعران  
انتشارات ..... افق  
تعداد صفحات ..... ۱۱۲ صفحه

## خبر ویژه

افتتاح ۱۷ کتابخانه عمومی در نقاط مختلف کشور

شهرستان بردسکن، کتابخانه عمومی فرهنگ جوبن، کتابخانه عمومی آیت‌الله عطار دی قوچان، کتابخانه عمومی هشت‌بهشت شهر جدید گلپه‌ار در استان خراسان رضوی؛ کتابخانه‌های عمومی روستای خنجشت شهرستان اقلید و ساختمان جدید کتابخانه عمومی امام جعفر صادق (ع) لامرد در استان فارس و کتابخانه عمومی خیام در روستای حاضر میل شهرستان دهلران در استان ایلام توسط نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور افتتاح می‌شوند.

همزمان با هفته دولت کتابخانه‌های عمومی روستاهای بیدک، چناران شهر، قلعه جق، خرق، غلامان و کتابخانه مشارکتی روستایی کلاته ابریشم در بخش جرگلان و کتابخانه مرکزی مرکزی آیت‌الله مه‌مان نواز بجنورد در استان خراسان شمالی؛ کتابخانه‌های عمومی فرهنگ روستای بیدگنه بخش مرکزی ملارد و شهید آوینی صفادشت در استان تهران؛ دومین کتابخانه عمومی سیار مشهد، کتابخانه عمومی ابن‌سینا در شهر انابد



برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از رمزبینه‌های روبه‌رو عکس بگیرید

